



فقرزدایی روستایی در کشور کره

روشی برای کاهش فشار فقر با استفاده از توسعه اقتصادی و مدرنیزاسیون

کشاورزی

ارائه شده در سمینار کاهش فقر روستایی

- دکتر کی وان چونگ
- عضو انستیتو اقتصاد روستایی کره
- مترجم احمد یوسفی

■ فقرزدایی با استعانت از فرآیند مدرنیزه نمودن کشاورزی

توسعه اقتصادی کره قویاً با طرح مدرنیزه نمودن کشاورزی این کشور آمیخته شده و هم‌اینک نیز، با اهنگ تندتری به سوی جانشین نمودن شیوه‌های جدید کشاورزی به جای روشهای سنتی قدیم به پیش می‌رود. تغییر ماهیت کشاورزی سنتی از دو جنبه حائز اهمیت بود. اولاً، انتقال و هدایت نیروی کار مزرعه‌ای به سمت بخشهای غیر زراعی و ثانیاً، معرفی و جایگزین نمودن نهاده‌های مدرن و جدید در فعالیتهای زراعی که عاقبت، این کار، به افزایش کیفی و کمی بهره‌وری در نیروی کار و زمین انجامید.

چهارچوب این سیاست، معتقد بود که: کشاورزی سنتی را می‌توان با اعمال تغییراتی در ساختار داخلی مزرعه به سمت یک اشتغال زراعی مدرن و امروزی سوق داد. متناسب با مهاجرت روستائینان به سمت حرفه‌های غیر کشاورزی، جمعیت باقیمانده، این فرصت را خواهند داشت تا

چهارچوب فرضی این سیاست، مبتنی بر لزوم توسعه اقتصادی و مشروط به حذف فقر در بخشهای شهری و روستایی استقرار بوده و این مهم میسر نگردید، مگر با توسعه فرصتهای شغلی و افزایش بهره‌وری در سطح کشور. در ضمن این چهارچوب، خواهان آن است تا اثرات مثبت توسعه در بخشهای شهری - صنعتی را به بخشهای کشاورزی روستایی تسری بخشد. لذا، بخشهای کشاورزی و روستایی نیز، باید پا به پای اقتصاد ملی، پله‌های ترقی را طی نماید.

این مقاله با هدف فقرزدایی از چهره روستاییان، البته به کمک فرآیند توسعه اقتصادی و مدرنیزه نمودن کشاورزی، تدوین شده و نمونه‌های بارزی از این مصداق را که در زیر چتر اقتصادی آزاد جمهوری کره محقق گردیده است، ارائه می‌نماید.

برخی از سیاستهای کشاورزی و پاره‌ای از موضوعات مرتبط با فقر روستایی که به نحوی با تغییر ساختار اقتصادی کره متداخل بوده‌اند، در این گزارش تشریح شده‌اند.

● مقدمه

کشور کره، تا قبل از سال ۱۹۶۰ میلادی، یکی از کشورهای عقب افتاده جهان به شمار می‌رفت. اقتصاد ملی در دهه ۱۹۵۰، متأثر از یک رشد جمعیتی قابل ملاحظه‌ای بود که تورم فزاینده و بی‌کاری بی‌شمار جامعه را به دنبال داشت. میزان تورم سالانه به ۲۲ درصد بالغ شده و مقدار اندوخته داخلی^(۱) نیز، به حدود ۴ درصد رسیده بود. در حالیکه میزان سرمایه‌گذاری در خلال سالهای ۱۹۶۱ - ۱۹۵۴ فقط شامل ده درصد می‌شد. رشد تولید ناخالص ملی "GNP"، در همان دوره، در حدود ۴/۴ درصد در سال ثبت شده در حالیکه میزان رشد جمعیت تقریباً به ۳ درصد رسیده بود.

اقتصاد کره، به نحو چشمگیری از سال ۱۹۶۲ به بعد، دگرگون شد و در خلال ۱۹۹۰ - ۱۹۶۰ به ۸ درصد در سال ارتقا یافت. این دستاورد، مشخصاً به راهبرد صنعتی و جهت‌یافتگی نظام اقتصاد کشور به سمت صادرات مرتبط می‌شد، که توسط دولت کره، در خلال یک برنامه مستمر پنجساله توسعه اقتصادی، تأکید و دنبال شده است.

با افزایش سطح زیر کشت و به کارگیری روشها و ابزار نوین، به نتایج مطلوب تری در فعالیتهای زراعی خود نایل شوند. در کشورهای در حال توسعه هنگامی که اقتصاد کشور سریعاً محور خود را از کشاورزی به صنعتی تغییر می دهد بخش کشاورزی نیز، متعاقباً به نقش کلیدی خود مبنی بر حمایت و پشتیبانی از توسعه صنعتی می پردازد و با تولید غذا و نیروی کار، پشتوانه مستحکمی را ایجاد می نماید. در این صورت انتقال نیروی کار مزرعه با بر خور داری از یک بازار کار مضاعف، تشدید و شتاب یافته و در این راستا، از پشتیبانی سیاستهای به موقع اقتصادی بهره مند می شود.

سیاست مدرن نیزه نمودن کشاورزی در گره، با عنایت به راهبرد توسعه نامتعادل^(۳) پیشرفته است و تحت این راهبرد، دولت از تأمین نقدینگی ارزی و غیرارزی برای توسعه بنگاههای صنعتی دریغ نورزید.

مشوقهای دیگری همچون: معافیت مالیاتی و یارانههای دولتی نیز، در این راستا، موثر افتاد. بخش صنعتی شهری با بهره مندی از سرمایه گذارهای خارجی و فن اوری آن قوت یافته بود و بخش کشاورزی و روستایی کشور نیز، با فراهم نمودن نیروی کار ارزان و مواد غذایی مورد نیاز، پایه پای آن حرکت می کرد.

انتظار می رفت، که بخش کشاورزی بتواند از نهادهای کشاورزی مدرن و درآمد اقتصادی مطلوب تری سود ببرد و چنین هم شد. تحت این شرایط، بخش کشاورزی با بخش صنعت پیوند تنگاتنگی ایجاد نمود و متعاقباً به اقتصاد جهانی پیوست. لذا، می توان راز توسعه بخش کشاورزی را در ارتباط مستقیم و نزدیک با توسعه صنعتی جستجو نمود.

متناسب با روند توسعه روزافزون بخش صنعت، ابزارهای مدرن و پیشرفته کشاورزی فزونی یافت و به سادگی قابل دسترس و استفاده شد. آهنگ مهاجرت روستاییان به سمت مراکز صنعتی (غیرکشاورزی) شدت یافت و با کاربرد فزاینده ادوات کشاورزی امروزی، رشد چشمگیری در روند بهره روری کشاورزی ملاحظه گردید و نهایتاً، به کاهش قابل توجه فقر در سطح روستا منجر شد.

■ نگرشی به توسعه اقتصادی در گره

منابع طبیعی ضعیف و سطح بسیار پایین فن اوری به عنوان عوامل محدود کننده رشد و توسعه اقتصادی کشور کره در دهه ۱۹۶۰ به شمار می رفتند. رشد ضعیف و کند تولید ناخالص ملی، قدرت مقابله با جمعیت فزاینده و نیازهای آن را نداشت. بنابراین توجه به ارتقای رشد و صنعتی شدن کشور با استفاده از فن اوری خارجی به عنوان ابزاری برای حل مشکلات اقتصادی - اجتماعی شناخته شد. با مواد خام وارداتی و سرمایه و فن اوری خارجی، آهنگ رشد اقتصادی کشور شتاب بیشتری یافت و بخش اعظم منابع ملی موجود، در راستای تحقق برنامه پنجساله توسعه اقتصادی کشور به کار گرفته شد. بنابراین، مراکز عمده شهری به عنوان قطبهای رشد قوت گرفتند و باعث جذب سرمایه و نیروی کار روستاها شدند. این فرآیند، باعث توسعه نابرابر میان مراکز شهری و نقاط روستایی گردید و منجر به افزایش و استمرار روند مهاجرت روستاییان به سوی شهرها شد. در خلال دو دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی، پدیده توسعه نابرابر در بخشهای مختلف کشور، به عنوان عامل بازدارندهای برای تحقق رشد اقتصادی پایدار عمل می کرد.

اقتصاد کره در خلال دهه ۸۰ میلادی دستخوش تغییراتی در نظام اقتصادی داخلی و بین المللی شد. از دیدگاه داخلی، توسعه نابرابر در بخشهای مختلف کشور، باعث ایجاد تنش میان اقشار جامعه گردید و در نتیجه، قدرت اقتصادی دولت نیز، متمرکز شد و بحرانهای اجتماعی زیادی را افرید. این مشکلات، حتی ثبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور را نیز تهدید کرد.

از نظر بین المللی نیز، اقتصاد کره دستخوش فشارهای ناشی از قدرتهای جهانی بوده و اهرمهای فشار، خواهان باز شده بازارهای داخلی این کشور به روی مصنوعات خارجی بودند. این در شرایطی بود که، کارخانجات داخلی، در مراحل ابتدایی تأسیس و تولید، به سر می بردند.

بر خلاف این تطبیقات، اقتصاد کشور در دهه ۸۰، شکوفا شد و تا حدود زیادی نیز خودکفا گردید. دیگر سرمایه گذارهای مالی، متکی به حجم پس اندازهای داخلی نبود و مازاد تجاری قابل توجهی نیز در سال ۱۹۸۶ حاصل گردید، ولی تراز تجاری، از سال ۸۹ به بعد، با یک کاهش دایم و

مستمری مواجه شد.

کشور کره در دهه ۹۰ میلادی، با موج جدیدی از جهانی شدن اقتصاد و انتقال ساختار اقتصادی از یک مبنای بازار درون گرا^(۴) به یک اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد^(۵)، مواجه شد. لذا اصلاحات سازمانی و ساختاری، در دستور کار دولتمردان قرار گرفت. سیاستهای بهینه به ویژه برای ساخت کشاورزی، مورد نظر صاحب نظران واقع گردید، زیرا این بخش، تا حدودی عقب مانده بود. به هر حال، به محض آنکه کشور کره در سال ۱۹۹۶ به عنوان عضو سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی (OECD)^(۶) پذیرفته شد، اصلاحات مزبور نیز، آهنگ تندتری یافت.

اقتصاد کره، در دهه ۹۰، به عنوان شاخص پیشرفت، در میان کشورهای با درآمد متوسط، درخشید. تولید سرانه ناخالص ملی، که در سال ۱۹۶۰، فقط ۸۱ دلار آمریکا بود، به ۱۰۰۷۶ دلار در سال ۱۹۹۵ رسید. حجم صادرات نیز، از ۲۵۵/۸ میلیون دلار در سال ۶۰ به ۱۲۵۰۵۸ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵، افزایش یافت.

بخشهای صنعتی و خدماتی نیز، رشد سریعی را تجربه کردند، در حالی که بخش کشاورزی تقریباً از نظرها دور افتاده بود و تولید ناخالص ملی، فقط ۶/۶ درصد دلار در سال ۹۵ نشان می داد.

■ سیاستهای کشاورزی برای فقرزدایی در جامعه روستایی

سیاست کشاورزی کره، در این زمینه، در چهار بعد توسعه داشته است. بعد نخست، عبارت بود از: تملک زمین برای کشاورزی که روی آن کار کرده و آن را شخم زده است. در این خصوص، اصلاحات ارضی مبتنی بر قوانین و ضمانتهای اجرایی مستحکمی در کره صورت پذیرفت. در بعد دوم، افزایش بهره روری مورد توجه قرار گرفت. این خواسته بایستی جوابگوی غذای مردم می بود تا فقر روستایی را ریشه کن و روند صنعتی شدن کشور را حمایت می کرد. در این زمینه، روی RFI در بخش کشاورزی تأکید شد و سیستم تشویق کنندهای نیز، برای افزایش عملکرد محصول اعمال گردید.

در بعد سوم این سیاست، افزایش درآمد به عنوان ضامن حذف فقر، منظور نظر واقع شد. اگرچه، بهره روری کشاورزی امکان رشد داشت،

ولی در صورت پایین بودن قیمت برخی محصولات زراعی، ممکن بود کشاورزان به تولید ادامه ندهند. لذا اعمال یک نظام ضمانتی قیمت، جهت تضمین درآمد کشاورزان ضرورت داشت و از آنجا که اقتصاد ملی وابستگی شدیدی به بخش صنعت داشت، نتیجه، مدرنیزه نمودن کار و زندگی روستاییان نیز، در جهت افزایش درآمد خانوار، مورد توجه و تاکید دولت قرار گرفت. بعد چهارم این مقوله، به توسعه روستایی مربوط می‌شود. همان‌طور که راهبرد توسعه اقتصادی نابرابر کره پیش می‌رفت، بخشهای صنعتی در جوامع شهری شدت می‌یافت و متقابلاً، بخشهای روستایی به نحو چشمگیری از قافله عقب می‌ماندند. بنابراین، فرآیند توسعه اقتصادی روستاها، بر مباحثی چون زیربنای اجتماعی روستایی از قبیل: آموزش روستاها، جاده‌های روستایی، حمل و نقل، ارتباطات، خانه‌سازی، تامین آب آشامیدنی و سیستمهای فاضلاب تاکید و تمرکز می‌نمود.

الف: زمین

اصلاحات ارضی که در سال ۱۹۴۸ و ۱۹۵۰، صورت گرفت، به عنوان یک عامل مستقیم برای توزیع ابزار تولید میان رعی و زارعین خرده‌پا عمل نمود، حدود ۸۰۰۰ هکتار از اراضی کشاورزی میان این زارعین تقسیم شد. به رغم آنکه اراضی تقسیم شده، فقط ۴۱/۴ درصد از اراضی قابل واگذاری در سال ۱۹۴۹، شامل می‌شد، با این حال، روند اصلاحات سبب گردید تا مالکین قبل از شمول قانون آن، اراضی خود را با قیمت نازل تری به رعایا بفروشند. در نتیجه، حدود ۷۱۳ هزار هکتار از اراضی نیز، مستقیماً به خود زارعین شاغل در همان اراضی، فروخته شد.

به دنبال قانون اصلاحات ارضی، طبقه ملاکین حذف شد و به جای آنها، قشر جدیدی از زارعین خرده‌پا و مالک در جامعه روستایی رشد نمود. طبق قانون، فقط کسی می‌توانست ادعای مالکیت زمین کشاورزی را داشته باشد که ان را تنخواه زند و بهره‌برداري نماید. لذا، این قشر جدید از ۱۴/۱ درصد در سال ۱۹۴۵ به ۷۳/۶ درصد در سال ۱۹۶۰، ارتقا یافت. در همان حال زارعین مستاجر^(۷) نیز از ۴۵/۸ درصد به ۶/۷ درصد تنزل نمودند.

اصلاحات ارضی، نقطه عطفی در توسعه کشاورزی کره به وجود آورد. بهره‌وری کشاورزی متناسب با شور و حال کشاورزان روبه فزونی نهاد. رشد قابل ملاحظه تعداد کشاورزان جدید و افزایش عملکرد کشاورزی، توأمأ به عنوان زیربنای توسعه کشاورزی و روستایی در خلال دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تلقی شد. خدمات ترویجی کشاورزی، تقویت تعاونیهای زراعی و برنامه‌های توسعه اجتماعی، مشترکاً توانستند رشد و تعالی را در کنار پدید آمدن مالکیت ارضی ناشی از اصلاحات ارضی به ارمغان بیاورند.

متناسب با افزایش روند مهاجرت از سال ۱۹۶۰ اراضی واگذار شده برای اجاره نیز، افزایش یافت در دهه ۹۰ نسبت کشاورزان مستاجر اعم از Owner Cum Tenant، و مستاجر تام (۷) به حدود ۴۵/۸ درصد رسید. نه قانون اساسی اصلاحات ارضی برای اجاره زمین اجازه می‌داد. در این شرایط، قانون جدیدی برای نگهداری و استفاده و بهره‌برداری از آن مورد نیاز بود. به علاوه، سیاستهای کشاورزی صرفاً از مزارع بزرگ مقیاس تجاری حمایت می‌کرد و مصمم به سازماندهی اراضی زراعی منطبق با قانون اصلاحاتی ارضی شده بود و هر خانواده محدود به تملک فقط ۳ هکتار زمین بود.

بعداً در سال ۱۹۹۴، قانون دیگری تصویب شد تا محدودیتهای موجود را از میان بردارد و به ویژه در مناطق مستعد کشاورزی آزادیهایی را قائل شود. به این ترتیب، روستاییان توانمند با استفاده از قانون شراکت، نسبت به اداره و بهره‌برداری از اراضی زراعی، دامنه فعالیت خود را گسترش دهند.

ب: سیاست بهره‌برداری کشاورزی

برنج یک محصول بسیار حیاتی برای کره به شمار رفته و منبع درآمد زارعین این کشور بوده است. لذا، سیاستهای کشاورزی همواره، اولویت خاصی برای ان قائل بودند. اگر چه، این کشور تا سال ۱۹۳۰، جزء صادرکنندگان این محصول به شمار می‌آمد، ولی از سال ۱۹۴۵، دچار کمبود قابل ملاحظه مواد غذایی نیز شده است. زیرا، جمعیت کثیرین از پناهندگان و اوارگان چنگی ناشی از جنگ کره، به این کشور تحمیل شد و اساس

کشاورزی آن را کاملاً از هم پاشید.

پس از جنگ، برنامه ترویج کشاورزی کره مجدداً بازسازی شد. در سال ۱۹۵۸، برنامه جدیدی تدوین و با تلفیق برنامه‌های ترویج و تحقیق، اداره جدیدی به نام سازمان توسعه روستایی «ORD» در سال ۱۹۶۲، پی‌ریزی و تحت نظارت وزارت کشاورزی و جنگلداری این کشور مشغول فعالیت شد. از آن به بعد، این اداره، عهده‌دار افزایش راندمان و بهره‌وری کشاورزی در سطح کشور بوده است.

در سال ۱۹۷۲ این سازمان متعاقباً موفق به تولید گونه‌های مرغوبی از برنج^(۸) با کیفیت بسیار بالا و انتشار آن در کل کشور نمود.

فن‌آوری و نهاده‌های جدید نیز، از دیگر ابزارهای به کار گرفته در این راستا به شمار رفت. در سال ۱۹۷۶، این کشور به خودکفایی در تولید برنج نائل شد. در این مرحله، سیاست خاصی همراه با یارانه‌های دولتی اعمال گردید، که باعث تشویق کشاورزان در افزایش کیفی و کمی تولید شد.

با رسیدن به مرحله خودکفایی و نیز فشار خارجی مبنی بر گشودن بازارهای داخلی بر روی واردات خارجی، دهه ۱۹۷۰، دولت مجبور به قطع مکانیزمهای حمایتی خود از زارعین شد. از دهه ۸۰ به بعد، تقاضا در بازار عامل تقویت محصول برنج شد آنان را برای رقابت با سایر تولیدکنندگان در بازارهای جهانی تحریک کرد.

ج: سیاست در جهت افزایش درآمد

تضمین درآمد مناسب برای خانوارهای کشاورز، نه تنها برای فقرزدایی، بلکه جهت حفظ و بقای نیروی کار در روستاها و کند نمودن جریان شهرگرایی مفید و مهم تلقی می‌شود. تا قبل از نیمه دهه ۱۹۷۰، درآمد خانوارهای کشاورز عمدتاً متکی بر زمین زراعی بود، ولی سیاست تقلیل قیمت محصولات کشاورزی در دهه ۶۰ که در جهت حمایت از نیروی کار شهری اعمال شد، سیر درآمدها، روند نزولی یافت و در نتیجه، به مهاجرت گروهی روستاییان انجامید.

در سال ۱۹۶۹، سیاست قیمت دوگانه در جهت تثبیت درآمدهای زراعی و حمایت از نیروی کار شهری به مورد اجرا گذاشته شد. تحت این شرایط، برترین گونه‌های برنج سریع‌الانتشار یافت

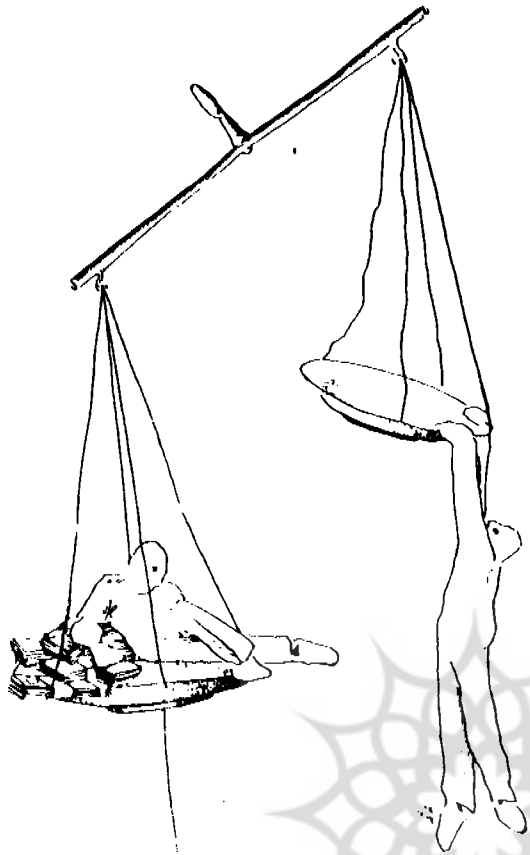
و متعاقباً درآمد زارعین بالا رفت. ولی این سیاست رفته رفته کم رنگ شد تا آنکه از سال ۱۹۷۹ به بعد، لغو شد. در نتیجه، غالب منابع درآمد خانوارهای روستایی به سمت فعالیتهای غیر زراعی متوجه شد.

سیاست صنعتی سازی روستایی نیز، در دهه ۷۰ و در جهت تکمیل درآمد زراعی خانوارها اعمال گردید و در سال ۱۹۸۳ نیز، تشدید شد و به تبصره‌ای که از تصویب دولت مبنی بر «توسعه منابع درآمد روستایی» گذشت، همراه گشت. بر اساس قانون، دولتهای محلی مراکز متعددی را در سطح روستاها طراحی و با تأمین اعتبارات لازم به مورد اجرا گذاشتند. این قانون، متضمن تخفیفهای مالیاتی و اعطای اعتبارات مختلفی برای کارخانه‌ها در مجتمع‌های روستایی بود. تا سال ۱۹۹۵، حدود ۲۷۵ مجتمع صنعتی روستایی بر پا شد و فعالیتهای غیر زراعی به عنوان منابع درآمد جدید و مهم خانوارهای کشاورزی ظهور نمود.

د: برنامه‌های توسعه روستایی

برنامه‌های مدرن روستایی در کره از سال ۱۹۷۵ هماهنگ با طرح «توسعه جامعه»^{۱۱} که در سطح ۱۲ روستا معمول گشت، به مورد اجرا گذاشته شد. استفاده از فن آوری تاسیس زیرساختهای روستایی توسعه کشاورزی و مدیریت امور اراضی داخلی مشاغل روستایی موجب گسترش طرح توسعه جامعه در سرتاسر کشور شد. روند این طرح، با برنامه ترویج کشاورزی و افتتاح سازمان روستا در سال ۱۹۶۲، تقویت شد و تا سال ۱۹۷۰ در سطح ۲۱۳۷ روستا از ۱۳۷ شهرستان، گسترش یافت این برنامه در دهه ۱۹۷۰، توسط طرح جدید سامول آندونگ^{۱۲} مبنی بر توسعه روستایی جایگزین شد. طرح آندونگ، مویک^{۱۳} از یک حرکت ملی همه جانبه برای تعالی معنوی زندگی روستاییان و نیز بیداری سیاسی در اقصای مختلف ملت کره بود. اولین هدف این طرح، دستیابی به درآمد کیفی و کمی در جهت بهبود زیرساختهای روستایی بود. ولی در نهایت به سادگی ملی می‌اندیشید. برای رسیدن به این مقصود، طرح مزیور بر تعالی و پتانسیل و شکوفایی معنوی و تلاش نافذ داشت.

این طرح به علاوه، در ۱۹۷۰، سهم خوبی در توسعه و پویایی زیرساختهای روستایی ایفا کرد.



فعالینهای اجتماعی - فرهنگی در نواحی روستایی را داشت و سرانجام، در دهه ۱۹۸۰ و متعاقب آن حمایت‌های دولتی از حیز ارتفاع ساقط گردید.

از سال ۱۹۸۵، طرح جامع توسعه مناطق روستایی (IRAD) تحت نظارت سازمان برنامه‌ریزی اقتصادی به مورد اجرا گذاشته شد. در سال ۱۹۹۰ بر اساس «قانون خاص مربوط به توسعه نواحی روستایی» (SLRD)، برنامه (IRAD) قانوناً مورد حمایت واقع شد و به عنوان ابزار اهرمی برای بهبود زیرساختهای روستایی و شرایین زندگی آنان به کار رفت. تسریع و تقویت روند آموزش روستایی و بهداشت، حمایت‌های کشاورزی و توسعه بازار، از جمله سیاستهای مهم توسعه روستایی دهه ۱۹۰۰ در دستور کار وزارت کشاورزی، جنگلداری و شيلات این کشور قرار گرفت.

تا سال ۱۹۹۲، دولت کره موفق به اختتام برنامه (IRAD)، در سلاج ۱۰۹ شهرستان شد و شروع به سرمایه‌گذاری در جهت بهبود استانداردهای زندگی روستایی نمود. سیاستهای کشاورزی کره، متناسب با وقوع

نمود و به عنوان اهرمی در جهت به‌کارگیری منابع موجود برای تقویت مناطق روستایی و کشاورزی به کار رفت. در طول سالهای ۸۰-۱۹۷۱، غریب به ۳۴۲۵ میلیارد وان «Won» در طرح آندونگ سرمایه‌گذاری شد تا شاووده‌های روستایی را تأمین و سطح درآمدها را افزایش دهد. با کمال تعجب باید اشاره کرد، که خود روستاییان، سهمی معادل ۴۹/۴ درصد از سرمایه‌گذاری را به خود اختصاص داده بودند. این روند، موجب کاهش اختلاف سطح میان جوامع شهری و روستایی گردید و حتی درآمد خانوارهای کشاورز، از درآمد خانوارهای کارگری شهرها در دهه ۱۹۷۰، فراتر رفت.

در مجموع، انتظارات مثبتی از طرح آندونگ، در جهت مقابله با اثرات ناشی از دوره انتقال پیش‌بینی می‌شد، اگر چه ضعف‌هایی نیز در مواجهه با نظامهای سازمانی مؤسسه‌های خارج از روستاها داشت.

طرح مزیور، توان مقابله با تقاضاهای فزاینده ملی بر خدمات اجتماعی همچون آموزش، بهداشت، فرجه‌های شغلی غیر زراعی و

تحولات در ساختار اقتصاد بین‌المللی و ملی، دچار تغییراتی می‌شد. در عصر رشد اقتصادی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، سیاست‌های کشاورزی بر افزایش بهره‌وری و عملکرد زراعی و درآمدهای مربوط به آن تاکید داشت و از اهرم‌های حمایتی و حفاظتی دولتی بهره میبرد و صرفاً خانوارهای که زمین را شخم زده و آماده زراعت می‌کرد، صلاحیت تملک آن را به دست می‌آورد. بنابراین، مساوات در مالکیت زمین از کاربری مؤثر زمین^(۱۱)، مهم‌تر به نظر می‌رسید. از آنجا که منبع اصلی درآمد خانوارهای کشاورز را زراعت تشکیل می‌داد، لذا تضمین قیمت محصولات، بسیار اساسی تلقی شد. اغلب مردم روستانشین نیز در این دوره، محدود به فعالیت در حوزه روستاها بودند. در نتیجه، برنامه توسعه روستاها نیز محدود به حریم روستاها گردید.

در دوره انتقال اقتصادی و حیاتی شدن آن در طول دهه‌های ۹۰ - ۱۹۸۰، این سیاست، دچار تحولاتی شد. برنامه‌های دولتی برای ترغیب روند تولید به تدریج افول نمود و نقش بازار مورد تاکید بیشتری قرار گرفت. قوانین مربوط به مالکیت زمین نیز از میان برداشته شد و در عوض کاربری مؤثر زمین از ویژگی‌های مهمتری برخوردار گردید. لذا، سازمان‌های زراعی (همانند تعاونیها) می‌توانند، زمانی که حول محور تولید و بهره‌وری کشاورزی فعال بروند، به حفظ و بهره‌برداری از اراضی تحت تملک خود ادامه دهند.

همان‌طور که افزایش درآمدهای زراعی با گشایش بازارهای کشاورزی محلی (داخلی) محدود می‌باشد، در مقابل توجه به منابع

درآمدهای غیر زراعی در متن خانواده‌های زراعی گسترش می‌یافت. بنابراین، صنعتی شدن روستاییان مورد تاکید واقع شد. متناسب با انتقال و تحول جامعه کره از یک شکل کشاورزی به سمت صنعتی و به لحاظ توسعه مرزهای جغرافیایی، معیشت روستاییان به سمت مراکز روستاها، راهکارهای منطقه‌ای مناسبی نیز، در جهت توسعه روستایی لازم است تا با مشکلاتی در زمینه‌های آموزشی، بهداشت و حمل و نقل مقابله نماید.

■ توسعه کشاورزی و فقر روستایی

مهاجرت جمعیت متغیر در بخش کشاورزی در خلال دهه‌های ۵۰ و ۶۰ جمعیت کشور تقریباً، ۳ درصد در سال رشد داشت. متعاقباً این رشد، به نحو انفجاری آمیزی تا دهه ۶۰ ارتقاء یافت. ولی، جمعیت کشاورزی این کشور، از سال ۶۷ روند نزولی داشت و علت آنرا مهاجرت‌های گروهی روستاییان به سوی شهرها دانسته‌اند. در خلال سالهای ۷۵ - ۷۰ جمعیت زارعین سالانه در حدود ۱/۷ درصد تنزل نشان داد. در طی سالهای ۸۰ - ۷۵ نیز، روند کاهش، با ۴ درصد در سال ادامه یافت و از آن پس نیز افت بیشتری داشت. و به ۴/۸ درصد رسید و سپس در سالهای ۹۰ - ۸۵ و ۹۵ - ۹۰ به ۶/۴ درصد رسید. در نتیجه، جمعیت بخش کشاورزی کشور از ۱/۵/۸۱۲/۰۰۰ نفر در سال ۶۵ به ۴/۸۳۸/۰۰۰ نفر در سال ۹۵ تنزل نمود که این افت، حاکی از یک رشد منفی بالغ بر ۱۲/۵

درصد را شامل می‌شود. در خلال سالهای ۹۵ - ۶۵ این جمعیت به میزان سالانه ۳/۹ درصد کاهش داشت. در حالی که، جمعیت کل کشور، از ۱/۵ درصد رشد عمومی برخوردار شده است.

شمار شاغلان بخش کشاورزی نیز، در طی سالهای ۹۵ - ۶۵، تنزل نمود. ولی بر عکس جمعیت این بخش - به طور یکنواخت تا سال ۷۵ روزه فزونی نهاد و رشدی معادل ۱/۲ درصد را (۷۵ - ۷۰) تجربه کرد. اما در سال ۷۶، ناگهان سقوط کرد و در سالهای ۸۰ - ۷۵ نیز درصد شاغلان این بخش ۲/۶ درصد کاهش یافتند. از سال ۱۹۸۰ به بعد، نرخ افت این جمعیت، تقریباً در حد ۴ درصد در سال ثابت ماند.

در حالی که جمعیت بخش کشاورزی در سالهای ۹۵ - ۶۵ افت ناگهانی می‌یافت، میزان کاهش خانوارهای آنها، تا حدودی کندتر عمل می‌نمود. این حقیقت را باید با مراجعه به الگوی مهاجرت کره که ناشی از وقوع توسعه اقتصادی نابرابر در کره بود، تبیین نمود. اغلب کارخانه‌های مهم در تعداد معدودی ز شهرها و بنادر بزرگ تاسیس شده بودند و لذا، فرصتهای شغلی و زیر ساختهای اجتماعی نیز غالباً در همان مراکز متراکم گردیدند. اغلب نیروهای جوان روستاها نیز به سمت مراکز شهری منوجه و متمایل شدند تا از فرصتهای آموزشی و شغلی بهتری بهره‌مند شوند. در حالی که والدین آنها همچون در مناطق روستایی باقی ماندند.

در نتیجه ساختار نسبی جمعیت در بخش کشاورزی را بزرگسالان تشکیل دادند و بخش جوان و فعال روستاها سریعاً از بافت آن خارج

جدول ۱- شاخصهای اقتصادی عمده در اقتصاد کشور کره در خلال سالهای ۹۵-۱۹۶۰ میلادی

۱۹۹۵	۱۹۹۰	۱۹۸۵	۱۹۶۰	
۸/۲	۹/۵	۷	۷/۵	درصد میزان رشد تولید ناخالص ملی
۱۰۰۷۶	۵۳۱	۲۱۹۲	۸۱	رشد تولید ناخالص ملی بر پایه ساختار صنعتی
۶۶۶	۸۶۷	۱۲۲۹	۳۶	کشاورزی، جنگل و چوپانی
۲۷/۲	۲۹/۸	۳۱/۵	۱۴/۷	معادن و تولید محصولات
۶۶/۲	۶۹/۵	۵۵/۵	۴۹/۴	(SIC) بر پایه ثابت اعتباری ^(۱۲)
۲۷/۵	۳۷/۱	۳۹	۱۱/۶	سرمایه کلاری از جهت تولید ناخالص ملی
۲۵/۵	۲۶/۲	۲۹/۱	۵	میزان تولید ناخالص ملی در جهت تولید ناخالص ملی
۴/۹	۳/۹	۳/۱	۳/۸	میزان رشد جمعیت
۱۲۵۰۵۸	۶۵۰۱۵	۲۰۲۸۲	۲۲/۹	مشارکت
۱۲۵۱۱۹	۶۹۸۴۲	۳۱۱۲۵	۳۴۲	واردات

گردید. این پدیده، موجب افت ناکهانی میزان باروری این جمعیت ماندگار شد و در سال ۱۹۹۰، فقط ۱۴ درصد خانوارهای روستایی از وارثین جوان در میان اعضای خود بهره‌مند بودند. انتظار می‌رفت که شمار خانوارهای کشاورز در دهه آینده از این هم کمتر شود.

■ بهره‌وری کشاورزی (۱۲)

سالهای ۹۵ - ۷۰، ارزش افزوده بخش کشاورزی، تقریباً ۲ درصد در سال رشد کرد. در مقایسه با میزان رشد سالانه تولید ناخالص ملی، مقدار رشد بخش کشاورزی نسبتاً کم بوده است. در صورتی که دوره فوق را به دهه‌های مجزا تقسیم کنیم، بهره‌وری اراضی در سالهای ۷۵ - ۷۰ از ۵ درصد رشد سالانه برخوردار بود. در همان سالها، بهره‌وری در بخش نیروی کار نیز، حدود ۳/۵ درصد در سال رشد داشته، اگر چه، تعداد شاغلین بخش کشاورزی از رشد یکنواختی برخوردار بوده است.

رشد چشمگیر کشاورزی در این دوره را می‌توان با تجدید ساختار فن آوری و سیاستهای

دولتی در جهت ترغیب فعالیتهای کشاورزی مرتبط دانست. کاربرد کودهای شیمیایی و سموم دفع افات، افزایش یافت و سیستمهای آبیاری و تحکیم و تثبیت اراضی، سریعاً ترویج یافتند. نشر گونه‌های مطلوب برنج در سالهای دهه ۷۰، موجب افزایش راندمان محصول گردید. اعمال سیاست دو قیمتی نیز موجب ترغیب کشاورزان در افزایش محصول شد.

بهره‌وری اراضی و ارزش افزوده بخش کشاورزی از سال ۱۹۷۵، حاکی از یک رشد کند بوده است. در طول سالهای ۸۵ - ۹۷ و ۹۵ - ۱۹۸۵، میزان رشد سالانه ارزش افزوده در بخش کشاورزی به ۱/۷ درصد و ۰/۸ درصد نزول کرد. مقدار رشد بهره‌وری ارضی نیز، از سال ۷۵ روند کاهنده‌ای یافته، ولی طی سالهای ۹۵ - ۱۹۸۵ از رشد ۱/۶ درصد در سال برخوردار شد. در مقابل، بهره‌وری نیروی کار سالهای ۹۵ - ۷۵، از افزایشی معادل ۴ درصد بهره‌مند بود.

افزایش مستمر در بهره‌وری نیروی کار، عمدتاً ناشی از کاهش شاغلین بخش زراعت بود و اشتغال در بخش مزبور، تا سال ۷۵ به طور

یکنواخت افزایش می‌یافت.

اشتغال در بخش کشاورزی در سالهای ۸۰ - ۷۵ و ۸۵ - ۸۰، از رشدی بالغ بر ۲/۶ درصد و ۴/۴ درصد برخوردار شد. با ملاحظه رشد کند ارزش افزوده و بهره‌وری در سالها ۹۵ - ۷۵، رشد قابل توجه بهره‌وری نیروی کار طی دوره مزبور را می‌توان با کاهش متقابل شاغلین بخش کشاورزی مرتبط دانست.

رشد کند بهره‌وری کشاورزی در طول سالهای ۹۵ - ۷۵ را، با دو دلیل می‌توان توجیه نمود: اولاً تغییر نامطلوب عوامل خارجی در روند کشت و زرع از جمله: خروج و حذف برنامه‌های تشویقی در روند تولید، همچون: حمایت‌های قیمتی و بازکردن بازارهای کشاورزی به روی واردات، ثانیاً عوامل داخلی که ناشی از تغییر در ساختار و دموگرافیک جمعیت خانوار کشاورزی است.

کهولت سن بازماندگان در بخش کشاورزی منجر به کمبود کیفی نیروی انسانی و تسریع روند مدرنیزاسیون مزارع گردید که متعاقباً نیازمند افزایش سرمایه و سرمایه گذاری بوده است.

جدول ۲- میزان تغییر خانوارهای کشاورز و مستاجر

سال	مالک تام	owner cum tenant	مستاجر تام	مجموع
۱۹۴۵	۱۴/۱	۴۰/۱	۴۵/۸	۱۰۰
۱۹۶۰	۷۳/۶	۱۹/۶	۶/۷	۱۰۰
۱۹۷۵	۷۲/۲	۲۰	۷/۸	۱۰۰
۱۹۹۰	۵۴/۲	۳۶/۱	۹/۷	۱۰۰

جدول ۳- تغییرات جمعیت بخش کشاورزی و مشاغل زراعی

سال	خانوار کشاورز	اشتغال				B/A	D/C
		جمعیت	(A) جمع	(B) مزرعه	(C) جمع		
۱۹۶۵	۲۵۰۷	۲۸۷۰۵	۱۵۸۱۲	۸۱۱۲	۲۵۲۸	۵۵/۱	۵۵
۶۷	۲۵۸۷	۳۰۱۲۱	۱۶۰۷۸	۸۷۱۷	۲۵۹۸	۵۲/۲	۵۲
۷۰	۲۲۸۲	۳۲۲۴۱	۱۴۲۲۲	۹۶۱۷	۲۷۵۶	۲۲/۷	۲۹
۷۵	۲۲۲۹	۳۵۲۸۱	۱۲۲۲۲	۱۱۶۹۲	۵۰۴۱	۳۷/۵	۲۳
۸۰	۲۱۵۴	۳۸۱۲۲	۱۰۸۲۷	۱۲۵۸۲	۳۲۲۹	۲۸/۲	۲۲
۸۵	۱۹۲۴	۴۰۸۰۶	۸۵۲۱	۱۳۹۲۰	۲۵۵۲	۲۰/۹	۲۳
۹۰	۱۷۶۷	۴۲۸۴۹	۶۶۶۱	۱۸۰۲۶	۳۱۵۲	۱۵/۵	۱۷/۵
۹۵	۱۳۹۹	۳۳۸۵۱	۴۲۸۸	۲۰۳۷۷	۲۵۳۱	۱۰/۸	۱۳/۵

■ درآمدهای خانوارهای کشاورز

این خانوارها در سالهای ۹۵ - ۱۹۷۰ از رشد درآمدی بالغ بر ۶/۷ درصد برخوردار شدند. سرانه ملی پایین تر بود. تا سال ۱۹۷۵، درآمد بخش زراعت، باعث افزایش درآمد خانوارهای کشاورز گردید. درآمد بخش کشاورزی سالهای ۷۵ - ۷۰ رشدی معادل ۹/۱ درصد را نشان می داد که ۷۵/۸ درصد از کل درآمد خانوار کشاورز را در سال ۷۵ شامل می شد.

پس سهم درآمد کشاورزی نسبت به درآمد خانوار کشاورز در سال ۷۵، کمتر بوده است. در سال ۹۵، درآمد کشاورزی حدود ۴۸ درصد از درآمد خانوار کشاورز را تشکیل می داد. برعکس، درآمدهای غیر زراعی که از منابع مختلف ناشی می شد، همچون، درآمدهای دستمزدی، مشاغل غیر زراعی، درآمدهای منقول، هدایا و اموال تقسیم شده از سال ۷۵ رو به فزونی نهاد. بنابراین، رشد درآمد خانوار کشاورز را به افزایش درآمد

بخش غیر زراعی مربوط می دانند.

در سال ۹۵ سهم کل درآمدهای غیر زراعی که همه منابع درآمد غیر زراعی را دربرمی گرفت، ۵۲ درصد کل درآمد خانوار کشاورز بود. سهم درآمدهای کشاورزی از مشاغل غیرکشاورزی و دستمزدهای کارگری فقط ۳۰/۷ درصد کل درآمد خانوار کشاورز را به خود اختصاص می داد و در سال ۱۹۹۵، درآمدهای ناشی از حقوق و دستمزد فقط ۲۳/۷ درصد از کل درآمد خانوار کشاورز را تشکیل می داد. سهم درآمد غیر زراعی کره در مقایسه با مرحله صنعتی سازی کشور، نسبتاً پایین بود.

■ عقب ماندگی مناطق روستایی

اگر چه (IRAI) در سال ۱۹۸۵ در کره، به صحنه آمد و هزینه های قابل ملاحظه ای را از سوی دولت سرمایه گذاری نمود، این حال، اختلاف درجه توسعه شهری و روستایی هنوز مهم و قابل توجه بود.

آموزش روستایی ضعیف و خدمات بهداشتی نازل باعث عقب ماندگی مردم روستاها می شدند. این مردم ناچار بودند تا برای خدمات نامطلوب فوق بهای بیشتری نیز بپردازند. در سال ۱۹۹۰ خانوارهای روستایی مبلغی معادل ۸۷۹/۹۸۰ وان را برای آموزش فرزندان شان پرداخت نمودند. در حالی که خانوارهای شهری، فقط ۶۹۱۶۹۲ وان هزینه کردند. در همان سال خانوارهای روستایی مبلغ ۵۰۷/۴۴۷ وان را در جهت استفاده از خدمات بهداشتی هزینه نمودند و در مقابل، خانوارهای شهری با پرداخت ۴۳۱۰۸۸ وان از خدمات مشابه و حتی کیفی تری سود بردند. لذا، شهریه های آموزشی یا هزینه های پزشکی در روستاها از سقف بالاتری برخوردار بود. از سال ۱۹۹۰ با تصمیم تحصیل رایگان در روستاها، کفه ترازو به نفع روستاییان سنگین شد. به هر حال، کیفیت آموزش خدمات بهداشتی در نواحی روستایی از جمله اموری است که باید مورد بازبینی قرار گیرد. بیمارستانها و پزشکان معمولاً در مناطق

شهری متمرکز می شوند. در سال ۱۹۹۵، فقط ۹/۵ درصد از بیمارستانهای عمومی و ۱۷/۳ درصد از پزشکان یا درمانگاهها در مناطق روستایی قرار داشت. در مورد پزشکان متخصص و دندانپزشکان وضع به مراتب بدتر بود. در سال ۱۹۹۵، در صد تراکم و تمرکز آنها در مناطق روستایی بیش از ۱۰ درصد نبود. اختلاف سطح توسعه مجامع شهری و روستایی به ویژه در خصوص خانه سازی، راه های ارتباطی، حمل و نقل، امکانات ارتباطی و فرهنگی بسیار فاحش به نظر می آمد. تمایل عمومی برای مهاجرت به سوی مراکز شهری نه تنها به دلیل درآمدهای اقتصادی نازل، بلکه به لحاظ عدم تحقق طرحهای اجتماعی - فرهنگی رو به رشد بود.

■ فقر روستایی

در نتیجه افزایش درآمد خانوار کشاورز در خلال سه دهه اخیر، فقر روستایی به عنوان «محرومیت مطلق» تا حد چشمگیری کاهش یافته است. میزان فقر روستایی در سال ۱۹۹۵ فقط ۵/۳ درصد ثبت شد و از میزان ۳۸/۳ درصد در سال ۱۹۶۷ نسبتاً بهبود یافته است. «فقر» به عنوان محرومیت نسبی نیز که هم قابل ملاحظه ای یافته است، از دست موجود هنوز در مقایسه با «فقر مطلق» که ریشه و سرچشمه فقر

مقدار تغییر سالانه

۱/۱۶	۲/۹۱	-۱/۲	۱/۸۰	-۰/۸۶	۱۹۷۰ - ۷۵
-۲/۵۹	۲/۱۵	-۲/۰۲	۱/۵۵	-۱/۹۸	۷۵ - ۸۰
-۲/۲	۱/۸۰	-۲/۷۹	۱/۲۶	-۲/۳۲	۸۰ - ۸۵
-۲/۲	۲/۳۲	-۲/۹۲	-۰/۹۹	-۱/۷۲	۸۵ - ۹۰
-۲/۳۱	۲/۳۲	-۶/۳۹	۰/۹۰	-۲/۲۹	۹۰ - ۹۵
-۱/۹۲	۲/۰۷	-۲/۹۵	۱/۲۸	-۱/۷۱	۹۵ - ۹۰

جدول ۴ - بهره وری کشاورزی در نیروی کار و زمین

سالهای	بهره وری نیروی کار (هزاران وان در هکتار)	بهره وری زمین (هزار وان در هکتار)	ارز افزایش بخش کشاورزی (میلیار وان)
۱۹۷۰	۲۱۶۲/۵	۲۳۷/۶	۱۰۳۹۲/۳
۷۵	۲۵۷/۵	۵۸۰۲/۷	۲۳۹۹۸/۱
۸۰	۲۵۸-۱/۸	۵۲۰۵/۲	۱۱۲۳۰/۶
۸۵	۲۳۰-۲/۳	۷۱۹۲/۷	۱۵۴۲۵/۲
۹۰	۲۹۷/۶	۷۳۲۰/۷	۱۵۶۹۳/۵
۹۵	۶۶۲۲/۲	۵۳۷۹/۶	۱۶۸۳۲/۳
میزان رشد سالانه			
۷۵ - ۷۰	۲/۵	۵/۱۷	۲/۶۶
۸۰ - ۷۵	۵/۲۱	۲/۱۵	۱/۷۱
۸۵ - ۸۰	۶/۳۲	۱/۶۳	-۱/۸۷
۹۰ - ۸۵	۲/۲۷	۲/۵۵	۱/۹۷

است. در سال ۱۹۹۵، فقر نسبی در حدود ۲۲/۷ درصد تخمین زده شد.

پس فقیر چه کسی است؟ در جواب باید گفت: سالمندان و خانوارهای زن سالار یا تک نفره.

از آنجا که جامعه کره از کشاورزی به صنعت متحول شده و به لحاظ استمرار پدیده مهاجرت: زمین به عنوان یک منبع درآمد در مقایسه با عامل بهره‌وری نیروی کار، از اهمیت کمتری برخوردار است. بنابراین، خانوارهای کشاورزی که فاقد نیروی کار مؤلد و سرمایه لازم باشند، به سادگی به زیر خط فقر کشیده می‌شوند.

سالمندانی که بهره‌وری نیروی کار خود را از دست داده و سرمایه خود را برای حمایت از

زودن فقر روستایی در شکل خاص خود یعنی «فقر مطلق» گردید و منجر به ایجاد اختلاف سطح توسعه در نواحی و مناطق مختلف کشور شد. بنابراین، محرومیت نسبی در بخشهای کشاورزی و روستایی موضوع مهمی در اقتصاد سالها دهه ۱۹۹۰ کره گردید.

درسهای بسیاری از کشور کره در زمینه محو فقر از چهره روستاییان می‌توان آموخت.

اولاً، مدرنیته نمودن کشاورزی با استفاده از فضای توسعه اقتصادی نابرابر، می‌توانست یکی از گزینه‌های مطلوب جهت فقرزدایی در کشورهای در حال توسعه‌ای همانند کره، در دهه ۶۰ قلمداد شود که از منابع طبیعی ناکافی، فن‌آوری ضعیف و سرمایه کم برخوردار بود. این پدیده، امکان

جدول ۵- روند درآمد خانوار کشاورز (۱۲) و درآمدهای غیر زراعی (۱۳)

(ارقام بر حسب واپ و ساختن به، ۸۵)

سال	درآمد خانوار کشاورز (E)	درآمد زراعی (D)	درآمدهای غیر کشاورزی (C)	درآمدهای کشاورزی (B)	درآمد مستمری (A)	D/A	E/A
۶۷	۲۳۳۸	۱۳۳۵	۱۰۰۳	۱۳	۲۲	۰.۵۷	۰.۵۷
۷۵	۳۳۸۳	۲۳۳۵	۱۰۴۸	۱۳	۲۲	۰.۶۹	۰.۶۹
۷۸	۳۳۸۳	۲۳۳۵	۱۰۴۸	۱۳	۲۲	۰.۶۹	۰.۶۹
۸۵	۳۳۸۳	۲۳۳۵	۱۰۴۸	۱۳	۲۲	۰.۶۹	۰.۶۹
۹۰	۳۳۸۳	۲۳۳۵	۱۰۴۸	۱۳	۲۲	۰.۶۹	۰.۶۹
۹۵	۳۳۸۳	۲۳۳۵	۱۰۴۸	۱۳	۲۲	۰.۶۹	۰.۶۹

درآمدهای غیرکشاورزی شامل همه منابع درآمدی غیرزراعی است، در حالی که درآمدهای غیرزراعی فقط شامل مشاغل غیرزراعی و درآمدهای مستمری است.

نرخ رشد سالانه

سال	۱۹۷۷-۷۸	۷۸-۷۹	۷۹-۸۰	۸۰-۸۱	۸۱-۸۲	۸۲-۸۳	۸۳-۸۴	۸۴-۸۵
درآمد خانوار کشاورز	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
درآمد زراعی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
درآمدهای غیر کشاورزی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
درآمدهای کشاورزی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
درآمد مستمری	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
D/A	۰.۵۷	۰.۶۹	۰.۶۹	۰.۶۹	۰.۶۹	۰.۶۹	۰.۶۹	۰.۶۹
E/A	۰.۵۷	۰.۶۹	۰.۶۹	۰.۶۹	۰.۶۹	۰.۶۹	۰.۶۹	۰.۶۹

فرزندان شهرنشین خود صرف کرده‌اند، از جمله اقسار فقیر - زیر خط فقر - به شمار می‌روند.

خانوارهای زن سالار نیز، از فقر در رنج هستند، زیرا، آنها نیز فاقد نیروی کار مؤلد و مفید در جمع خانواده خود هستند و در نتیجه، معمولاً زمین محدودتر و فرصتهای شغلی کمتری دارند. این گونه خانوارها حتی اگر شغلی هم داشته باشند - به لحاظ فقدان آموزش لازم، از مستمری نازلتری بهره‌مند خواهند شد.

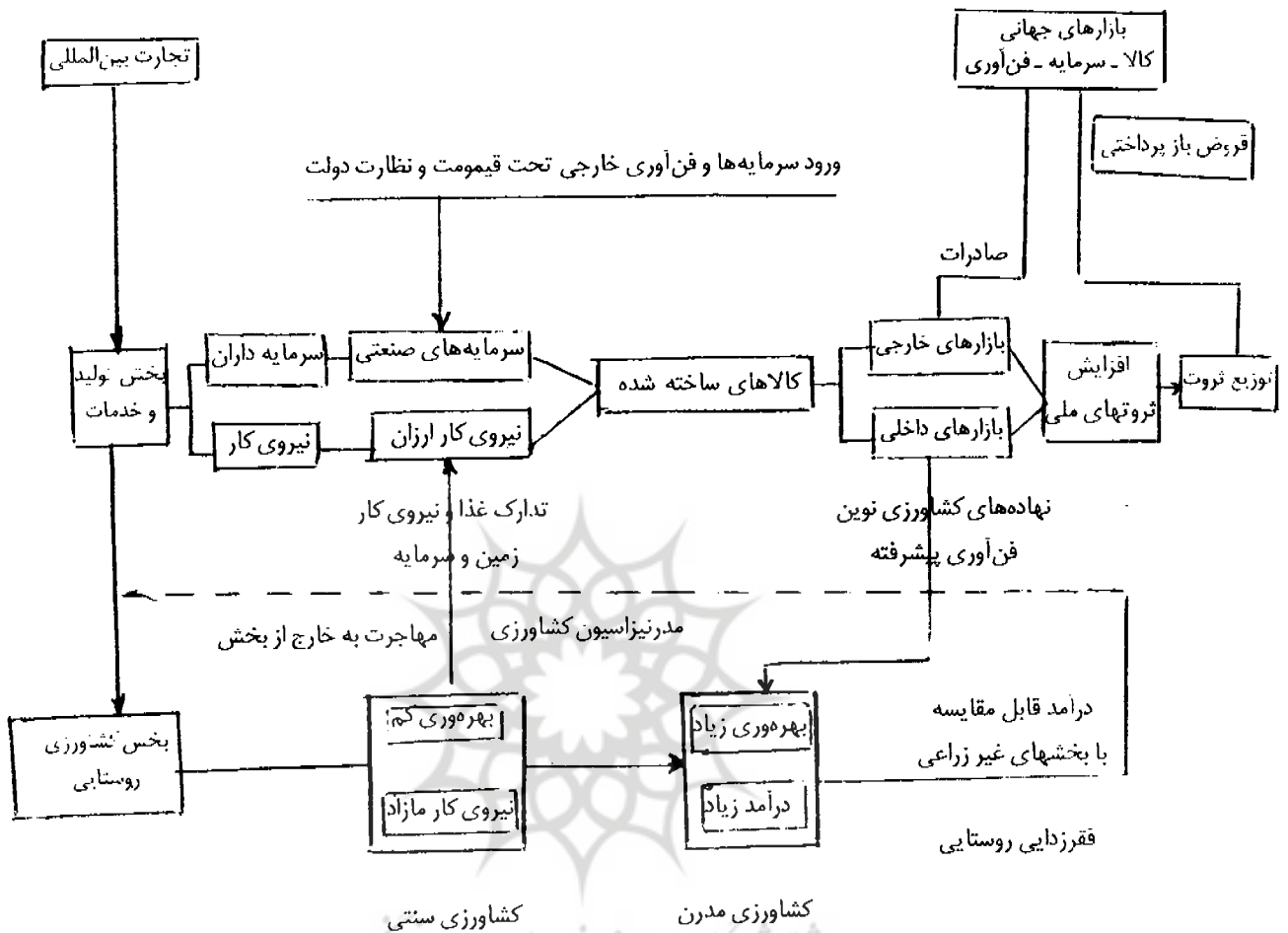
جدول ۶ - خط فقر و میزان فقر خانوار روستایی

سال	خط فقر	میزان فقر	میزان فقر	میزان فقر	میزان فقر
۶۷	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۷۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۷۸	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۸۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۹۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۹۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

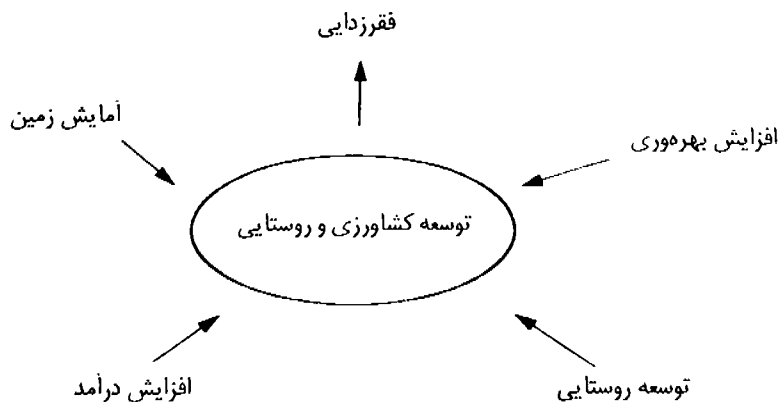
نتیجه‌گیری

چهارچوب سیاست نسبی فقرزدایی روستایی از طریق توسعه اقتصادی نابرابر و مدرنیته نمودن کشاورزی در کره، ثابت کرده که پویایی و اثربخشی روند افزایشی بهره‌وری کشاورزی و اشتغال در بخش‌های غیر زراعی بسیار مؤثر بوده است. چهارچوب مزبور، به نحو مطلوبی موفق به

شکل ۱- ساختار فقرزدایی روستایی و مدرنیزه نمودن فعالیتهای کشاورزی در یک اقتصاد باز



شکل ۲- ابعاد چهارگانه سیاست کشاورزی که برای فقرزدایی روستایی طراحی و اجرا شد



پایه در صنعه ۱۰۱

علل و ریشه‌های فقر

• دکتر سهیلا پروین

بحث خود را با مروری بر اندیشه‌ها و ادبیات موجود دربارهٔ مسأله توزیع درآمد و فقر شروع می‌کنم. در ادامهٔ بحث، عواقب نابرابری در توزیع درآمد، که منجر به فقر می‌شود، مطرح و شاخصهای نابرابری را در ایران بازگو خواهم کرد. سپس به بررسی اعتبار فرضیه‌هایی در مدل توسعهٔ کشورهای در حال توسعه که در ایران به‌دست آمده است، خواهم پرداخت.

■ علل و ریشه‌های فقر

دو علت عمده، در مورد وقوع فقر وجود دارد:

۱- پایین بودن درآمد، که در این زمینه علت‌های مختلفی؛ مثل پایین بودن بازدهی عوامل تولید، عدم هماهنگیهای طبیعی - جغرافیایی و ...
۲- نابرابری توزیع درآمد، که شاید مهمترین علت فقر در کشورهای در حال توسعه است. یعنی در این کشورها (کشورهای در حال توسعه)، کمبود درآمد به آن شدت که مطرح است، وجود ندارد، بلکه آنچه مهم است، این است که قسمت اعظم درآمد، در دست قشر محدودی از جامعه قرار دارد که این امر، منجر به گسترش فقر عدۀ کثیری از جمعیت این کشورها شده است.

شناخت الگوی درآمد، از دو جهت برای هر جامعه‌ای حایز اهمیت است: ۱- برای تأمین نیازهای حیاتی، که در واقع محور توسعه اقتصادی است (هنگامی که الگوی دههٔ ۶۰ و ۵۰ محور اصلی توسعه را در کشورهای در حال توسعه، نیروی

انسانی قرار داده بودند) ۲- نابرابری در توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه در شروع برنامهٔ اقتصادی - اجتماعی، باعث انباشت سرمایه که محور اصلی توسعه یافتگی است، می‌شود.

به علت پایین بودن میل نهایی به مصرف در قشر پردرآمد، میزان پس‌اندازها و در نتیجه، انباشت سرمایه افزایش خواهد یافت و بر این اساس، محور توسعه، انباشت سرمایه قرار می‌گیرد. البته اعتبار این زمینه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، مورد تردید است. به این علت که این طبقه خاص در این جوامع وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد، به علت نقش بازارهای مالی یا عدم تشکیل این بازارها در اقتصاد کشورهای جهان سوم، این‌گونه پس‌اندازها به انباشت سرمایه و استفاده در بخش تولیدی نمی‌شود، بلکه منجر به سرمایه‌گذاریهای غیر تولیدی، نظیر بخش بازرگانی و تجارت و در بهترین شکل خود به جریانهای بین‌المللی سرمایه می‌پیوندند. در عین حال، تجربهٔ کشورهای در حال توسعه نشان داده است که این گروه، نه تنها پس‌انداز کننده نیستند، بلکه از مصرف بالایی نیز برخوردارند. از طرف دیگر، الگوی دیگری که در این زمینه مطرح شد، این بود که محور اصلی توسعه، انباشت سرمایه است با این فرض که انباشت سرمایه با یک دیدگاه تجلی تری، منجر به رشد اقتصادی می‌شود و رشد اقتصادی، باعث عرضهٔ بیشتر کالاها به بازار و

کاهش قیمت‌ها و در نتیجه، افزایش قدرت خرید افراد فقیر می‌گردد و ادامهٔ رشد اقتصادی منجر به بهبود وضعیت افراد فقیر می‌شود. به عبارتی، رشد اقتصادی، توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد. بنابراین، اکثر الگوهایی که در دههٔ ۶۰ در جهت رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه تدوین شدند، تأکید خاصی بر مسأله انباشت سرمایه و مسأله تراز پرداختها در این کشورها داشتند. از جمله خط‌مشی این کشورها، جانشینی و واردات، تشویق صادرات و اصولاً مدلهایی که تأکید بر تجارت خارجی داشتند، بود. اقتصاد ایران نیز در دههٔ ۴۰ و ۵۰ شدیداً از این الگو استفاده کرد. این کشورها، حتی اکثر با کمبود سرمایه مواجه بودند، این مشکل را در کوتاه مدت و میان مدت از طریق پس‌اندازهای خارجی، مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی و در نهایت سرمایه لازم را از طریق فروش ثروتهای ملی خود مانند نفت به‌دست می‌آوردند.

این کشورها، گاهی میزان رشد بسیار بالایی را شاهد بودند، ولی این میزان رشد دایمی نبوده تانیاً به رغم این رشدهای بالا به خصیصه‌های توسعه‌نیافتگی، مانند میزان بالای مرگ و میر کودکان، بیکاری، نابرابری توزیع درآمد، عدم مهارتهای لازم برای نیروی کار، کمبود منابع مدیریتی و سازمانی را به همراه داشته‌اند. البته در دههٔ ۷۰، این رشدها محدود شد و در دههٔ ۸۰، شاهد یک تحول اساسی در نگرش الگوهای توسعه برای کشورهای جهان سوم بوده‌ایم.

گذشته از این بحثها، در شرایطی که بازارها رقابتی است و توزیع برابر، در جریان توسعه با توجه به چرخش سرمایه و پیشرفت تکنولوژی گرایش به سمت پروژه‌های سرمایه‌بر بیشتر خواهد بود، این انتظار وجود دارد که اگر به توزیع درآمد در ضمن برنامه‌های توسعه توجهی نشود، در اجرای برنامه توسعه، فقر گسترش یابد و همچنین، انتظار نمی‌رود که تحقق رشدهای بالا بتواند، مسأله توزیع درآمد را به صورت برابر تحقق بخشد. پس اگر در ابتدای برنامه‌ها از یک توزیع نابرابر درآمد برخوردار باشیم، احتمال اینکه فواید حاصل از رشد نیز به گونه‌ای بسیار نابرابر بین اقشار مختلف جامعه توزیع شود، وجود دارد. ملاحظه می‌کنید که در کارایی سیاستهای لازم و راه رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، اختلاف نظرهای بسیار گسترده‌ای وجود دارد. گروهی با استناد بر مطالعات و تجربیات گورنس بیان می‌کنند: نابرابری توزیع درآمد (از طریق تشکیل سرمایه) و کمک به انباشت سرمایه، رشد این اقتصادها را تسریع می‌کند. تجربه کشورهای در حال توسعه، نشان داده است: که توزیع درآمد می‌تواند عامل محدودکننده‌ای در فرایند رشد اقتصادی باشد. بنابراین، ما باید به مسأله توزیع درآمد، در خلال برنامه‌های توسعه توجه نماییم. مسلماً در فرایند توسعه، بازدهی عوامل تولید (کار و سرمایه) بهبود می‌یابد. اما بهبود وضعیت نیروی کار به چند پیش فرض بستگی دارد: در ابتدا کارایی نیروی کار، باید از کارایی سرمایه بیشتر باشد حتی اگر چنین اتفاقی بیفتد، یعنی بازدهی نیروی کار، سریعتر از سرمایه افزایش یابد و سهم نیروی کار در فرایند توسعه ثابت بماند. اما چون در این فرایند، تمایل به استفاده از تکنولوژیهای سرمایه‌بر وجود دارد و این سرمایه‌گذارها نیاز به نیروی کار ماهر دارند، در فرایند رشد در بازار نیروی کار، شاهد یک توزیع عادلانه درآمد خواهیم بود، چرا که، در جریان چنین رشدهایی، عمدتاً نیروی کار ماهر می‌تواند جذب شود و از فواید رشد بهره‌مند گردد.

بنابراین، تحت چنین شرایطی بازار کار یک بازار دو قطبی خواهد بود و می‌توانیم نابرابری توزیع درآمد را در این بازار مشاهده نماییم.

■ اشارهای مختصر بر پیامدهای یک توزیع نابرابر درآمد

در بسیاری از مواقع، وقتی شما توزیع درآمد را مطرح می‌کنید، بیشتر جنبه‌های عدالت خواهی برای شما مطرح است و برای نیل به این هدف، یک سری سیاستهای کوتاه مدت، نظیر پرداخت یارانه، پرداختهای انتقالی دولت و توزیع دولتی کالا و نظایر آن در نظر گرفته می‌شود، در حالی که این نوع سیاستها قادرند، تخصیص بهینه منابع را برهم زنند و در نهایت، از طریق فشارهای تورمی، آثار چنین سیاستهایی بر روی اقشار فقیر محدود می‌شود. یکی دیگر از پیامدهای توزیع نابرابر درآمد، این است که؛ وقتی تمرکز درآمد در دست قشر کوچکی است و قشر کثیری از جمعیت در فقر به سر می‌برند، رشد اقتصادی محدود می‌شود، به این دلیل که تقاضای بخش خصوصی توسط گروهی پردرآمد، شکل می‌گیرد که گروه کوچکی از جامعه را تشکیل می‌دهند. در حقیقت، گسترش بازار، وابسته به تقاضای ۲۰ یا ۱۰ درصد از جامعه می‌شود. ممکن است، این سؤال ایجاد شود که، کوچک بودن بازارهای یک اقتصاد، در یک اقتصاد بسته امکان‌پذیر است و تحت شرایطی که اقتصادباز است و با اقتصاد بین‌المللی در ارتباط است، چنین امری میسر نیست. این بحث منتفی است، زیرا می‌دانیم که ساختار بازار داخلی، تعیین‌کننده میزان تولید بنگاههای اقتصادی است. و امکانات صادراتی یا گسترش بازارهای بین‌المللی در یک اقتصاد، به شاخصهای کارایی که خود بستگی به قیمت‌های رقابتی دارند، امکان‌پذیر است. بنابراین، تقاضای گروه کوچک پردرآمد، تعیین‌کننده میزان تولید و سطح تقاضا است. از طرف دیگر، میزان نابرابری در توزیع درآمد، به شدت تحت تأثیر، کنترل و افزایش هزینه مصرفی گروه پردرآمد است.

در تمام دوره‌هایی که مورد بررسی قرار داده‌ایم، بیش از ۵۰ درصد از رشد مصرف در اقتصاد ایران، مربوط به ۲۰ درصد از افراد جامعه (پردرآمد) است و ۴۰ درصد افراد فقیر در دوران پس از انقلاب اسلامی به بهای کاهش رشد مصرف گروه میانه، از بهبود نسبی برخوردار شدند. در حقیقت، این رشد مصرف گروه پردرآمد است که به تولیدکننده می‌گوید: چه کالایی و به چه میزان باید تولید شود.

وقتی تقاضای گروه کثیری از جامعه از بازار محدود باشد، این به معنی محدودیت در گسترش بازار است. و از طرف دیگر تقاضاکنندگان پردرآمد، تقاضاکننده کالاهای لوکس هستند که از کسب درآمدی بالا برخوردارند. سهم نیروی کار (دستمزد) در تولید این نوع کالاها بسیار پایین است. لذا سطح تولید و افزایش تقاضای این گروه، تأثیری بر سهم نیروی کار ندارد. حاصل چنین محدودیتهایی در بازار، محدودیت رشد اقتصادی خواهد بود. تولیدکنندگان در چنین اقتصادی، فقط به دنبال تنوع کالا و حفظ رشد در مصرف‌گرود پردرآمد در جامعه خواهند بود. چنین اقتصادی به جای این که هدف آن تولید انبوه باشد، تنوع تولید خواهد بود. بخشهای تولیدکننده این کالاها، که بالقوه از بهره‌وری بالاتری برخوردارند، قادر خواهند بود که منابع موجود در سایر بخشها را (که عمدتاً نیروی کار در آن شاغل هستند) به سمت خود جذب کنند. در عین حال، در اقتصادی که از منابع ارزی قابل توجهی برخوردار است، بخشی از تقاضای گروه پردرآمد، متوجه کالاهای مشابه خارجی است. بنابراین، حتی رشد بالای مصرف گروه پردرآمد در اقتصادهایی که درآمد ارزی آنها بالاست، کمک به رشد بازار و تولید نمی‌کند. این تجربه را به وضوح در دوره‌های رونق اقتصادی یعنی سالهای (۵۴ - ۵۱) در اقتصاد ایران، شاهد بودیم. پیامد محدودیت گسترش بازار یا تنوع در تولید به جای تولید انبوه، این است که سبب افزایش تقاضا برای کالاهای جدید می‌شود. در عین حال کوچک بودن بازار، اجرای این طرحها را محدود می‌کند. پس از راه‌اندازی اولین واحدهای تولیدی از این نوع، اندیشه ادغام این واحدها به علت این که حداقل سود این‌گونه واحدها در سطح کلان حفظ شود، شکل می‌گیرد. و گرنه، در سطح فردی این واحدها، بسیار زود از کارایی و سوددهی باز می‌ایستند. یک اثر محدود ماندن تولید نیز وابستگی شدید به واردات و غیر کارآمدن تولید در بخش صنعت دارد. از این شرایط، معمولاً راهبردهای حمایتی توصیه می‌شود. (یعنی انتقال منافع حاصل از رشد بخش کوچک مدرن در اقتصاد به مصرف‌کنندگان این کالا یا به عبارت دیگر یارانه‌ای کردن کالا و گسترش بازار به شکل مصنوعی است). این مسأله را شما در مورد اکثر کالاهای تولیدی بخش صنعت در ایران شاهد هستید. به محض این که کالاهایی تولید

می‌شوند، به علت این که هزینه تولید آنها بالاست، مصرف‌کنندگان قادر به خریدن آنها نیستند و تولیدکنندگان مجبورند، برای تأمین هزینه‌های خود از سیاست‌های یارانه‌ای استفاده نمایند. یکی از مرسوم‌ترین این سیاست‌ها، فروش اقساطی این کالاها به مشتری است. بنابراین، گسترش مصنوعی بازار، یعنی تأکید بر دوگانگی اقتصاد همراه با فشار توزیع درآمد و ایجاد مصرف نامتعادل، مجدداً منجر به تکرار این روش می‌شود.

■ نابرابری توزیع درآمد در ایران

با این که، اقتصاد در ایران را نمی‌توان بر اساس برخی از شاخص‌های رشد اقتصادی، جزء کشورهای فقیر طبقه‌بندی کرد، اما بر اساس معیارهایی، نظیر: سهم بخش صنعت، اشتغال، مهارت نیروی کار و سرمایه‌های انسانی و توزیع درآمد، در زمره کشورهای فقیر قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد که دو عامل در ایجاد و گسترش فقر بیشتر از بقیه سهمیه بوده است. اولاً، بیکاری، که حاصل به کارگیری خط‌مشی‌های پیشنهادی توسعه در دهه ۶۰ و ۵۰ بود، که هدف آن، حداکثر کردن رشد اقتصادی در اقتصاد ایران بود. لذا، راهبردهایی در این رابطه انتخاب می‌شود که توجه کمتری به ساختار بازار کار در ایران دارد، عمدتاً راهبردهایی از نوع جانشینی واردات و از نوع تولید کالاهای مصرفی یا مونتاژ می‌باشند که به شدت سرمایه بر و تکنولوژی‌پر هستند و با ساختار بازار ایران سازگاری ندارند. زیرا، احتیاج به نیروی کار ماهر دارند. دوم و شاید مسأله مهم، نابرابری توزیع درآمد در اقتصاد ایران است و این مسأله در اقتصادهایی که از درآمدهای بیرون‌زای خارج از مکانیزم تولید، مانند درآمدهای نفتی برخوردار هستند، بیشتر نمود دارد.

برخلاف اهمیت مسأله توزیع درآمد، اندازه‌گیری‌های آن هم با محدودیت‌های فراوان همراه است. از جمله این که هر اقتصادی با بازارهای غیر رسمی گسترده روبروست. برای اندازه‌گیری توزیع درآمد، معمولاً به بازار کار سازمان یافته مراجعه می‌شود و اطلاعات از این بازار جمع‌آوری می‌گردد. همین امر سبب می‌شود، که برآورد صحیحی به دست نیاید. در عین حال، این اطلاعات با تکنیک نمونه‌گیری به دست



می‌آید که لزوماً تمام موارد را دربر نمی‌گیرد. همچنین پرکردن پرسشنامه، دارای محدودیت‌های زیادی است که بیشتر این محدودیت‌ها مربوط به پرسشگر می‌باشد چرا که گاهی، خود پرسشگر به مفهوم درآمد و قوف کامل ندارد. مثلاً، در بخش سنتی ایران بخشی از درآمدها به صورت کالایی و نه ریالی دریافت می‌شود، که در پرسشنامه‌ها مطرح نمی‌شود. و بخشی نیز مربوط به پاسخگو می‌باشد. معمولاً پاسخگو هم، از اظهار درآمد واقعی خود پرهیز می‌کند و در نتیجه، برای اندازه‌گیری توزیع درآمد از داده‌های مصرف استفاده می‌کنیم. با این پیش فرض که نابرابریها و نوسانات شدید درآمد در الگوی مصرف وجود ندارد، در ضمن کم‌گویی در ارقام، مربوط به مصرف نیست، اما باید توجه داشت که درآمدهای غیردائمی، در مصرف و ضریب میل نهایی به مصرف، نقش کمتری دارند. دوم این که مصرف تحت تأثیر الگوی جنسی، سنی، شغلی و بعد خانوار و همچنین سطح عمومی قیمت‌ها قرار دارد. بنابراین، در هنگام استفاده از این داده‌ها، در تعیین توزیع درآمد، باید موارد را تعدیل کرد. در مورد ایران، تقریباً، هیچ‌گونه اطلاعاتی برای اندازه‌گیری توزیع درآمد و نه از طریق درآمد نه از

طریق مصرف صورت نمی‌گیرد. در اقتصاد ایران، شاخصهایی که برای توزیع درآمد استفاده می‌شود، بر اساس اطلاعات مصرف است. البته این ارقام نیز کامل نیست، و هدف آن، نشان دادن توزیع درآمد نیست، به این علت که، در اقتصاد ما در مورد مصرف، سیاست‌های حمایتی وجود دارد و مصرف‌کننده کم‌درآمد، برای بهره‌مندی از این سیاست، اقلام واقعی خود را بیان نمی‌کند و گروه پردرآمد هم از بیان بسیاری از مصارف خود امتناع می‌ورزد. یکی دیگر از دلایل نابرابری در توزیع درآمد، شکاف بارز بین درآمد مناطق شهری و روستایی است. از یک طرف مربوط، به تفاوت آشکار بهره‌وری عوامل تولید در بخش روستایی و شهری است و از طرف دیگر، مربوط به نابرابری درآمد در درون شهر و روستا می‌باشد. حالا اگر ارزش افزوده شاغلین دو بخش را به عنوان عامل بهره‌وری عوامل تولید بدانیم، ملاحظه می‌کنید که در سالهایی که رشد اقتصادی سریع تر بوده است، یعنی، سال‌های رونق اقتصادی (۵۴-۵۰) بهره‌وری نیروی کار شهری ۷ برابر بهره‌وری کار روستایی است. این شکاف عمدتاً در برنامه‌های سوم و چهارم و پنجم قبل از انقلاب آگاهانه صورت می‌پذیرفت که مربوط به دوگانگی اقتصادی است.

این شیوه ناشی از اصل نوگرایی اقتصاد بوده است که با تولید به مقیاس انبوه و کاربرد روشهای نوین در تولید، بر پایه انتقال دانش فنی اشتباه گرفته می شود. خطامشی جانشینی واردات در صنایع مصرفی. عمدتاً در بخشهای شهری شکل می گیرند و از بازدهی بالایی برخوردار هستند و جاذب نیروی کار ماهر می باشند و به همین دلیل، بهره‌وری نیروی کار شهری را افزایش می دهد، در نتیجه، قادر خواهد بود سایر منابع موجود را نیز علاوه بر نیروی کارشان از دیگر بخشها به سوی خود جذب کند. دلیل دیگر در این زمینه، مربوط به ثبات نسبی قیمت کالاهای کشاورزی در مقایسه با محصولات صنعتی (بخش کوچک یا مدرن) شهری است. تجربه اقتصاد ایران نشان می دهد که به دلایل مختلف از بروز افزایش قیمت در بخش کشاورزی جلوگیری به عمل آمده است. به طور مثال، هر وقت رونق اقتصادی یا رونق بازار نفت وجود داشته است، قیمت محصولات کشاورزی در مقایسه با سایر بخشها تثبیت یا پایین نگاه داشته می شود و این امر به ضرر بخش کشاورزی است. از طرف دیگر، افزایش قیمت کشاورزی مربوط به افزایش هزینه‌های جانبی این بخش می باشد. مثل صنایع بسته بندی و حمل و نقل. معمولاً افزایش قیمت محصولات تولیدکنندگانی را منتفع می کند که محصولاتشان را به بازار عرضه می کنند.

در اقتصاد ایران، سهم بزرگی از تولیدات کشاورزی مربوط به تولیدکنندگان خود مصرف می باشد که از این افزایش قیمت بهره‌ای نمی برند. از نظر توزیع درون بخش شهری و روستایی، همان نابرابری که در بخش شهری وجود دارد، در بخش روستایی نیز به چشم می خورد. این اطلاعات نشان می دهد که به طور متوسط ۶/۵ درصد از کل مصرف کشور مربوط به ۱ درصد قشر پردرآمد است و این در شرایطی است که ۲۰ درصد قشر فقیر فقط ۴/۶ درصد از مصرف را در اختیار دارند. حال اگر این نابرابری را در درآمد در نظر بگیریم، به این معناست که ۶/۵ درصد از تولید ناخالص ملی در دست ۱ درصد از قشر پردرآمد و ۴/۶ درصد آن در دست گروه فقیر جامعه می باشد. عوامل مختلف ایجاد این نابرابری، از طریق تغییرات درآمدی، قابل بررسی است. تکنیک تغییر تحلیلات، مثل تکنیک آنالیز

واریانس قادر است، سهم انواع نابرابریها را در کل نابرابریها اندازه گیری کند.

آنالیز واریانس، تفاوتها را حول نقطه میانگین اندازه گیری می کند. در مسأله نابرابری هر جفت مشاهده برای ما مهم است. بنابراین با محاسبه تکنیک تفاوتهای هر جفت مشاهده شده، می توان به مجموع نابرابریهای جامعه پی برد. معنی این تکنیک، این است که قابل تعمیم به صفات و شاخصهای دیگر هم هست.

یکی از عوامل مهم در کسب درآمد، نوع شغل است. بر اساس طبقه بندی مرکز آمار، ۹ گروه شغلی را در نظر گرفتیم. ۹ گروه شغلی در شهر و ۹ گروه شغلی در روستا و تفاوت بین درآمد این مشاغل را در شهر و روستا اندازه گیری کردیم، مهمترین عامل، در نابرابری درآمد در مشاغل مختلف روستایی مربوط به مالکیت زمین است. درآمد مالکان زمین، با درآمد سایر مشاغل در روستا بسیار متفاوت است. عامل دوم نابرابریهای متقابل بین شهر و روستا است. از جمله عواملی که در کسب درآمد و توزیع آن مؤثر است، میزان اشتغال و مهارت نیروی کار است، اطلاعات مربوط به سطوح درآمدی و اشتغال نشان می دهد که رابطه مستقیمی بین بیکاری و گروههای درآمدی وجود دارد. حدود ۴۸ درصد خانوارهای (شهری و روستایی) خانوارهایی هستند که هیچ عضو شاغلی ندارند. به تدریج که از گروههای کم درآمد به سمت گروههای پردرآمد حرکت می کنیم، سهم خانوارهای بدون فرد شاغل کاهش می یابد. شاید به نظر عجیب برسد که چگونه گروههای پردرآمد، بدون فرد شاغل تعریف می شود، علت این است که اولاً، این خانوارها بسیار محدود هستند. ثانیاً این خانوارها، خانوادهایی هستند که با درآمد حاصل از دارایی، امرار معاش می کنند و لزوماً فقیر تعریف نمی شوند. ولی نسبت آنها بسیار کم است، در مجموع، ۱/۳۷۴۰۰۰ خانوار در سال ۶۸ فاقد عضو شاغل در خانوار هستند و با هر معیار اقتصادی، فقیر محسوب می شوند، ولی اگر بعد خانوار ۴/۸ نفر را هم در نظر بگیریم حدود ۶/۵۰۰۰۰۰ خانوار ایران، هیچ عضو شاغلی ندارند و نکته مهم این است که این نسبت، نسبت به سال ۱۳۵۱، چیزی حدود ۴۰ درصد افزایش داشته است. علاوه بر این، در مورد خانوارهایی با عضو شاغل در مناطق شهری در برابر ۴/۳ نفر

یک عضو شاغل و در مناطق روستایی در برابر ۳/۶ نفر یک نفر عضو شاغل وجود دارد. به عبارت بهتر، در شهر، هزینه ۴/۳ نفر را یک نفر تأمین می کند. بنابراین، می توان گفت: فقر در گروههای شاغل نیز به طور گسترده وجود دارد و درآمدی که یک نفر در یک خانواده کسب می کند، به طور سرانه بین تعداد افراد خانواده تقسیم می شود و این درآمدی نیست که افراد را از سطح فقر بالاتر ببرد. ویژگیهای دیگر افراد فقیر در ایران تراکم خانوارها در بخش ساختمان، کشاورزی و مشاغل طبقه بندی نشده است. چیزی حدود ۲۱/۸ درصد افراد ساکن شهر و ۴۴/۳ درصد افراد ساکن روستا مزدبگیر هستند. یعنی، دریافت کنندگان درآمد ثابتی هستند که با افزایش تورم، قدرت خریدشان محدود می شود. حدود ۶۲ درصد از سرپرستان خانوادهها، به صورت مستقل فعال هستند. چنین واحدهایی کوچک و خوداشغالی از نظر بهره‌وری و در نتیجه کسب درآمد در سطح پایینی قرار دارند و تنها در اثر سیاستهای حمایتی هستند که توانسته اند، خودشان را در مقابل واحدهای بزرگ تولیدی، که از بهره‌وری بالایی برخوردار هستند، حفظ کنند.



تصحیح و پوزش

در شماره ۱۹۴ ماهنامه علمی جهادگزارشی مختصر از اجلاس کارشناسی احیای اکوسیستمهای جنگلهای تخریب شده با نام آقای داریوش تمدنی در صفحه ۹۵ به چاپ رسید، لازم است ذکر کنیم که اصل این گزارش توسط آقای دکتر مصطفی جعفری رئیس موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع وزارت جهادسازندگی تهیه گردیده است و ترجمه گزارش اجمالی آن توسط آقای داریوش تمدنی صورت گرفت.

آقای دکتر مصطفی جعفری در این اجلاس به عنوان نماینده آسیا و جمهوری اسلامی ایران و رئیس پانل، ریاست گروه آسیا IV عهده دار بودند و از طرف کمیته سازمان دهنده آقای فرناندوموتا رئیس اجلاس مورد تقدیر قرار گرفته اند.

همچنین لازم می دانیم، یادآور شویم گزارش کامل این اجلاس در شماره آتی از نظر گرامیتان می گذرد.



آبخیزداری رهیافتی برای اشتغال زایی و فقرزدایی در مناطق روستایی

■ سیدجواد ساداتی نژاد

ژوئیه ۱۳۹۷، شماره ۱، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات فرهنگی

هدف نهایی آبخیزداری، اعمال مدیریت جامع‌نگر در تمام آبخیزهای کشور است، به نحوی که میزان هدررفتن آب و فرسایش خاک، به حداقل ممکن تقلیل یابد و با بهره‌برداری مناسب منطقی و بهینه از سرزمین، کلیه فعالیت‌های مربوط به منابع طبیعی و کشاورزی، از زیربنای اقتصادی و اجتماعی مستحکمی برخوردار باشند.

■ چکیده

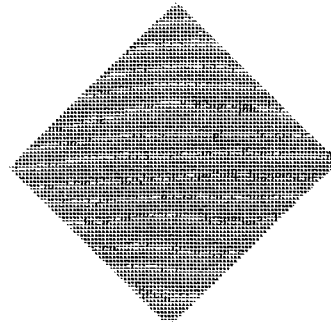
آب و خاک، دو فاکتور مهم در فرایند توسعه روستایی هستند، با این که موجودی آب کشور، قادر است خودکفایی را در مورد این عنصر حیاتی تأمین کند، ولی متأسفانه، درصد کمی از توان موجودی آب کشور، در زمینه تولید کشاورزی به کار گرفته می‌شود.

طرح‌های آبخیزداری می‌تواند، تا حدی از این معضل بکاهد. فرسایش خاک در کشور نیز، روندی شتابان دارد و زیانهای ناشی از آن، نگران‌کننده است، ولی آبخیزداری با روش‌های خود، درصد مهار آن برآمده و راه‌حلهای مختلفی را ارائه نموده است.

هزینه‌ای که در این بخش صرف می‌شود، قسمت عمده آن به طور مستقیم عاید روستاییان خواهد شد. همچنین، اشتغال موقت ایجاد شده ناشی از اجرای این طرحها نیز، از نظر اقتصادی مهم می‌باشد. با توجه به این مطالب، آبخیزداری به عنوان یک راهبرد در جهت فقرزدایی و اشتغال‌زایی، در مناطق روستایی مطرح است.

■ مقدمه

زمانی که بشر بر عرصه کره خاکی کشاورزی را ابداع نمود، طبیعت بکر توانایی تحمل دخالت بشر در اکوسیستم خود را در حد خرد داشت؛ اما با افزایش جمعیت، در طول قرن‌ها، هر روزه، بر این مداخله بی‌حدوحدر افزوده شد و بدون توجه به توانایی زمین بهره‌کشی از آن ادامه یافت. انسان برای تأمین غذا و معاش خود، مراتع را به دیمزارها تبدیل نمود و جنگلها را تخریب و



دامنه‌های پرشیب را شخم زد و تعادل طبیعت را مخدوش نمود. همچنین استفاده بی‌رویه و غیرمجاز از زمینهای کشاورزی و جنگلها و چرای بی‌رویه و مفرط و عدم رعایت اصول مرتداری، بر و خامت اوضاع افزوده و باعث بروز معضلاتی چون نابودی جنگلها، مراتع، آبخیزها، فرسایش خاک و تولید رسوبات گردیده است.

این تخریب علاوه بر از بین بردن خاک حاصلخیز کشاورزی، موجب بروز سیلابهای سهمگین شده که سالیان سال جان و مال مردم را مورد تهدید قرار داده و می‌دهد و علاوه بر وارد کردن خسارت، حجم زیادی رسوب را در مخازن سدها انبار می‌نماید و از این طریق نیز، میلیونها تومان خسارت وارد می‌آورد.

از آنجایی که ایران، از جمله کشورهایی است که در مناطق خشک و نیمه خشک جهان قرار دارد، معضل کمبود آب، نیز بر مسائل فوق افزوده می‌شود؛ بنابراین، برای ادامه حیات، تأمین آب نیز، از نیازهای ضروری کشاورزی این کشور بوده و برای سازگاری با محیط، استفاده بهینه از منابع آب و خاک امری اجتناب ناپذیر است. حال در شرایط کمبود آب، از دست رفتن اندک آب موجود، به صورت سیل ویرانگر خود جایگاه مطلب را روشن می‌سازد. همچنین، هر ساله میزان نفوذ باران به داخل خاک، به دلیل عدم پوشش گیاهی مناسب، کاهش می‌یابد و این کاهش موجب کمبود آبهای زیرزمینی از یک سو و افزایش روانابهای سطحی از سوی دیگر می‌گردد که عمدتاً از دسترس کشاورزان خارج می‌شود.

با توجه به مطالب ذکر شده، می‌توان کمبود آب و فرسایش خاک را از تنگناهای توسعه اقتصادی در ایران دانست که هر گونه مساعدت در بهبود وضعیت این دو عامل، می‌تواند گامی در جهت توسعه اقتصادی به خصوص در مناطق روستایی باشد.

آبخیزداری علمی است که در این راستا ظهور یافته است و راهبرد آن در مناطق خشک، بر این است که از فرسایش خاک ناشی از سیلابها جلوگیری کند و با کنترل سیلابها و نفوذ آن در زمین، موجب تقویت آبهای زیرزمینی گردد.

امروزه، اعتقاد بسیاری از کارشناسان بر این است که بخش مهمی از معضلات مربوط به منابع آب و خاک کشور به دلیل اختلال در واحدهای

طبیعی است که اصطلاحاً به آن آبخیز گویند.

حوزه‌های آبخیز، بستر توسعه روستایی هستند که به تبع آن، توسعه کشاورزی و توسعه اقتصادی به وجود خواهد آمد. هر کار اصلاحی که در حوزه‌های آبخیز در بالابردن کیفیت و کمیت منابع آن انجام گیرد، مستقیماً بر ساکنین این مناطق به خصوص، روستاییان تأثیر خواهد گذاشت.

مقاله حاضر، با ارایه دلایل و روشهای مطرح شده، نقش این علم را در فقرزدایی و اشتغال‌زایی در مناطق روستایی نمایان می‌سازد.

■ توسعه روستایی

۱- توسعه

برای توسعه، تعاریف مختلفی ارایه شده است. توسعه، عبارت است از: درجه‌ای از تحول، که جامعه را بر اساس ویژگیهای مربوط، برای نیل به آرمانها و اهداف خود هدایت می‌کند.^۱ توسعه عبور از یک مرحله، به مرحله دیگر، همراه با تغییرات اساسی در کیفیت و کمیت و اشاراتی روشن بر پیشرفت و ترقی و گسترش دامنه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فنی و ... است.

توسعه، علاوه بر بهبود وضع درآمدها و تولید، متضمن تغییراتی بنیادی در ساخت نهادهای اجتماعی - اداری و طرز تلقی عامه و حتی آداب و رسوم و اعتقادات است. در اصل، توسعه باید نشان دهد که: مجموعه نظام اجتماعی و سطح زندگی مردمی که در آن زندگی می‌کنند، از حالت نامطلوب و ناخواسته و توأم با فقر و فلاکت گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی در زندگی که هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی بهتر است، سوق می‌یابد و بر همین اساس است، که هر کشوری در راه توسعه تلاش می‌کند.^۲

۲- ضرورت توسعه روستایی

واقعیت مهم این است که؛ قشر عظیمی از فقیرترین مردم جهان، در مناطق روستایی سکونت دارند و عمدتاً به کشاورزی اشتغال دارند. اگر قرار است که توسعه انجام گیرد و مستمر باشد، آیا بهتر نیست که توسعه به طور اعم از مناطق روستایی و به طور اخص، بر اساس محوریت کشاورزی آغاز شود؟ بدون توسعه کشاورزی و روستایی، رشد صنعتی یا موفق نخواهد شد یا اگر

موفق شود، عدم تعادل شدید داخلی را در اقتصاد ایجاد خواهد کرد و باعث فقر و نابرابری و بیکاری خواهد شد.

«روستاییان، سرمایه‌های یکتا و بی‌بديل هر دولت و ملت، در هر جا و هر مکان و در هر عصر و زمان و مولدان خستگی‌ناپذیر در مبارزه با ناملایمات طبیعی، و روستا، یعنی کانون اصیل تشکلهای انسانی برای توسعه ملی و واحد بنیانی تولید در نظام اقتصاد ملی می‌باشند.

روستا بستر تولید خواربار، برای تغذیه ملت و ملتها است و به قوت می‌توان گفت: روستا، یعنی؛ پایگاههای بقای موجودیت و تأمین استقلال اقتصادی هر کشور».^۳

«توسعه روستایی، یعنی؛ بهره‌برداری بهینه از منابع موجود و عوامل در دسترس مولدان جامعه روستایی و گسترش اشتغالهای مولد و رونق فعالیت‌های اقتصادی در هر واحد روستایی و بهره‌مندی جوامع روستایی از خدمات زیربنایی لازم تولید و اشتغال».^۴

توسعه روستایی را می‌توان، عاملی در جهت بهبود شرایط زندگی افراد متعلق به قشر کم‌درآمد ساکن روستا و خودکفا ساختن آنان در روند توسعه کلی یک کشور دانست.^۵ به همین دلیل، توسعه روستایی راهبردی است که به منظور بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه خاصی از مردم (روستائیان فقیر) طراحی شده است. این فرایند، شامل بسط منافع توسعه در میان فقیرترین اقشاری است که در مناطق روستایی در پی کسب معاش هستند. همچنین، ارتقای استانداردهای زندگی توده‌های کم‌درآمد ساکن در مناطق روستایی و خودافزا کردن فرایند توسعه‌شان به عنوان توسعه روستایی تعریف شده است».^۶

جامعه‌ای در مسیر پیشرفت و توسعه قرار می‌گیرد که از همه توان و نیروی خود در جهت بهره‌وری بهتر استفاده کند. باید زمینه‌هایی را فراهم آورد، که هر کسی به اندازه توان خود جامعه را به سوی توسعه سوق دهد. بسط و تقویت کشاورزی برای تولید غذا، اشتغال و درآمد بیشتر، می‌تواند به صورت شمشیر لبه‌ای عمل نماید؛ در عین حال که مشکل گرسنگی را از بین می‌برد، ممکن است سبب تخریب منابع طبیعی، مانند: خاک و آب که نسلهای آینده به آنها وابسته هستند، شود. به این دلیل، توسعه پایدار و

غیرمضر به محیط زیست، جزء سیاستها و برنامه‌های اولویت‌دار می‌باشد»^۷

اصولاً، تمام متخصصین توسعه بر این عقیده‌اند که: ریشه‌کنی فقر و ایجاد برابری، از شرایط ضروری برای ایجاد توسعه است. شاید بتوان گفت: بروکفیلد، ساده‌ترین تعریف را که قابل فهم باشد، از توسعه ارائه داده است. وی معتقد است: «توسعه، فرایندی در جهت اهداف رفاهی، کاهش فقر و بیکاری و نابرابری است»^۸. به عبارت دیگر، «توسعه روستایی، مجموعه‌ای از معانی یا یک سلسله ارزش‌هایی است که هدف نهایی آن، نیل به کیفیات مطلوب و متعالی، برای اعضای جوامع روستایی است». مسلماً دستیابی به این اهداف (کاهش فقر و بیکاری)، با تغییر و تحولاتی از ساختار اجتماعی افراد همراه است. در توسعه روستایی، هدف بهبود بخشیدن به وضعیت «اقتصادی - اجتماع» روستاها و ایجاد اشتغال و ریشه‌کنی فقر و افزایش درآمد در روستاهاست».

هدف از توسعه روستایی، این است که: جامعه روستایی، دگرگون شود و در مسیر رشد و ترقی قرار گیرد و هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی، رشد و ترقی پیدا کند و بتواند، از منابعی که در محیط زیست خود دارد، بهره‌برداری نماید و استعدادهای بالقوه وی شکوفا شود و خود حاکم بر زندگی خویش باشد.

۴- علل توسعه نیافتگی روستاها

در مورد علل توسعه نیافتگی روستاها، عوامل مختلفی ذکر می‌شود: کمبود امکانات آموزشی، بی‌سوادی و غیره، ولی آنچه در این قسمت محور بحث این مقاله می‌باشد که یکی از مهمترین دلایل توسعه نیافتگی روستاهاست، عدم استفاده بهینه از منابع تولید در محیط‌های روستایی است که مهمترین آنها آب و خاک است.

بدیهی است که آب و خاک، دو عنصر مهم و اصلی در امور کشاورزی - دامپروری و غیره می‌باشد. روستاهای ویران شده یا در حال ویرانی بسیاری، در گوشه و کنار کشورمان مشاهده می‌شود که به علت کمبود آب و خشک شدن مزارع، باغات و پیشروی کویر، ساکنان آنان مجبور شده‌اند، ترک دیار کرده، به سوی شهرها مهاجرت کنند.

بخش قابل ملاحظه‌ای از کشورهای در حال توسعه، از جمله کشور خودمان را روستاییان

تشکیل می‌دهند. مهاجرت آنها به شهرها، باعث به وجود آمدن مشکلات عظیم برای زندگی شهرنشین خواهد شد و جامعه از حالت مولد بودن خارج شده و به مصرف‌گرایی سوق داده خواهد شد. اکنون باید ببینیم مهاجرت ریشه در چه عاملی دارد؟ در یک کلام باید گفت: مهاجرت ریشه در فقر دارد و این فقر، ناشی از عدم استفاده بهینه از منابع آب و خاک و عدم برنامه‌ریزی صحیح در بهره‌برداری از آنها است. آیا این فقر را نمی‌توان از بین برد و به توسعه روستا همت گماشت؟ آیا باید این فقر را قبول کرد و تن به سرنوشت داد؟

در دوران بلوغ اندیشه انسانی و علمی، هیچ جبری برای فقر وجود ندارد، اگر ضرورتی در کار است، ریشه در نشناختن تکنیکها و راه و روشها یا عدم به کار بستن آنهاست.

۵- حوزه‌های اخیز بستر توسعه روستایی

مهمترین اجزای تشکیل دهنده منابع طبیعی تجدید شونده؛ آب، خاک، گیاه، است و باید بین آنها یک تعادل منطقی وجود داشته باشد، تا بستر توسعه روستایی فراهم شود. زیرا، آب، خاک و گیاه برای هر روستایی به عنوان منبع درآمد است و این مورد بسیار اهمیت دارد؛ اهمیت آب و خاک برای روستایی، آن قدر واضح و روشن است که آنها را عناصر مقدس می‌شمارد و بدون آنها، خود را بی‌ریشه می‌داند. اگر روستایی آب و خاک مناسب در اختیار داشته باشد، تولیدکننده موفق خواهد شد و خواهد توانست، بر دیو فقر غلبه پیدا کند. به همین دلیل است که متخصصین توسعه تأکید دارند که حفاظت و احیای منابع طبیعی، باید جزئی از برنامه‌های توسعه باشد که هدف اصلی آن، از بین بردن فقر است. متأسفانه، در اثر سهل‌انگاری این عناصر با ارزش، وضعیت نابسامانی پیدا کرده‌اند.

باید بدانیم که، روستایی اهمیت آب و خاک را می‌فهمد و هرگز حاضر نیست، این عنصر با ارزش را از دست بدهد. ولی متأسفانه، به دلیل عدم برنامه‌ریزی، ناچار دست به کارهایی می‌زند که سبب نابودی خاک می‌شود. به عنوان مثال: به او می‌گوییم، در جهت شیب شخم نزنند، ولی ابزاری که در اختیار او می‌گذاریم، قادر نیست، در جهت عمود بر شیب حرکت کند؛ آیا ملتی که می‌خواهد

خودکفا باشد و روستاهایش توسعه یابند، بدون توجه به آب و خاک، می‌تواند به اهداف خود برسد؟ اگر فکر اساسی در جهت کاهش هدر رفتن آب و خاک این سرزمین نکنیم، هیچ چشم‌انداز روشنی برای توسعه، در تمام سطوح وجود ندارد. این است که توسعه روستایی در گرو طرح‌های اخیز داری است.

فقراي مناطق روستایی

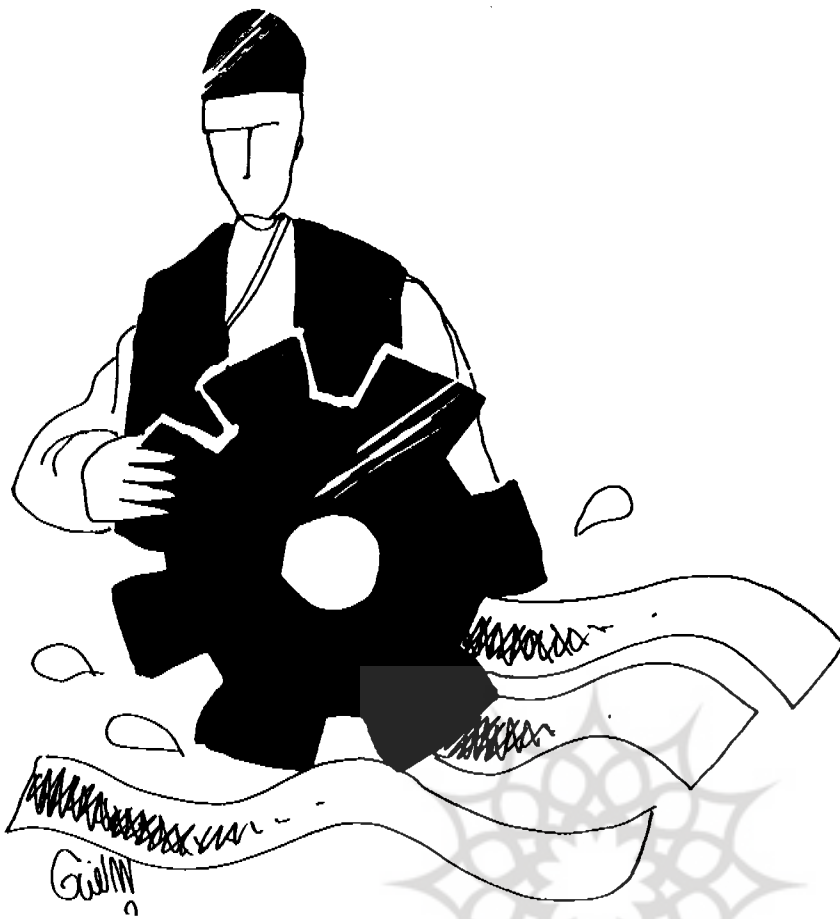
«جمعیت کشورهای جهان سوم، بیش از ۸۰ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و جمعیت روستایی کشورهای جهان سوم را، حدود ۷۰ درصد از کل جمعیت هر یک از این کشورها تخمین زده‌اند و اکثریت قابل ملاحظه‌ای از این جمعیت، به کشاورزی و مشاغل وابسته به آن اشتغال دارند. و در مجموع، ۲/۳ از قشرهای فقیر این کشورها را در بر می‌گیرد»^۹.

«امروز در ایران، قریب ۵۰ هزار روستا وجود دارد و نزدیک به ۳ میلیون خانوار روستایی در قالب واحدهای کوچک زراعی در بخش کشاورزی فعالیت می‌نمایند»^{۱۰}.

فقیران و گروه‌های آسیب‌پذیر مناطق روستایی، در حقیقت، مردم واقعی کشورها هستند که از فقر و نابرابری در رنج هستند اصولاً، بهبود زندگی آنان، باید هدف اصلی برنامه‌های توسعه باشد. در بسیاری از کشورها، اکثریت فقرا را کشاورزان تشکیل می‌دهند. بنابراین، بالا بردن بازدهی در این بخش، از مجاری مهم کاهش فقر به شمار می‌رود و افزایش بهره‌وری این قبیل کشاورزان، باید از هدف‌های اصلی فقرزدایی برنامه‌های توسعه روستایی باشد.

اکثریت مردم فقیر کشورهای در حال توسعه، برای اشتغال و کسب درآمد به کشاورزی وابسته‌اند. تا زمانی که این وابستگی ادامه دارد، رشد و تولید غذا و بهره‌وری کشاورزی، از عمده‌ترین ابزار فقرزدایی و بهبود سطح تغذیه مردم خواهد بود.

«روزن (Rosen) اظهار می‌دارد: در جایی که فقر گسترش دارد، فرصت و امکان برای ترقی و پیشرفت بسیار محدود است و در جایی که افراد معدودی از استقلال و قدرت بهره‌مند می‌شوند و اکثر افراد ناتوان و وابسته هستند، رواج این عقیده که فرد نسبت به کنترل محیط توانایی ناچیزی



۱- کمبود آب:

مسئله هدر رفتن آب، یکی از مهمترین مشکلات کشاورزی ایران است. «بر اساس آمار ۱۵ ساله (تا سال ۱۳۷۰) سازمان هواشناسی و وزارت نیرو، متوسط حجم سالانه بارندگی در سطح کل کشور، برابر ۴۱۳ میلیارد مترمکعب است، که از این مقدار، حدود ۲۹۶ میلیارد متر مکعب آن به صورت، تبخیر و تعرق واقعی، از دسترس خارج می‌شود و فقط در حدود ۱۱۷ میلیارد متر مکعب آن، پتانسیل آبی کشور را تشکیل می‌دهد که با توجه به جریانهای سطحی ورودی و مشترک مرزی، معادل ۸ میلیارد متر مکعب و نفوذ از مصارف آب به مخازن آب زیرزمینی برابر ۱۵ میلیارد متر مکعب در سال، مجموع توانایی آبی به ۱۳۰ تا ۱۴۰ میلیارد متر مکعب در سال بالغ می‌شود. ولی به علل مختلف، در بهترین شرایط، امکان استفاده ۱۰۰ میلیارد متر مکعب آب وجود دارد که در حال حاضر، جمعاً از ۷۴ میلیارد متر مکعب این توان استفاده می‌شود، که ۴/۵ میلیارد متر مکعب به مصرف شرب و صنعت و بقیه، یعنی ۶۹/۵ میلیارد متر مکعب به مصرف کشاورزی می‌رسد.»^{۱۴}

کاهش سطح زیر کشت شده، نزول درآمد را به دنبال دارد. و در ضمن، خسارتهای ناشی از سیلابها هم، باعث نابودی دسترنج کشاورزان می‌شود که خود به مسئله فوق، دامن می‌زند. در زمینه تخریب محیط، فقرا بیشترین لطمه را می‌بینند. آنها به علت دستیابی محدود به منابع و اعتبارات، به هنگام شوکهای وارده به درآمدشان، به مراتب بیش از کسانی که وضع بهتری دارند، به بهره‌برداری از منابع طبیعی می‌پردازند و در نهایت، خود، از این وضع آسیب بیشتری می‌بینند.^{۱۵}

■ دلایل فقر در محیطهای روستایی

منابع تولید در روستاها، شامل: آب، خاک و گیاه است. بنابراین، هر گونه ضعف در بهره‌وری و حفاظت از این منابع، به فقر در محیط روستا منجر می‌شود. از آنجا که عمده ساکنین مناطق روستایی به کشاورزی و دامداری مشغولند و مستقیماً با این منابع در ارتباط هستند، هر گونه نقصان در این منابع، از دلایل فقر آنها به شمار می‌رود، که در ذیل، در مورد هر کدام بحث می‌شود:

دارد، شاید غیر قابل اجتناب باشد.»^{۱۱}
 «مشارکت فعال فقرای روستایی را، تنها از طریق سازمانهای مردمی و در سطح محلی، می‌توان محقق ساخت. در حقیقت، بعضی تا آنجا پیش رفته‌اند که «مشارکت را فرایندی تعریف کرده‌اند که توسط آن، فقرای روستایی می‌توانند، خودشان را سازماندهی کنند و از این طریق، فرصت اظهار نظر در فعالیتهای توسعه محلی را بیابند.»^{۱۲}

«ایده‌های مربوط به مشارکت، یک نقطه مشترک دارد و آن به فقرای روستایی، در تصمیم‌گیریهای توسعه و دسترسی به سرمایه‌های مولد و داشتن سهمی در توسعه است.»^{۱۳}

■ ابعاد فقر در محیطهای روستایی

فقر دارای ابعاد محیطی مهم و حلقه‌های اتصال دو جانبه است: فقر بر محیط تأثیر می‌گذارد و محیط هم فقر را متأثر می‌سازد. در این مورد، باید به دو مسأله اقتصادی توجه شود:

الف - رابطه ظاهری بین درآمدهای کم و اهداف کوتاه مدت و ارتباط فقر با مسأله تهدید حیات و بقا. اهداف کوتاه مدت سبب می‌شود که افراد، با سرعتی بیش از آنچه از نظر اجتماعی مطلوب است، به بهره‌برداری از منابع محیط بپردازند و این امر، می‌تواند، ضد انگیزه‌های برای سرمایه گذاری طولانی مدت در منابع اراضی باشد که پیامدهای آن، چند سال بعد آشکار می‌شود. اما اهداف کوتاه مدت، مشخصه ذاتی و منحصر به فقرا نیست، بلکه از عواقب نارساییهای بازار، سیاستها و نهادهایی است که بعضی از آنها با فقر ارتباط دارند، برای مثال، به دلیل دستیابی محدود به بازار اعتبار، فقرا برای مقابله با تهدیدکنندگان حیات و بقایشان، که بر اثر کمبود درآمد بوجود آمده است، غالباً حق انتخاب محدودی دارند و این سوای استفاده شدید و بی‌رویه از منابع خودشان یا منابعی است که، آزادانه به آن دسترسی دارند.»^{۱۴}

ب - چگونگی تأثیر محیط بر فقر: تخریب و فرسایش خاک، سبب افزایش فقر می‌گردد؛ تخریب خاک، حاصلخیزی آن را کاهش می‌دهد و باعث کاهش محصول و در نتیجه، کاهش درآمد می‌شود. کمبود آب، در عین وجود آبهای جاری در منطقه روستایی، در زمانهای غیر نیاز، سبب

تبدیل مراتع به زراعت دیم و عدم رعایت اصول آبخیزداری در بهره‌برداری، موجب بروز فرسایش خاک می‌شود و پس از چند سال، زمین از بهره‌دهی خارج شده، قدرت مرتعی اولیه را نیز، از دست می‌دهد که این امر ضربه زیادی به دامداری روستایی وارد می‌کند. بنابراین، فرسایش خاک حاصلخیز، که برای تشکیل هر سانتی‌متر آن ۲۰۰ سال زمان لازم است، توسط سیلابها، که خود نیز می‌تواند در جهت مفید به کار رود، عامل مهمی در دامن‌زدن به فقر روستایی است.

با توجه به ارقام فوق: ۲۶ میلیارد متر مکعب آب به هدر می‌رود، حال آن که، در فصل مناسب، کمبود آب جهت کشاورزی در اکثر نقاط کشور محرز می‌باشد به طوری که کمبود آب سبب کاهش محصول کشاورزی و درآمد کشاورزان، در مناطق روستایی می‌گردد.

نگاهی به وضعیت بارندگی در کشورمان (نقشه بارندگی سالانه ایران)، اهمیت این منبع تولید را بیشتر نمایان می‌سازد. متوسط بارندگی ایران ۲۴۰ میلیمتر است که ۱/۳ بارندگی جهان می‌باشد.^{۱۷} عدم مهار این اندک بارندگی به خصوص در نواحی مرکزی ایران که دچار فقدان آب هستند، از عوامل افزایش فقر است.

۲- فرسایش خاک

یکی دیگر از منابع تولید در حوزه‌های آبخیز (مخصوصاً مناطق روستایی) خاک است که از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد. فرسایش خاک، یک پدیده طبیعی است که بر اثر فرایندهای فیزیکی و شیمیایی ایجاد می‌شود. این فرسایش را ژئولوژیکی گویند. اما فرسایش‌هایی که در اثر عواملی چون: از بین رفتن پوشش گیاهی به دلیل بهره‌برداری از معادن، جاده‌سازی و ... به وجود می‌آید، فرسایش غیرطبیعی یا تشدیدشونده خوانده می‌شود که برخلاف فرسایش ژئولوژیکی، می‌توان آن را به طور کامل یا در حد امکان مهار نمود.

«فرسایش خاک را در ایران در سال ۱۹۷۰، رقمی حدود یک میلیارد تن ذکر نمودند، بر اساس گزارش فائو این رقم در حال حاضر ۲/۵ تا ۳ میلیارد تن برآورد می‌شود، که بر اساس گزارش فائو، در صورت ادامه یافتن این روند، میزان کل فرسایش سالیانه خاک ظرف ۱۵ سال آینده، حدود ۴/۵ میلیارد تن خواهد بود. حال تنها با احتساب سالیانه ۲ میلیارد تن، اگر ارزش هر تن خاک را فقط ۵۰۰ ریال در نظر بگیریم، ارزش خاک از

دست رفته هزار میلیارد ریال در سال خواهد بود. «از ۱۰۰ میلیون هکتار آبخیز ایران، ۷۰ میلیون هکتار آن، دارای فرسایش ویژه ۱۰ تن در هکتار است که موجب می‌شود، سالیانه ۸۰۰ هزار هکتار از بهترین اراضی زراعی و مرتعی از، سوددهی خارج گردد.»^{۱۸}

فرسایش خاک، سبب کاهش حاصلخیزی خاک می‌شود و کاهش حاصلخیزی، باعث نزول محصول و، کاهش درآمد کشاورزان می‌گردد، در نتیجه، آنها پس از چند سال، مجبور به ترک زراعت در آن زمین می‌شوند که خود، موجب بروز پدیده کمبود زمین قابل کشت می‌گردد. فرسایش پیش‌رونده در آبکندها و گالیها موجب بی‌استفاده شدن زمینها می‌شود و فرسایش سطحی و شیبی، به تدریج و دور از نظر کشاورز، زمینهای کشاورزی را از حیز انتفاع خارج می‌سازد.

تبدیل مراتع به زراعت دیم و عدم رعایت اصول آبخیزداری در بهره‌برداری، موجب بروز فرسایش خاک می‌شود و پس از چند سال، زمین از بهره‌دهی خارج شده، قدرت مرتعی اولیه را نیز، از دست می‌دهد که این امر ضربه زیادی به دامداری روستایی وارد می‌کند. بنابراین، فرسایش خاک حاصلخیز، که برای تشکیل هر سانتی‌متر آن ۲۰۰ سال زمان لازم است، توسط سیلابها، که خود نیز می‌تواند در جهت مفید به کار رود، عامل مهمی در دامن‌زدن به فقر روستایی است.

۳- پوشش گیاهی

در هر روستا، دامداران، از مراتع حریم روستا، جهت تغذیه دامهای خود استفاده می‌نمایند و می‌توان گفت: اقتصاد آنان به دامهایشان وابسته است و آن هم وابسته به پوشش گیاهی مراتعی که دامهایشان از آن تغذیه می‌نمایند. هر عاملی که موجب محو پوشش گیاهی و ضعف مراتع شود، باعث فقر این اقشار ساکن روستا می‌گردد. هر عاملی که در تقویت و غنای مراتع گام بردارد،

ابزاری است در جهت حمایت از دامداران و حذف محرومیت و فقر. زیرا چرای مفرط توسط دامداران به دلیل بی‌اطلاعی از اصول آبخیزداری - بوته‌کشی از مراتع، تبدیل مراتع به کشت دیم، شخم مراتع، افزایش تعداد دام همه از دلایلی است که به نابودی مراتع کمک می‌نماید و آن هم به مرور سبب می‌شود که دامدار، به دلیل عدم صرفه اقتصادی، مجبور به فروش دامهای خود گردیده، به خیل فقرای روستایی پیوسته و یا راهی شهرها شود.

آبخیزداری راهبردی جدید

آبخیزداری عبارت است از: مدیریت کلیه منابع طبیعی موجود در یک حوزه آبخیز، که برای حفاظت، نگهداری یا بهبود تولید آب، در یک آبخیز اعمال می‌شود. از این رو ملاحظه می‌شود که آبخیزداری مفهومی جز مدیریت منابع طبیعی ندارد، با این تفاوت که واحد کار در قالب چنین مدیریتی، واحد طبیعی هیدرولوژیک است، که بدان حوزه آبخیز گفته می‌شود. بنا به تعریف: آبخیز پهنه یا واحد فیزیوگرافیک و هیدرولوژیک است که تمام رواناب ناشی از بارش روی آن وارد یک رودخانه یا دریاچه و ... می‌گردد.

امروزه، در بسیاری از کشورهای جهان، حوزه آبخیز به مفهوم واحد کار طبیعی تلقی می‌شود، که برای توسعه اقتصادی، منابع قابل دسترس، دارای توجیه کافی و گویاست. علاوه بر این، یکی از دلایل اساسی انتخاب حوزه‌های آبخیز به عنوان واحد مناسب برای مدیریت منابع طبیعی، این است که آب و هوا و وضعیت فیزیوگرافی زمین در تغییر تأثیر عوامل مؤثر در ظهور و جاری شدن روانابهای سطحی و تندابها، شدت فرسایش خاک و هرزرفتن آب و تولید رسوب، دخالت مستقیم دارد و به علاوه، توان بالقوه تولید، برای بهره‌برداری بهینه در حد کمال مطلوب از منابع خاک و آب، خود متأثر از عوامل مذکور است.

افزایش تغذیه آبهای زیرزمینی موجب افزایش آب قنوات می‌شود که خود در کشاورزی منطقه مهم است و سود ناشی از آن، مستقیماً عاید روستاییان می‌شود. «چنین برآورد شده است که: با هزینه فراهم آوردن امکانات شهری برای یک خانواده ۷ نفره، می‌توان شبکه پخش سیلاب را در پهنه ۲۵ هکتار بنا کرد، مساحتی که در صورت به ثمر رسیدن، درآمدی بسنده را برای آن خانواده، تولید خواهند نمود».

بیشتر محیط خود و توأم است با توزیع عادلانه تر منافع حاصل از این کنترل.

آبخیزداری اقدامی است، به منظور ترغیب روستاییان، برای بازسازی و استقرار نظامهای همیاری، از طریق تجمع نیروهای پراکنده، در جهت سازندگی و تشکل هسته‌های رهبری محلی برای تحقق برنامه‌های عمران اجتماعی. رئیس برنامه‌های آبخیزداری، جهت توسعه مناطق روستایی:

۱- مدیریت منطقی و بهتر منابع طبیعی به ویژه منابع طبیعی تجدید شوند.

۲- تأمین منابع اشتغال‌زایی پر بازده، با درآمدهای بیشتر و ماهیتی رضامندانه‌تر برای کل محرومان جامعه.

۳- جامع‌نگری به منابع موجود، در حوزه، در جهت استفاده بهتر و پایدارتر.

۴- جذب مشارکت کامل تر روستاییان در فعالیتهای آبخیزداری در حوزه‌های آبخیز.

۵- توزیع عادلانه تر منافع حاصل از پیشرفتهای فنی و مشارکت هر چه بیشتر قشرهای فقیرتر که از پیشرفتهای فنی بهره‌گیری کمتری دارند. در صفحه بعد نمای کلی از آبخیز به عنوان یک نظام مدیریت آورده شده است. نگاهی به ستادهای این نظام، نشان‌دهنده نقش مهم آبخیزداری در ارتقاء و توسعه سطح درآمد و روستاها می‌باشد.

روشهای آبخیزداری در فقرزدایی و اشتغال‌زایی در مناطق روستایی

آبخیزداری، دارای اهداف مقدسی است که با اجرای آن، آبادانی را به حوزه‌های آبخیز و ساکنان آن هدیه می‌کند. به همین دلیل است که، آبخیزداری را «استراتژی جامع‌نگری به روستا» نام نهاده‌اند. این علم، حوزه‌های آبخیز را از تمام زوایا، مورد مطالعه قرار می‌دهد و از تمام توان بالقوه حوزه در جهت توسعه آن بهره می‌گیرد. از

مصرف تولیدات خارجی را می‌گیرد.

هر گونه برنامه‌ریزی کلی، اصولی و پایدار، درازمدت و آینده‌نگر برای کشاورزی ایران (از نظر اقتصادی) و جامعه روستایی ایران، باید در جهت حفظ، احیا و بهره‌برداری صحیح از منابع آب و خاک کشور باشد.

آبخیزداری ضامن توسعه کشاورزی در حوزه‌های آبخیز است و توسعه کشاورزی، در حوزه‌های آبخیز، یعنی: ایجاد اشتغال جدید در محیط روستایی و به تبع آن، افزایش درآمد بیشتر برای ساکنین حوزه‌ها، و این یعنی: حذف فقر در مناطق روستایی.

آبخیزداری ضامن توسعه اقتصادی در حوزه‌های آبخیز می‌باشد و توسعه اقتصادی، بنا به تعریف «بروس هریک» و دیگران^{۲۰} عبارت است از: افزایش محصولات، همراه با تغییر در هیأت فنی و تشکیلاتی جامعه که محصولات مزبور در متن آنها، تولید و توزیع شوند.

«هدف نهایی آبخیزداری، اعمال مدیریت جامع‌نگر در تمام آبخیزهای کشور است، به نحوی که میزان هدررفتن آب و فرسایش خاک، به حداقل ممکن تقلیل یابد و با بهره‌برداری مناسب منطقی و بهینه از سرزمین، کلیه فعالیت‌های مربوط به منابع طبیعی و کشاورزی، از زیربنای اقتصادی و اجتماعی مستحکمی برخوردار باشند.»^{۲۱}

آبخیزداری با این مفهوم، فرایندی است که باید به طور مداوم، توان ذهنی روستاییان را برای کنترل بیشتر محیط خود افزایش دهد، تا آنها بیش از پیش، به صورت شروع کنند، و کنترل‌کننده تغییرات در آیند، نه آن که همواره تابعی باشند، از یک متغیر.

آبخیزداری عبارت است از: راهبردی برای اصلاح وضع اقتصادی و اجتماعی روستاییان حوزه‌های آبخیز، که بیشتر آنها قشرهای فقیر جامعه به شمار می‌روند و رهیافتی است، شامل: افزایش مداوم توانایی مردم روستاها برای کنترل

در راهبرد مطلوب آبخیزداری، با توجه به دو جنبه هیدرولوژیک و تولیدی هر حوزه آبخیز، سیاست یا خط مشی بهره‌برداری از اراضی باید، در جهت دستیابی به بهره‌برداری متمرکز معقول و در عین حال بهینه از منابع خاک و آب، جلوگیری از تخریب، ایجاد شغل‌های دائمی تولیدی و کاهش تفاوت در مقایسه با سایر آبخیزها باشد، به طوری که سیاست بهره‌برداری از دو منبع خاک و آب و سایر منابع طبیعی تجدید شوند، در برگیرنده کلیه موارد مربوط به مدیریت آنها، برای حفاظت، نگهداری، اصلاح و احیا، برای حداکثر بهره‌وری از آنها باشد. در چنین حالتی، «طرح‌های آبخیزداری علاوه بر فراگیری برنامه‌های حفاظت، احیاء و توسعه منابع خاک و آب، در برگیرنده رابطه همزیستی با اعمال مدیریت کلیه منابع طبیعی با تأکید در ایجاد اشتغال‌های دائمی برای مشارکت مردم در اجرای برنامه‌ها و همکاری در مدیریت منابع طبیعی، ایجاد تعادل لازم هر چه بیشتر بین عوامل تخریب و احیا، برای دستیابی به تعادل اکولوژیک با حضور عوامل انسانی و با تولید انبوه غذا، علوفه، چوب، مواد سوختنی و مواد خام. کارخانه‌ها و تولید آب با کمیت و کیفیت مطلوب در حد توان‌های بالقوه موجود در یک حوزه آبخیز خواهد بود.»^{۱۹}

در این راهبرد، ایجاد اشتغال دائمی به مفهوم استخدام و پرداختن دستمزد از اعتبارات دولتی نیست، بلکه آماده‌سازی عرصه‌های تولید، برای ایجاد اشتغال و منبع درآمد مطمئن، برای نیل به هدف تأمین نیازمندیهای جامعه به کشاورزی و منابع طبیعی است.

احیای روستاها و اراضی و منابع آنها که نتیجه این راهبرد است، منجر به یک تغییر وسیع و عمیق اجتماعی اقتصادی می‌شود و حرکت و اشتغال نیروهای انسانی مولد و فعال در مراکز تولید (روستاها) جای سکون و بیکاری (پنهان یا آشکار) ناشی از مهاجرت به شهرهای بزرگ و مراکز



جمله این توانهای بالقوه، همانطور که قبلاً توضیح داده شد، استفاده بهینه از منابع تولید حوزه‌ها، یعنی: آب، خاک و گیاه می‌باشد.

امروزه، یکی از مشکلات ساکنین آبخیزها مشکل کمبود آب جهت شرب و کشاورزی است و از آنجا که: کشاورزی محور اقتصاد روستانشینان ما می‌باشد، آب جایگاه عمده و زیادی در اقتصاد روستایی دارد، به خصوص این پدیده، در مناطق مرکزی و کویری ما نمایانتر است و به همین دلیل است که در این مناطق، زمین تابع آب می‌باشد و نقش اساسی دارد. در اهمیت نقش آب، همین بس که، امروزه، معتقدند: «خط فقر نهایی را آب تعیین می‌نماید و آن برابر با ۱۵۰۰ متر مکعب در سال است.»^{۲۲ و ۲۳}

آبخیزداری، در جهت برطرف کردن این معضل، از روشهای مختلفی استفاده می‌نماید، تا از هدر رفتن آب باران در حوزه‌ها جلوگیری کند و با ذخیره آن و بهره‌گیری در فصل مناسب، به اقتصاد روستایی کمک نماید. یک از این روشها، احداث سدهای کوتاه است، با احداث سدهای کوتاه در حوزه‌ها، با ذخیره حجم قابل ملاحظه‌ای آب در فصل زمستان و استفاده از آن در فصل تابستان، می‌توان قدم مثبتی در افزایش سطح زیر کشت در حوزه و در نهایت، افزایش سطح درآمد ساکنین حوزه برداشت. برای مثال بندخاکی یا حجم ذخیره ۱۵۰۰ متر مکعب در یک حوزه آبخیز می‌تواند، کشاورزی منطقه را تا سطح ۱۵ هکتار افزایش دهد که درآمد حاصل از این اراضی، حدود ۲۵ میلیون ریال می‌شود که عاید روستاییان خواهد گردید.

در ضمن، سدهای تغذیه‌ای می‌تواند، به عنوان پشتوانه محکمی جهت قنوت در فصل تابستان باشد که به طور مستقیم، بر درآمد روستاییان تأثیر خواهد گذاشت. همچنین، ایجاد هر سازه آبخیزداری در حوزه‌ها، ایجاد یک اشتغال موقت می‌نماید که حائز اهمیت می‌باشد.

از دیگر روشهای بهره‌وری از سیلابها، پخش سیلاب است که باعث تغذیه سفره‌های آب زیرزمینی می‌شود و همچنین با کنترل سیلابها، از خطرات ناشی از آن به مزارع کشاورزی کاسته می‌شود، زیرا سیلاب خود نیز به عنوان عامل فقر به حساب می‌آید.

افزایش تغذیه آبهای زیرزمینی موجب

افزایش آب قنوت می‌شود که خود در کشاورزی منطقه مهم است و سود ناشی از آن، مستقیماً عاید روستاییان می‌شود. «چنین برآورد شده است که: با هزینه فراهم آوردن امکانات شهری برای یک خانواده ۷ نفره، می‌توان شبکه پخش سیلاب را در پهنه ۲۵ هکتار بنا کرد، مساحتی که در صورت به ثمر رسیدن، درآمدی بسنده را برای آن خانواده، تولید خواهند نمود.»^{۲۴}

در زمینه حفاظت خاک نیز، روشهایی ارایه گردیده است، که با اجرای آن، قدم مؤثری در تثبیت خاک کشاورزی برداشته می‌شود، که خود سبب تقویت کشاورزی و کاهش سیل و افزایش ذخیره آب در حوزه‌های آبخیز می‌گردد. انجام بانکت‌بندی و ترانس‌بندی در شیپها، علاوه بر افزایش سطح زیرکشت و درختکاری، باعث کنترل و نفوذ آبهای روان می‌گردد و از آنها، در جهت مفید بهره گرفته می‌شود.

طرحهای مختلف بیولوژیکی در جهت تقویت پوشش گیاهی آبخیزها، موجب تقویت دامداری در این مناطق می‌شود. دامهای لاغر به دلیل نابودی پوشش گیاهی مراتع، منجر به شکست دامداری در این مناطق می‌گردد که خود، قطع درآمد مهمی در آبخیزها می‌باشد. افزایش پوشش گیاهی، به وسیله روشهای مختلف کنتورفارو، پیتینگ (Contorfuro - Pitting) و بذرکاری، سبب

تقویت و افزایش درآمد روستاییان ساکن آبخیزها می‌شود.

از طرف دیگر، کشت انواع درختان مثمر، مانند: بادام - گردو، انگور و زیتون که یکی از طرحهای آبخیزداری است، نیز، در افزایش درآمد روستاییان گام مؤثری می‌باشد کارشناسان، تخمین زده‌اند؛ با کشت این محصولات، حداقل درآمد پس از کسر هزینه‌ها در هر هکتار از ۵ هزار تومان تا یک صد هزار تومان (از سال ششم) برای بادام و تا ۵۰ هزار تومان در هکتار (از سال پنجم) برای انگور خواهد بود. برای پروژه‌های ۴۰ هکتاری.

یا حداقل ۲۰ هکتاری، درآمد قابل ملاحظه‌ای برای حداقل ۲ خانوار تا ۱۰ خانوار با توجه به نوع محصول و سطح کاشت دربر خواهد داشت.^{۲۵}

«طبق محاسبه‌های انجام شده، پیش‌بینی می‌شود، تعداد ۶ هزار پروژه نمونه ۲۰ تا ۶۰ هکتاری، قابل اجرا باشد که در مجموع ۲۳۰ هزار هکتار زمین تحت پوشش این فعالیتها قرار خواهد گرفت. با اجرای این طرح، ضمن احیای حدود ۲۳۰ هزار هکتار اراضی لم‌یزرع و بایر کشور، حدود ۳۶ هزار شغل جدید برای روستاییان به وجود خواهد آمد. همچنین با اجرای فعالیتهای آبخیزداری و کشت درختان مثمر به وسعت ۲۳۰

هزار هکتار زمین، از فرسایش بیش از ۴۶۰ هزار تن خاک جلوگیری خواهد شد. همچنین، سالیانه جلوگیری از هدر رفتن ۴۶ میلیون متر مکعب آب، دستاورد بزرگی برای بخش کشاورزی است»^{۲۳}

به طور کلی، باید بیان کرد که: آبخیزداری با دید جامع‌نگر در روستاها، منابع درآمد و اشتغال را شناسایی می‌کند و با تقویت و بسط آنها، در محور فقر و محرومیت‌زدایی و ایجاد شغل‌های جدید و توسعه اشتغال‌های مولد در روستاها فعالیت می‌نماید.

نتیجه‌گیری

«در کشور ما ایران، قریب ۷۰ هزار روستا وجود دارد و حدود ۲۵ میلیون نفر روستانشین هستند» که شامل عظیم‌ترین قشر نیروی انسانی شاغل در فعالیتهای تولیدی کشور می‌شود. بی‌توجهی یا کم‌توجهی به مسائل مربوط به اشتغال و زندگی

قشر عظیم روستایی، به طور عمد، دو پیامد زیانبار برای کل جامعه در بر دارد. این پیامدها، عبارتند از: ۱- کاهش روز افزون تولیدات روستایی. ۲- افزایش روزافزون میزان مهاجرت‌های بی‌رویه روستاییان به شهرها و در نتیجه، افزایش مسائل و مشکلات در نواحی شهرنشین. بنابراین، در بحث اشتغال‌زایی، یکی از محورهای مهم رسیدگی به وضع این طبقه است. از سوی دیگر، منبع درآمد روستاییان از منابع تولید در حوزه آبخیزشان، یعنی: آب و خاک و گیاه تأمین می‌شود. بنابراین، بسط و توسعه این سه منبع، اساس افزایش درآمد و رفاه نسبی برای آنان می‌باشد، ضمن این که، افزایش هر یک از این منابع سبب افزایش اشتغال در روستاها می‌شود و از مهاجرت روستاییان به شهر و پیوستن به قشر فقیر خیابانی می‌کاهد.

با بهره‌گیری از علم آبخیزداری و روشهای آن در حوزه‌های آبخیز، به یقین می‌توان گام مؤثری

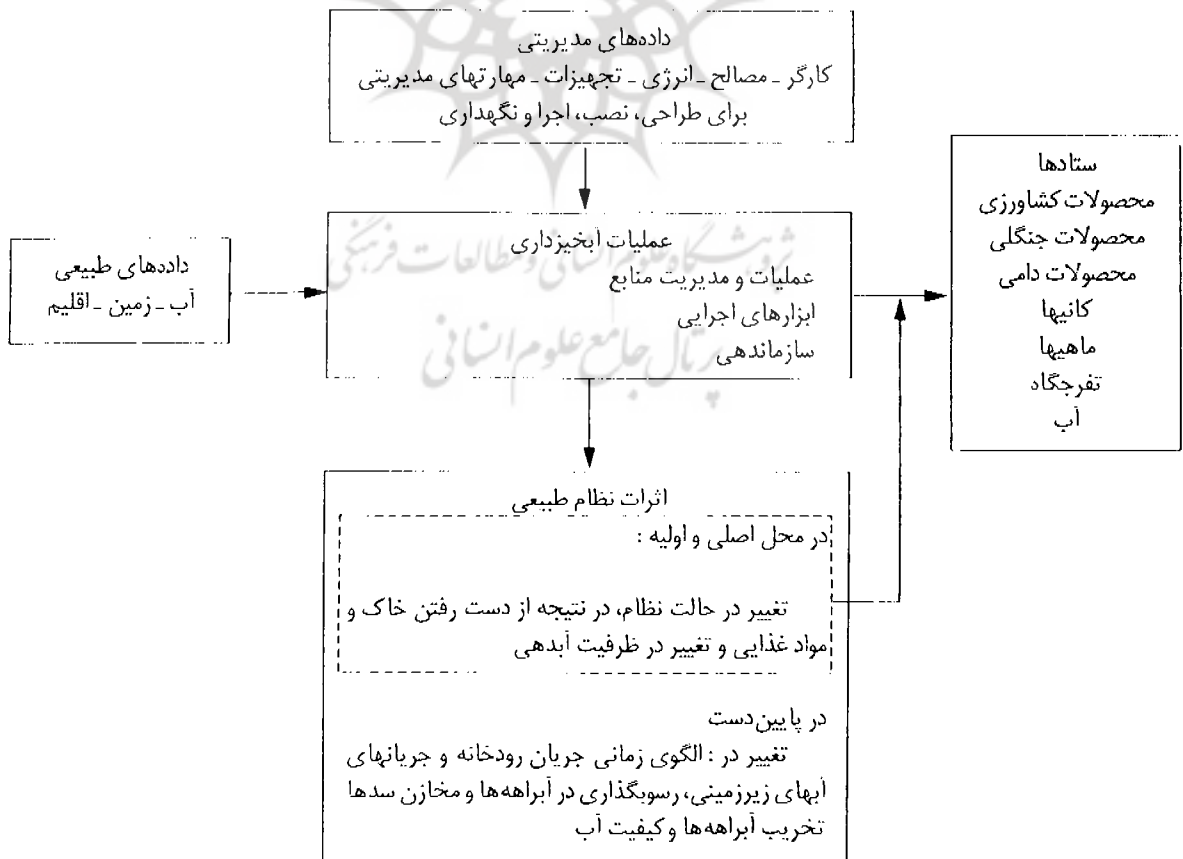
در فقرزدایی و ایجاد اشتغال‌های دایمی و موقت در روستاها برداشت.

با بهره‌گیری از علم آبخیزداری و روشهای آن در حوزه‌های آبخیز، به یقین گام مؤثری در فقرزدایی و ایجاد اشتغال‌های دایمی و موقت در روستاها برداشت.

پی‌نوشتها:

- ۱- شهپازی، اسماعیل: توسعه و ترویج روستایی - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۷۲، ص ۸۰-۸۱.
- ۲- ساداتی‌نژاد، سیدجواد: حوزه‌های آبخیز بستر توسعه روستایی - انتشارات نشر آستان قدس رضوی - ۱۳۳۴، ص ۳.
- ۳- شهپازی، اسماعیل: توسعه و ترویج روستایی - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۷۲، ص ۸۵.
- ۴- همان، ص ۸۶.
- ۵- ارتش، مسدوقی: جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌یافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۹، ص ۶۸.

نمای کلی از آبخیز به عنوان یک سیستم و مدیریت آن





بررسی فقر در منطقه سیستان

وراههای از بین بردن آن

منصور جهان تیغ

نابسامانی که در آن زندگی می‌کنند. این اقدام می‌تواند، زمینه مساعدی جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی در مورد محرومیت زدایی فراهم آورد.

در این مقاله، وضعیت درآمد در منطقه سیستان و همچنین عوامل مؤثر در میزان درآمد، مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده، درآمد بهره‌برداران روستایی سیستان فاصله زیادی با مخارج زندگی آنان و میزان خط فقر در مناطق روستایی کشور دارد. از دلایل عمده کمبود درآمد در منطقه، پایین بودن بازده محصولات کشاورزی و عدم مکانهای اشتغال‌زا در روستاهای سیستان است.

■ مقدمه (۱)

امروز ابروی اسلام در گرو آن است که ایران اسلامی به کشوری آباد تبدیل شود، کار و ابتکار در آن همگانی گردد، زندگی مردم سرو سامان یابد، فقر و محرومیت ریشه کن شود، تولید داخلی با نیازهای مردم متعادل گردد، کشور در صنعت و کشاورزی به خودکفایی برسد و دشمن از طریق احتیاجات زندگی مردم، راهی برای اعمال فشار نداشته باشد. خلاصه، در کنار معنویت، زندگی مادی مردم را نیز سامان بخشید.

وظیفه اصلی و آشنایی ما ایجاد می‌نماید که برای حفظ و حراست از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن بیش از همه با مردم هماهنگ و

■ پیش گفتار (۱)

انقلاب یعنی تحول، تغییر و دگرگونی، نظم موجود را برهم زدن و طرحی نو در انداختن و انقلاب اسلامی ما نیز، از این قاعده مستثنی نیست. محرومیت زدایی و ریشه کن کردن فقر و بیچارگی از اهداف عمده انقلاب و نظام جمهوری اسلامی شده، و جهت گیری انقلاب اسلامی به نفع مستضعفین و پابرنه‌ها و برای خدمت به آنان تعیین گردیده است. تمام تلاشها در این راستا قرار گرفت، تا مستمندان و محرومان را از مشکلاتی که دارند و از محرومیت زدایی که در طول تاریخ کشیده‌اند، برهاند.

اینک که در آستانه سازندگی و اجرای طرحهای توسعه اقتصادی - اجتماعی هستیم، خوب است، وضع عمومی مردم، خاصه مستضعفان که انقلاب اسلامی به دست آنان، برای آنان و جهت تحقق حاکمیت آنان پا گرفته است، مورد بازنگری جماعی قرار گیرد. به محرومیتها، کاستیها، کارهای انجام نشده، انسانهای فراموش شده و مناطق از یاد رفته، نگاهی بیفکنیم، به داد محرومان برسیم و آنان را از مصیبتی که به واسطه فقر فرهنگی، عدم برنامه‌ریزی اصولی و توزیع امکانات، ... در آن گرفتار آمده‌اند، برهانیم. چرا که، بدون تردید، فقر، بیچارگی، گرسنگی و بی‌سوادی نخستین گام، بازیافتن، معرفی کردن و شناختن مناطق محروم است، آگاهی از عمق درد و رنجی که می‌کشند و وفوف بر شرایط سخت و

همگام باشیم. با توجه به اینکه تهیدستان به خصوص روستاییان و عشایر، روز به روز فقیرتر می‌شوند و همواره بر تعداد آنها افزوده می‌شود و بیشتر این افراد، در مناطق روستایی و حاشیه‌نشینی به سر می‌برند و اغلب آنها کشاورزان خرده‌پا، کارگران بی‌زمین، زارعین سهم‌بر و دیگر قشرهای محروم جامعه هستند. روستاییان و عشایر و سایر محرومین، نمونه و الگوی ساده زیستی، صداقت، صفا، زهد، تقوی، شهامت، شجاعت، اخلاق، کرامت و همه ارزشهای والای انسانی یک جامعه سالمند. اگر، اقدام مؤثری در این زمینه صورت نگیرد، نه تنها فاصله میان قشر ثروتمند و فقیر بیشتر و زمینه برای ایجاد مشکلات اساسی فراهم می‌شود، بلکه این تفاوت جامعه را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

■ فقر (۲)

فقر، افرادی هستند که قادر به مشارکت در فعالیت‌های جامعه نیستند و فاقد شرایط زندگی و تسهیلات یک زندگی معمولی می‌باشند. فقر، طفلی که به علت بدی تغذیه از نظر جسمانی به حال نزاری در آمده و از لحاظ مغزی نیز، دچار کاستیها شده است یا مردی که قادر به خرید مقدری خون به منظور نجات زنش نیست، با فقر کسی که قادر نیست، یک شب تولد بچه‌هایش را تأمین کند یا همسرش را به سینما ببرد، تفاوت دارد. به اعتقاد ژوزونه دوکاسترو، $\frac{1}{3}$ جمعیت جهان،

در حال گرسنگی دایمی به سر می‌برند. علاوه بر این، گرسنگی پنهانی نیز، وجود دارد. در این گرسنگی، افراد در عین حال که نان بخور و نمیری دارند، از بسیاری عناصر ضروری محرومند. این نوع گرسنگی، موجب ناتوانی و انحطاط روحی می‌شود و گاهی آثارش از طریق توارث منتقل می‌شود.

با وجودی که فقر و بیکاری هر دو به طریقی با درآمد ارتباط دارد، اما چنانکه تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد، افزایش سریع درآمد سرانه نیز فی‌نفسه نمی‌تواند در تقلیل فقر و بیکاری مؤثر واقع شود. حتی روندهای معینی از رشد، به سهولت می‌توانند در بعضی موارد سبب افزایش بیکاری شوند. ارتباط مستقیم میان درآمد سرانه و تعداد افرادی که در فقر به سر می‌برند، در توزیع درآمد نهفته است. واضح است که اگر رشد اقتصادی با عدم تمرکز درآمد همراه باشد، فقر را سریع‌تر می‌توان از میان برداشت.

یک ویژگی مهم فقر روستایی، فشارهای فصلی آن است. در فصول زمستان و بارندگی، پس از آنکه غلات کاشته شد، فقرا برای یافتن کار، مشکل فزاینده‌ای دارند و عرصه غذایی خود را کاهش می‌دهند. کم غذایی، فقرا را در برابر بیماری آسیب پذیر می‌نماید. این خود موجب می‌شود که پیدا کردن کارهای محدودی که وجود دارد، دشوارتر شود. گاهی ممکن است، ادامه حیات به وام گرفتن موکول شود که نتیجه‌ای جز سنگین شدن بار بدهکاری ندارد.

■ فقر در جهان

در کشورهایی که اکثریت افراد هنوز در روستا زندگی می‌کنند، اقشار جامعه از یکدیگر فاصله زیادی دارند. درجه بیکاری پنهان به نهایت خود رسیده و میزان مهاجرت بیش از حد است و صنعتی شدن در سطح پایینی قرار دارد، هر نوع برنامه توسعه، نظیر اصلاح و بهبود وضع کشاورزی، اصلاح بذر، سرمایه‌گذاری در بخش صنعت ارتباطات، توسعه بهداشت و غیره، نابرابریها را در میان گروههای اجتماعی افزایش خواهد داد.

(۴) بنا به گفته گالسکی، تکنولوژی پیشرفته توسط گروههایی که از لحاظ اقتصادی در وضع بهتری به سر می‌برند، زود جذب می‌شود (به عنوان مثال زارعان ثروتمند) و در نتیجه، فاصله اجتماعی میان گروهها افزایش می‌یابد، حتی اگر

در نتیجه یک برنامه توسعه روستایی گروههای خرده‌پا، درآمد بیشتری از گذشته داشته باشند، باز درآمد گروههای ثروتمند، معمولاً افزایش سریع‌تری خواهد یافت و وضعیت نسبی گروههای کم درآمد، حتی از زمان گذشته، بدتر خواهد شد.

کشورهای جهان سوم گرسنه‌اند، زیرا گم‌کرده‌ای دارند که آن را هنوز باز نیافته‌اند. امروز نصف جمعیت جهان در مناطق روستایی جهان سوم ساکن هستند، اما برای نخستین بار، این روستاییان نه تنها توانایی تغذیه همسایگان شهری خود را ندارند، بلکه غذای خودشان را نیز، با زحمت فراهم می‌کنند. آنان همچنان به مهاجرت به شهرها ادامه می‌دهند. جمعیت ۲۵ شهر بزرگ جهان سوم، جمعاً به ۲۵۰ میلیون نفر بالغ می‌شود. برای نخستین بار در سال ۱۹۸۱، در ۳۵ سال پیش از آن، متوسط رشد کشورهای در حال توسعه، ۴/۲ درصد و پایین‌تر از میزان افزایش جمعیت‌شان بوده است.

۴۰ درصد صادرات این کشورها، جذب بازپرداخت اصل و فرع وامها می‌گردد و در تعادل هزینه‌شان، محصولات غذایی سهم فزاینده‌ای دارد.

با توجه به این مسئله، روز به روز بر سیل مهاجرت روستاییان به سوی شهرها افزوده می‌شود، که فرایند آن، ایجاد مشکلات سرسام‌آوری برای مناطق شهری است. زیرا این مهاجرین، حاشیه‌نشینی را اختیار نموده‌اند و دارای شغل‌های کاذب می‌باشند. به طوری که در سال ۱۹۶۰، جمعیت روستایی، روستا شهری و شهر دنیا به ترتیب ۶۶/۳، ۱۹/۰۷ و ۱۴/۶۳ درصد بوده، که این ارقام، در سال ۱۹۹۰، به ۵۴/۸، ۱۴/۷۸ و ۳۰/۴۲ درصد تغییر یافته است. سکونت‌گاههای روستایی در تمام مناطق جهان، بسیار عقب مانده هستند. به عنوان مثال، در آسیای جنوبی، فقط ۱۷/۲ درصد جمعیت روستایی به آب آشامیدنی دسترسی دارند و این نسبت برای سکونت‌گاههای شهری ۶۶/۳ درصد است. در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب، این دو نسبت، عبارتند از: ۳۴/۹ درصد برای مناطق روستایی و ۷۸ درصد برای مناطق شهری.

در حال حاضر، میزان دارایی ۳۸۵۷ خانواده از ثروتمندترین خانوادههای جهان، با کل ثروت و مایملک نیمی از جمعیت جهان، یعنی ۲/۵ میلیارد

نفر که فقیر هستند، برابری می‌کند. در آمریکا، یک درصد جمعیت، بیش از ۴۰ درصد درآمد ملی خود را به خود اختصاص داده‌اند. فاصله فقر و غنا در این کشور، بیش از هر نقطه جهان مشهود است.

■ علل کم توسعه یافتگی روستاها و پی‌آمدهای آن

فقر و عقب ماندگی روستاها با چند عامل در ارتباط است، که عبارتند از:

۱- تاریخ

۲- مسائل مربوط به بهره‌وری و اشتغال

۳- وابستگی شدید به زمین کشاورزی و دسترسی محدود به نهاده‌ها و مواد اولیه تولید

۴- اعمال سیاستهایی علیه فقرا و مستمندان و ساختارهای ضعیف اجتماعی که فقرا را عملاً فاقد صلاحیت قانونی نموده و حقوقشان را سلب می‌نماید.

الف- جریانهای تاریخی

بخش بزرگی از آنچه که تحت عنوان فقر، کم توسعه یافتگی، عقب‌ماندگی و از این قبیل را شاهد هستیم، تا حدی نتیجه جریانهای تاریخی است. مجموعه اقتصاد جهان در دو سه قرن اخیر، به شکلی سازمان یافت، که به ایجاد فقر انجامید و آن توسعه‌ای است که در غرب آغاز شد و به تدریج تمام جهان را در بر گرفت. چیرانی که ثروت و دانش فنی را در حدود کشورهایی در دو طرف اقیانوس اطلس متمرکز نمود. حداقل در مورد آسیا می‌توان گفت که قبل از ورود حکومتهای استعماری، تفاوت میان اقتصاد بخشهای روستایی و شهری چندان فاحش نبود.

سؤالی که مطرح می‌شود آن است که چرا در کشورهای عقب‌مانده، هیچ‌گونه پیشرفتی در مسیر توسعه سرمایه‌داری که مشابه تاریخ سرمایه‌داری در دیگر کشورها باشد، صورت نگرفته است. در اروپای غربی، انباشت سرمایه تجاری، قابل ملاحظه بود و نکته مهمتر این که، شدیداً متمرکز بود. این امر، تا حدودی ناشی از موفقیت کشورهای اروپای غربی بود که امکان توسعه دریاوردی را فراهم می‌آورد. علاوه بر آن، اروپا به لحاظ منابع طبیعی فقیرتر و به لحاظ توسعه اقتصادی، از برخی جهات عقب‌مانده‌تر از سایر مناطق پیشرفته جهان بود. این مناطق، محل فعالیتهای تجاری اروپای غربی شدند.

بنابراین، تلاش زیادی برای وارد کردن محصولات با ارزش کشورهای اروپای شرقی (پوشاک با کیفیت بالا، زیورآلات، ظروف سفال و غیره) و نیز وارد نمودن سنگها و فلزات گرانبها که در بخشهای داخلی به مقدار اندکی عرضه می‌شدند، به کار بسته شد. حاصل تجارت با مناطق دوردست که با غارت و چپاول آشکار و حمل انبوه بردگان و کشف طلا همراه بود، به شکل‌گیری سریع ثروت هنگفتی در دستهای تجار و بازرگانان اروپای غربی انجامید. اگر چه، مشاهده می‌شود که سایر کشورهای جهان، از اروپا بسیار عقب افتاده‌ترند، به هیچ وجه پدیده تصادفی یا ناشی از ویژگیهای نژادی کشورهای مختلف نیست. بلکه، ماهیت روند توسعه در اروپای غربی بود که چنین روندی را ایجاد می‌کرد. زیرا، آثار نفوذ سرمایه‌داری اروپای غربی در جهان خارج بسیار پیچیده است. این آثار دقیقاً به ماهیت نفوذ اروپای غربی و همچنین، مرحله توسعه جوامعی که در معرض تماس با خارجیان قرار داشتند، بستگی داشت. بنابراین، نمی‌توان به سادگی اثر ورود اروپاییها را در آمریکای شمالی (استرالیا و نیوزیلند) از یک طرف و گشوده شدن درهای کشورهای آسیایی، آفریقایی یا اروپای شرقی به روی سرمایه‌داران اروپایی را از یکدیگر متمایز ساخت.

خودکفایی، مبنا و اساس و نظم ماقبل سرمایه‌داری در تمام کشورهای بود که زیر نفوذ غرب قرار می‌گرفتند و بدین ترتیب دامنه گردش کالا در این جوامع گسترش یافت. در بسیاری از کشورها، با مصادره گسترده زمینهایی که در اختیار دهقانان بود و استفاده از آنها جهت مقاصد زراعی و کشاورزی و سایر موارد استفاده توسط بنگاههای خارجی، و نیز رقابت نابرابر صنایع دستی روستایی با صادرات صنعتی، ائتلاف وسیعی از نیروی کار فقر زده به وجود آمد. نمونه برجسته چنین رابطه‌ای، هندوستان است. تا قرن هیجدهم، شرایط اقتصادی هندوستان پیشرفته بود و روشهای تولید و سازمان تجاری - صنعتی در این کشور با موارد مشابه در سایر نقاط جهان قابل مقایسه بود کشوری که بهترین نوع چیت و سایر محصولات لوکس را تولید و صادر کرده است، آن هم زمانی که اسلاف انگلیسی‌ها در شرایط بسیار ابتدایی زندگی می‌کردند در حال حاضر هندوستان، نتوانسته است، در انقلاب اقتصادی که

فرزندان همان بربرها به راه انداخته‌اند، شرکت جدید، البته این «نا توانی و شکست»، ناشی از عوامل تصادفی بی‌بیلیاقتی نژاد هندی نبوده است؛ بلکه، زائیده غارت و یغمای حساب شده و بی‌رحمانه هندیها به دست انگلیسیها، از همان روزهای آغاز استیلای این کشور بر هندوستان بود.

■ ب - بهره‌وری و اشتغال

در حال حاضر دو گرایش بسیار مزاحم وجود دارد، که توسعه روستایی را در بیشتر نقاط دنیای در حال توسعه، مختل می‌سازد. نخست اینک که در کشورهای متعددی از آسیا و آفریقا، به دلایل گوناگون، بهره‌وری زمین ناچیز و ثابت و یا رو به زوال است. در تانزانیا، نیجریه و بخش وسیعی از بلندیهای نپال، بهره‌وری زمین رو به نابودی است. در مالزی، بهره‌وری زمین در سطح بسیار پایینی قرار دارد به جز چند ناحیه مشخص و بعضی از کشورهای آمریکای لاتین، تقریباً در همه جا، بهره‌وری زمین در سطح بسیار پایینی قرار دارد این بهره‌وری محدود و سطح پایین، معلول عوامل گوناگونی اعم از فنی و اجتماعی شناخته شده است.

دومین روند مزاحم این است که، در بیشتر کشورهای روستایی، جمعیت با سرعت زیادی رو به افزایش می‌باشد. یکی از عوامل این است که بخش بزرگی از جمعیت، بسیار جوانتر از سن مناسب برای کار مفید می‌باشد. وجه دوم؛ این است جمعیت زیادی باید از آن زمین کم محصول، اترزاق کنند.

■ ج - دسترسی محدود به زمین

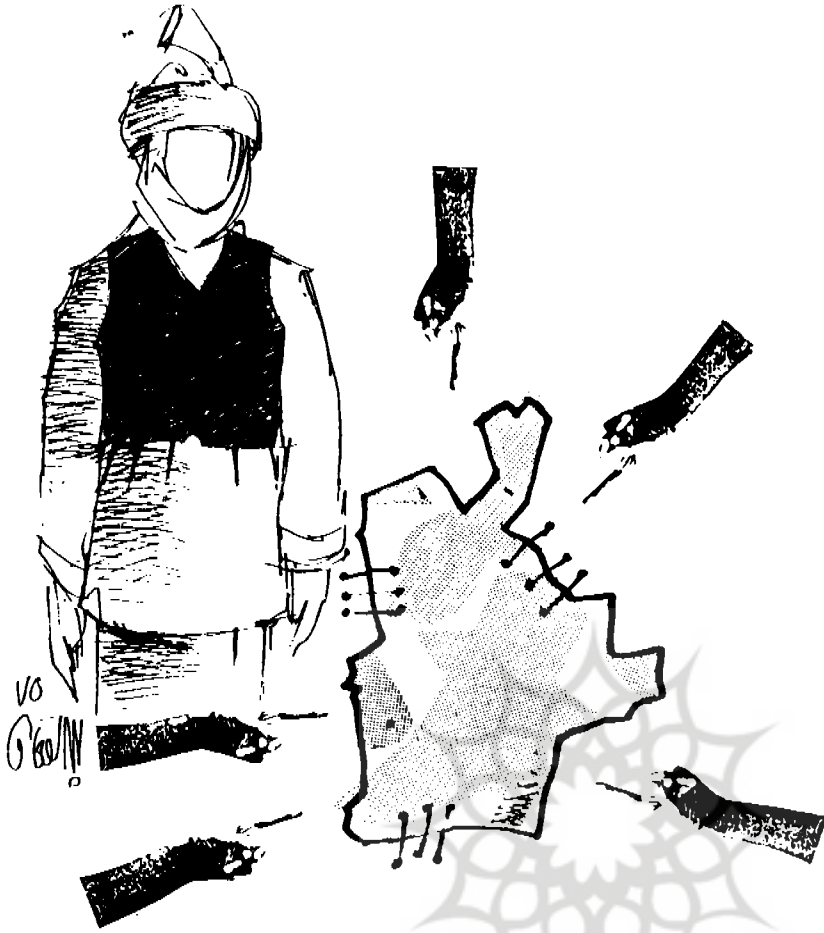
در بیشتر کشورهای جهان سوم، وابستگی بیش از اندازه‌ای به کشاورزی وجود دارد، به رغم تلاشهای گوناگون دولتها، بین ۷۵ تا ۹۰ درصد نیروی کار کشورهای کم درآمد و بین ۵۰ تا ۷۰ درصد نیروی کار کشورهای با درآمد متوسط، در بخش کشاورزی متمرکز هستند. در نتیجه، همه انهایی که در بخش کشاورزی می‌باشند، نمی‌توانند به زمین دسترسی داشته باشند. این نکته به ویژه در کشورهای آسیای جنوبی مصداق دارد در بریتانیا و سایر نقاط جهان، که در ابتدا جمعیت قابل ملاحظه‌ای از انگلیسیها به آنجا مهاجرت کردند (همچون ایالات متحده، کانادا و

غیره)، محرک اولیه برای خیز عمدتاً (ولی نه بطور کامل)، تکنولوژی بود. در حالت کلی‌تر، خیز اقتصادی، هم مستلزم افزایش «سرمایه بالا سری اجتماعی»، (social over head capital) و گسترش تکنولوژی در صنعت و کشاورزی بوده هم زمینه‌ساز ظهور قدرت سیاسی برای گروهی از افراد که نوسازی اقتصادی را امری جدی و برخوردار از اولویت سیاسی می‌دانستند.

فنون جدید تولید، در صنعت و کشاورزی، گسترش می‌یابند، کشاورزی خصلت تجاری به خود می‌گیرد، و تعداد فزاینده‌ای از زارعان روشهای جدید و تحولات ناشی از ظهور تکنیک و فنون را پذیرا می‌شود. تحولات بنیادین در بهره‌وری تولید کشاورزی شرط ضروری جهش موفقیت آمیز اقتصادی می‌باشد، زیرا نوسازی یک جامعه تقاضای محصولات کشاورزی را شدیداً افزایش می‌دهد.

■ برنامه توسعه در ایران

نقطه شروع توسعه روستایی در ایران، اصلاحات ارضی بود که بین سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۱ به مرحله اجرا درآمد. ظاهراً اصلاحات ارضی شرط لازم برای سایر تغییرات دیگر، نظیر شرکت‌های سهامی زراعی، کشت و صنعت و تعاونیهای تولید و غیره که توسط رژیم سابق حمایت می‌گردید، به شمار می‌رفت. بسیاری از محققان اروپایی ادعاهایی کرده‌اند، نظیر آنکه اصلاحات ارضی در ایران یکی از اصلاحات مهم ارضی در خاور میانه بوده است. شواهد بسیاری از کشورهای جهان سوم نشان می‌دهد، هنگامی که یک طرح کشاورزی در جامعه‌ای که قشرهای اجتماعی آن از لحاظ اقتصادی فاصله زیادی با هم دارند، اجرا شده است، منابع حاصل از این قبیل طرحها، توسط گروههای مرفه جامعه جذب شده است. در مورد ایران، بورکراسی تنها کانال ارتباط میان رهبران سیاسی و دهقانان بوده است. فعالیت‌های مربوط به بخش کشاورزی برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، همچنان ستون فقرات شناخته می‌شود و نوعاً بزرگترین منبع اشتغال را تشکیل می‌دهد. اغلب دو سوم یا بیشتر جمعیت در این کشورها، برای گذران زندگی به کشاورزی وابسته‌اند. با این همه، در بیشتر کشورهای در حال توسعه، بین ۲۰ تا ۶۰ درصد



تولید از بخش کشاورزی تأسیس می‌شود. در ایران، در سال (۱۱) ۱۳۷۰ حدود ۲۷ درصد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱، مربوط به بخش کشاورزی بوده است. همچنین ۲۸ تا ۳۰ درصد شاغلان کشور، در بخش کشاورزی مشغول کار بوده‌اند. در ایران، سال ۱۳۶۷، بیش از ۶۶ درصد بهره‌بردارها زیر ۵ هکتار وسعت داشته‌اند. بنابراین، به علت نبودن فرصت‌های شغلی، برای کسب درآمد، مهاجرت از مناطق غیر شهری به مناطق شهری، رشد شهرنشینی، فوق‌العاده‌ای زیاد بوده است.

در سال ۱۳۵۵، حدود ۴۷ درصد، در سال ۱۳۶۵ حدود ۵۴ درصد و در سال ۱۳۷۰ بیش از ۵۷ درصد جمعیت در نقاط شهری ساکن شده‌اند. تولیدکنندگان بخش کشاورزی ایران، همواره از نظر اقتصادی و تجاری تحت قیمومیت بوده و هیچ‌گاه مجال خارج شدن از این قیمومیت را نداشته‌اند.

در دوران‌های ارباب - رعیتی و سلطه زمین‌داران بزرگ، تولیدکنندگان مواد کشاورزی دو دسته بودند در دوره بعد از اصلاحات ارضی تولیدکنندگان در بخش کشاورزی، اعم از بزرگ و کوچک، تحت تأثیر سیاست‌های دولتهای وقت قرار داشتند. علاوه بر آن، اصلاحات ارضی به نفع گروه‌های دهقانی مرفه و بزرگ مالکان - که اراضی مرغوب خود را از تقسیم معاف کردند و به ضرر قشرهای فقیر روستایی، به پایان رسید. (۱۱)

■ نگاهی گذرا به سیستان

دشت سیستان با ۸۱۱۷ کیلومتر مربع (۴/۴۷ درصد از مساحت کل استان)، با یک شهرستان، یک شهر و پنج بخش در جنوب شرقی ایران واقع شده است. (۱۲)

«سیستان» یا هم‌تشیینی «بلوچستان» که هر کدام نمایه دو فرهنگ و منطقه جغرافیایی مجزاست، استان سیستان و بلوچستان را به وجود آورده است. سابقه تاریخی این منطقه، صبغه اساطیری پررنگی را داراست و یکی از هفت اقلیم عصر کهن به شمار می‌آید. از لحاظ جغرافیایی، تاریخی، پهنة خاک سیستان (یا به روایت کهن دیگر ... نیمروز) ورای به جا مانده از مرزبندیهای سیاسی، آلوده به ترفندهای استعمارگرانه انگلیس بوده است. در ارتباط با فضایل این سرزمین

جدال دایمی و بی‌سابقه رود و انسان بوده است. گرچه، گاهی رود پیروز شده، ولی در اکثر اوقات، میزان موفقیت و کفۀ ترازو به صورت نسبتاً زیاد، به نفع مردم سیستان بوده است. هردوت مورخ یونانی، در ۲۵۰۰ سال پیش، از این منطقه به عنوان انبار غله ایران نام می‌برد. (۱۵)

الف - مشخصات اقلیمی و طبیعی منطقه سیستان

جلگه سیستان، به وسعت ۸۱۱۷۰۰ هکتار در شمال استان سیستان و بلوچستان واقع شده است و از سمت شمال و شرق به افغانستان، از جنوب و جنوب‌شرق به زاهدان و کشور پاکستان، از غرب و شمال غربی به کویر لوت و شهرستان نهبندان محدود می‌باشد. (۱۶)

متوسط ارتفاع دشت سیستان ۴۸۰ متر با شیب ۱/۴۰۰۰ است. خاک در این دشت از نوع رسوبی و مربوط به پایان دوره دوم و سوم، که توسط دوره چهارم پوشیده شده است، می‌باشد. PH خاک بین ۸ و ۹ در نوسان است. متوسط بارندگی

مطالب زیادی نوشته شده است که از آن جمله : خوردن حضرت آدم از آب گوارای منطقه سیستان (۱۴)، نمازگزاردن حضرت نوح در منطقه سیستان و دعا نمودن حضرت سلیمان در حق ساکنین سیستان و ... که در منابع تاریخی آمده است.

امروز، اقوام موجود در سیستان، بالغ بر سیصد تیره‌اند، که این اجزا در ساختار عشیرتی و ایلی، به چهل تیره مهم محدود شده است. شیوه نظام ایلی و عشیرتی، عمده‌ترین عامل تداوم نسلها و پایداری انسان در برابر طبیعت منطقه بوده است. «دیار سیستان دیدار باد و ریگ است و همان شهرت که گوید، باد آنجا آسیابها بگرداند و آب از چاه کشند و باغها سیراب کنند».

حیات سیستان در گرو جریان مستمر رودخانه هیرمند و سیرابی دریاچه هامون و استواری ساکنان آن در حفظ موارث زرفشان بوده است. هیرمند، رودخانه کار و زندگی سیستان است و از اهمیتی مانند دجله و فرات در عراق و نیل در مصر برخوردار است. در تاریخ سیستان، صحنه

آن ۵۶ میلیمتر و بیشترین آن در زمستان ریزش می‌نماید. میانگین درجه حرارت سردترین ماه سال (دی) ۹/۱۵ و گرمترین ماه سال (تیر) ۳۵ درجه سانتیگراد است. ماههای خشک و مرطوب منطقه به ترتیب ۹ و ۳ ماه و تبخیر در سیستان معادل ۵۰۰۰ میلیمتر است، این مقدار تبخیر به علت وزش بادهای شدید تابستانی می‌باشد. بیشترین تبخیر در ماههای یجرانی (خرداد، تیر، مرداد) صورت می‌پذیرد. عمده‌ترین باد و باد غالب منطقه، باد ۱۲۰ روزه سیستان است. که قسمتی از مشرق و جنوب شرقی ایران را در بر می‌گیرد. این باد، یکی از سهمناکترین بادهای ایران است که سرعت آن را بین ۱۱۰ تا ۱۷۰ کیلومتر در ساعت با درجه حرارتی معادل ۵۷ درجه سانتیگراد تخمین زده. تعداد روزهایی که هوای سیستان با باد و گرد، خاک و غبار همراه است به ۱۹۰ روز در سال می‌رسد.

■ آموزش و پرورش در منطقه سیستان

منطقه سیستان از لحاظ آموزش و تربیت نیروی انسانی کارآمد، دارای پتانسیل نهفته‌ای است. به طوری که درصد بالایی از پذیرفته‌شدگان کنکور سراسری، در استان، متعلق به این منطقه هستند.

■ کشاورزی منطقه سیستان

دشت سیستان قطب مهم کشاورزی، دامپروری و پرورش آبزیان استان است. این دشت، حاصل آبرفت‌های رودخانه هیرمند در طول سالهای متمادی می‌باشد، که جلگه‌ای حاصلخیز و هموار را در حاشیه رودخانه هیرمند و دریاچه هامون، جهت فعالیتهای کشاورزی و دامپروری پدید آورده است. از کل سطح زیر کشت محصولات سالیانه استان که حدود ۲۹۴۶۷۸ (۱۸۱) هکتار است، مقدار ۱۴۰۴۲۱ هکتار آن به سیستان تعلق دارد. یعنی، حدود ۴۸ درصد از مساحت کشت محصولات سالیانه در سیستان قرار دارد، در صورتی که مساحت سیستان فقط ۴/۷۴ درصد از مساحت کل استان می‌باشد. وجود یک میلیون واحد دامی و همچنین نژادهای اصیل گاو سیستانی و گوسفند بلوچی باعث شده که سیستان مهمترین قطب

تولیدات دامی استان به شمار آید. لازم به یادآوری است، که دریاچه هامون، فعالیتهای ویژه‌ای را در زمینه شیلات پرورش آبزیان در منطقه فراهم آورده است.

در جدول شماره ۲ سطح زیر کشت محصولات عمده سیستان نشان داده شده است.

■ منابع آب سیستان

حوضه آبریز سیستان، حوضه‌ای است و مسطح به وسعت حدود ۱۸۲۰۰ کیلومتر مربع، که تنها حدود ۴۰ درصد این حوضه در خاک ایران و باقی آن در خاک افغانستان است. (۱۹)

در حقیقت، حوضه سیستان، همان مصب هیرمند می‌باشد و در نواحی پست خود شامل تعدادی دریاچه با آب شیرین است که بزرگترین آنها هامون معروف به هامون سیستان یا هامون هیرمند است.

وسعت کلی دریاچه هامون صابری و پوزک، حدود ۴ هزار کیلومتر مربع و عمق متوسط ۵ متر (در فصول پر آبی) از پهناورترین سطوح آب شیرین در سراسر فلات ایران است. در زمان طغیان هیرمند، این سه دریاچه به هم می‌پیوندند و آب اضافی به

وسیله ابراهه شيله، از قوس جنوبی به باتلاق کودزهره در خاک افغانستان می‌ریزد.

متوسط دبی سالیانه رودخانه سیستان در بند کهک ۲۵۴۶ میلیون متر مکعب است.

■ آب زیرزمینی ناحیه

جلگه سیستان، جلگه‌ای هموار است که در نتیجه رسوبگذاری رودخانه هیرمند، در طی میلیونها سال، صدها متر ابرقت روی هم انباشته شده است. ریزبودن آبرفتها (رس و سیلت) اجازه تشکیل آبهای زیرزمینی در این ناحیه را نداده است. ضخامت زیاد این رسوبات غیر قابل نفوذ، هرگز اجازه نفوذ به داخل آنها را نداده و در نتیجه، آب هیرمند صرف تبخیر و جریان سطحی شده است.

تنها قسمت غرب دشت با توجه به حمل رسوبات درشت دانه از کوههای اطراف، اجازه نفوذ و تشکیل مختصری آب زیرزمینی را داده است. با تحقیقات بعمل آمده توسط وزارت نیرو، حداقل

حجم آب زیرزمینی موجود در سفره (غرب دشت) در گستره‌ای برابر هزار کیلومتر مربع و ضخامت

جدول شماره ۱ - تعداد دانش‌آموزان منطقه سیستان و همچنین درصد آنان در استان

مقطع	نوامز	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	هنرستان	جمع
تعداد	۲۶۵	۵۲۵۲۱	۲۱۳۴۳	۱۱۳۳۰	۵۸۴	۸۶۰۴۳
درصد نسبت به کل استان	۱۵/۸۲	۱۹/۸	۲۶/۳	۳۱/۹۵	۱۸/۷	—

منبع: آمارنامه استان سیستان و بلوچستان ۱۳۷۳

جدول شماره ۲ - سطح زیر کشت محصولات عمده منطقه سیستان در سال زراعی ۷۱ - ۷۰

ردیف	نوع محصول	سطح زیر کشت به هکتار
۱	گندم	۷۰۵۰۰
۲	جو	۱۵۰۰۰
۳	حبوبات	۶۵۰
۴	پیاز، گوجه‌فرنگی و سبزیجات	۴۵۰
۵	هندوانه، خربزه و خیار	۱۸۰۴۰
۶	شیدر یونجه	۱۱۰۹۵
۷	ذرت خوشه‌ای و علوفه‌ای و قصبه	۶۴۴۰
۸	انگور	۲۰۰۰
۹	توت	۲۰
۱۰	خرما	۶

اشباع ۳۰۰ متر و ضریب تغذیه ۲۵ درصد برآورد شده است. (۲۰)

■ شرایط نامساعد طبیعی و اثرات بیوشیمیایی آن بر روی انسان

شرایط نامساعد طبیعی در دشت سیستان، از عوامل عمده عقب ماندگیهای اقتصادی، اجتماعی این ناحیه است. از اصلی ترین شرایط طبیعی که مستقیماً بر حیات انسان تأثیر دارد و موجبات ناراحتیهای جسمی و روحی برای انسان را فراهم می آورد گرما و باد است.

در بعضی نقاط سیستان، روستاهایی وجود دارند که طی یک دوره ۱۵ ساله، زیر تپه های ماسه ای پنهان می شود.

بر طبق تحقیقات انجام شده، از علل مهم کوری در ناحیه، کراتیت شنی است. نایبایی بر اثر طوفانهای شنی (۲۱) ۲۸ درصد کل نایباییهای موجود در ناحیه سیستان را در بر می گیرد.

علاوه بر نایبایی، بیماریهای تنفسی دیگر، نظیر: آسم و دیگر بیماریهای تنفسی و همچنین بیماریهای عفونی ناشی از برخورد ماسه به پوست بدن، از عوارض دیگر مستقیم بادها هستند.

در سیستان، خشکی زیاد، ترک خوردگی پوست را به همراه دارد. خشکی بیش از حد هوا در ناحیه، کمبود منابع آبهای زیرزمینی و رو زمینی، موجب محدودیت بسیار در امور کشاورزی و دامپروری شده و در نتیجه اقتصاد ناحیه فلج، درآمد

خانوادهها کم و دست یابی به مواد غذایی متنوع و ضروری را غیر ممکن می سازد و انسان ساکن در ناحیه به علت فقر غذایی، آمادگی پذیرش بسیاری از بیماریهای می شود.

■ صنایع روستایی در منطقه سیستان

توسعه صنایع روستایی، یکی از راه حل های ایجاد اشتغال، به ویژه برای جوانان روستایی به شمار می رود که در سالهای اخیر، مورد توجه زیاد قرار گرفته است. این صنایع، غالباً به علت وجود مواد اولیه کانی یا کشاورزی، جهت عمل آوری و تبدیل آنها به محصولات صنعتی در یک منطقه روستایی احداث می شود.

سیستان، یکی از مناطقی است که دارای استعداد نهفته ای در زمینه صنایع روستایی به خصوص فرش (قالی بافی، گلیم بافی) می باشد. این حرفه، در منطقه سیستان عموماً و به خصوص در مناطق عشایری، به صورت سنتی رایج است و به طور نادر کار بافت به طریقه نیمه صنعتی نیز، صورت می پذیرد.

■ بررسی درآمد ساکنین روستایی سیستان

الف - ضرورت بررسی
بنابر آمار سازمان جهانی خواربار و کشاورزی وابسته به سازمان ملل (FAO)، ۷۰ درصد از ۱۲

جدول شماره ۳ - درآمد و هزینه محصولات عمده کشاورزی در استان (هزار ریال)

نام محصول	درآمد ناخالص	هزینه	درآمد ناخالص
گندم	۱۰۰۸	۶۷۲	۳۳۶
جو	۲۳۴/۲۴	۱۴۲/۷۴	۹۱/۱
هندوانه و خربزه	۶۳۳/۶	۳۵۹	۲۷۴/۶
نیاتات علوفه ای	۸۲۰	۳۲۸/۹	۴۹۱/۱
سایر محصولات	۵۰/۸	۱۵/۲۰	۳۵/۶
دامداری	۱۱۱۳	۷۱۷/۳۰	۳۹۵/۶
مجموع	۳۸۶۱/۶۴	۲۲۳۵/۱۴	۱۶۲۴

منبع: اطلاعات میدانی و مباحث شماره ۱۳ و ۲۲

جدول شماره ۴ - شرح هزینه زندگی روستاییان سیستان در سالهای ۷۵ - ۱۳۶۹ (هزار ریال)

سال	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۵
مبلغ	۹۶۸/۴۱۲	۱۲۱۰/۵۱۵	۱۵۱۳/۱۴۴	۱۸۹۱/۴۳	۲۳۶۴/۲۸۸	۳۶۹۴/۲

میلیارد دامی (واحد گوسفندی) دنیا، متعلق به کشورهای در حال رشد است. اما کشورهای توسعه یافته با داشتن حدود ۳۰ درصد گاوهای کل جهان، ۸۰ درصد از کل شیر گاو را در جهان در سال ۱۹۸۹ تولید کرده اند. قاره اروپا با داشتن ۱/۳ تعداد کل گاو و گوساله آسیا، ۳/۵ برابر آسیا شیر تولید می کند. (۲۲)

مقایسه ایران با یکی از کشورهای اروپایی، نتیجه مشابهی به دست می دهد. همچنین، مقایسه منطقه سیستان با قطب های کشاورزی کشور، چنین نتیجه ای دارد.

مشکل منطقه سیستان در کمبود زمین کشاورزی، دام و سایر پتانسیل های اشتغال زا نیست، بلکه در عدم بهره روری و کارایی بهینه، عدم رعایت اصول اقتصادی در مدیریت زراعی، دامداری و صنایع روستایی و همچنین عدم شناخت عوامل مدیریت و رونق نیافتن صنعت در روستاهاست.

این مطالعات، برای مشخص کردن عوامل مؤثر در پایین بودن بهره برداران منطقه و راه حل های آن مفید است.

ب - داده ها

اطلاعات مورد نیاز برای بررسی درآمد، شامل: مقدار زمین، سطح زیر کشت سالانه، نوع محصول مقدار تولید در هکتار، هزینه آنها و ... بوده است. روش به کار رفته برای مشاهده و گردآوری در این تحقیق، مشاهده مستقیم و ابزار به کار گرفته شده، تکمیل پرسشنامه و مصاحبه کتبی بود است. لازم به یادآوری است، که سوالات موجود در پرسشنامه ها باز بوده و در هر یک از آنها بهره بردار، نظرات خود را نیز بیان نموده است.

ج - جامعه آماری

روستاییان مناطق سیستان، جامعه آماری مطالعه را تشکیل می دهد. شهرستان زابل دارای ۵ بخش، ۱۶ دهستان و حدود ۸۵۰ آبادی دارای سکنه است. (۲۳)

د - روش نمونه گیری

پس از شماره گذاری روستاهای منطقه سیستان، تعدادی روستا به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند و در درون روستا نیز تعدادی خانوار مورد بررسی قرار گرفتند، که به

همین روش، (تصادفی) انتخاب شدند.

۵. حجم نمونه

کلاً ۲۰ روستا، ۱۰۲۱ خانوار، بر اساس روش فوق‌الذکر انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفت. پس از حذف پرسشنامه‌های مشکوک و غیر قابل اعتماد، در نهایت، اطلاعات مربوط به هزار خانوار برای برآورد، آماده‌سازی شد.

■ درآمد و هزینه بهره‌برداران روستایی سیستان

محصولات عمده زراعی در منطقه سیستان گندم، جو، هندوانه و خربزه و نباتات علوفه‌ای است. علاوه بر این، محصولات عدس، ماش، کنجد، پیاز و ذرت نیز به صورت محدود در بعضی از روستاهای سیستان کشت می‌شود.

علاوه بر محصولات زراعی، انواع تولیدات باغی، شامل: انار، سیب درختی، انگور و توت نیز، در منطقه به عمل می‌آید. همچنین، صنایع روستایی نیز، سهم بسیار ناچیزی در درآمد بهره‌برداران ایفا می‌نماید که به دلیل اندک بودن از وارد نمودن در درآمد و هزینه‌ها خودداری شده است. درآمد و هزینه محصولات عمده در منطقه سیستان در جدول شماره ۳ ذکر گردیده است.

سهم هر خانوار سیستانی، حدود ۲/۵ هکتار زمین مزروعی و باغی است که، معمولاً زیر کشت محصولات ذکر شده قرار می‌گیرد.

هر خانوار سیستانی، به طور متوسط عرصه‌ای به مساحت حدود ۱/۶، ۰/۳، ۰/۲۵، ۰/۴ و ۰/۰۵ هکتار را سالانه، به ترتیب زیر کشت محصولات گندم، جو، نباتات علوفه‌ای، هندوانه، خربزه و سایر محصولات می‌برد که هر یک از آنها، برای یک خانوار در منطقه، سیستان درآمدی برابر با ۳۳۶، ۹۱/۱، ۴۹۱/۱، ۲۷۴/۶، ۲۵/۶ هزار ریال به همراه دارد.

علاوه بر زراعت، خانوارهای سیستانی در روستا، به امر دامپروری نیز مشغول هستند که به طور متوسط، دارای ۲۳ واحد دامی می‌باشند. درآمد متوسط هر خانوار از این حرفه نیز، ۳۹۵/۶ هزار ریال است. لذا با این وجود، هر خانوار روستایی سیستان، سالانه به طور متوسط، حدود ۱۶۲۴/۴ هزار ریال درآمد دارد.

■ مقایسه میزان درآمد و هزینه زندگی خانوارهای روستایی سیستان

درآمد هر خانوار روستایی در سال ۱۳۶۸ معادل ۵۹۳۶۲۲ ریال و هزینه آن برابر ۵۷۷۴۷۳ (۲۵) ریال بوده است. لذا، با توجه به اینکه آمار از سالهای جدید در دست نیست با احتساب سالانه به طور متوسط ۲۵ درصد افزایش قیمت هزینه زندگی در این مناطق به صورت ذیل محاسبه می‌شود.

با توجه به اینکه خط فقر در روستا، ماهانه ۳۷ هزار ریال است، (۲۶) باید درآمد سالانه حداقل حدود ۴۴۴۰۰۰۰ ریال باشد تا بالاتر از خط فقر زندگی نمایند. لذا، با وجود اختلاف بین این دو عدد و پایین بودن درآمد (ماهانه ۱۲۵۲۳۳ ریال)، روستاییان سیستان در نهایت فقر زندگی می‌نمایند.

■ علت فقر در منطقه سیستان

بر اساس بررسی‌هایی که در منطقه سیستان صورت گرفته است بهره‌برداران، عوامل ذیل را عامل فقر خود عنوان نموده‌اند.

■ پایین بودن راندمان کشاورزی منطقه

اکثر بهره‌برداران روستایی منطقه سیستان، کشاورز هستند و در کنار آن، تعدادی دام نیز نگهداری می‌نمایند و از این طریق امرار معاش می‌نمایند. اگر بخواهیم با فقر مبارزه نماییم، باید حداقل از شدت آن بکاهیم، در غیر این صورت باید فقر را بین خودمان توزیع نماییم. برای جلوگیری از چنین وضعیتی می‌توان رشد اقتصادی را همراه با توزیع مناسب درآمد و کاهش فقر به دست آورد. بخش کشاورزی دارای ویژگی خاصی است که در صورت بهره‌برداری بهینه از زمینهای زراعی، توزیع درآمد، متناسب می‌شود و فرآیند آن موجب کاهش فقر در منطقه می‌گردد. متأسفانه راندمان تولیدات زمینهای زراعی منطقه سیستان قابل مقایسه با پتانسیلهای موجود منابع مذکور نیست. علت آن، از یک طرف، عدم آموزش بهره‌برداران جهت استفاده از منابع موجود و از طرف دیگر، عدم تهیه ماشین‌آلات کشاورزی از قبیل تراکتور که این عامل نیز نقش مؤثری در کاهش راندمان تولید ایفا می‌نماید. به طوری که کشاورزانی در منطقه وجود دارند که با ۶۰ هکتار

زمین زراعی به صورت دسته جمعی از سال ۱۳۶۹ درخواست تراکتور نموده‌اند، ولی تا به حال موفق به معرفی خود به بانک کشاورزی شهرستان زابل نشده‌اند. با توجه به اینکه قیمت دستگاه مزبور برای کشاورزان بسیار زیاد و قادر به پرداخت نقدی قیمت آن نیستند، این وضعیت سهم به سزایی در کاهش راندمان تولیدات کشاورزی منطقه ایفا می‌نماید.

علاوه بر آن، کود نیز، یکی از نهاده‌هایی است که جهت تولید بهینه از زمین کشاورزی مورد نیاز است. در زمان برداشتهای میدانی اکثر روستاییان اظهار داشته‌اند که سیستم توزیع کود توسط ادارات مزبور مناسب نیست، علاوه بر آن، قیمت نهاده مزبور نیز از عهده خرید اکثر بهره‌برداران خارج می‌باشد، که این روند، باعث افت محصولات زمینهای کشاورزی منطقه شده است.

■ عدم وجود مکانهای اشتغال‌زا

صنایع کوچک در کشورهای توسعه یافته و نیز توسعه نیافته، هر دو دیده می‌شوند. وجود این صنایع در ممالک شرقی، نشانه آن است که می‌توانند در هر درجه‌ای از رشد اقتصادی کار کرده و وجود آن، لازمه هر نظام اقتصادی است. (۲۷) در کشور ایران که مراحل صنعتی خود را طی می‌نماید، صنایع کوچک اشتغال‌زا نقش بارزی در ایجاد اشتغال برای افراد ایفا می‌نمایند. در سالهای اخیر، در منطقه سیستان تعدادی صنایع روستایی به افراد متقاضی واگذار شد که به علت وسیع بودن منطقه، نیاز به رسیدگی بیشتری دارد.

بنابراین، صنایع فوق اشتغال‌زایی مؤثری برای ساکنین منطقه سیستان به همراه نداشته است. در صورت احداث صنایع روستایی به دلیل بومی بودن این صنایع، محل اشتغال خوبی برای بیکاران فصلی روستاهاست. فعالیتهای تولید در این زمینه، ریشه در فرهنگ، آداب و رسوم و هنر مردم منطقه دارد. در برداشتهای میدانی انجام شده ۱۰۰ درصد نمونه‌ها نیز، عدم وجود مکانهای مزبور را عامل فقر خود به شمار می‌آورند.

■ تک محصولی

گندم مهمترین محصول کشاورزی منطقه سیستان است، که اکثر بهره‌برداران منطقه جهت امرار معاش خود این محصول را کشت می‌نمایند.

راندمان تولید این محصول در شرایط مزرعه، در حد بسیار پایینی، نسبت به سایر نقاط ایران است. ۲۲ درصد بهره‌برداران نمونه، علت فقر خود را کشت تک‌محصولی در منطقه سیستان می‌دانند. قابل ذکر است که محصولات دیگری از قبیل جو، هندوانه، خربزه، نباتات علوفه‌ای و ... نیز، در سیستان کشت می‌شود، ولی پایه و اساس زراعت منطقه را گندمکاری تشکیل می‌دهد. لازم است در این باره تحقیقات گسترده‌ای صورت گیرد، تا سازگاری انواع دیگر محصولات مفید بررسی شود.

■ عدم وجود مخابرات

وسایل و امکانات ارتباطی نقش مؤثری در پیشرفت هر جامعه ایفا می‌نماید. ۲۶ درصد نمونه‌ها، معتقد بودند: عدم برخورداری از مخابرات در منطقه سبب پیشرفت فقر در بین آنان می‌شود.

■ شوری خاک و عدم زهکشی آن

منظور از زهکشی فراهم کردن محیط مناسب برای فعالیت ریشه است، به طوری که در آن گیاه بتواند، حداکثر رشد خود را داشته باشد. بنابراین، هدف نهایی زهکشی، افزایش و تداوم تولید محصول، طی یک دوره زمانی طولانی است. عدم زهکشی و شوری زیاد خاک، باعث کاهش محصول می‌شود، زیرا ریشه گیاه برای رشد خود، فقط مقدار محدودی خاک در اختیار دارد و سیستم ریشه‌ای گیاه نمی‌تواند غذای مورد نیاز قسمت‌های هوایی را تأمین کند. در سیستان نیز در اکثر مناطق آن، چنین وضعیتی برای گیاهان پیش آمده است. ۲۴ درصد از نمونه‌ها، علت کاهش درآمد و فقر خود را در ارتباط مستقیم با شوری خاک منطقه می‌دانند.

■ عدم وجود برق

تسهیلات و امکانات رفاهی یکی از عوامل مؤثری است که سهم به سزایی در استقرار بهره‌برداران منطقه ایفا می‌نماید. ساکنین روستایی و عشایر سیستانی که از نعمت داشتن برق محروم هستند، بخش عمده‌ای از درآمد ناچیز خود را صرف خرید نفت و وسایل روشنایی می‌نمایند. هر ۲۰ لیتر نفت در بین خانوارهای فوق‌الذکر، حدود هزار ریال خرید و فروش می‌گردد، زیرا نفت سهمیه‌بندی شده، رفع نیاز آنان را

نمی‌نماید. بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده، ۹ درصد نمونه‌ها محرومیت خود را به دلیل عدم وجود برق در محل زندگی خود می‌دانند.

■ وجود آفات گیاهی

زندگی بشر به وجود سلامتی گیاهان وابسته است. حدود ۹۰ درصد غذای انسان از نباتات تأمین می‌شود. تقریباً ۸۵ درصد غذای انسانی از حدود ده گونه گیاهی که مهمترین آنها گندم و برنج است به دست می‌آید. (۱۸) اهمیت بیماریهای گیاهی غالباً ناشی از خساراتی است که این بیماریها با بروز اپیدمی یا خسارتهای معمولی به گیاهان و محصولات آنها وارد می‌سازد. برای مثال، زنگهای غلات را می‌توان ذکر نمود که به علت تغییر تعادل طبیعی یا تحت شرایط آب و هوایی خاص، به صورت اپیدمیک بروز کرده، موجب قحطی، مرگ و میر و گرانی می‌شود. یکی از اپیدمیها در سال ۱۹۴۸ در استرالیا اتفاق افتاد. در این حادثه تنها در یک منطقه از آن کشور ۲۷۰ هزار تن گندم که نان سه میلیون انسان را می‌توانست تأمین نماید، از بین رفت. در منطقه مورد مطالعه نیز، همه ساله انواع بیماریها باعث افت محصول می‌شود، که سهم به سزایی در تولید سالیانه بهره‌برداران ایفا می‌نماید. ۹ درصد از بهره‌برداران نمونه، انواع بیماریهای کنترل نشده را عامل فقر خود قلمداد می‌نمایند.

■ نتیجه

روستاییان منطقه سیستان زندگی اسفناکی دارند. درآمد آنان نسبت به مخارج زندگیشان، بسیار ناچیز است، زیرا بازده محصولات زراعی، دامپروری و صنایع روستایی در حد پایینی قرار دارد و علاوه بر آن، مکانهای اشتغال‌زایی در منطقه وجود ندارد. علت اصلی پایین بودن بازده محصولات زراعی در منطقه، عدم وارد شدن کشاورزی مکانیزه، در اختیار نبودن زمان مناسب آب جهت آبیاری و نبودن ماشین‌آلات کشاورزی در منطقه است.

علاوه بر آن، نبودن واحدهای صنعتی اشتغال‌زا، از عوامل اصلی پایین بودن درآمد در روستاهای منطقه سیستان است. به طوری که حتی سهم بسیار ناچیزی را برای درآمد بهره‌برداران به خود اختصاص نمی‌دهد. علت

پایین بودن تولیدات دامی، افزایش تعداد دام در واحد سطح است که این وضعیت سبب کاهش بازده تولید می‌شود. به طوری که لاشه هر رأس گوسفند منطقه به حدود ۱۱ کیلوگرم می‌رسد. صنایع روستایی نیز، نقش بارزی در درآمد روستاییان ایفا نمی‌نماید، زیرا تحولاتی در روش تولید آن به وجود نیامده است و هنوز هم به صورت سنتی تولید می‌شود. اگر روند فعلی در منطقه ادامه یابد، سیر مهاجرت از مناطق روستایی سیستان به سایر نقاط کشور ادامه خواهد یافت و اکثر این بهره‌برداران، حاشیه نشینی را بر زندگی در روستاهایی که حتی قوت روزانه آنان را تأمین نمی‌نماید، ترجیح خواهند داد.

■ پیشنهادها

- تأمین ماشین‌آلات کشاورزی منطقه، پیشنهاد می‌شود، تحویل تراکتور در منطقه بصورت شورایی انجام پذیرد تا از فروش آن در بازار آزاد جلوگیری شود، این کمیسیون می‌تواند، مرکب از جهاد سازندگی، کشاورزی و بخشدار منطقه باشد.

- ورود به موقع آب جهت کاشت و آبیاری محصولات زراعی باغی.

- فعال نمودن شرکتهای تعاونی روستایی و نظارت بر نحوه کار آنها.

- ایجاد صنایع کوچک کشاورزی و روستایی (صنایع کاربری) و تأمین فرصتهای شغلی مناسب.

- ایجاد تقابل بین تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و کالای صنعتی در منطقه.

- سالم‌سازی اقتصادی، هرگونه پیشرفت واقعی اقتصادی تنها در گرو اصلاح سالم سازی ساختار اقتصاد ملی امکان‌پذیر است، سالم سازی اقتصاد ملی یعنی بهره‌برداری بهینه از استعدادهای و امکانات داخلی جهت خارج شدن از حوزه‌کنشها و واکنشهای خارجی.

- از بین بردن دست واسطه‌ها از روستاها

- اصلاح نظام توزیع در روستاهای منطقه (تهادهای کشاورزی)

- توزیع وامهای کشاورزی یا بهره کم، متناسب با وضعیت اقتصادی و اجتماعی منطقه.

- تغییر آموزش رسمی در روستاهای منطقه، متناسب با نیازهای زندگی روستاییان به طوری که بتواند، در ایجاد و گسترش اشتغال در روستا

مؤثر باشد.

- پرداخت یارانه توسط دولت برای حمایت از کشاورزان منطقه به جای افزایش قیمت محصولات کشاورزی آنان.

- فرهنگ ایثار، کار برای رضای خدا و حل مشکل مردم به نظام اداری منطقه تزریق شود.

- فرهنگ تولید همه چیز در محل و زندگی در حد امکانات تولید داخلی و از این دیدگاه، اندیشه تأمین اقتصادی منطقه، هدف اصلی برنامه ریزان باشد.

- یک تلاش همگانی برای بهره‌وری بهینه از منابع طبیعی، انسانی، تکنولوژی، افزایش ظرفیتهای تولیدی و علمی، جلوگیری از اتلاف وقت و لغو مقررات دست و پاگیر اداری، مبارزه با مصرف‌زدگی و اسراف، باید هر چه زودتر در منطقه آغاز شود.

- امور مربوط به عمران روستایی در منطقه، به جهاد سازندگی محول شود.

منابع و مأخذ

- ۱- مجله جهاد، شماره ۱۲۸، ص ۵
- ۲- مجله جهاد، شماره ۱۲۵، ص ۱
- ۳- از کیا مصطفی، جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، ص ۹
- ۴- منبع شماره ۳، ص ۲۰
- ۵- مجله جهاد، شماره ۸۶، ص ۲۱
- ۶- روستا و توسعه، گاهنامه شماره اول، دی ماه ۱۳۶۶، ص ۹
- ۷- روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۴۹۷۲، مورخ شنبه ۳۰ مرداد، ۱۳۷۵
- ۸- منبع شماره ۶، ص ۱۸
- ۹- آزاده، غلامرضا، ترجمه، الگوی نظری در اقتصاد توسعه، ص ۲۱۴
- ۱۰- منبع شماره ۳، ص ۶۸
- ۱۱- اقتصاد کشاورزی و توسعه، فصلنامه پژوهشی سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۱
- ۱۲- منبع شماره ۳، ص ۷۴
- ۱۳- راهنمای دانشگاه سیستان و بلوچستان، انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان
- ۱۴- سونچهر، ستوده، احیاء الملوک، بنگاه ترجمه نشر کتاب، ص ۱۱

۱۵- بررسی مهاجرت و حاشیه‌نشینی در شهر زابل، نشریه شماره ۱۴، تیر ماه ۱۳۶۶ - سازمان

برنامه و بودجه استان سیستان و بلوچستان
۱۶- جهان تیغ، منصور، پایان نامه کارشناسی ارشد. عنوان: بررسی تغییرات وزن دام در کوچ

عشایر سیستان، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۴
۱۷- آمارنامه سیستان و بلوچستان، سازمان

برنامه و بودجه استان، سال ۱۳۷۲
۱۸- منبع شماره ۱۳

۱۹- تحقیقات جغرافیایی، گروه جغرافیایی بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی،

شماره ۲، تابستان ۱۳۶۸، ص ۱۷۱
۲۰- منبع شماره ۱۹، ص ۱۷۵

۲۱- منبع شماره ۱۹، ص ۱۷۸
۲۲- روستا و توسعه، فصلنامه علمی و پژوهشی،

سال ۷، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۳، ص ۷
۲۳- آمارنامه استان سیستان و بلوچستان -

سازمان برنامه و بودجه استان، ۱۳۶۹
۲۴- آمارگیری روستایی جهاد سازندگی، آبان ماه ۱۳۶۰

۲۵- طرح مطالعات جامعه عشایری، گزارش نهایی مطالعه عشایری استان، سازمان برنامه و بودجه استان

۲۶- روزنامه کیهان، ۲۹ خرداد ۱۳۷۵
۲۷- هدائی، دکتر ضیاء، نقش صنایع کوچک در

توسعه اقتصاد ایران، ص ۹
۲۸- الهی‌نیا، سیدعلی، قارچ شناسی و بیماریهای

گیاهی مقدماتی ص ۱

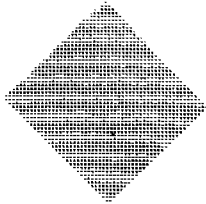
بقیه از صفحه ۷۸

پی‌نوشت‌ها:

۱- در مقدمه کتاب مورد استناد، در تعریف واژه‌های متد و تکنیک آمده است که:

متد، ارتباط یا اتصال بین مؤسسه یا آژانس رهبری‌کننده برنامه آموزش و دانشجو یا مشارکت‌کنندگان در برنامه است. تکنیک، شیوه‌ای است که اشخاص یا معلم برای ارتباط فراگیر یا منابش به کار می‌گیرد.

۲- در کتاب «مرجع ترویج کشاورزی» که توسط استاد دکتر اسماعیل شهبازی و مهندس احمد حجاران ترجمه شده است، بحث تکنیکهای آموزش گروهی، در فصل نهم، مورد اشاره قرار گرفته است. علاقمندان می‌توانند برای اطلاع به این فصل رجوع نمایند.



بقیه از صفحه ۷

باشد، و منحنی لورنز بر ۹۰ برابر برای کامل، منطبق باشد، مقدار «عددی» ضریب جینی، معادل صفر خواهد بود. و اگر درآمد، با تصور کاملاً نابرابر (ناسادانه)، توزیع شده باشد، مقدار عددی آن برابر با ۱ خواهد بود.

ضریب جینی، برای کشورهای مختلف که توزیع درآمد آنها بسیار نابرابر است، معمولاً بین ۰/۵ تا ۰/۷ است. در حالی که در کشورهایی که توزیع درآمد آنها نسبتاً عادلانه است، این ضریب بین ۰/۲ تا ۰/۳ است.

۸- تایم / ۱۲ اکتبر ۱۹۵۵

۹- سازمان بهره‌وری آسیا، ۸۰ مطالعه یافته‌های دوره مطالعاتی کاهش فقر روستایی، ترجمه محمد جواد مرادی‌نژاد، ص ۳.

۱۰- r. Gaiba (1993) ibid - p - 1

۱۱- L. Jaziriy, M. Alomgir 8 T. pannuccio, the state of world poverty, IFAD, Rome, 1992

۱۲- Lipton

۱۳- Mirdal

۱۵- chambers

۱۶- ماهر، فرهاد، «مددکاران اجتماعی روستایی، راهبردی نو»، مجموعه مقالات کنگره همایش بررسی مسئله فقر و فقرزدایی

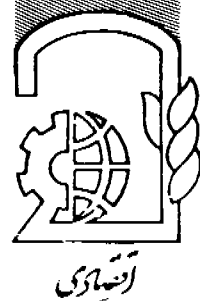
۱۷- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵، ص ۳۰۱

۱۸- زیاری - کرامت... «فناوری و متالورژی» تعیین فقر و توزیع درآمد» مجله، مقالات خردشناسی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵، ص ۹۸

۱۹- همان منبع

۲۰- Human development report 1994 / p 30

۲۱- زیتون شماره ۱۲۴، بهار، زمستان ۱۳۷۲



بررسی علل فقر همان بررسی علل تباهی بخش بزرگی از بشریت است.

آلفرد مارشال
اصول اقتصاد

© ارائه شده به سمینار کاهش فقر روستایی

● دکتر حسین عظیمی آرانی

تحلیل محتوایی از پدیده فقر

● مقدمه

فقر مفهومی است که درک آن به طور انتزاعی خیلی دشوار نیست، اما بیان آن به شکلی مناسب و 'عملی' تقریباً غیر ممکن است. از این رو رشته‌های مختلف در مطالعات خود از فقر تعبیرهای گوناگونی داشته‌اند. در چارچوب علم اقتصاد نیز که علم اجتماعی قطعی‌تر و کمی‌تر است، تعاریف کاملاً متفاوتی از فقر، ارائه شده است. [جای شگفتی نیست که در شیوه بحث دانشمندان علوم اجتماعی و تحلیلی کمی اقتصاددانان از فقر ابهام بسیاری وجود دارد.]

در این فصل تلاش شده است تا فقر از دیدگاهی وسیع‌تر از آنچه معمولاً اقتصاددانان اتخاذ می‌کنند، مورد بحث قرار گیرد. برای مطابقت تعدادی از تعاریف موجود از فقر، مفهوم طیف نیازها^۱ به کار برده خواهد شد. با به کارگیری این مفهوم نشان خواهیم داد که تعاریف گوناگون فقر با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند، چنانکه هر یک مقدار معینی از محرومیت مشخص شده در طیف نیازها را بیان می‌کنند.

■ شرح تاریخی

به نظر می‌رسد که مشاهده فقر و تلاش برای یافتن سیاست‌هایی در جهت کمک به آنها به

قدمت تاریخ برسد. برای مثال در یک سند قدیمی سی‌هوییم که:

هیچ بهیذسنی در میان شما نخواهد بود اگر آنها از بروردگار فرمان برید ... هنگامی که یکی از مملوئان شما دچار فقر گردید ... هر قدر که نیازمند است به او در برابر وثیقه‌ای وام دهید ... در پایان هر هفت سال بخشودگی در وام قائل شوید بدون آنکه برای بازپرداخت، هموطن خود را تحت فشار بگذارید، هر چند تحت فشار گذاردن بیگانگان رواست.^۲

تا این همه، در گذر زمان تلفی جامعه از فقر به شدت تغییر کرده است. شیوه‌های کاملاً متفاوتی که هر یک بازتاب نوع جامعه‌ای است که [این شیوه‌ها] در آن پرورده شده است، را می‌توان شناسایی کرد. در جوامع فنودالی فقر وضعیتی نسبی تلقی می‌شد. در چین، جامعه‌ای فرد، فقیر یا ثروتمند زاده می‌شد و تا آخر عمر چنین باقی می‌ماند. در آن زمان اعتقادات مذهبی رسیدن به رستگاری را برای فقرا بسیار آسان‌تر از ثروتمندان می‌پنداشت و قدر از جهت مذهبی حتی می‌توانست یک امتیاز به حساب آید. در این جوامع، تهیدست زاده شدن تقریباً [مساوی] خوشبخت زاده شدن بود.^۳ آرمانی ساختن فقر، به

ویژه در متون مذهبی، نتیجه غیرمستقیم جوامعی است که در آن فقر، در تئوری و عمل به یک وضعیت نسبی تبدیل شده است. این فقر آرمانی شده به عنوان حالتی از نیاز، که به عنوان یک هدف در خودش ادامه پیدا می‌کند، تعریف شده است. مذاهب بزرگ دنیا، مسیحیت، بودیسم و اسلام همگی برای فقر به عنوان یک فضیلت جایگاه ویژه‌ای قائل شده‌اند.^۴ آرمانی ساختن فقر توسط مذهب باعث انتقاد تنفرآمیز مارکس، که به خوبی در جمله‌های کوتاه و مشهور او بیان شده است، گردید: مذهب حسرت انسان‌های ستمدیده و عقیده دنیای بیرحم است و مذهب تریاک توده‌هاست.^۵

پس از فروپاشی فنودالیسم و افزایش تولید طبقه جدیدی از فقرا ایجاد گردید: آنها محروم غیر ماهر، و ناتوان بودند که

بی‌اعتراف به مسیبه ضرورت‌های مقاومت ناپذیری به حرکت وادار می‌شدند چنانکه ابتدا در جستجوی کار بودند که ساقط می‌شد و سپس در سال‌های عدوه و حیرت که جامعه به تدریج آن بود و به مثال به دادر آن.^۶ علاوه بر این، در همان زمان به عنوان

تهدیدی برای نظم اجتماعی موجود محسوب می‌شدند و به آنان انگ ولگرد و شرور زده می‌شد. هم‌چنانکه اقتصاد توسعه می‌یافت و انقلاب صنعتی آغاز شد، فقر به عنوان یک مسئله فردی و مربوط به امرار معاش و ناشی از ناکامیهای فرد تلقی می‌شد و چنین تصور می‌شد که کار برای آنانی که به راستی بدنبال آن بودند به اندازه کافی وجود دارد، و اگر مردم فقیرند به دلیل تنبلی‌شان است. حتی گفته می‌شد که همه به جز ابلهان، می‌دانند که طبقات پایین باید فقیر نگه داشته شوند در غیر این صورت آنها هرگز سختکوش نخواهند بود.^(۵) به ویژه، از زمانی که مذهب جدید (پروتستانتیسیم) به تبلیغ این نظریه پرداخته کار نکردن و یا سختکوش نبودن، به هنگام کار یک گناه است چون، این 'تلف کردن وقت خداوند است.'^(۶) در انتهای این دوره، داروینیستهای اجتماعی عقیده داشتند که وضع نامطلوب زندگی فقرا باید به عنوان یک وسیله مناسب برای نابودی ضعفا و ارتقاء موقعیت شایسته تران به حساب آید. ویلیام گراهام سامنر در دهه ۱۸۸۰ استدلال می‌کرد که، نظام طبیعت رقابتی است و به بشر بر اساس توانایی‌اش پاداش داده می‌شود.

اگر تلاش کنیم در این [نظام] تجدید نظر کنیم، تنها از یک راه می‌توانیم آن را انجام دهیم. از بهتر بگیریم و به بدتر بدهیم. می‌توانیم تاوان را از کسانی که بد عمل کرده‌اند منحرف گردانیم ... بدین ترتیب ما نابرابریها را کاهش خواهیم داد. ما از بقای ناشایست‌ترین‌ها حمایت کرده و این کار را با نابودی آزادی انجام خواهیم داد.^(۷)

با اینکه جامعه در حال به رسمیت شناختن برابری افراد بشر بود، [اما] اقدامات کافی برای بهبود شرایط نابرابر که باعث محرومیت می‌گردید، انجام نشد. چنانکه آنا تول فرانس با طنزی مناسب می‌گفت:

قانون، با مساوات شکوه‌مندان‌اش، خوابیدن فقرا و ثروتمندان را به طور یکسان در زیر پلها منع کرده است.^(۸)

در قرن حاضر، به ویژه پس از بحران بزرگ و جنگ دوم جهانی، دیدگاهها تغییر یافت و جامعه فقرا را به عنوان یک آسیب اجتماعی ناشی از اجاره‌هایی خارج از اختیار فرد، تلقی نمود.^(۹) با

این حال همه پژوهشگران امروزی فقر کاملاً از این نظر پیروی نمی‌کنند. بی. ا. شیلر، ضمن بحث درباره برداشتهای امریکایی از فقر، بیان داشت که 'بحران بزرگ' به اندازه کافی دوام نیاورد تا این واقعیت را ثابت کند که فقر ممکن است، به سادگی به کارگران سختکوش و آبرومند نیز تحمیل گردد. او معتقد است، که با پشت سر گذاردن بحران، امریکایی‌ها آماده بودند تا به طرز فکر گذشته خود بازگردند و فقرا را به خاطر فقرشان سرزنش کنند.^(۱۰) این طرز فکر در سرمقاله زیر که در سال ۱۹۶۴ در تریبون اوکلاهما چاپ شد، نمود یافت:

کمک ... در امریکا به حرفه‌ای آبرومندانه تبدیل می‌شود. اگر شما نه وجدان داشته باشید و نه عزت نفس زندگی کاملاً خوبی خواهید داشت ... دولت به یک مادر برای مراقبت از بچه‌های نامشروعش کمک هزینه می‌دهد و اگر او از بچه‌های غفلت ورزد، می‌تواند پولی را که دولت به او می‌پردازد، ذخیره کند تا به طور دائم مشروب و جین خود و دوست‌اش را تأمین کند.^(۱۱)

خلاصه: تا چند سال پیش فقر به عنوان یک وضعیت نسبی تصور می‌شد، سپس فقر مترادف با ولگردی و شرارت گرفته شد، پس از آن این تعبیر دچار دگرگونی دیگری شد و برداشت اجتماعی فقر همان 'مشکل مادی' ناشی از ناکامیهای فردی بودند نه موقعیتی از پیش تعیین شده. و سرانجام فقر به طور عام به عنوان یک آسیب اجتماعی که از طریق عمل اجتماعی باید درمان شود، تلقی گردید.^(۱۲)

■ تلاش برای [ارائه] یک تعریف

سامنر در یکی از تحقیقات خود در باره طبقات اجتماعی می‌گوید: 'تعریف مناسبی از فقر وجود ندارد' و باید از بکار بردن این عبارت خودداری کرد، چون به طور خطرناکی انعطاف پذیر است و پاره‌ای از تصورات نادرست اجتماعی را در بر می‌گیرد.^(۱۳) گلاوین در کتاب 'فقر' به نظر می‌رسد برای اجتناب از مشکل تعریف، معنای فقر را بدیهی انگاشته است.^(۱۴) او حتی عنوان یکی از فصلهایش را فقر همان فقیر بودن است گذاشته، اما بلافاصله اضافه می‌کند:

فقیر بودن عبارت است از نبود پول برای کار کرد مؤثر در نظام اقتصادی که همه

مجبورند تا از طریق آن درصدد رفع ضروریات زندگی برآیند.^(۱۵)

عنوانهای دیگر این فصول از این قرارند: فقر

نفرت‌انگیز است؛ فقر عدم لیاقت است؛ و فقر ناتوانی است. به طور ضمنی در این کتاب فقر به معنی نداشتن پول کافی، مورد تنفر بودن، بی‌لیاقتی و ناتوانی است؛ بیل جردن در 'فقرا' می‌گوید: این کتاب دیگری، درباره تعریف فقر و تعیین حد آن نیست، [بلکه] درباره فقرا و چگونگی تأثیر [فقر] بر آنان می‌باشد.^(۱۵)

بعضی برغم پذیرش مشکلات مربوط به یافتن تعریفی از فقر، برخی مفاهیم عملی را پذیرفته یا تلاش نموده‌اند تا این مفاهیم را ایجاد کنند. برای مثال، رون تری، خانواده‌ای را فقیر می‌داند که درآمد کل‌اش برای به دست آوردن حداقل ضروریات برای حفظ کارایی فیزیکی کافی نباشد.^(۱۶) بیش از شصت سال بعد، اتکینسون در همان راستا بر این عقیده بود که:

«شخصی فقیر است که درآمدش به حدی پایین باشد که نیاز به 'مقررری اضافی' پیدا کند.»^(۱۷)

بعدها پیتر تاون سند اظهار داشت:

افراد، خانواده‌ها و گروههای یک جامعه را می‌توان فقیر نامید، هنگامی که آنها منابع لازم برای دستیابی به غذا، شرکت در فعالیتها، و داشتن شرایط مطلوب زندگی و تسهیلاتی که مرسوم است، یا حداقل [داشتن این تسهیلات] در جوامعی که در آن زندگی می‌کنند، پسندیده و مورد تشویق است، را ندارند.^(۱۸)

این نقل قولها که از فهرستی بسیار طولانی از منابع برگزیده شده است. نشان می‌دهد که دانشمندان علوم اجتماعی در مطالعاتشان تحت تأثیر دامنه گسترده‌ای از برداشتهای گوناگون درباره اینکه فقر چیست، می‌باشند. دلیل این امر آن است که فقر مفهومی نسبی و چند بعدی دارد. از اینرو، تعریف فقر یا چنان گسترده می‌شود که مبهم می‌گردد، یا بسیار خاص می‌شود. چنانکه با تأکید بر یک بُعد فقر، راه را برای انتقاد از خاص بودن باز می‌گرداند. با وجود این، اولین گام، فهمیدن فقر در کلیت آن است.

■ نسبی بودن مفهوم

فقیر را تنها به عنوان متضاد ثروتمند می‌توان درک نمود، بنابراین، فقر در تعریف یک مفهوم

نسبی است. به بیان دیگر کسی خود را دارا یا ندار می‌داند، نه فقط به خاطر آنچه او دارد یا ندارد، بلکه بخاطر آنچه که دیگران دارند یا ندارند. برای مثال اثر رونسی من درباره فقر می‌گوید، که فقر اقتصادی، هنگامی به وجود می‌آید که چهار شرط زیر با یکدیگر تلافی کنند: الف) شخص A درآمد x را نداشته باشد؛ ب) شخص A دارا بودن درآمد x را توسط دیگران ببیند؛ ج) شخص A خواهان درآمد x باشد؛ د) شخص A دستیابی به درآمد x را شدنی بداند.

فقر دست کم از چهار جهت دیگر نسبی می‌باشد. اول اینکه شخصی ممکن است فقیر تلقی شود، چون او از چیزی که افراد دیگر دارند، محروم است. دوم آنکه، شخصی ممکن است فقیر انگاشته شود چون او چیزی را ندارد که پیشتر آن را داشته است. سوم آنکه، فردی فقیر تلقی خواهد شد، اگر وسایل لازم برای رفع نیازهای خاصی که در جامعه‌اش متعارف است، را نداشته باشد. چهارم آنکه، کسی فقیر خواهد بود، اگر انتظار داشتن چیزی یا دستیابی به برخی اهداف را داشته باشد، اما در عمل با شکست مواجه شود. مروری بر ادبیات فقر نشان می‌دهد که تعاریف گوناگون پذیرفته شده در مطالعه فقر متعلق به یکی از مقولات بالاست.

آدام اسمیت در بحث ضروریات زندگی می‌گوید:

دریافت من از ضروریات نه تنها کالاهایی است که به طور حیاتی برای تأمین زندگی لازم است، بلکه هر آنچه عرف یک کشور نداشته‌اش آن را برای مردم محترم، حتی پایین‌ترین آنها، ناشایست می‌داند.^(۱۸) (سومین مقوله)

گالبرایت می‌گوید:

مردمی فقیر هستند که درآمدشان، حتی اگر برای بقا کافی است، از درآمد اجتماع بسیار پایین‌تر است.^(۱۹) (سومین مقوله)

مایکل هارینگتون در کتابش «آمریکای دیگر» بسیار فراتر می‌رود و می‌گوید: فقر باید به طور مطلق، در رابطه با آنچه بشر و جامعه می‌تواند باشد، تعریف گردد. تا زمانیکه آمریکا پایین‌تر از پتانسیل خود باشد، این ملت به عنوان یک کل فقیر است و تا زمانیکه آمریکای دیگری وجود دارد، ما، همه ما، به همان دلیل فقیرتر هستیم.^(۲۰) (مقوله چهارم)

دوباره؛

«محرومیت پدیده‌ای است که در حوزه اندیشه سیاسی به وجود آمده است؛ دیدگاهی درباره شیوه کارکرد جامعه، در رابطه با اینکه چه طور باید کار کند»^(۲۱) (مقوله چهارم)

پی. ا. شیلر به هنگام بحث درباره معیارهای غیر اقتصادی فقر می‌گوید:

برای برخی از ناظرین، فقر تنها مربوط به یک حالت ذهنی است تا وضعیت جیب شخص... بدین ترتیب عقیده داشت، کسی فقیر نیست، مگر آنکه احساس کند فقیر است؛ (مقوله چهارم)

تئوری فقر نسبی، مثال دیگری مبتنی بر مقوله اول ماست. این تئوری که رونسی من بدان مبنای تجربی داد، می‌گوید؛ مردم مایلند گروه‌های مرجع تشکیل دهند و با آن موقعیت خود را بسنجند. کار تجربی روی این تئوری روشن ساخته است که 'گروه مرجع' ممکن است شکلهای گوناگونی به خود بگیرد. برای مثال شخص A که موقعیت بدست آمده توسط شخص B را برتر از موقعیت خود می‌انگارد، ممکن است به طور نسبی احساس محرومیت کند. در این مورد، موقعیت به دست آمده توسط شخص B یک گروه مرجع است، که شخص A در مقایسه‌اش به لحاظ رفاهی میان اشخاص بکار برده است. از سوی دیگر شخص A ممکن است آرزو داشته باشد تا موقعیت معینی را که در گذشته داشته، دوباره بدست آورد، یا ممکن است، بخواهد تا هدف مشخصی را در زمان معینی بدست آورد. بنابراین، 'گروه‌های مرجع' در مورد بالا 'موقعیتی ویژه' یا 'دستیابی به هدف معینی' در یک زمان مشخص است.

■ یک مفهوم چند بعدی

بشر موجودی چند بعدی است و برای زندگی باید به رفع نیازهای گوناگونی بپردازد. توان او در جامعه تا اندازه‌ای است که این نیازها برآورده شوند. از اینرو، فقر به مفهومی جامع بدل می‌شود که کل طیف زندگی بشر را در بر می‌گیرد. انسانی ممکن است احساس فقر کند که ثروت و درآمد 'کافی' در اختیار ندارد، ممکن است فقیر باشد، چون به لحاظ اجتماعی محروم است؛ ممکن است فقیر باشد چون به لحاظ فرهنگی بی‌صلاحیت است؛ ممکن است فقیر باشد چون از نظر روانی ضعیف است؛ یا ممکن است فقیر انگاشته شود،

چون قربانی ترکیبی از تمام این محرومیت‌هاست. رابطه میان فقر و هر یک از عوامل بالا یک رابطه علت و معلولی تنها نیست. یک شخص فقیر است، چون ثروت کافی در اختیار ندارد و یا از نظر اجتماعی محروم است. در همان زمان او به لحاظ اجتماعی محروم است و یا از ثروت بی‌بهره است، چون فقیر است. به بیان دیگر، یک رابطه متقابل به جای یک رابطه یکطرفه علت و معلولی به طور مشخصی تأثیر گذار است. این شبکه پیچیده روابط به شیوه خود از طریق مجاری تثبیت شده، عمل کرده و در بیشتر موارد به تداوم فقر به عنوان خصیصه دائم زندگی که در میان خانواده‌های فقیر و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، می‌انجامد.

همچنین مشاهده شده است که خصلتهای مشخصی را می‌توان به فقر نسبت داد. ای. هرزوغ می‌گوید که شماری از بررسی‌ها، نشان می‌دهد، فقرا بیشتر عجول و متعصب هستند، آنها بیشتر طرفدار آزادسازی اقتصادی هستند، در حالیکه در امور غیر اقتصادی بیشتر ارتجاعی‌اند؛ ضد روشنفکرند، آنها بیشتر آماده عمل‌اند و کمتر آماده تفکر، آنان بیشتر اقتدارگرا، اهل تسلیم و سرنوشت‌گرا هستند، اشتیاق کمتری برای حفظ آزادی‌های مدنی دارند و بیشتر بی‌هنجار هستند.^(۲۲)

جنبه دیگر فقر آن است که این [پدیده] فرهنگ خاص خود را به وجود می‌آورد، یعنی طرح معینی برای زندگی ایجاد می‌کند که نسل اندر نسل منتقل می‌شود. برای مثال، فقر متضمن قرض گرفتن زیاد از منابع رسم و غیر رسمی، بکار بردن پوشاک و وسایل خانه دست دوم، خانه‌هایی با جمعیت بیش از ظرفیت و نبود آسایش و خلوت است. به طور نسبی احتمال عضویت فقرا در اتحادیه‌های کارگری، احزاب سیاسی و غیره، کمتر است. این ویژگیها که از تجربه زندگی فقرا برخاسته، عامل ایجاد مفهوم «فرهنگ فقر» است که به طور عام برای توصیف شیوه زندگی فقرا به کار می‌رود.^(۲۳) اسکار لویس که یک انسان‌شناس است، بگویندترین توصیف از فقر را همانگونه که توسط انسان تجربه شده است، ارائه کرده است. او مطالعات عمیقی درباره زندگی فقرا انجام داده و توضیح داده است که فقر در میان ملل امروز اغلب چیزی بیش از حالتی از محرومیت اقتصادی

است. (۳۴) بیل جردن نیز روی این موضوع کار کرده است و در نوشته‌هایش سعی نموده ... "تا اهمیت سیاسی و اجتماعی فقر را بررسی کرده و در جستجوی علل و تأثیرات نهفته انحراف به سوی جامعه‌ای نابرابرتر، ناعادلانه‌تر، کمتر دلسوز، آشفته‌تر و سرانجام ناکارای برآید." (۳۵)

در بررسی فقر مردم بیکار، جران می‌گوید، برای این افراد در ستین چهل، پنجاه و بیشتر که اغلب بیست، سی یا چهل سال کار مدام داشته‌اند، ضربه بیکاری خردکننده بوده است. شیوه زندگی تثبیت شده آنان از میان رفته و آنان چیزی نداشتند تا جایگزین آن کنند. واکنش آنان افسردگی و قطع ارتباطات اجتماعی بود.

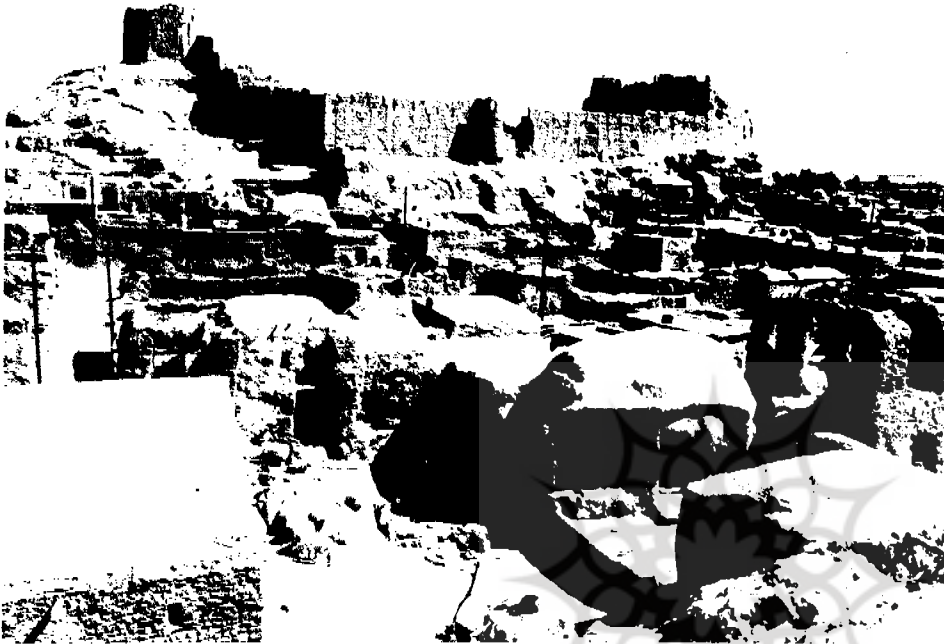
"با محرومیت از نقش تثبیت شده‌شان در اجتماع، باخته بودند. احساس می‌کردند که هویتی ندارند و چنان رفتار می‌نمودند که گویی در نظر دیگران اصلاً وجود ندارند." (۳۶)

فقر به عنوان یک ناتوانی بنیادی نیز تلقی شده است، شاید دیدگاه مارکس درباره فقر از هر دیدگاه دیگر، با این برداشت سازگارتر باشد. او می‌گوید: نیازها و برحورداری‌های ما از جامعه ناشی می‌شود، بنابراین، ما آنها را با جامعه می‌سنجیم نه با عینیت آنها! (۳۷)

بنا به این دیدگاه، مسئله کنترل ثروت است که در احساس فرد در مورد فقیر یا ثروتمند بودن اهمیت دارد تا سطح درآمد. در همین رابطه مید اضافه می‌کند:

فرد با دارایی بسیار، از قدرت چانه‌زنی و احساس امنیت، استقلال و آزادی زیادی برخوردار است. او نه تنها در برابر هموطنان فقیر خود بلکه در مقابل مسئولین دولتی نیز از این مزایا بهره می‌برد. علاوه بر این توزیع نابرابر ثروت به معنی توزیع نابرابر قدرت است، حتی اگر از تأثیر آن در توزیع نابرابر درآمد جلوگیری شود.

در نهایت، فقر آنچنانکه به وسیله انسان احساس می‌شود، مفهومی گسترده چند بعدی و نسبی است. اگر احساس آدمی و محرومیت در توجه به فقر مورد تأکید قرار گیرد، تنها تعریف ممکن و منطقی این خواهد بود: فقر حالتی است که در آن فرد از ابزار لازم برای برآوردن یک یا مجموعه‌ای از اهداف دلخواه محروم است. نتیجه طبیعی این تعریف آن است که فقر را نمی‌توان ریشه کن نمود. این امر زمانی مشخص می‌گردد



مقایسه حالات فقر و کمی نمودن فقر را ممکن گرداند.

مفهوم طیف درجه بندی شده نیازها، را می‌توان به عنوان تلاشی برای حل این مشکلات مطرح نمود. منظور ما از "طیف درجه بندی شده نیازها" ترتیب و اولویتی است که فرد به رفیع مجموعه‌ای از نیازهای احساس شده در زمان معینی می‌پردازد. در این مفهوم فرص بر این است که فرد قادر است تا:

الف) فهرست محدودی از مجموعه نیازها را ارائه کند

ب) درجه فوریت آنها را در یک مقیاس عمودی تعیین کند

ج) از این طیفهای درجه بندی ویژه و شخصی بهنگام تخصیص منابع برای دستیابی به وسایل بکار رفته در رفع نیازها استفاده کند.

اساسی‌ترین میل غریزی بشر طولانی کردن عمرش می‌باشد. بنابراین با اطمینان می‌توان گفت که نیازها به طور مستقیم مربوط به حفظ زندگی است، و توسط افراد به عنوان بنیادی‌ترین

که بدانیم خواسته‌های بشر همیشه از رفیع آنها پیشی گرفته است. علاوه بر این، فقر مفهومی نسبی است و معنای آن در طول زمان تغییر می‌کند، از اینرو ارائه تعریفی عینی و نهایی از وضعیت دقیق یک ماهیت، وضعیتی که فقر را مستثنا خواهد کرد، به نظر غیر ممکن می‌رسد، جامعه بدون فقر تنها در صورتی که خواسته‌ها و رفیع آنها، بتوانند همزمان روی دهند، قابل دستیابی است. روشن است که این حالتی در بهشت است.

"شخص تنها باید آرزو کند، و شیء مورد آرزو بی‌درنگ آنجا خواهد بود" (۳۸)

با این وجود، مسئله مورد توجه ما چیزی است که روی زمین رخ می‌دهد.

■ سلسله مراتب

احتیاجات و نیازهای اساسی

تا بدینجا ما به مفهومی از فقر که بتواند منبایی را برای پژوهش اقتصادی فراهم کند، دست نیافته‌ایم. ما به مفهومی سیاز داریم که

[نیازها] تلقی می‌شوند.

هرگاه وسایل لازم به اندازه کافی برای تداوم زندگی وجود نداشته باشد، بشر نیازهای ضروری‌اش را در نیازهای معاش - غذا، سرپناه و حداقل پوشاک متبلور می‌بیند. او تنها هنگامی به دیگر نیازها می‌پردازد که نیاز معاش رفع شده باشد. شاید دلیل آن باشد که در یک زمان مشخص خواسته‌های فرد، نه توسط کل طیف نیازهای بشر، بلکه با ضروری‌ترین آنها انگیزه می‌شود. مجموعه [نیازهای] ابتدایی که مربوط به

اساسی‌ترین نیازهای زندگی است، پس از آن گسترش می‌یابد و دیگر نیازها را نیز دربر می‌گیرد. این دیدگاه به طور غیر مستقیم با مطالعات تجربی که برای آزمایش نظریه فقر نسبی انجام شده است، تأیید می‌شود. این تحقیقات نشانگر آن است که مردم تمایلی به مقایسه فوری وضعیت خودشان با وضعیت ثروتمندترین یا خوشبخت‌ترین آنها در اجتماع ندارند، بلکه به مقایسه با گروه‌های مرجع که به طور نسبی به خودشان نزدیک هستند، می‌پردازند. به نظر می‌رسد، فقر خود را با کسانی مقایسه می‌کنند که تنها قادر به رفع مجموعه محدودی از نیازها هستند. فقرای ساکن زاغه‌های قدیمی سنت آن نائینگهام فکر می‌کردند، هفته‌ای ۲۵ پوند ثروتی برای آنهاست، در واقع به نظر خود دامنه و چشم‌انداز رفع خواسته‌ها را مشخص می‌سازند.^(۳۸) البته با افزایش درآمد، خواسته‌های جدیدی که همراه با تغییر منظر است، را پیدا می‌کنند و این افق گسترده‌تر می‌شود.

به نظر می‌رسد منطق طبقه‌بندی استری‌تن - بزرگی از نیازهای اساسی به سلسله‌مراتبی از چهار گروه از ملاحظاتی مشابه ناشی شده باشد. بنا به نظر این نویسندگان، نیازهایی که برای بقای محض حیاتی هستند در پایین‌ترین رده از این سلسله مراتب نیازهای اساسی قرار دارند. هر شخصی که نتواند به رفع این نیازها بپردازد، زنده نخواهد ماند. در رده بعدی، نیازهای اساسی

آنهايي هستند که برای بقای پیوسته لازم‌اند. این سبب نیازهای اساسی دربر دارنده کمترین مقدار لازم آب و غذا برای بقای پیوسته، خدمات پزشکی برای محافظت در برابر بیماری‌های کشنده و سرپناه و پوشاک کافی می‌باشد. در رده سوم، نیازهای اساسی مربوط به 'بقای سازنده' است که

از میان آنها به سطح بالاتری از پذیرش غذا، خدمات پزشکی برای محافظت در برابر بیماری‌های کشنده و غیر کشنده و حدی از آموزش وابسته است. سرانجام، در رده چهارم نیازهای اساسی نیازهای غیر مادی مانند شرکت در تصمیم‌گیری مؤثر در زندگی فرد که برای هیچکدام از بقای محض، پیوسته یا سازنده حیاتی نیستند، دربر می‌گیرد.^(۳۹)

پژوهشگرانی که با تعریف حد مطلوب زندگی سروکار دارند، نیز مقیاسهای مشابهی را پیشنهاد کرده‌اند. برای مثال درونوسکی - اسکات از سه مقوله نیازهای اساسی گفتگو می‌کنند: (الف) نیازهای اساسی مادی (تغذیه، سرپناه و بهداشت)، (ب) نیازهای اساسی فرهنگی (آموزش، فراغت و تفریح، امنیت)، (ج) نیازهای والاتر^(۴۰)

در واقع در میان نیازهای مربوط به هر یک از این مجموعه‌ها تداخل وجود دارد. برای مثال، غذا جزء بیشتر این مجموعه‌ها خواهد بود. بنابراین، مجموعه نیازها نه تنها از نظر شمول اجزا منحصر به فرد، از یکدیگر متمایز نمی‌گردند، بلکه از نظر سلسله مراتب کارکردشان، در هر مرحله، تعداد رو به تزاید اجزا و سطح عالیتری از اقتناع متمایز می‌گردند.

چنین طبقه‌بندی برای یافتن مدل عمومی از یک طیف نیازها مبتنی بر معیارهای نسبتاً یکسان بکار گرفته شده توسط افراد را، ممکن می‌گرداند. البته، مقیاسهای شخصی افراد در زمینه‌های زیر با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کنند: (الف) تعداد نیازهای یک مجموعه ممکن است گوناگون باشد (ب) اهمیت داده شده به نیازهای مخصوصی در یک مجموعه معین ممکن است برای همه یکسان نباشد. اما این اختلافات نباید با وجود یک رده‌بندی همسان از مجموعه گسترده نیازهای تعریف شده توسط استری‌تن - بزرگی یا دیگر رویکردها در تضاد قرار گیرد.

با این تفسیر، مفهوم طیف نیازها می‌تواند چارچوبی را برای تحقیق تجربی درباره فقر فراهم کند. چنانکه بعد خواهیم دید، مشکلات مفهومی همراه با مقایسه بین زمانی و بین فردی فقر کاهش پیدا می‌کند و اندازه‌گیری‌های مهمی (برای مثال شمارش فقر) ممکن می‌شود.

الف) مقایسه بین زمانی فقر

آیا این گفته معتبر است که شخص الف در زمان ۱ از زمان ۱ - ۱ بیشتر (یا کمتر) فقیر بوده است؟ در بحث‌های گذشته اشاره گردید که احساس انسان نسبت به محرومیت همان چیزی است که مفهوم عام فقر درباره آن است در یک کلمه، کسی فقیر است که احساس کند یا فکر کند، فقیر است. در این رابطه، مقایسه‌های میان زمانی فقر ذهنی هستند. یک فرد ممکن است بتواند احساس فقرش را در زمان ۱ با احساس فقر کمتر یا بیشترش در زمان ۱ + ۱ مربوط سازد با این وجود این ارزیابی‌ها فردی و مستقل از یک معیار بیرونی نمی‌تواند محقق فقر را خیلی پیش ببرد. مفهوم طیف نیازها به مقایسه بین زمانی استحکام می‌بخشد. هنگامی که فقر با توجه به سلسله مراتب مجموعه نیازها تعریف گردید.

مقایسه حالات فقر در زمان ۱ و ۱ + ۱ را می‌توان با توسل به معیاری بیرونی (رفع یک مجموعه ویژه [نیازها] در برابر مجموعه‌ای دیگر) و نه در قالب احساسات شخصی، انجام داد.

ب) مقایسه بین فردی فقر

آیا فقرا را بر اساس شدت فقرشان می‌توان رده‌بندی نمود؟ به بیان دیگر، آیا ملاک یا ملاک‌هایی وجود دارند که با آن بتوان شخصی را فقیرتر از دیگری دانست؟ شیوه عینی برای اندازه‌گیری یا مقایسه یک احساس ویژه، مثلاً احساس ناشی از گرسنگی، میان دو فرد وجود ندارد. این است که حتی اگر افراد A و B را از نظر همه عوامل قابل مشاهده، بتوان دقیقاً در یک موقعیت فرض کرد، با اینحال شیوه عینی برای مقایسه تأثیر این محرومیت بر آنها وجود ندارد. از اینرو تا آنجا که به مفهوم عام فقر مربوط می‌شود، چنین مقایسه‌هایی ممکن نیست.

مفهوم طیف نیازها را دوباره می‌توان بکار برد و مقیاسی عینی برای مقایسه، به این طرق، پیدا نمود. می‌دانیم که عینیت این مقیاس را باید به طور مشخص در محدوده استنباط از مقیاس درجه‌بندی شده که در بالا بحث شد، فهمید. بنابراین با این روش می‌توان گفت: شخصی که در پایین‌ترین سطح مقیاس درجه‌بندی شده قرار دارد فقیرتر از کسی است که در سطح بالاتری قرار دارد.

مفهوم مقیاس درجه بندی شده نیازها را می توان در رابطه با گروههای مردم، ملت‌ها و همچنین افراد به کار برد. در این مورد باید میانگین را بکار برد. اما انتقال از افراد به گروه مردم دربر دارنده مشکلات شناخته شده‌ای است که از داده‌های class ناشی می‌شود و محدودیتهای جدیدی در رابطه با عینیت و دقت نتایج پیش می‌آورد.

■ اندازه‌گیری فقر و آمار فقرا

پیش‌تر گفته شد که فقر بیشتر یک حالت ذهنی است تا عینی. نتیجه طبیعی این گفته این است که اگر فردی احساس می‌کند، فقیر است پس فقیر است. شیوه‌ای که با آن فقرا را می‌باید شمرد، سنجشی است که دربر دارنده پرسش، آیا احساس فقر می‌کنید؟ باشد. این شمارش ارتباطی با آنچه که فرد دارد (یا ندارد) یا با آنچه او مصرف می‌کند یا نمی‌کند، ندارد. پاسخ فرد بدین پرسش؛ 'آیا شما احساس فقر می‌کنید؟' استنباط کلی از خواسته‌ها؛ ناکامی‌ها و ... فرد را دربر می‌گیرد. اگر چنین سنجشی انجام شود، شاید بیشتر پاسخ دهندگان به نحوی پاسخ دهند که حاکی از فقیر بودن آنها باشد. ممکن است چنین سنجشی محقق را خیلی پیش‌بینی کند. شاید بتوان روش امید بخش‌تری یافت، اگر مفهوم مقیاس درجه بندی شده نیازها بکار برده شود. در این روش محقق سعی نمی‌کند تا فقرا را براساس عدم رفع نیازهایشان به شمار آورد، [بلکه] تلاش خواهد کرد تا آنها را به حساب آورد که نیازهایشان در سطح بخصوصی از طیف رفع نگردیده است. این امر به کمی شدن فقر می‌انجامد و می‌توان آن را به طور هدفمند در یک مطالعه مقایسه‌ای زمانی یا مکانی بکار برد.

■ تحقیقات تجربی درباره فقر

مطالعات تجربی فقر، چنانکه پیشتر گفته شد، باید دربر دارنده تعریفی باشد که اندازه‌گیری را ممکن گرداند و نظریه "فقدان منابع یا درآمد" را به میان آورد. تمام تعریفهای تجربی فقر دارای یک جزء مشترک هستند. همه آنها فقر را حالتی از عدم "پول کافی" برای داشتن سطح پذیرفته شده‌ای از زندگی می‌دانند. جای شگفتی نیست که جنبه اقتصادی فقر، ویژگی بنیادی این تعریفها را تشکیل می‌دهد. این تأکید اغلب با این استدلال توجیه می‌گردد که نبود درآمد کافی، مخارج یا دارایی عامل اصلی است. برای مثال: به نقل از

برت هود، درآمد را شاید بتوان 'به عنوان عامل مسلط محوری' در چرخه علیت و تقویت متقابل که به محرومیتی چند جانبه می‌انجامد، دانست.^(۳۲)

مطالعه فقر توسط بوت و رون تری

اولین تلاش تجربی برای اندازه‌گیری فقر به شیوه‌ای علمی توسط چارلز بوت در مطالعاتش درباره فقرای لندن در نیمه دوم قرن نوزدهم انجام گرفت.^(۳۳) او ۴۰۷۶ مورد فقر را در لندن تحلیل کرد و نتایج بررسیهایش را در طول ۱۴ سال به چاپ رسانید.^(۳۴) بوت مردم فقیر را به دو گروه طبقه بندی کرد: فقیر و خیلی فقیر. فقیران کسانی بودند؛

"که دارای درآمدی تقریباً منظم با حداقل ۱۸ تا ۲۰ شلینگ در هفته برای یک خانواده متوسط هستند؛

'بسیار فقیر' به عقیده بوت کسانی بودند؛

"که به هر دلیل بسیار پایین تر از این سطح قرار می‌گیرند. فقیران کسانی هستند که امکانا نشان کافی است، اما به سختی برای یک زندگی آبرومند و مستقل کفایت می‌کند. بسیار فقیر کسانی هستند که مطابق سطح معمول زندگی در این کشور امکانا نشان برای این امر کافی نیست. فقیر را می‌توان زندگی یا مبارزه برای دست یافتن به ضروریات زندگی و برآورده ساختن اهداف مورد نظر توصیف کرد، در حالیکه 'بسیار فقیر' در وضعیتی از نیاز شدید زندگی می‌کند.^(۳۵)

کار بوت با مطالعه رون تری در یورک دنبال شد. اولین بررسی در یورک در سال ۱۸۹۹ انجام شد. وی در سالهای ۱۹۲۶ و ۱۹۵۰ دو بررسی دیگر نیز انجام داد. تعریف فقر را در کتابی که نتایج اولین بررسی او را ارائه می‌کند و در سال ۱۹۰۱ منتشر شد، آورده است.^(۳۶)

حداقل ضروریات با برآورد نیازهای غذایی خانواده و تبدیل آنها به مقدارهای مختلفی از مواد غذایی بر حسب پول محاسبه می‌گردید. پرداخت اجاره به وسیله این خانواده‌ها و حداقل هزینه مشخصی برای پوشاک، سوخت و خرده‌ریز به پول برآورد شده غذا افزوده می‌شود. این بودجه معیشتی به عنوان خط فقر در نظر گرفته شد. هر خانواده‌ای که درآمدش زیر این خط قرار می‌گرفت فقیر به حساب می‌آمد.

تعاریف فقر که توسط بوت و رون تری به کار برده شده، تعاریف معیشتی نامیده می‌شود، و به

خاطر انعطاف ناپذیری بسیار و مطلق فرض نمودن فقر (تا مفهومی نسبی) مورد انتقاد قرار گرفته است. بنابراین، بحث بالا نشانگر آن است که آنها بیشتر دل مشغول اولین سطح فقر در مقیاس درجه بندی شده نیازها بوده‌اند. انتقاد بجایی نیز متوجه روش آنها در رابطه با شیوه‌ای که با توجه به آن یک رژیم غذایی برای فقرا می‌یافتند، شده است. روش آنها به کارگیری دانش کار شناسانه متخصصین تغذیه در برآورد کالری و پروتئین مواد غذایی گوناگون و تعیین نوع مواد غذایی که به وسیله فقرا باید یا نباید خورده شود، است. اما این پرسش نادیده گرفته می‌شود: آیا فقرا از چنین دانشی برخوردارند؟ حتی اگر فقرا به این دانش دسترسی داشتند، آیا قادر بودند تا چنین رژیم غذایی واقعی را با رژیمی که برای اهداف صرفاً تغذیه‌ای در آزمایشگاه متخصصین تغذیه تهیه شده، خیلی متفاوت است، تعیین کنند. آیا پذیرفتنی است که رژیم غذایی تهیه گردد که در آن نه تنها ارزش غذایی، بلکه پاره‌ای عوامل اجتماعی نیز در نظر گرفته شوند؟ چنین تلاشی لاجرم در انتخاب اینکه کدام عوامل باید، در نظر گرفته شوند، گزینشی خواهد بود. علاوه بر این، رابطه میان عوامل اجتماعی و رژیم غذایی از چنان ماهیت پیچیده‌ای برخوردار است که چگونگی تحقق بخشیدن آنها در تهیه یک رژیم غذایی بسیار مشکل است. بنابراین، تعیین اینکه چه نوع مواد غذایی و به چه اندازه باید در یک رژیم غذایی گنجانده شود، سوالی است که بیشتر مربوط به برداشت ذهنی محقق است تا نیازهای عینی مردم. از سوی دیگر پژوهشگران تجربی ممکن است وضعیت تغذیه فقرا را با توجه به آنچه که 'واقعی' است، به جای آنچه که باید توسط آنها مصرف شود، بررسی کنند. در این رویکرد دیگر مطالعه فقر تغذیه با بررسی رژیم غذایی واقعی و ارزش آن یعنی، محتوای تغذیه‌ای غذایی که

واقعا مصرف می‌شود، آغاز می‌شود. اگر مشخص شود که یک رژیم غذایی، مواد غذایی کافی را تأمین نمی‌کند، دارنده آن رژیم غذایی در رابطه با احتیاجات غذایی‌اش، مبتلا به سوء تغذیه تلقی می‌شود. بدین ترتیب در ارتباط با رفع احتیاجات غذایی او 'محروم' است و می‌توان او را به لحاظ تغذیه، فقیر دانست. این رویکرد، مستقیماً متضمن مفهوم کفایت درآمد نیست. چنانکه بعداً

بحث خواهد شد، ممکن است به مشکلاتی در تفسیر یافته‌های یک مطالعه تجربی درباره فقر غذایی مبتنی بر این اصل که چنین فقری هنگامی رخ می‌دهد، که نیازهای غذایی واقعی رفع نمی‌گردند، بیانجامد.

این مشکل هنگامی که محقق تلاش می‌کند تا سید هزینه‌های حداقل مواد غیر غذایی را برای فقرا تهیه کند، به وجود می‌آید. دوباره این امر گریزناپذیر است، یعنی تعیین اینکه چه چیزهایی با چه قیمتی و به چه مقدار باید در سبد غیر غذایی گنجانده شود. سوآلی که می‌شود بیشتر تابع برداشت محقق است تا نیازهای مردم. محقق برای مشخص نمودن سبد هزینه مواد غیر غذایی و ساختن مفهوم فقر به شیوه‌ای عملی، دوباره مجبور به اتکا به معیار 'کفایت درآمد' یا معیار رفع یک مجموعه از نیازها می‌باشد. بنابراین لازم است که، دقیق‌تر به این سؤال بپردازیم: آیا عدم 'کفایت درآمد' یا ناکامی واقعی برای رفع مجموعه مشخصی از نیازها، را می‌توان به عنوان معیار فقر در مطالعات تجربی مورد توجه قرار داد؟

■ عدم کفایت درآمد و ناکامی در رفع

مجموعه معینی از نیازها؛ به عنوان معیارهای جایگزین برای فقر در

مطالعات تجربی

روش رایج برای اندازه‌گیری فقر، هنگامیکه در قالب ناکافی بودن درآمد، تعریف شود، بدین ترتیب است: اولین گام یافتن یک رژیم غذایی به منظور تأمین مواد مغذی و کافی برای واحد تحت بررسی، مثلاً خانواده‌ای با اندازه و ترکیب سنی و جنسی معین، گام دوم ارزش گذاری این رژیم غذایی بر حسب پول، سپس اضافه کردن یک حداقل هزینه مشخصی برای اجاره، پوشاک، سوخت و غیره به هزینه برآورده شده غذا است. ارقامی که بدین شکل بدست می‌آید، به عنوان خط فقر منظور می‌شود و خانواده‌ای که درآمدش پایین‌تر از این خط باشد، فقیر تلقی می‌شود.

با اینحال، ناکافی بودن درآمد به عنوان مقیاس فقر در هر رده‌ای از طیف، دارای دو مشکل می‌باشد. اول، چنانکه در گذشته نیز بحث شد؛ سنجش نوع مواد غذایی (و مقدار) که باید در یک

رژیم غذایی گنجانده شود، همچنین حداقل هزینه برای اجاره، سوخت، خانه و غیره چقدر باید باشد؟ محقق را دچار قضاوت‌های ذهنی می‌کند تا ارزیابی احتیاجات عینی مردم، دوم آنکه، وقتی سطح معینی از درآمد برای تأمین مواد غذایی لازم، خانه و غیره، کافی دانسته می‌شود، خانواده‌ای که در آمدش کمتر از سطح باشد، فقیر تلقی می‌گردد. در اینجا فرض ضمنی آن است که خانواده‌های مورد بررسی، الگوی هزینه‌ای را در پیش گیرند که کم و بیش به سطح استاندارد نزدیک است. به بیان دیگر، فرض می‌شود که طیف نیازهای خانواده برای کسی که خط فقر را تعیین می‌کند، یکسان است. بنابراین فرض می‌گردد که خانواده مطابق استنباط محقق درآمدش را به چیزهای اصلی مانند غذا، خانه و پوشاک اختصاص می‌دهد. همچنین، فرض می‌شود، خانواده ترکیب رژیم غذایی خود را نیز به همان شیوه انجام می‌دهد. اما آیا این فرضیات واقعی هستند؟

از دیدگاه ما منطق قانع کننده‌ای برای این فرض که واقعیت هماهنگ با الگو است وجود ندارد. این بدین معنی نیست که مطالعه تجربی فقر بر اساس معیار کفایت درآمد، بیهوده است. هدف این بحث جلب توجه به معانی ضمنی نهفته در این روش است. در این حالت یک مطالعه فقر به جای 'وجود واقعی' فقر به 'امکان ذهنی' آن می‌پردازد. اولین رویکرد در مطالعه فقر پرداختن به 'رفع برخی نیازها' در مقیاس درجه‌بندی شده می‌باشد. فقر هنگامی روی می‌دهد که مجموعه معینی از نیازها رفع نگردد، حتی اگر بتوان در اصول، کافی بودن درآمد خانواده را برای رفع این نیازها نشان داد، بدین معنی است که خانواده از الگوی مصرف از پیش تعیین شده‌ای پیروی می‌کند. روشن است که در این رویکرد فقر با عطف به مجموعه معینی از نیازها، به عنوان محرومیت واقعی شناخته شده است. مشکلی که در اینجا به وجود می‌آید، آن است که فرد A درآمدی بالاتر از فرد B داشته باشد، با وجود این فرد A ممکن است در مقایسه با فرد B از موقعیت کمتری در رفع مجموعه معینی از نیازها برخوردار باشد. بنابراین در شرایط معینی ممکن است، درآمدهای بالا با فقر بیشتری همراه باشد. این امر می‌تواند به دلایل متعددی باشد: الف) احتمال دارد قیمت

کالاها و خدمات مصرف شده برای رفع مجموعه‌ای از نیازها از محلی به محل دیگر تفاوت داشته باشد، همچنین ممکن است این تفاوت برای خانواده در یک مکان نیز وجود داشته باشد. ب) همه خانواده‌ها به اطلاعات یکسانی درباره بهترین راه برای رفع مجموعه‌ای از نیازها دسترسی نداشته باشند. این مسئله به ویژه در مورد یک خانواده جدید شهری صدق می‌کند. برای مهاجر روستایی سالها دقت لازم خواهد بود تا کاراترین شیوه رفع نیازها را در این محیط جدید بیاموزد، با اینکه خانواده‌های روستایی از [داشتن] صدها سال [سابقه] آشنایی با محیط‌شان. و تجربه‌ای طولانی که در سنتها تجسم یافته و به وسیله آنها انتقال پیدا می‌کند، سود می‌برند. ج) اگر چه خانواده‌ها، چنانکه پیشتر اشاره گردید، دارای طیف نیازهای مشابهی در قالب مجموعه‌های گسترده هستند، اما اهمیت داده شده به نیازهای بخصوصی در هر مجموعه احتمالاً متفاوت است. برای مثال، خانواده A ممکن است احساس کند که به خاطر شرایط ویژه (شرایط آب و هوایی یا وضعیت سلامتی یک عنصر خانواده) باید نسبت به خانواده B تأکید بیشتری روی سرپناه، در [راستی] مورد «بقای محض» به عمل آورد.

بنابراین روشن است، بسته به [نوع] معیار به کار رفته درباره فقر، نتایج مطالعات فقر دارای معانی گوناگونی و تابع تفسیرهای متفاوت خواهد بود در هر حال این تفسیر باید محدودیت‌های رویکرد اعمال شده را در نظر داشته باشد. برای مثال، یک مطالعه بر اساس رویکرد اول، مردمی را که از نظر نیازهای مشخصی در محرومیت به سر می‌برند، صرفاً به خاطر آنکه آنان مقدار پولی که برای رفع این نیازها کافی است، بدست می‌آورند، را فقیر نمی‌داند. یک مطالعه بر اساس رویکرد دوم مردمی را فقیر می‌داند که در رفع نیازهایشان تا کام مانده‌اند. اما این بدین معنی نیست که این فقرای ویژه نمی‌توانند [شرایط] خود را بهبود بخشند، برای مثال: گرفتن کالری با تغییر رژیم غذایی‌شان یا ترکیب هزینه‌شان.

رویکرد دوم، چون به اندازه‌گیری حد واقعی فقر، برای مثال به تشخیص واقعیتها، کمک می‌کند، شایسته‌تر است. رویکرد اول، یک عنصر ارزشی ارائه می‌کند که تحقیق تجربی باید تا آنجا که ممکن است، سعی کند از آن فاصله

بگیرد. علاوه بر این یافته‌ها درباره شرایطی که در آن مردم واقعاً فقیرند، سلسله گسترده‌ای از مسائل جدید را برای تحقیق در پیش رو قرار می‌دهد.

■ مطالعه تجربی فقر در ارتباط با توزیع دارایی، درآمد یا هزینه

معیار 'ناکامی در رفع نیازها' بدین معنی نیست که فقر در قالب یک هنجار مطلق و یکسان تفسیر می‌شود. چنانکه در بحث‌های قبلی نیز گفته شد، فقر نسبی است. کسانی که خود را فقیر می‌دانند، با یک گروه مرجع، برای مثال آنهایی که قادر به رفع مجموعه معینی از نیازها هستند، رابطه برقرار می‌کنند و این مرجع، به ویژه زمانی که درآمد و هزینه‌های، واقعی در مدت زمانی طولانی افزایش پیدا می‌کند، تغییر می‌یابد.

بنابراین بررسی کامل فقر باید این تغییرات را در نظر داشته باشد. برای مثال اگر رفع مجموعه مشخصی از نیازها به کمک یک خط فقر بیان می‌شود، بررسی رابطه میان خط فقر و توزیع دارایی، درآمد و هزینه سودمند خواهد بود. این امر متضمن، ساختن رابطه‌ای صریح و مستقیم میان فقر و توزیع درآمد یا دارایی است. چنین تعریفی باید درصد مشخص از جمعیت را، برای مثال ۲۰٪ مردم، در پایین‌ترین حد *dorenz curue* را فقیر تلقی کند، یعنی تنها زمانی که برابری کامل در توزیع بدست آمد، فقر کاهش خواهد یافت. علاوه بر این تغییرات در الگوی توزیع درآمد یا ثروت، و سطح مطلق زندگی هیچ تأثیری در کاهش یا افزایش فقر، چنانکه تصور شده است، نخواهد داشت.

خط فقری که با ارجاع به پاره‌های ویژگی‌های آماری توزیع تعریف شده است، می‌تواند از مشکلاتی که بدان اشاره شد، پرهیز کند. به عنوان مثال، خط فقر را می‌توان در سطحی معادل درصدی ثابت (X%) از درآمد میانگین تعریف کرد.

مطابق این تعریف، دستیابی به سطح مشخصی از درآمد که به عنوان حداقل در نظر گرفته می‌شود، به خودی خود فقر را درمان نمی‌کند، بلکه رسیدن به وضعیتی که هیچکس درآمدی کمتر از X% تصریح شده میانگین نداشته باشد، علاج فقر می‌باشد. روشن است که برابری کامل در توزیع درآمد در این مورد مطرح

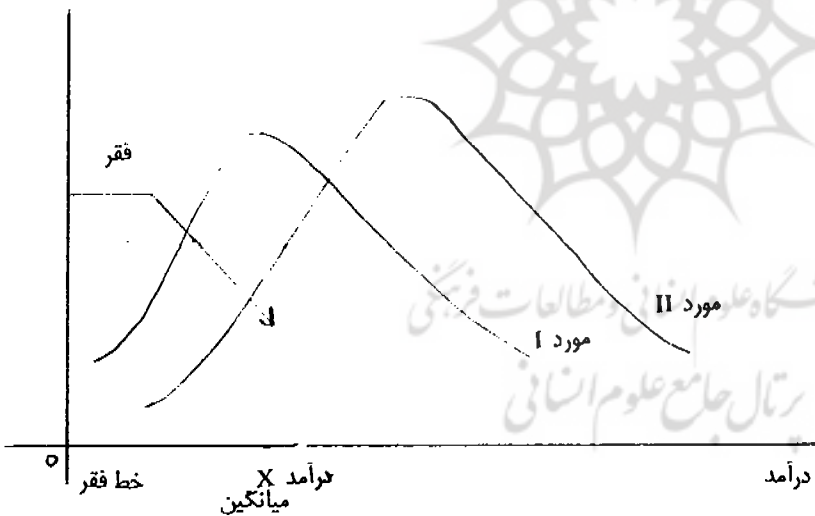
نیست. اجازه بدهید خط فقر مربوط به درآمد میانگین - برای مثال نصف درآمد میانگین چنانکه در شکل ۱ نشان داده شده است - را تعریف کنیم. اگر سطح زندگی همه گروه‌های درآمد به یک نسبت افزایش پیدا کند (الگوی توزیع درآمد تغییر نمی‌کند بلکه درآمدهای مطلق واقعی افزایش پیدا می‌کند) همان مقدار فقر وجود دارد. (شکل ۱، مورد II) اگر ما فقر را در رابطه با سطح درآمد مطلق تعریف کرده بودیم، برای مثال X% فقر به طور کلی از بین می‌رفت.

در جدول ۱، داده‌ها از مطالعه‌ای درباره آمریکا، تمایز میان تعاریف درآمد مطلق و نسبی را بیان می‌کند. ارقام (به درصد از کل جمعیت ایالات متحده) به این طبقات از فقر اشاره می‌کند: الف) مردمی که کمتر از سطح مشخصی از درآمد ثابت که به طور رسمی توسط دولت مشخص شده است، درآمد دارند؛ ب) کسانی که کمتر از نصف

درآمد میانه بدست می‌آورند (معیار فوش). (۳۷) چنین مشاهده می‌شود که فقر (به عنوان درصدی از کل جمعیت) چنانکه در الف) مشخص گردیده از ۲۸٪ به ۱۰٪ در سالهای ۷۳-۱۹۵۰ کاهش پیدا کرده است. در حالیکه فقر تعریف شده در ب) در طول این دوره تقریباً ثابت باقی مانده است.

مطالعات تجربی، که با توجه به خط فقر به اندازه‌گیری آن می‌پردازند، تنها می‌توانند افراد و خانواده‌هایی را که در زیر این خط قرار می‌گیرند، را شمارش کنند. مفاهیم دیگر، مانند 'شکاف فقر' نتایج این مطالعات را غنی خواهد کرد. 'شکاف فقر' را می‌توان به شیوه‌های مختلفی مشخص و برآورد نمود. یک روش تعریف و برآورد 'شکاف فقر' به عنوان معادل درصد محصول ناخالص ملی است که اگر دوباره توزیع شود، درآمد فقرا را تا سطح مشخص شده توسط خط فقر، افزایش خواهد داد.

شکل ۱: خط فقر در رابطه با توزیع درآمد



جدول ۱- فقر در ایالات متحده (درصد از کل)

سال	خط فقر دلار	فقر تعریف شده به عنوان الف)	فقر تعریف شده به عنوان ب)
۱۹۵۰	۲۴۶۰ = ۱۰۰	۲۳	۲۰
۱۹۶۰	= ۱۲۳	۲۱	۲۰
۱۹۷۰	= ۱۶۱	۱۱	۱۹
۱۹۷۲	= ۱۷۴	۱۰	۲۰
۱۹۷۳	= ۱۸۴	۱۰	۱۹

R. perlman, the economic of poverty
(New York, Macgraw - Hill Inc. 1976)



مصرف متعادل

و دایره فقر و اسراف مواد غذایی و راهبردهای توزیع عادلانه

● سید حسن کاظمی

کارشناس ارشد علوم اقتصادی

● چکیده

مصرف مواد غذایی به لحاظ اهمیت آن در سلامتی فردی همواره مورد توجه کارشناسان بهداشت جامعه بوده است، لیکن حد آن همواره از مهمترین موضوعات تنیده شده در مقوله تغذیه تلقی گردیده است. به گونه‌ای که کم یا زیاد شدن آن علاوه بر تبعات بهداشت فردی، تبعات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را نیز به همراه داشته است.

این مقاله تلاش نموده با بهره‌گیری از نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری، شکاف میزان مصرف خانوار را در جامعه تبیین نموده و طیف خانوارهایی که کمتر یا بیشتر از متوسط مصرف کل، مواد غذایی مصرف می‌نمایند را به تفکیک طبقات هزینه، بعد خانوار و میزان مصرف مورد شناسایی قرار دهد.

دایره فقر، کلیه خانوارهایی که کمتر از متوسط کل کشور مواد غذایی مصرف می‌نمایند، را تحت پوشش قرار می‌دهد. دایره اسراف نیز خانوارهایی که مصرف آنها بیشتر از متوسط کل کشور است، را تحت پوشش قرار می‌دهد. آمیختگی فقر و اسراف و معلول بودن دو پدیده از نتایج این تحقیق

است که به همین مناسبت به راهبردهای کلان اقتصادی و اجتماعی آن نیز اشاره شده است. شایان ذکر است که این تحقیق بر اساس نتایج بودجه خانوار شهری منتشر شده، توسط بانک مرکزی، سامان یافته است که به لحاظ فقدان اطلاعات مشابه برای خانوارهای روستایی، مطالعه موازی آن به منظور تبیین مسئله در جامعه روستایی امکان‌پذیر نبوده، لیکن لازم می‌باشد.

■ مقدمه

همواره اولین گام در مقابله با مشکلات اجتماعی - اقتصادی، گام شناخت تلقی شده است. به همین منظور در راستای بررسی و تجزیه و تحلیل توزیع عادلانه و مصرف متعادل تر مواد غذایی، شناسایی ساختار مصرف برخی از عمده‌ترین اقلام مواد غذایی در دیباچه این گزارش خواهد آمد از ابعاد طبقات هزینه و وسعت خانوارها در مناطق شهری نگرسته می‌شود.^(۱) پس از آن اقدام به تجزیه و تحلیل یافته‌های این تحقیق شده و سپس به راهبردهایی برای برطرف نمودن نابرابری‌های مصرف پرداخته می‌شود.

■ بررسی ساختار هزینه مواد خوراکی خانوار

شهری در سال ۱۳۷۲

در سال ۱۳۷۲ به طور متوسط بالغ بر ۳۳/۶ درصد هزینه خانوارهای شهری که معادل ۲۱۴۷۰۵۸ ریال می‌باشد، به هزینه‌های خوراکی و دختانی اختصاص داشته است؛ که ۱۰/۸۶ درصد آن برای تأمین آرد، رشته و غلات، ۵/۶۸ درصد آن به تأمین انواع نان و بیسکویت، ۲۶/۵۲ درصد آن به تأمین انواع گوشت، ۱۱/۳۷ درصد آن به تأمین شیر و فرآورده‌های آن و تخم‌مرغ، ۴/۳ درصد آن به روغن‌ها و چربیها، ۱۱/۴۳ درصد آن به تأمین میوه‌های تازه، ۱۱/۶ درصد به تأمین انواع سبزیهای تازه و ۱۸/۲۴ درصد آن برای تأمین خشکبار، حبوبات و... ودختانیات هزینه شده است. بررسیها نشان می‌دهد؛ ۵۵ درصد هزینه تأمین گروه انواع نان و بیسکویت به تأمین انواع نان اختصاص داشته است. همچنین ۶۶ درصد از هزینه گروه انواع گوشت، به گوشت دام و ۲۸ درصد به گوشت پرندگان (مرغ) و ۶ درصد به گوشت حیوانات دریایی (ماهی) اختصاص یافته است. ۵۴ درصد از هزینه گروه شیر و فرآورده‌های آن و تخم‌مرغ، به فرآورده‌های شیر و ۲۴ درصد به تخم‌مرغ، همچنین ۱۸ درصد از هزینه تأمین روغن‌ها و چربیها به انواع کره اختصاص یافته است، که نحوه توزیع این محصولات بین خانوارها موضوع بررسی این گزارش می‌باشد.

به منظور دستیابی به ساختار مصرف خانوارها به تفکیک طبقات هزینه بر اساس آمار بانک مرکزی طبقات هزینه‌ای به ۱۵ گروه تقسیم شده‌اند و از خانوارهای با هزینه کمتر از ۶۰۰۰۰۰۰ ریال تا خانوارهای با متوسط هزینه سالیانه بیش از ۱۳ میلیون ریال طبقه‌بندی شده‌اند.

بر مبنای سهم هر یک از گروههای اصلی و سهم هزینه محصولات در متوسط هزینه سالیانه

خانوارها که در جداول شماره ۱ و ۲ ذکر شده، میزان هزینه هر یک از اقلام مصرفی در طبقات ۱۵ گانه هزینه‌ای در جدول شماره ۳ محاسبه شده است. چنانچه ملاحظه می‌شود متوسط هزینه خوراکی و دخانی برای یک خانوار شهری معادل ۲۱۴۷۰۵۸ ریال بوده است که در خانوارهای طبقه زیر ۶۰۰۰۰۰ ریال هزینه سالیانه این رقم معادل ۱۲۷۱۳۱ ریال و در خانوارهای طبقه بالای ۱۳ میلیون ریال معادل ۵۶۰۲۵۷۶ ریال بوده است. به عبارت دیگر متوسط هزینه خوراکی و دخانی خانوارها در بالاترین طبقه هزینه‌ای ۴۴ برابر کمترین طبقه هزینه بوده است. به علت ثابت فرض نمودن سهم هزینه زیر گروهها بر مبنای متوسط کل در کلیه طبقات، نسبت‌های هزینه فی مابین کلیه طبقات هزینه‌ای نیز ثابت شده‌اند. به عنوان مثال، متوسط هزینه تأمین گوشت دام در یک خانوار در سال ۱۳۷۲ معادل ۲۷۵۰۵۶ ریال بوده که این رقم در طبقه هزینه‌ای زیر ۶۰۰ هزار ریال معادل ۲۲۲۵۴ ریال و در طبقه هزینه‌ای بالای ۱۳ میلیون ریال ۹۸۰۷۷۵ ریال محاسبه شده است که نسبت آنها همان ۴۴ برابر می‌باشد.^(۲)

غذایی در سال ۱۳۷۲،^(۳) متوسط مصرف خانوارها در ستون شماره ۲ جدول شماره ۵ محاسبه شده است، چنانچه ملاحظه می‌شود متوسط مصرف سالیانه انواع نان خانوارهای شهری در سال ۱۳۷۲ معادل ۷۰۱/۳۱ کیلوگرم، متوسط مصرف سالیانه گوشت دام بالغ بر ۷۸/۷۲ کیلوگرم، متوسط مصرف سالیانه گوشت پرندگان (مرغ) بالغ بر ۷۰/۶۹ کیلوگرم، ماهی ۱۴/۰۷ کیلوگرم، فرآورده‌های شیر ۴۲/۵ کیلوگرم، تخم مرغ ۴۵/۱۳ کیلوگرم و انواع کره بالغ بر ۳/۸۱ کیلوگرم بوده است. لیکن این میزان مصرف در خانوارهای با طبقات هزینه مختلف همانند ساختار جدول شماره ۲ متفاوت و در یک طیف نسبتاً وسیعی قرار داشته است.^(۴) به طوریکه مصرف سالیانه انواع نان یک خانوار در طبقه هزینه کمتر از ۶۰۰ هزار ریال در سال ۱۳۷۲ بالغ بر ۴۲ کیلوگرم و در یک خانوار در طبقه هزینه بیشتر از ۱۳ میلیون ریال بالغ بر ۱۸۳۶ کیلوگرم بوده است. به همین ترتیب متوسط مصرف سالیانه گوشت دام معادل ۴/۷ کیلوگرم و در طبقه هزینه بیشتر از ۱۳ میلیون بیشتر از ۱۳ میلیون ریال بالغ بر ۲۰۶ کیلوگرم بوده است. بر اساس محاسبات انجام شده متوسط

مصرف سالیانه مواد غذایی در کشور در سال ۱۳۷۲ حدوداً ۳ هزار کالری انرژی روزانه برای مصرف‌کنندگان تأمین نموده است این میزان کالری از نقطه نظر بهداشتی بطور متوسط نیازهای ارگانسیم بدن یک انسان فعال را تأمین می‌نماید. با پذیرش این فرض می‌توان ادعا نمود که خانوارهایی که موفق به مصرف شاخص متوسط سالیانه شده‌اند، در واقع در دایره بهداشت و سلامتی قرار داشته‌اند. لیکن خانوارهایی که به میزان متوسط مصرف سالیانه دسترسی پیدا نکرده‌اند، در دایره فقر و خانوارهایی که بیشتر از متوسط مصرف سالیانه کشور مصرف نموده‌اند، در دایره اسراف واقع شده‌اند. با توجه به مرزبندی فوق و داده‌های جدول شماره ۵ ملاحظه می‌شود خانوارهای مناطق شهری که در طبقه کمتر از ۵/۵ میلیون ریال قرار دارند، به علت اینکه کمتر از متوسط سالیانه کشور و کمتر از ۳ هزار کالری انرژی روزانه مصرف نموده‌اند، در دایره فقر قرار داشته و خانوارهایی که در طبقه هزینه ۵/۵ تا ۷ میلیون ریال قرار گرفته‌اند، حدوداً در دایره بهداشت و سلامتی و خانوارهای مستقر در طبقات هزینه‌ای بیش از ۷ میلیون ریال در دایره اسراف واقع

جدول شماره ۱ - متوسط هزینه سالیانه گروه‌های اصلی خوراک و دخانی سال ۱۳۷۲

شرح	واحد شاخص	آرد و غلات	انواع نان و بیسکویت	انواع گوشت	شیر و فرآورده‌های لبنی و تخم مرغ	روغن‌ها و چربیها	میوه‌های تازه	سبزیهای تازه	خشکبار، حبوبات، دغانیات و غیره	جمع
هزینه	ریال	۲۳۳۲۲	۱۲۲۰۲۸	۵۶۲۴۳	۲۳۳۱۲۵	۱۲۱۲۲	۲۲۸۲۸۲	۲۳۱۵۷	۲۹۱۲۲۲	۲۱۳۲۰۵۵
سهم از گروه خوراکی	درصد	۱۰/۸۶	۵/۶۸	۲۶/۵۲	۱۱/۳۷	۴/۳	۱۱/۴۳	۱۱/۶	۱۸/۲۴	۱۰۰

مأخذ: نتایج بررسی بودجه‌های خانوار در مناطق شهری ایران سال ۱۳۷۲ - مدیریت کل آمارهای اقتصادی - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

■ بررسی ساختار مصرف در خانوارهای شهری بر حسب طبقات هزینه‌ای مختلف

چگونگی فراوانی طبقات ۱۵ گانه هزینه‌ای خانوارهای شهری که در جدول شماره ۳ ذکر شده است، در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌گردد. به طوریکه بیشترین فراوانی معادل ۱۲/۶ متعلق به طبقه‌ای است که هزینه خانوارها در فاصله ۵/۵ تا ۷ میلیون ریال در سال ۱۳۷۲ بوده است. همچنین چنانچه در ستون شماره ۳ جدول ۴ نیز مشاهده می‌شود، کمترین فراوانی معادل ۰/۹ به طبقه هزینه‌ای کمتر از ۶۰۰۰۰۰ ریال بوده است. در صورتی که هزینه مواد غذایی خانوارهای مستقر در طبقه ۵/۵ تا ۷ میلیون ریال ۱۰۰ فرض شود، در ردیف ۲ جدول زیر شاخص گروه‌های هزینه‌ای مختلف نسبت به طبقه فوق نیز نشان داده شده است، که بالاترین طبقه ۲۴۰ و پایین‌ترین طبقه هزینه ۵ م، باشد.

از سوی دیگر بر اساس متوسط قیمت مواد

جدول شماره ۲ - سهم هر یک از اقلام اساسی در گروه‌های اصلی خوراکی در سال ۱۳۷۲

شرح	انواع نان و بیسکویت		انواع گوشت		شیر و فرآورده‌های لبنی		روغن‌ها و چربیها		ملاحظات
	بیسکویت	انواع نان	گوشت مرغ	گوشت دام	فرآورده‌های لبنی	شیر	روغن‌ها و چربیها	سایر	
درصد	۴۵	۵۵	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	-

مأخذ: نتایج بررسی بودجه‌های خانوار در مناطق شهری ایران سال ۱۳۷۲ - مدیریت کل آمارهای اقتصادی - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

جدول شماره ۳ - متوسط هزینه گروههای اصلی و هر یک از محصولات انتخابی به تفکیک طبقات هزینه خانوارهای شهری در سال ۱۳۷۲

ردیف	گروه اصلی	گروه	نوع هزینه	تعداد خانوار	مجموع هزینه	متوسط هزینه
۱	مسکن	کرایه	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۲	غذا	رشته	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۳	سفر	بلیت	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۴	تعمیرات	عمومی	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۵	حمل و نقل	اتوبوس	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۶	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۷	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۸	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۹	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۱۱	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۱۲	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۱۳	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۱۵	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۱۶	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۱۷	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۱۸	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۱۹	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۲۰	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۲۱	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۲۲	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۲۳	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۲۴	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۲۵	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۲۶	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۲۷	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۲۸	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۲۹	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰
۳۰	تعمیرات	سنگ	رایج	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰

منابع: نتایج بررسی بودجه خانوارها در مناطق شهری در سال ۱۳۷۲ - مدیریت کل آمارهای اقتصادی - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

شده‌اند. بدین ترتیب با توجه به ارقام جدول شماره ۴ و ۵ حدود ۵۷ درصد از خانوارهای مناطق شهری در سال ۱۳۷۲ در دایره فقر غذایی قرار گرفته‌اند و ۱۲/۶ درصد خانوارها در دایره بهداشت و سلامتی و حدود ۳۰ درصد خانوارها در دایره اسراف مواد غذایی واقع شده‌اند.

■ بررسی ساختار مصرف سرانه افراد بر حسب وسعت خانوارهای شهری در سال ۱۳۷۲

وسعت خانوارها در مناطق شهری بطور متوسط در سال ۱۳۷۲ حدود ۴/۹۳ نفر برآورد شده است^(۵). با توجه به میزان مصرف سرانه خانوارها که در جدول شماره ۵ ذکر شد، متوسط مصرف سرانه افراد که متضمن بهداشت و سلامتی برای آنها بوده است، در ستون شماره ۲ جدول شماره ۶ آمده است. چنانچه ملاحظه می‌شود افرادی که در خانوارهای با وسعت ۲ و ۳ و ۴ نفری زندگی نموده‌اند، بیش از شاخص متوسط سرانه کشور (شاخص بهداشت و سلامتی) مصرف نموده و به تعبیر این گزارش در دایره اسراف قرار گرفته‌اند. افرادی که در خانوارهای با وسعت ۵ نفر زندگی می‌کنند، موفق به تأمین متوسط سرانه کشور شده در محیط دایره بهداشت و سلامتی واقع شده‌اند و سایر افراد که در خانوارهای ۶ نفر به بالا زندگی می‌نمودند، به طور نسبی در دایره فقر مواد غذایی واقع شده بودند. به طوریکه به عنوان مثال متوسط یک نفر که در خانوار ۲ نفری زندگی می‌کرده سالیانه ۲۵ کیلوگرم گوشت دام مصرف نموده، در حالی‌که متوسط مصرف سرانه کشور بالغ بر ۱۶ کیلوگرم در سال ۱۳۷۲ برآورد شده است. چنانچه در جدول شماره ۶ نیز مشاهده می‌شود، متوسط مصرف یک نفر در خانوارهای ۲ و ۳ و ۴ نفری در اقلام مواد غذایی مورد نظر بطور نسبی بیش از

شاخص متوسط بهداشت و سلامتی بوده و خانوارهای ۵ نفری در محدوده شاخص واقع شده‌اند.

شایان ذکر است که در هر یک از خانوارهای موضوع جدول شماره ۶ طبقات هزینه متفاوت بوده، و ارقام ذکر شده به مثابه متوسط مصرف طیف خانوار می‌باشد. به عبارت دیگر ردیف خانوارهای ۲ نفری از نقطه نظر طبقات هزینه بر اساس طبقه‌بندی جدول شماره ۳ از محدوده کمتر از ۶۰۰ هزار ریال تا بیش از ۱۳ میلیون ریال می‌توانند واقع شوند. لذا ضرورتاً نمی‌توان به طور مطلق گروه‌های مستقر در دایره اسراف و فقر را منطبق با گروه‌های هزینه موضوع جدول شماره ۳ قرار داد. چنانچه در جدول شماره ۷ ملاحظه می‌شود: خانوارها بر اساس وسعت و به تفکیک طبقات هزینه‌ای دسته‌بندی شده‌اند که با توجه به مطالب فوق بیانگر این مسئله است که تمامی خانوارهای ۲ نفری، ۳ نفری و ۴ نفری و ۲۳/۷ درصد از خانوارهای ۴ نفری و ... دارای قدرت خریدی هستند که در طیف فوق قرار گرفته‌اند. همچنین بخشی از خانوارهای پر جمعیت نیز در این محدوده واقع شده‌اند. با توجه به ارقام جدول زیر مشاهده می‌شود که خانوارهایی که در دایره فقر قرار دارند، از وسعت متفاوتی نیز برخوردارند. به طوریکه ۷۴/۵ درصد خانوارهای ۲ نفری، ۶۰/۸ درصد خانوارهای ۳ نفری، ۵۴/۳ درصد خانوارهای ۴ نفری ... و ۵۰/۸ درصد خانوارهای ۱۰ نفری و بیشتر در این طیف قرار گرفته‌اند.^(۶)

همچنین یادآوری این نکته لازم است، که بر اساس ارقام جدول شماره ۸ حدود ۴۱ درصد افراد در خانوارهای ۲، ۳ و ۴ نفری زندگی می‌کنند، حدود ۱۸/۲ درصد افراد در خانوارهای ۵ نفری و حدود ۲۷ درصد در خانوارهای ۶ نفر و بالاتر زندگی می‌کنند.

■ تجزیه و تحلیل مختصری از مرزهای فقر و اسراف در مصرف اقلام عمده مواد غذایی

آن چه از ارائه اطلاعات مختصر در سه بخش این گزارش به دست می‌آید، وجود اسراف مواد غذایی در قله‌های درآمدی بالا و فقر و ناتوانی مصرف و سوء تغذیه در گودال درآمدی است که در هر دو منطقه یاد شده افراد در قالب خانوارهای کم جمعیت و پر جمعیت قرار دارند هر چند که در این دو منطقه موضوع فقر و اسراف نسبی بوده و از طیف گسترده‌ای برخوردار می‌باشند.

با توجه به ارقام جدول شماره ۷ و همچنین نحوه فراوانی خانوارها در جدول شماره ۸، توزیع خانوارهای مناطق شهری در جدول زیر مشاهده می‌گردد. به طوریکه دایره فقر مواد غذایی که متشکل از خانوارها با افراد ۲ تا ۱۰ نفر و بیشتر هستند، ۵۳/۵ درصد از خانوارهای مناطق شهری را تشکیل می‌دهند و دایره بهداشت و سلامتی ۱۲/۵ درصد خانوارها با وسعت مختلف را تشکیل داده و دایره اسراف نیز ۳۰ درصد خانوارها را در پوشش داشته است.

همچنین بررسی ارقام جدول شماره ۶ از دیدگاه تقسیم‌بندی نسبی‌های فوق نشان می‌دهد که طبقه خانوارهای بیش از ۷ میلیون ریال هزینه که ۳۰ درصد خانوارهای شهری را تشکیل می‌دهند، ۱/۹ برابر بیش از گروه ۵۳/۵ درصدی جامعه مواد غذایی مصرف نموده‌اند. به عبارت دیگر ۵۳/۵ درصد خانوارها ۳۱/۷ مواد غذایی (اقلام مورد نظر) را مصرف نموده‌اند، ۱۲/۵ درصد معادل ۸/۷ و ۳۰ درصد جامعه بالغ بر ۵۹/۶ درصد مواد غذایی را مصرف و اسراف نموده‌اند.

شایان ذکر است که تبیین و شناسایی فقر مطلق و اسراف در جامعه نیازمند به اطلاعات وسیع‌تر و دقیق‌تری است. لیکن به منظور برطرف

جدول شماره ۴ - نحوه توزیع خانوارها و مقایسه شاخص هزینه مواد غذایی به تفکیک طبقات هزینه ناخالص

شماره خانوار	تعداد افراد	میانگین مصرف سرانه (کیلوگرم)			میانگین هزینه ماهانه (ریال)
		مواد غذایی	بهداشت و سلامتی	اسراف	
۱	۲	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۲	۳	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۳	۴	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۴	۵	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۵	۶	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۶	۷	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۷	۸	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۸	۹	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۹	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۱۰	۱۱	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰

مأخذ: بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران در سال ۱۳۷۲ - مدیریت کل آمارهای اقتصادی - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

جدول شماره ۵ - متوسط مصرف سرانه خانوارهای مناطق شهری بر حسب طبقات هزینه ناخالص در سال ۱۳۷۲ واحد : کیلوگرم

شرح	متوسط برای کل خانوار	۶۰۰۰۰۰ تا	۹۰۰۰۰۰ تا	۱۲۰۰۰۰۰ تا	۱۵۰۰۰۰۰ تا	۱۹۰۰۰۰۰ تا	۲۴۰۰۰۰۰ تا	۳۰۰۰۰۰۰ تا	۳۶۰۰۰۰۰ تا	۴۵۰۰۰۰۰ تا	۵۵۰۰۰۰۰ تا	۷۰۰۰۰۰۰ تا	۹۰۰۰۰۰۰ تا	۱۱۰۰۰۰۰۰ تا	۱۳۰۰۰۰۰۰ تا
انواع نان	۷۰/۳۱	۲۲	۹۶	۱۳۱	۱۷۲	۲۱۷	۲۶۱	۳۰۴	۳۴۷	۳۹۱	۴۳۴	۴۷۶	۵۱۶	۵۵۷	۵۹۶
گوشت دام	۷۸/۷۴	۲۷	۶۰/۸	۱۴/۷	۱۹/۵	۲۳/۳	۲۷/۷	۳۲/۵	۳۵/۶	۳۹	۴۵/۶	۴۸	۵۱/۵	۵۶	۶۰
گوشت پرندگان (مرغ)	۷۰/۶۹	۴۲	۹/۷	۱۳/۳	۱۷/۶	۲۰/۴	۲۳/۵	۲۵	۲۹	۳۵	۳۹/۵	۴۱	۴۶	۵۰/۵	۵۴
گوشت حیوانات عریضی (ماهی)	۱۴/۰۷	۰/۸	۱/۸	۲/۵	۳/۳	۴	۵/۵	۶/۵	۷/۷	۸/۲	۹/۲	۱۰/۵	۱۱/۵	۱۲/۵	۱۳/۳
فرآورده های شیر	۴۳/۵	۲/۵	۵/۸	۸	۱۰/۵	۱۳/۲	۱۷/۷	۲۱	۲۴/۷	۲۸	۳۲	۳۷	۴۰/۳	۴۶/۵	۵۵/۶
نخم مرغ	۴۵/۱۴	۲/۷	۶	۸/۲	۱۱	۱۴	۱۸/۷	۲۲	۲۶	۳۱	۳۴	۳۸	۴۳	۴۹	۵۴
انواع کره	۳/۸۱۰	۰/۳۳	۰/۵۲	۰/۸۱	۰/۸۲	۱/۷۷	۱/۶	۱/۸	۱/۲	۱/۷	۲/۲	۲/۷	۲/۷	۳/۳	۳/۸

مآخذ : نگامی به نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری طی سالهای (۱۳۶۳-۷۲) - نمره روند شماره ۱۷ و ۱۲ سال پنجم بهار و تابستان سال ۱۳۷۳ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نمودن این خصوصیت بارز جامعه ضروری است، حدود مرزها شناسایی گردیده تا امکان فراهم نمودن زمینه های زدودن چهره کریمه و زشت پدیده فقر و اسراف بدست آید.

اسراف در مواد غذایی به لحاظ محدودیت منابع تولید این محصولات لاجرم تنگنا در مصرف گروه های دیگر جامعه را فراهم سازد و به همین لحاظ همواره نمی توان نسبت به رفتار مصرفی عده ای که احتمالاً در مصرف سایر اقلام و کالا و خدمات محدودیتی را قائل نمی شوند، حساسیت نشان داد. و این موضوع همواره در طول تاریخ بشر هرگاه که غیر تحمل شده، به شدت مورد توجه قرار گرفته است.

در جامعه ایران اسلامی آمارها نشان دادند؛ که فقر و اسراف در مصرف اقلام عمده مواد غذایی در بین گروه های مختلف جامعه به شدت محسوس می باشد و نمی توان متأثر از ارزشها و آرمانهای انقلاب نسبت به این پدیده زشت بی تفاوت بود که مماشات با آن در این زمان، شکاف و فاصله عمیق تر بین مصرف پرخورها و مسرفین از یک طرف و فقرا از سوی دیگر را لحظه به لحظه بیشتر و پیچیده تر خواهد نمود. لذا محدوده ها می بایست سریعاً شناسایی و برای رفع آن در بستر یک برنامه زمان بندی اقدام نمود. بنابراین با توجه به اطلاعات ارائه شده، حدود ۵۳/۵ درصد خانوارها با وسعت ۲ تا ۱۰ نفر و بیشتر که هزینه سالیانه آنها کمتر از ۵/۵ میلیون ریال است، به طور نسبی در محدوده فقر قرار داشته و ۳۰ درصد خانوارها با وسعت متفاوت و هزینه ای بیشتر از ۷ میلیون ریال در محدوده اسراف مواد غذایی واقع شده اند و حدود ۱۲/۵ درصد از خانوارهای جامعه شهری با وسعت مختلف در دایره سلامتی قرار داشته اند.

■ راهبردهای محدود کردن دایره فقر و اسراف

روشهای سهمیه بندی و ارائه یارانه به مصرف کنندگان و تولیدکنندگان مواد غذایی و برقراری مالیات بر درآمد از متداول ترین روشهای مقابله با سوء تغذیه و مبارزه با فقر تغذیه اقصا کم درآمد از یک سو و کنترل مصرف اقشار پردرآمد از سوی دیگر می باشد. لیکن از آنجائیکه پدیده فقر در تغذیه، پدیده فشار مضاعف اقشار کم درآمد است به گونه ای که نه تنها امکان مصرف از آنان سلب می شود، بلکه امراض جسمی نیز به همراه

سوء تغذیه رفته رفته بر چهره فقرا می‌نشیند. اما در گروههای پردرآمد، علیرغم پرداخت مالیات به دلیل داشتن روحیه و فرهنگ ریخت و پاش و قدرت خرید مواد غذایی، پدیده اسراف در مصرف به سادگی کنترل نمی‌شود، تا زمانی که ابزار لازم آن به کار گرفته شود.

اتخاذ یک مجموعه سیاستهای اجرایی هماهنگ در خصوص مبارزه با فقر و اسراف در مصرف مواد غذایی از ملزومات جریان فقر زدایی محسوب می‌گردد. این امر ناشی از پیچیدگی و دخالت عوامل متعدد در ایجاد و توسعه فقر در جامعه می‌باشد. البته اسراف در مصرف مواد غذایی نیز متأثر از عوامل متعددی است که اصولاً تصور رفع این نقیصه فرهنگی - اقتصادی بدون لحاظ نمودن سایر عوامل منطقی به نظر نمی‌رسد. در حوصله این مختصر نمی‌گنجد که در باب بررسی راهبردها، تحلیل‌های عمیقی که از بعد فنی و تخصصی در زمینه فقر وجود دارد، ارائه شود. لیکن اشاره به این نکته لازم است که مشکلات مربوط به اشتغال و بیکاری اقشار ضعیف، فقدان تخصص و دانش فنی اقشار کم‌درآمد، عقیم بودن سیستم توزیع مواد غذایی، افزایش نامتناسب هزینه تولید و قیمت تمام شده فرآورده‌های غذایی با قدرت خرید جامعه، فقدان الگوی تثبیت شده تغذیه در جامعه، فقدان سیستم فعال توزیع کمک‌های جنسی دولت به اقشار کم‌درآمد، میل به

مصرف و الگوی تغذیه غیر بومی، فقدان سیستم ترویج الگوی تغذیه بومی و ... از یک سو و خطامشی‌های کلان اقتصادی دولت، عدم پوشش کامل سیستم‌های مالیاتی بردرآمد، حرکت بطنی در مشارکت سرمایه‌های کوچک و جریان اقتصادی بخش تعاونی، تراکم و تمرکز درآمد افراد و اقشار خاص در جامعه، فقدان سیستم فرهنگی جلوگیری از ترویج فرهنگ ریخت و پاش و ... را می‌توان به عنوان عوامل مؤثر در ایجاد دوایر فقر و اسراف مواد غذایی در جامعه مطرح نمود.

معهداراهبردهای تحدید دایره فقر را می‌توان به شرح زیر ذکر نمود که هر یک از آنها نیازمند تبیین چارچوب و سیاستهای اجرایی خاصی می‌باشد:

الف - اصلاح سیستم توزیع مواد غذایی

ب - کاهش هزینه تولید مواد غذایی

ج - افزایش تولید مواد غذایی ارزان قیمت

د - افزایش قدرت خرید خانوارهای مستقر در دایره فقر

ه - ارائه کمک‌های جنسی مواد غذایی به اقشار و خانوار های مستقر در دایره فقر

و - تبیین و ترویج الگوی تغذیه بومی متناسب با نیازهای بهداشتی افراد.

همچنین به منظور تحدید دایره اسراف مواد غذایی می‌توان اجرای خطامشی‌های زیر را در بستر یک برنامه مقابله با فقر و اسراف در نظر

گرفت:

الف - اصلاح خطامشی‌های کلان اقتصادی در خصوص توزیع درآمد.

ب - اصلاح سیستم مالیاتی کشور

ج - ایجاد و توسعه فرهنگ مبارزه با اسراف و ریخت و پاش در جامعه

بدین ترتیب خطامشی‌های کلان فوق می‌تواند مبنای یک برنامه به منظور مقابله با فقر مواد غذایی و اسراف در جامعه تلقی شود.

چنانچه ملاحظه شد، تحلیل این نوشتار بر اساس آمارها و یافته‌های گزارش بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری بود. هر چند اذعان می‌شود که ساختار مصرف و توزیع مواد غذایی به لحاظ نزدیکی جامعه روستایی به منابع تولید همانند ساختار توزیع و مصرف در جامعه شهری نیست، لیکن نمی‌توان ساختار توزیع در جامعه روستایی را به لحاظ محتوا کاملاً مغایر با نحوه توزیع در جامعه شهری دانست. بنابراین ضمن اعلام نیاز به مطالعه بررسی وضعیت با معضل فقر و اسراف در جامعه روستایی، نتایج این تحقیق نمی‌تواند به جامعه روستایی نیز قابل تعمیم نباشد.

● خلاصه و نتیجه‌گیری

فقر و اسراف دو پدیده اقتصادی و فرهنگی است که ضد ارزش بوده و مختل و مانع تحقق اهداف توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی کشور می‌باشد. مصادیق فقر و اسراف در مواد غذایی را شاید بتوان به مثابه یکی از چهره‌های کریه و زنده این دو پدیده در جامعه اسلامی تلقی نمود. مطالعات نشان میدهد بر اساس نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری در سال ۱۳۷۲ پردرآمدها حدود ۴۴ برابر کم درآمدترین خانوارها در مناطق شهری بابت مواد خوراکی و دختانی هزینه صرف نموده‌اند.

این گزارش ضمن بررسی ساختار اقلام عمده مصرفی مواد غذایی نمونه‌های این شکاف هزینه خانوار را در مصرف نان، گوشت، مرغ، فرآوردهای شیر و انواع کره به تفکیک طبقات هزینه و بعد خانوار تبیین و بررسی نموده و به راهبردهای کلان مقابله با فقر و اسراف در مواد غذایی اشاره نموده است.

آنچه در این تحقیق به دست آمد، شناسایی

جدول شماره ۶ - متوسط مصرف یک نفر در خانوار مناطق شهری با وسعت مختلف در سال ۱۳۷۲ (واحد: کیلوگرم)

ردیف	شرح	متوسط مصرف یک نفر در خانوارها									
		سرانه کشور	۲ نفری	۳ نفری	۴ نفری	۵ نفری	۶ نفری	۷ نفری	۸ نفری	۹ نفری	۱۰ نفری و بیشتر
۱	انواع نان	۱۴۲/۳	۲۲۲/۵	۲۰۴/۴	۱۷۹/۳	۱۵۶/۷	۱۲۲	۱۱۸	۹۸	۱۰۰/۶	۹۹/۵
۲	گوشت دام	۱۶	۲۵	۲۳	۲۰	۱۷/۶	۱۳/۷	۱۳/۳	۱۱	۱۱/۳	۱۱/۲
۳	گوشت مرغ	۱۴/۴	۲۲/۵	۲۱	۱۸/۳	۱۵/۸	۱۲/۳	۱۲	۱۰	۱۰/۲	۱۰
۴	ماهی	۲/۹	۴/۲	۳/۹	۳/۴	۳	۲/۳	۲/۲	۱/۸۵	۱/۹	۱/۹
۵	فرآوردههای شیر	۸/۶	۱۳/۵	۱۲/۵	۱۰/۸	۹/۵	۷/۴	۷/۲	۶	۶	۶
۶	نخمرغ	۹/۲	۱۴/۲۵	۱۳/۳	۱۱/۵	۱۰	۷/۸	۷/۶	۶/۳	۶/۴	۶/۴
۷	انواع کره	۰/۸	۱/۲	۱/۱	۰/۹۸	۰/۸۴	۰/۷	۰/۶۴	۰/۵	۰/۵	۰/۵

دو طیف عمده در خانوارهای مناطق شهری است که شامل طیف خانوارهایی است که کمتر از متوسط مصرف کل کشور مصرف می‌نمایند و خانوارهایی که بیشتر از متوسط مصرف کل در سال ۱۳۷۲ مصرف و اسراف نموده‌اند. از خانوارهایی که در طیف اول قرار گرفته‌اند به عنوان خانوارهایی که در دایره فقر واقع شده‌اند، یاد شده است و طیف خانوارهای گروه دوم، دایره اسراف نامگذاری گردیده است. گروه وسط که حدوداً در نوار مصرف متوسط کل جامعه، سطح مصرف مواد غذایی خود را حفظ نموده‌اند به لحاظ تأمین کالری و پروتئین مورد نیاز، گروه

خانوارهاییکه از بهداشت و سلامتی برخوردارند، شناسایی شده‌اند.

بدین ترتیب با توجه به محدود بودن منابع تولید و موانع و مشکلات رشد و تولید از یک سو و ضرورت کاهش مصرف گروه مُسرف و تقویت مصرف خانوارهایی که در دایره فقر قرار دارند از سوی دیگر، به راهبردهای کلان در هم تنیده که بتوانند با جریان فقرزدایی و اسراف‌کاری مقابله نماید، در بخش پایانی به اختصار اشاره شد. استنباط این تحقیق این است که فقر و اسراف دو روی یک سکه و پدیده‌ای چند بعدی است و در بستر برنامه‌ریزی فرهنگی - اقتصادی چند وجهی

قابل مهار و کنترل می‌باشد.

پی‌نوشتها:

۱- شایان ذکر است که آمار مربوط به نتایج بررسی بودجه خانوارها در مناطق شهری که سالیانه توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی منتشر می‌شود خانوارها بر اساس نمونه‌گیری از مناطق شهری سراسر کشور انتخاب و نحوه هزینه از آنان سوال می‌گردد.

۲- شایان ذکر است که بر اساس میانی تئوریهای مصرف در اقتصاد اصولاً نسبت‌های هزینه مصرفی در گروه‌های درآمدی مختلف دارای کشش‌های درآمدی برابری نمی‌باشد. به عبارت دیگر بررسی رفتار مصرف‌کنندگان که در قالب تئوریهای مصرف و اقتصاد کلان انجام شده نشان می‌دهد که مصرف‌کنندگان با افزایش یا کاهش درآمد ترجیحات مصرفی خود را تغییر می‌دهند لذا قاعدتاً سهم هزینه مصرفی برای محصولی همانند نان در گروه درآمدی پایین و گروه درآمدی بالا متفاوت نیز می‌تواند باشد که در این تحقیق به لحاظ تنگنایهای آماری نسبت‌ها ثابت فرض شده است.

۳- متوسط قیمت‌های مواد غذایی با استفاده از اطلاعات مربوط به بودجه خانوار که در گزارش بانک مرکزی به شرح زر محاسبه شده است - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - نشریه روند شماره ۱۷ و ۱۶ سال پنجم بهار و تابستان ۱۳۷۲ - نگاهی به نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری طی سالهای (۷۲ - ۱۳۷۳).

۴- ذکر این نکته ضروری است که به منظور محاسبه متوسط مواد غذایی خانوارها در طبقات هزینه متفاوت از قیمت واحدی استفاده شده است.

۵- نتایج بررسی بودجه خانواده در مناطق شهری ایران در سال ۱۳۷۲ (جدول شماره ۵) - مدیریت کل آمارهای اقتصادی - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۶- خانواده‌های یک نفره در این گزارش مد نظر قرار نگرفته‌اند.

جدول شماره ۷- درصد توزیع خانوار به تفکیک تعداد افراد بر حسب طبقات هزینه ناخالص سالیانه

در سال ۱۳۷۲

شرح	تا ۵/۵ میلیون ریال	۵/۵ تا ۷ میلیون ریال	بیشتر از ۷ میلیون ریال
خانوارهای ۲ نفری	۷۴/۵	۷/۵	۱۸
خانوارهای ۳ نفری	۶۰/۸	۱۵	۲۴/۲
خانوارهای ۴ نفری	۵۴/۳	۱۳	۳۲/۷
خانوارهای ۵ نفری	۵۱/۵	۱۳/۷	۳۴/۸
خانوارهای ۶ نفری	۵۲/۱	۱۲/۳	۳۵/۶
خانوارهای ۷ نفری	۴۷/۵	۱۵	۳۷/۵
خانوارهای ۸ نفری	۵۸/۴	۱۲/۱	۲۹/۵
خانوارهای ۹ نفری	۵۱/۳	۱۵/۶	۳۳/۱
خانوارهای ۱۰ نفری و بیشتر	۵۰/۸	۱۴/۲	۳۵

مأخذ: نتایج بررسی بودجه خانوارها در مناطق شهری سال ۱۳۷۲ مدیریت کل آمارهای اقتصادی - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

جدول شماره ۸- نحوه فراوانی خانوارهای مناطق شهری به تفکیک وسعت خانوارها در سال ۱۳۷۲

شرح	خانوارهای ۲ نفری	خانوارهای ۳ نفری	خانوارهای ۴ نفری	خانوارهای ۵ نفری	خانوارهای ۶ نفری	خانوارهای ۷ نفری	خانوارهای ۸ نفری	خانوارهای ۹ نفری	خانوارهای ۱۰ نفری و بیشتر
درصد	۹/۹	۱۳/۱	۱۷/۹	۱۸/۲	۱۴/۹	۹/۵	۵/۶	۳/۵	۳/۳

مأخذ: نتایج بررسی بودجه خانوارها در مناطق شهری سال ۱۳۷۲ مدیریت کل آمارهای اقتصادی - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

جدول شماره ۹- درصد توزیع خانوارها به تفکیک طبقات هزینه سالیانه در سال ۱۳۷۲

شرح	تا ۵/۵ میلیون ریال	۵/۵ تا ۷ میلیون ریال	بیشتر از ۷ میلیون ریال
خانوارهای ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰ و بیشتر	۵۳/۵	۱۲/۵	۳۰

مأخذ: ارقام جدول فوق بر اساس سرب ماتریسی جدول شماره ۷ و ۸ محاسبه شده است.



سیاستهای اقتصادی که طرف تقاضای کل را در مناطق روستایی تحت تاثیر قرار می‌دهند، قادر به ایجاد رشد اقتصادی قابل ملاحظه نخواهند بود. آنچه که امکان رشد را در مناطق روستایی افزایش می‌دهد، شامل سیاستهایی است که طرف عرضه کل مناطق روستایی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از میان آنها می‌توان به افزایش بهره‌وری نیروی کار از طریق ارائه آموزشهای کاربردی، تحقیق و بررسی در زمینه بهبود سطح فن‌آوری مناسب مناطق روستایی، تحقیق و بررسی در زمینه انتخاب بذر و نژادهایی که بازده فعالیت‌های تولیدی را افزایش دهد و غیره اشاره کرد.

اثر سیاست مالی دولت بر رشد اقتصادی روستاها

عزت ... عباسیان

■ مقدمه

بر اساس نظریه ضریب فزاینده، هرگاه، یکی از اجزای تشکیل دهنده تقاضای کل تولید، به طور مستقل تغییر یابد، اثر آن بر درآمد ملی به طور ضریبی منعکس می‌شود. به عبارت دیگر، هر تغییری در مخارج مستقل تقاضای کل، تغییری بیشتر را در سطح درآمد ملی ایجاد می‌کند، زیرا اگر فرض کنیم که در جامعه‌ای میل نهایی به مصرف (MPC) برابر با $0/8$ باشد، این بدان معنی است که، هرگاه درآمد ملی به علت افزایش در سرمایه‌گذاری به میزان 100 ریال افزایش یابد، مصرف القایی به مقدار 80 ریال افزایش خواهد یافت. $MPC = b$ و

$$c = a + by \Rightarrow \Delta c = b \cdot \Delta y$$

$$\Rightarrow 0/8 (100) = 80$$

که این مقدار افزایش از درآمد، به مصرف اختصاص یافته است و بقیه آن، پس انداز شده است. آن قسمت از درآمد، که به مصرف اختصاص می‌یابد (80 ریال)، برای افراد دیگری در جامعه که عرضه‌کننده کالاهای مصرفی هستند، به صورت افزایش درآمد، ظاهر می‌شود که این اثر ثانوی ناشی از افزایش سرمایه‌گذاری می‌باشد و این گروه نیز، معادل 80 درصد این افزایش درآمد را خرج می‌کنند، که این مقدار

(64 ریال $= 80 \times 0/8$) نیز، به صورت درآمد، توسط گروه سوم دریافت می‌شود. یعنی، مصرف القایی گروه دوم، درآمد گروه سوم را تشکیل می‌دهد و مصرف گروه سوم نیز، درآمد گروه چهارم می‌شود و الی آخر.

بنابراین، ملاحظه می‌شود که از افزایش اولیه سرمایه‌گذاری مستقل، اثرات ثانوی به صورت افزایش القایی در مخارج مصرفی به وجود می‌آید. این مخارج تا جایی که درآمد اضافی به دست می‌آید و برای گروه آخر به صفر نزدیک شود، ادامه می‌یابد. اثرات ثانوی ناشی از افزایش مخارج مستقل، کلید جریان ضریب افزایش است، زیرا در صورت عدم تغییرات ثانوی در مخارج، اثر افزایش اولیه در مخارج مستقل بر سطح درآمد ملی به میزان تغییر اولیه در این مخارج است.

در سطح ملی، ضریب فزاینده در شکل ساده آن به صورت زیر خواهد بود.

$$K = \frac{\Delta Y}{\Delta G} = \frac{\Delta Y}{\Delta I} = \frac{1}{1-b}$$

که در آن Δy تغییر در درآمد ملی، ΔI تغییر در سرمایه‌گذاری مستقل، ΔG تغییر در مخارج دولت و b میل نهایی به مصرف است. بدین ترتیب، ضریب فزاینده، نشان دهنده قدرت و

توانایی مخارج مستقل در افزایش درآمد ملی است.

■ ضریب فزاینده مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری

مطالعات انجام شده در خصوص تابع مصرف مناطق روستایی و شهری، بیانگر آن است که، میل نهایی به مصرف در مناطق روستایی 71 درصد، و میل نهایی به مصرف در مناطق شهری ایران، برابر 72 درصد است.⁽¹⁾

برآورد مذکور، بر اساس درآمد قابل تصرف مناطق شهری و روستایی انجام گرفته است، در این صورت، با فرض این که تمام کالاهای مورد نیاز خانوار شهری و روستایی در همان مناطق قابل خریداری و تهیه باشد، ضریب تکاثر مناطق روستایی کمتر از مناطق شهری خواهد بود. زیرا:

$$K = \frac{\Delta VR}{\Delta A} = \frac{1}{1-\beta_0(1-t')} = \frac{1}{1-0/712} = 3/48$$

$$K = \frac{\Delta VU}{\Delta A} = \frac{1}{1-\beta_1(1-t)} = \frac{1}{1-0/722} = 3/60$$

که در آن VR و VII به ترتیب، درآمد قابل تصرف مناطق روستایی و شهری است و A نیز مخارج مستقل می باشد.

ولی آمار و اطلاعات نشان می دهد که بیشتر کالاهای مورد نیاز خانوار روستایی خصوصاً، کالاهای غیر خوراکی، از مناطق شهری قابل ایتباع است. به گونه ای که با افزایش درآمد یک خانوار در مناطق روستایی و افزایش مصرف آن، تقاضایی برای خانوار روستایی دیگر ایجاد نمی شود. زیرا، در اغلب روستاها تمام خانوارها عرضه کننده کالاهایی همگن هستند که در این صورت، امکان مبادله بین خانوارهای مناطق روستایی را منتفی می سازد.

با نگاهی به جدول شماره (۱)، ملاحظه می شود که اغلب کالاهای غیر خوراکی خانوارهای روستایی اعم از پوشاک و کفش، سوخت و روشنایی، بهداشت و درمان، حمل و نقل، هزینه های تحصیلی، تفریحات و سرگرمیها، مبلمان و اثاثیه منزل، هزینه های منزل مسکونی و ... از مناطق شهری تهیه می شود که تقریباً، بیش از ۷۰ درصد هزینه های خانوار روستایی را شامل می شود.

از طرف دیگر خانوارهای شهری تنها قسمتی از نیازمندی خود را که غالباً کالاهای خوراکی است، از مناطق روستایی تهیه می کنند. در این صورت، انتظار می رود؛ ضریب فزاینده مخارج مستقل در مناطق روستایی به مراتب کمتر از آنچه که قبلاً محاسبه شده می باشد و در مقابل، ضریب فزاینده مخارج مستقل در مناطق شهری بیشتر از مقدار محاسبه شده قبلی است، زیرا افزایش مخارج مستقل در مناطق روستایی ممکن است، به اندازه همان مخارج انجام شده برای خانوارهای روستایی، درآمد فراهم کند. ولی، مخارج خانوارهای دریافت کننده درآمد، برای روستاییان دیگر درآمد قابل ملاحظه ای را به وجود نمی آورد و اغلب مخارج مذکور منجر به افزایش درآمد خانوارهای شهری خواهد شد.

البته، در صورت وجود عرضه کنندگان و واحدهای تولیدی متعدد عرضه کننده کالاهای غیر همگن در مناطق روستایی این امکان به وجود می آید که درآمدهای به دست آمده خانوارهای روستایی، دیرتر از روستا خارج شود و شرایط گردش درآمد در روستا فراهم شود.

پراکندگی روستاها در کل کشور، عامل دیگری است که اثر تکاثری مخارج مستقل را در مناطق روستایی کشور کاهش می دهد، به گونه ای که اگر امکان تولید کالاهای مورد نیاز یک روستا در روستای دیگر وجود داشته باشد، به دلیل پراکندگی امکان مبادله بین آنها فراهم نمی شود. بلکه مناطق شهری، همانند گذشته محل ارتباط بین روستاییان مختلف می باشد. نوع کالاهای عرضه کنندگان روستایی و شهری نیز به گونه ای است که تأثیر کاهنده بر ضریب فزاینده مناطق روستایی دارد. اغلب کالاهایی که خانوارهای روستایی عرضه می کنند، شامل کالاهای خوراکی است، که از لحاظ درآمدی کشش بسیار کمی دارد. پایین بودن کشش درآمدی کالاهای عرضه شده روستاییان به شهروندان، ضریب فزاینده مناطق شهری را انچنان کاهش نمی دهد. ولی در مقابل کالاهای عرضه شده، خانوارهای شهری به روستاییان اغلب شامل کالاهای غیر خوراکی است که از لحاظ درآمدی دارای کشش بیشتری

نسبت به کالاهای خوراکی می باشند، که در این صورت، با افزایش درآمد خانوارهای روستایی تمایلشان به خرید از مناطق شهری به نسبت افزایش خواهد یافت و افزایش تمایل مذکور، موجب کاهش شدیدتر ضریب فزاینده مخارج مستقل در مناطق روستایی خواهد شد.^(۲)

به منظور آزمون این فرضیه که مخارج مستقل، به دلیل پایین بودن ضریب فزاینده مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری تأثیر چندانی در رشد اقتصادی مناطق روستایی نداشته، بلکه رشد بیشتر را در مناطق شهری فراهم می کند و به شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی می افزاید، برآورد زیر انجام می شود.

برآورد ضریب فزاینده مخارج دولتی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی و سایر بخشهای اقتصادی؛ به منظور نشان دادن ضریب فزاینده مناطق شهری و روستایی از متغیر ارزش افزوده بخش کشاورزی به عنوان متغیر جانشین درآمد

جدول شماره (۱): متوسط انواع هزینه های غیر خوراکی، خوراکی و دخانی یک خانوار شهری و روستایی در هر یک از گروههای هزینه سالانه در سال ۱۳۷۳

روستایی	شهری	اقلام هزینه ها
۱۹۷۱۷۴۸	۴۱۹۹۲۵۳	غیر خوراکی: (جمع)
۴۹۵۵۷۹	۵۹۰۲۳۵	پوشاک و کفش
۵۶۸۶۰۸	۲۰۴۴۰۳۱	مسکن
۲۸۴۴۰۶	۴۲۴۴۰	لوازم، اثاثیه، ملزومات و خدمات خانوار
۱۸۴۲۲۴	۳۳۳۶۲۶	بهداشت و درمان
۱۹۵۰۰۵	۴۲۰۸۴۱	حمل و نقل و ارتباطات
۷۶۶۳۹	۱۸۵۸۷۲	تفریحات، سرگرمیها و خدمات فرهنگی
۱۶۷۲۸۷	۲۰۰۱۸۸	کالاهای و خدمات متفرقه خانوار
۱۹۱۸۳۷۷	۲۰۴۲۳۰۷	خوراکی و دخانی: (جمع)
۴۹۸۶۲۰	۴۲۸۹۳۳	آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده های آن
۳۸۶۷۲۰	۴۸۰۰۸۱	گوشت
۲۱۷۵۷۹	۲۱۹۸۹۷	شیر و فرآورده های آن و تخم پرندگان
۱۵۵۷۵۶	۱۴۰۹۱۸	روغن ها و چربیها
۲۱۵۱۳۵	۲۸۷۹۵۲	میوه ها و سبزیها
۷۶۹۸۲	۸۸۹۴۵	خشکبار و حبوبات
۳۳۲۰۷۲	۲۰۶۴۵۹	قند و شکر و شیرینیها، چای، قهوه و کاکائو
۲۹۶۸۰	۳۹۱۹۷	ادویهها، جاشنیها و سایر ترکیبات خوراکی
۱۰۵۸۳۳	۱۵۰۸۲۵	نوشابه ها، غذاهای آماده و دخانیات

مآخذ: مرکز آمار ایران، خامنه ای، بررسیهای آماری از هزینه و درآمد خانوار شهری و روستایی، تهران، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۳

مناطق روستایی، و از ارزش افزوده سایر فعالیتهای اقتصادی به عنوان درآمد مناطق شهری استفاده نموده‌ایم؛ سپس، هر یک از متغیرهای مذکور را تابعی از مخارج دولت، به عنوان یکی از متغیرهای مخارج مستقل طرف تقاضا، در نظر گرفته و معادلات مذکور با استفاده از مشاهدات آماری مربوط به سالهای ۱۳۷۳-۱۳۳۸ (شمسی) به صورت زیر برآورد شده است:

$$VA = 917/8 + 0/68 G \quad R^2 = 0/84$$

$$F = 174 \quad (4/4) \quad (4/7) \quad (1)$$

$$(GDP - VA) = 2322/4 + 3/75 G$$

$$(1) \quad (5/7) \quad (13/2)$$

$$R^2 = 0/84$$

$$F = 174$$

که در معاملات فوق، VA نشان دهنده ارزش افزوده بخش کشاورزی، GDP تولید ناخالص داخلی و G مخارج دولتی می‌باشد.^(۳) برآوردهای مذکور، نشان می‌دهد که مخارج دولتی تأثیر بسیار ناچیزی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی دارد، ولی در مقابل، بر ارزش افزوده سایر بخشها، تأثیر قابل ملاحظه گذاشته است. به عبارت دیگر، سیاست مالی انبساطی دولت، موجب افزایش شکاف درآمدی بین مناطق روستایی و شهری می‌شود.

بدین ترتیب، سیاستهایی که موجب افزایش تقاضای کل در جامعه می‌شود (اعم از سیاست پولی و مالی)، رشد اقتصادی را در روستاها فراهم نمی‌کند. زیرا، فعالیتهای اقتصادی در روستا (کشاورزی) به دلیل قرار گرفتن در شرایط نزدیک به بازار رقابت، در اشتغال کامل به سر می‌برند. در این صورت، به منظور فراهم نمودن رشد اقتصادی در مناطق روستایی، باید سیاستهایی که سطح اشتغال کامل را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به کار گرفت. در زمره آنها، می‌توان به افزایش و بهبود سطح فن‌آوری و آموزش نیروی انسانی و افزایش بهره‌وری عوامل اشاره کرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پیشنهادها و نتایج به دست آمده از این تحقیق را، می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

ر. صورت وجود عرضه کنندگان و واحدهای تولیدی متعدد عرضه کننده کالاهای غیر همگن در مناطق روستایی این امکان به وجود می‌آید که درآمدهای به دست آمده خانوارهای روستایی، دیرتر از روستا خارج شود و شرایط گردش درآمد در روستا فراهم شود.

۱- به منظور به گردش انداختن پول در مناطق روستایی و افزایش ضریب فزاینده، ضروری است، صنایع کوچک مکمل و ناگسسته از فعالیت کشاورزی را گسترش داد و در تولید محصولات کشاورزی مناطق روستایی تنوع ایجاد نمود. کشت محوری در روستا و تک محصولی نمودن آن، ضریب فزاینده مناطق روستایی را کاهش می‌دهد.^(۴)

۲- به منظور هدایت یا گردش و به جریان انداختن درآمدها در مناطق روستایی، لازم است، به تدریج کالاهایی که از لحاظ درآمدی دارای کشش بیشتری هستند، جایگزین کالاهای کم کشش از لحاظ درآمدی شوند. در صورتی که مناطق روستایی کالاهایی با کشش درآمدی بالاتر را تولید کنند، در آن صورت، انتظار می‌رود که با افزایش درآمد در مناطق شهری، سهم بیشتری از درآمد، صرف خرید کالاهای روستایی شود و رشد درآمدها به مناطق روستایی انتقال یابد.

۳- متمرکز کردن روستاها و جلوگیری از پراکندگیها، امکان عرضه خدمات و کالاهای مناطق مذکور را فراهم می‌کند که در این صورت، انتظار می‌رود ضریب فزاینده افزایش یابد.

۴- به منظور جبران فرار سرمایه از مناطق شهری، لازم است، بانکهای تجاری در صدی از سپرده‌های خود را به طور قانونی در اختیار بانک کشاورزی یا فعالیتهای روستایی قرار دهند، تا از عقب‌ماندگی مناطق روستایی جلوگیری به عمل آید.

۵- سیاستهای اقتصادی که طرف تقاضای کل را در مناطق روستایی تحت تأثیر قرار می‌دهند، قادر به ایجاد رشد اقتصادی قابل ملاحظه نخواهند بود. آنچه که امکان رشد را در مناطق روستایی افزایش می‌دهد، شامل سیاستهایی است که طرف عرضه کل مناطق روستایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از میان آنها می‌توان به افزایش بهره‌وری نیروی کار از طریق ارائه آموزشهای کاربردی، تحقیق و بررسی در

زمینه بهبود سطح فن‌آوری مناسب مناطق روستایی، تحقیق و بررسی در زمینه انتخاب بذر و نژادهایی که بازده فعالیتهای تولیدی را افزایش دهد و غیره اشاره کرد.

پی‌نوشتها:

۱- وهابی (۱۳۷۰) ص ۱۴۳

۲- مهرگان (۱۳۷۴)

۳- در معامله مذکور، G مخارج کل دولت است که مبین سیاست مالی دولت در اقتصاد می‌باشد که ضریب آن (۰/۶۸) اثر سیاست مالی دولت را بر روی کشاورزی که مهمترین فعالیت مناطق روستایی است، نشان می‌دهد. در معامله مذکور، R² ضریب تعیین می‌باشد که نشان می‌دهد، جزء دترمینستیک ۸۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد و آماره F نشان می‌دهد که رگرسیون در کلیت خود از معنی‌داری لازم برخوردار است و آماره t نیز، بیانگر دور از صفر بودن پارامترهای برآورد شده می‌باشد. برای این معادله، آزمون D.W برای خود همبستگی، آزمون رمزی برای تصریح مدل، آزمون گلیجر برای واریانس ناهمسانی انجام شد و برای اینکه در این مقاله وارد موارد تکنیکی نشویم، از بیان توضیح آنها صرف‌نظر شده است. و مسائل مطرح شده در فوق، برای معادله شماره ۲ نیز که به صورت زیر می‌باشد، قابل طرح است.

$$(GDP - VA) = 2322/4 + 3/75 G$$

$$(1) \quad (5/7) \quad (13/2)$$

$$R^2 = 0/84$$

$$F = 174$$

۴- همان طور که در متن مقاله نیز عنوان شده است، اگر خانوارهای روستایی، در مناطق روستایی عرضه کننده یک کالای همگن باشند، در آن صورت خرج کردن یک خانوار روستایی برای خانوار روستایی دیگر ایجاد درآمد نمی‌کند. زیرا، آنها به دلیل عرضه کردن کالاهای مشابه، با بقیه در صفحه



تنها با تعلیم و تربیت می‌توان آدم شد
و آدمی چیزی جز آنچه تربیت از او می‌سازد، نیست.

«امانوئل کانت»^(۱)

مراقبت‌های آموزشی - ترویجی ویژه

گامی اساسی در فقرزدایی روستا

● مهندس محمدرضا عباسی

خویشتن»^(۱) زایل خواهد شد و اعتماد به نفس آنان تضعیف و دچار خسران می‌گردد. از این رو، در هنگام حضور در اجتماع، احساس غربت و سرشکستگی می‌نمایند و احساس خودناباوری در آنان بروز خواهد کرد. بدیهی است، در چنین وضعیتی فرد از فعالیتهای جمعی و گروهی گریزان خواهد شد.

این در حالی است که آموزش افراد مزبور که نیازمند مراقبت‌های آموزشی ویژه‌ای هستند، با روش‌های سنتی و سبک‌های یادگیری^(۱۱) صرفاً گروهی، بسیار مشکل است و حتی موجب می‌شود، در برخی موارد این ناتوانیها و نارساییها به گونه‌ای مضاعف در نزد آنان جلوه‌گر شود.

آموزش افراد معلول و ناتوان و نیز آنهایی که از دشواریهای محیطی، اقتصادی و فرهنگی رنج می‌برند، به ویژه در آموزش‌های حرفه‌ای و شغلی - از جمله آموزش و ترویج کشاورزی - مشکل‌تر و جنبه‌ی حادثتری به خود می‌گیرد. به همین دلیل، غالباً در کشورهای در حال توسعه به علت عدم توانایی و تخصص کافی در نزد برنامه‌ریزان و عوامل اجرایی، افراد مزبور از فهرست یادگیرندگان و بهره‌برداران برنامه‌های آموزش و ترویج کشاورزی، حذف شده‌اند.

اینک زمان آن رسیده است که این شهروندان

در راستای توسعه تعلیم و تربیت و اعطای این حق اجتماعی و همگانی، در دهه‌های اخیر، کشورهای توسعه یافته، راه کارهای گوناگونی برای آموزش این‌گونه افراد اتخاذ کرده‌اند. برخی از این راه کارها عبارتند از: تعدیل و سازگار ساختن محیط آموزشی، طراحی آموزشی خاص، طراحی و به کارگیری تجهیزات، مواد و رسانه‌های آموزشی ویژه که عموماً متفاوت از منابعی هستند که برای یادگیرندگان عادی استفاده می‌شود.

یادگیرندگانی که دچار برخی ناتوانیها، معلولیتها و عقب ماندگیها هستند، در واقع افرادی می‌باشند که در فرایند آموزش - یادگیری^(۸)، نیاز به مراقبتها و حمایت‌های خاص دارند. چنانچه این مراقبت‌های ویژه، از سوی نظام تعلیم و تربیت نادیده انگاشته شود، افراد مزبور، از فرصت‌های آموزشی^(۹) که یکی از مواهب اجتماعی و از حقوق حقه هر شهروند است، محروم می‌گردند.

از سوی دیگر، عدم توجه به نیازهای خاص این افراد موجب می‌شود که آنان صرفاً به دلیل ناتوانیها و دشواریهایی که دارند، عقب نگه داشته شوند. در نتیجه این افراد به علت فقر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی یا شخصیتی در جامعه انگشت نما می‌شوند و تحت تأثیر این روی کرد، مداوماً با احساس جدایی از جامعه خو می‌گیرند. با ایجاد چنین دیواری بین آنان و جامعه، «مفهوم -

■ مقدمه

درباره تعلیم و تربیت^(۲) و آثار مترتب بر آن، از دیرباز، سخن فراوان گفته‌اند. جمله صاحب‌نظران انفاق نظر دارند که تعلیم و تربیت یگانه راه تحقق توسعه واقعی انسان و به تبع آن، تنها منشاء اساسی برای رسیدن جوامع به کمال مطلوب است.^(۳) این در حالی است که اعلامیه حقوق بشر در دسامبر ۱۹۴۸، تصریح کرده است که: «همگان حق تعلیم و تربیت دارند ... و تعلیمات فنی^(۴) نیز باید به طور کلی در دسترس همگان قرار گیرد.» از نگاهی دیگر، اهمیت تعلیم و تربیت در آن است که مرتب و مترقی و نیز جامعه آنان، درک صحیحی از زندگی پیدا می‌کنند و به ارتقای کیفی منش و اندیشه متعالی دست می‌یازند. اگر کارکردهای تعلیم و تربیت ناعفهوم و ناکافی باشد، جریان رشد فرد و جامعه یا به بی‌راهه می‌رود یا متوقف می‌شود.^(۵)

با این وجود، مروری بر سر تا سر تاریخ تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که همواره یادگیرندگانی وجود داشته‌اند - دارند - که به دلیل وجود برخی ناتوانیها و دشواریهایی که دارند، برای آموختن و استفاده از منابع گوناگون آموزشی^(۶) دچار مشکلات عدیده‌ای بوده‌اند. این موانع و محدودیتها ریشه در برخی مشکلات و نارساییهای محیطی، اجتماعی، فرهنگی و شخصی دارند^(۷)

نیازمند از طریق آموزشهای شغلی (که بخش عمده این آموزشها در نظام آموزش کشاورزی به عهده ترویج گذاشته شده است) به حقوق اساسی اجتماعی خود نایل گردند.

■ ضرورت

بلوم اندیشمند و روانشناس معروف آمریکایی، درباره توانایی آموزش و یادگیری میگوید: «آنچه که یک فرد می تواند در جهان بیاموزد، همه مردم دنیا در صورتی که شرایط قبلی در جای مناسب برایشان فراهم شود، نیز می توانند بیاموزند.»^(۱۲) برای این اساس، صرفاً به لحاظ آن که فردی دچار یک معلولیت یا نارسایی است، نمی توان به صورت قطعی بیان کرد که وی برای اموختن و یادگیری آمادگی و شرایط لازم را ندارد، بلکه باید شرایط مناسب را برای وی فراهم ساخت. در این صورت، افراد مزبور همانند سایر افراد عادی به خوبی می آموزند و یاد می گیرند.

افراد معلول، عقب مانده یا ناتوان را نباید غیر کارآمد پنداشت. زیرا، آنان از عهده کارهای متناسب با توان خویش به خوبی برمی آیند. یک تحقیق در مورد پانصد ۵۰۰ کارگر معلول نشان داده است که، معلولین نه تنها در زمینه انجام وظایف شغلی قادر به رقابت با همکاران سالم خود هستند، بلکه می توانند از آنان پیشی گیرند. از نظر قابلیت اعتماد، ۹۶ درصد کارگران معلول، توانایی متوسط و بیشتری در زمینه کارایی داشته اند. ۹۳ درصد از نظر کار در حد متوسط یا بیشتر بوده و ۷۹ درصد نیز، از نظر حضور و غیاب در حد متوسط یا بالاتر بوده اند.^(۱۳)

از دیدگاه دیگر، خانواده هنگامی یک واحد اجتماعی مطلوب، موفق و پویا محسوب خواهد شد، که افراد ناتوان آن خانواده نیز، در حد معقول در کایه فعالیتهای خانواده عضویت مؤثر داشته باشند. در این صورت، شخص، احساس بیهودگی نخواهد کرد و خود را سربار خانواده اش نمی داند. این در حالی است که در غیر این صورت، افراد مزبور به خانواده هایشان شدیداً وابسته خواهند شد. همچنین مشکلات متعددی برای خود و آنان ایجاد می کنند و کربانها و انگیزه هایشان کم رنگ می زایل و اجتماعا منفی می شود.

هرگونه معلولیت و نارسایی در زندگی، موجب می شود فرد از خوشبختی تحویبری منفی بسازد.

این امر: بر عملکرد و کارآمدی او نیز تأثیر خواهد گذاشت و بر استقلال فردی، احترام شخصی و روابط اجتماعی وی تأثیر فراوان دارد.^(۱۴)

بر اساس یافته های پژوهشی، عموماً افراد معلول و ناتوان در خود احساس حقارت می کنند و نوعی ترس همراه با خصومت در آنان شکل می گیرد. اصولاً، هرگونه تغییر غیر طبیعی در وضعیت بدنی، مخاطرات زیادی برای افراد مبتلا فراهم می کند. به خصوص، در آنان احساس ناکامی در زندگی پدید می آید و همواره ناسازگاری، گوشه گیری، کمرویی، احساس حقارت، حساسیت زیاد، پرخاشگری، اضطراب، هیجانات و ... در آنان به وضوح دیده می شود. یک نکته مهم دیگر آن است، که در صورت بروز نقصهای بدنی و ذهنی و نیز نارسائیهای گوناگون در فرد، دامنه فعالیت های شغلی و اجتماعی وی محدود خواهد شد و بر کارآمدی حرفه و شغل او نیز، تأثیر فراوان می گذارد.

بر پایه گزارش یونسکو، جوانان روستایی بزرگترین گروه سنی جهان را تشکیل می دهند. اما متأسفانه، از نظر اجتماعی موقعیت و مقام آنان مبهم است. این در حالی است که در کشورهای در حال توسعه، از جنبه اقتصاد کشاورزی، جوانان روستایی طبقه مهم و کارآمدی هستند. (در مقایسه با جوانان شهری که غالباً مصرف کننده می باشند.)^(۱۵)

با توجه به مطالب ذکر شده. این سؤال مطرح می شود که آموزش و ترویج کشاورزی برای افراد روستایی که دچار برخی ناتوانیها شده اند (جدای از توسعه مطلوبیتهای فردی)، چه اندازه مهم و ضروری است؟

پاسخ به این پرسش، به ویژه برای جامعه ای مانند ایران، که در فرایند صنعتی شدن به سر می برد، بسیار اساسی است. زیرا در این فرایند، همه افراد جامعه باید از مواهب اجتماعی (همانند بهره برداری از خدمات آموزشی) برخوردار باشند تا بتوانند در جریان توسعه، نقشی را از نقشهای مؤثر ایفا کنند و در مشارکت همگانی برای نیل به قلّه رفیع اهداف ملی، سهم خود را بپردازند.

بدیهی است، اشتغال در حرف مختلف کشاورزی، در صورتی مطلوب، مؤثر و کارآمد خواهد بود که فرد شاغل توانائیهای لازم را برای انجام وظایف خویش داشته باشد. اگر چه در

کشاورزی برخی مشاغل به افراد کاملاً مستعد یا برخوردار از سلامتی کامل نیاز دارد، ولی برخی مشاغل هم وجود دارد که افراد کم استعداد یا دارای برخی ناتوانیها، می توانند در آن مشاغل به نحوی موفقیت آمیز انجام وظیفه کنند.

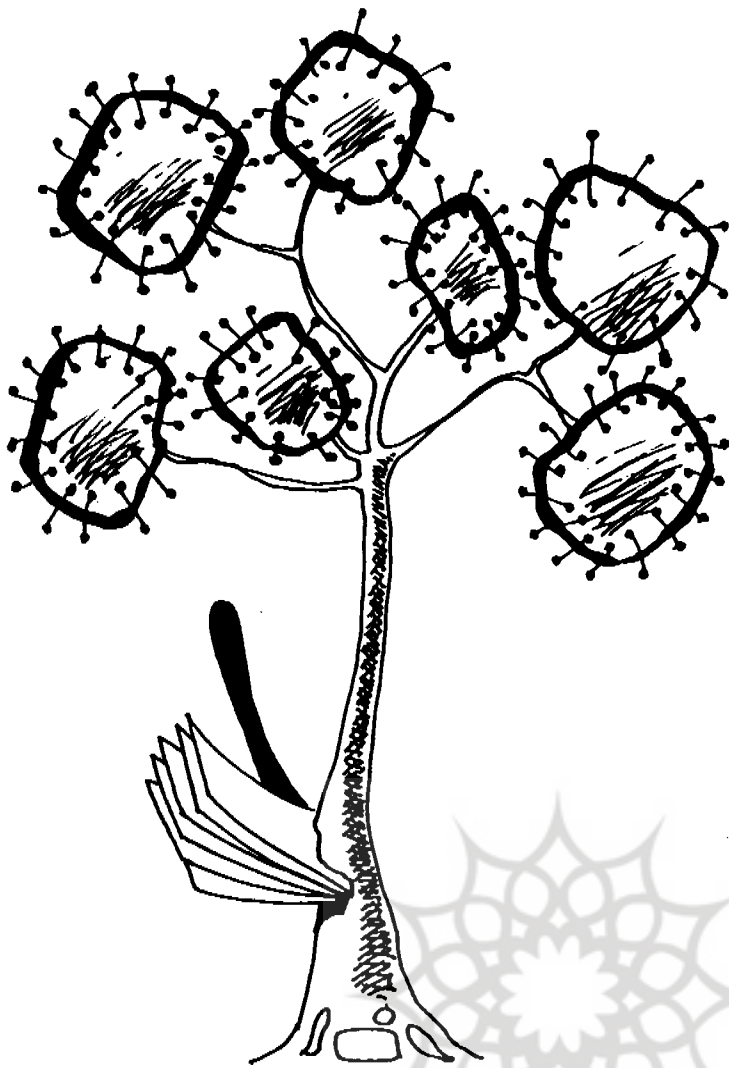
به این ترتیب، افراد معلول، عقب مانده و ناتوان مشروط به آن که «آموزش پذیر» باشند، می توانند منشأ خدمات ارزنده ای برای جامعه خویش واقع شوند. بدیهی است یک شرط اساسی تحقق این امر، صرفاً آن است که این گونه افراد، از آموزشهای مناسب برخوردار شوند. بر این باور، ایجاد و تأمین فرصتهای آموزشی ویژه برای افراد مزبور (همانند مردم عادی) یک ضرورت اجتناب ناپذیر است.

از آنجا که بخش اعظم آموزش غیر رسمی کشاورزی برای شاغلین حرف و مشاغل گوناگون کشاورزی در غالب کشورها و نیز ایران، توسط نظام ترویج طرح ریزی و اجرا می شود؛ بنابراین، بر نظام ترویج کشاورزی کشور است، که برای تحقق عدالت اجتماعی برای روستاییانی که گرچه، به دلیل برخی ناتوانیهای جسمی و روانی و نارسائیهای اجتماعی، مشکلات و موانعی بر سر راه توسعه خود و جامعه دارند، خدمات آموزشی - ترویجی ویژه ای فراهم سازد تا این قشر از مردم روستا، که به نوعی واژه استضعاف و فقر بر آنها مترتب است، به رشد و کمال مطلوب فردی و اجتماعی دست یابند. این در حالی است، که اگر مسوولان، برنامه ریزان و عوامل ترویج در روستا، دست به دست هم دهند و موفق شوند، برای این افراد برنامه های آموزشی ویژه ای تدوین کنند، به طوری که نیازهای خاص آنان برای تکامل و توسعه مرتفع شود، در این صورت، ترویج کشاورزی، در تحقق عدالت اجتماعی و فقرزدایی روستا، گامی اساسی برداشته است.

■ ناتوانیها و دشواریها

چه کسانی دارای نیازهای خاصی^(۱۶) هستند، که ضروری است، مراقبتهای آموزشی - ترویجی ویژه به منظور برآورده ساختن آن نیازها، تدارک دیده شود؟

نشانه های بارزی وجود دارد، که بعضی از افراد هر جامعه و از جمله کشاورزان و روستاییان دچار کمبودها و یا نقصهایی هستند، که موجب شده است، از سلامتی کامل برخوردار نباشند.



عقب‌ماندگی ذهنی، نابینایی، ناشنوایی، معلولیت‌های جسمی، فقر شدید اقتصادی و ... از جمله ناتوانیها و دشواریهایی هستند که عموماً ناشی از چهار عامل محیطی، اجتماعی، فرهنگی یا شخصی می‌باشند. افراد مبتلا، برای غلبه بر این مشکلات، نیازهای خاصی دارند که باید در برنامه‌های آموزشی - ترویجی جداً مورد نظر قرار گیرند و خدمات و مراقبت‌های ویژه‌ای به آنان ارائه شود.

در این راستا، عوامل ترویج می‌باید فرصت و دقت لازم و کافی را مهیا سازند تا این افراد را برای اشتغال، در حرف و مشاغل کشاورزی آماده سازند و نیز افراد مشاغل را در جهت توسعه و تقویت دانش و مهارت‌های شغلی حمایت کنند.

جای خوشبختی است که افراد مبتلا به این گونه ناتوانیها و دشواریها، غالباً هم برای افراد جامعه روستا و هم برای عوامل ترویج (مستقر) در روستا عموماً آشنا و شناخته شده هستند. زیرا، طبیعتاً روستا محیطی کوچک و کم جمعیت است. بنابراین، ارتباطات انسانی تقویت یافته و شناخت افراد از یکدیگر میسر و امکانپذیر است. در هر صورت، عوامل ترویج وظیفه دارند. به این افراد توجه خاص مبذول نمایند و آنها را تحت مراقبت‌های آموزشی - ترویجی ویژه قرار دهند تا نیازهای خاص آنان مرتفع شود.

به طور کلی روستاییان که نیاز به مراقبت‌های آموزشی - ترویجی ویژه دارند، کسانی هستند که در فرایند آموزش - یادگیری موانع عمده‌ای بر سر راه خود دارند. از این رو لازم است تدریس - یادگیری و خدمات ترویجی ویژه منطبق با نیازهای خاص آنان اتخاذ شود. این افراد به یک یا چند مورد از موارد زیر مبتلا هستند:

۱- ناتوانیها، شامل:

- الف- نقص شنوایی
- ب- نقص بینایی
- ج- نقص گویایی
- د- عقب‌ماندگی ذهنی (معلولیت‌های ذهنی)
- ه- نقص عضو (معلولیت‌های جسمی)
- و- سایر نقصهایی که سلامتی فرد را به مخاطرد انداخته است.
- ز- شفتگیهای روحی (اضطراب، هیجان و ...)
- ح- ناتوانیهای خاص یادگیری

ط- ترکیبی از -قصه‌های متفاوت (چند ناتوانی)^(۱۷)

۲- دشواریها شامل:

- الف- دشواریهای اقتصادی (درآمد خانواده بسیار کم و حتی زیر خط فقر است)
- ب- دشواریهای تحصیلی (کم سواد، بی سواد، فاقد بودن مهارت‌های سواد و ...)
- ج- دشواریهای کوشی و بیانی (افرادی که زبان ملی کشور، زبان مادری آنها نیست و نمی‌توانند، فارسی را خوب صحبت کنند).

■ مراقبت‌های آموزشی - ترویجی ویژه

مراقبت‌های آموزشی - ترویجی ویژه، خدماتی آموزشی و حمایتی هستند که بعد از شناسایی افراد نیازمند، به آنها ارائه می‌شود. در این رهیافت، ارائه آموزش از دو جنبه زیر، برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود:

- ۱- نیازهای آموزشی فرد (برای تقویت و جبران کمبودهای آموزشی)
- ۲- نیازهای خاص فرد (با توجه به نیازهای ناشی

از ناتوانیها و یا دشواریهایی که دارد) بنابراین، در مراقبت‌های آموزشی - ترویجی ویژه، علاوه بر توانمندیها، دانش، مهارت، تجارب و علایق نیازهای خاص فرد نیز، از محورهای اساسی برنامه‌ریزی به شمار می‌آید. هنگامی که افراد با نیازهای خاص شناسایی شدند و مشخص گردید که قادر هستند از آموزش و ترویج کشاورزی بهره‌مند شوند (آموزش‌پذیر هستند). چه خدماتی برای آنان باید تدارک دیده شود؟ چه برنامه‌ای و با چه روش و محتوایی تدوین گردد؟

در پاسخ به این گونه پرسشها، می‌توان گفت: عموماً در فرایند برنامه‌ریزی مراقبت‌های آموزشی - ترویجی ویژه، تواناییها و دشواریها، علایق، تجارب و نیازهای خاص نقش اساسی دارند. همچنین، خانواده و افراد وابسته به فرد مورد نظر می‌توانند اطلاعات ارزشمندی درباره خصوصیات و نیازهای جسمی و روحی وی ارائه دهند که برای انتخاب راه و روش ارائه خدمات ضروری هستند. به این ترتیب، مراقبت‌های آموزشی - ترویجی ویژه در زمره آموزشهای «فراگیر - محور»^(۱۸)

محسوب می‌شوند. زیرا نیازهای آموزشی و ویژگیهای فردی دو محور اساسی و زیربنایی طراحی و گزینش روشهای آموزش، تجهیزات و وسایل و نیز ارزشیابی خواهند بود. به بیان دیگر، در مراقبتهای آموزشی - ترویجی ویژه، برنامه و عناصر آن با ویژگیهای فرد منطبق و سازگار شده است.

شناسایی دقیق افراد با نیازهای خاص، یک گام اساسی در فرایند تأمین فرصتها و تجارب آموزشی موفق برای جامعه است. گرچه احتمال دارد، برخی از این افراد در گذشته از مراقبتهای آموزشی بهره‌مند شده باشند، اما با استفاده از منطق «تداوم آموزشی» و «آموزش مادام‌العمر»^(۱۹) ضرورت دارد، عوامل ترویج آگاهانه و از روی علاقه، این مراقبتهای را به طور مستمر برای آنان تدارک و تأمین نمایند.

عوامل ترویج و آموزشگران روستایی برای شناسایی دقیق زوایای جسمی و روحی افراد ناتوان و نیز طراحی برنامه برای ارائه خدمات ویژه به آنها، باید از تخصص لازم برخوردار باشند.^(۲۰)

به طور کلی در مراقبتهای آموزشی - ترویجی ویژه، باید موارد زیر مورد نظر قرار گیرند:

- توسعه مهارتهای اساسی
- تقویت آنها در راستای فعالیتهای اجتماعی و شغلی

- توسعه تجارب شغلی و حرفه‌ای
- آموزش عادات مطلوب شغلی

در ذیل به برخی از انواع یا شیوه‌های ارائه مراقبتهای آموزشی - ترویجی ویژه اشاره می‌شود. بدیهی است، هر یک از وضعیتها و موقعیتهای، نوع و شیوه‌های خاصی را می‌طلبد. از این رو، نمی‌توان هر کدام را به تمامی شرایط تعمیم داد. نکته دیگر آن است که برنامه‌های متعدد و گوناگونی برای ارائه مراقبتهای ویژه می‌توان ارائه داد، گرچه اساس و محور همه آنها، ارتقای دانش، بینش و مهارتهای شغلی افراد معلول و ناتوان است. اما نکته‌ای که آنها را در گزینش و اجرا متفاوت می‌سازد، نوع ناتوانی (نیاز خاص) و نوع نیاز آموزشی (دانش، مهارت، نگرش) افراد مزبور است.

■ توان بخشی حرفه‌ای

توان بخشی حرفه‌ای از جمله آموزشی و ویژه‌ای محسوب می‌شود که قصد آن ارائه آموزش

و خدمات ترویجی و هماهنگی است که به صورت راهنماییهای حرفه‌ای، 'موزش حرفه‌ای و نیز گزینش حرفه مناسب انجام می‌شود. در واقع، این فرایند، نوعی مراقبت ویژه برای افراد معلول است. هدف توان بخشی، مدرسانی به افراد ناتوان و معلول برای توسعه شغلی یا آماده ساختن آنان به منظور تصدی شغل جدید است. توان بخشی حرفه‌ای می‌باید موارد ذیل را مورد تأکید قرار دهد:^(۲۱)

- کیفیت شغلی و کارآمدی فرد مورد نظر را ارتقاء و توسعه بخشد.

- ماهیت وظایف شغلی فرد با ناتوانی و معلولیت‌های وی سازگار شود.

- شغل فرد، دقیقاً مورد تجزیه و تحلیلی قرار گیرد و وظایف شغلی او از زوایای مختلف موشکافی شود.

- مهارتهای لازم برای ترفیق در انجام وظایف با توجه به ناتوانیهای فرد بررسی گردد.

- شرایط انجام کار دقیقاً مطالعه شود.

■ سوادآموزی

مراقبتهای آموزشی - ترویجی برای آماده ساختن افراد روستایی ارزیابی کار کشاورزی، باید افرادی را که با دشواریهای تحصیلی مواجه‌اند، تشویق کند. این رویکرد، در راستای ایجاد وضعیتی است که فرد را برای درک سریع‌تر و بیشتر دانش و مهارتهای کشاورزی آماده سازد. بدیهی است، جهت نیل به این مقصود، تقویت و توسعه مهارتهای اساسی سواد، یعنی خواندن، نوشتن و حساب کردن اجتناب‌ناپذیر است.

حمایت افرادی که به دشواریهای آموزش عمومی (سواد) دچار شده‌اند، برای توانا ساختن آنان در زمینه تشخیص مسائل و انتخاب راه حل‌های مناسب (انتخاب هدف، تصمیم‌گیری، طرح برنامه و...) یک امر اساسی است. بیشتر این افراد، چه بزرگسال یا جوان، به علت نداشتن تواناییهای لازم، هنوز چگونگی برخورد با مسائل (تشخیص مسئله و انتخاب راه حل آن) را نمی‌دانند.^(۲۲)

عوامل ترویج روستایی می‌توانند، از طریق تدوین برنامه‌های مناسب، مراقبتهای ویژه‌ای را برای کمک به این گونه افراد مهیا سازند تا از طریق حوزه و سازمان مسوول ترویج، آنها را به اجرا درآورند، یا ترتیبی اتخاذ کنند، تا روستاییان

نیازمند به سازمانهای سوادآموزی (مانند نهضت سوادآموزی) هدایت شوند.

■ مهارتهای خانگی

یکی از مراقبتهای آموزشی - ترویجی ویژه برای ارائه خدمات آموزشی به افراد ناتوان، ملاقات در خانه است. امتیاز این رویکرد آن است، که عوامل ترویج قادر خواهند شد، از موقعیتهای مشکلات افراد مزبور درک بهتری به دست آورند. به علاوه، ملاقاتهای خانگی موجب می‌شود، عوامل ترویج، احساسات و گرایشهای مثبت فرد را نسبت به آموزش، جامعه و تلاشهای سازنده شغلی توسعه بخشند. این امر ارمغانی است که عوامل آموزشی ترویج، از راههای دیگر کمتر به آن دست می‌یابند.^(۲۳) بر این اساس، ملاقات در خانه روش مؤثری هم برای فرد و هم برای خانواده وی خواهد بود. زیرا موجب خواهد شد، در توسعه فعالیتهای کار و حرفه بسیار بهتر، زودتر و موفق‌تر عمل کنند.

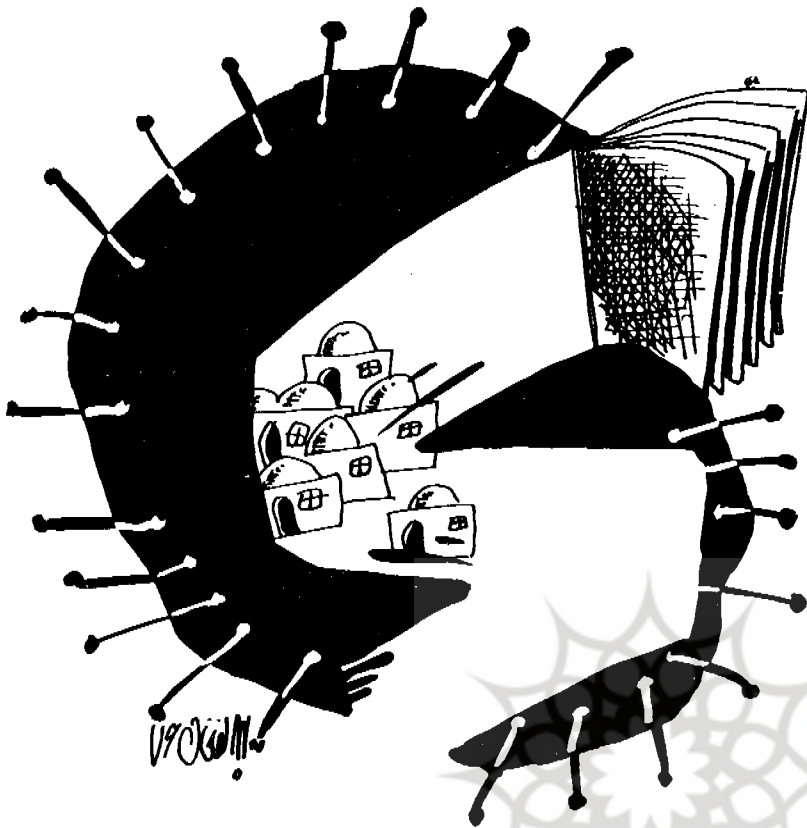
ملاقاتهای خانگی، زمینه‌های لازم را برای تشخیص نیازها و انگیزه‌های افراد ناتوان، به نفع عوامل ترویج، تسریع می‌سازد و بر این پایه قادر خواهند شد. مراقبتهای آموزشی - ترویجی ویژه خود را به نحو مطلوب‌تری اجرا و پیگیری نمایند.

■ کار درمانی

کاردرمانی نیز، یکی از مجموعه برنامه‌های آموزشی - ترویجی ویژه است که تحت تأثیر آن برای انجام صحیح و کارآمد وظایف شغلی، رفتار و مهارتهای لازم، به فرد معلول و ناتوان تعلیم داده می‌شود. در فرایند کاردرمانی، فرد نیازمند، مسهات‌های مورد نظر را از طریق راهنمایی و آموزشهای مقطعی در حین انجام کار، کسب می‌کند و به ویژه، به ارزشها و تواناییهای فردی خویش پی می‌برد. بنابراین، ضمن تقویت انگیزه خود، با به صورت فردی مثبت و با ارزش در عرصه فعالیتهای اجتماعی می‌پندارد.

■ برنامه‌های آموزشی انفرادی

تدوین برنامه‌های آموزش انفرادی^(۲۴) از نظر ماهیت و محتوا، برای افرادی که دچار ناتوانی و دشواریهایی در زمینه کار و یادگیری هستند، بسیار مؤثر است.



■ نتیجه و پیشنهاد

از آنجا که افراد کشاورز و روستایی معلول و ناتوان و نیز افرادی که دارای معضلات و محرومیتهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و شخصیتی در روند آموزش و ترویج کشاورزی دچار مشکلات و نیازهای خاص هستند. غالباً این نیازهای آنان مورد توجه قرار نمی‌گیرند. از این رو، در عرصه برنامه‌های آموزشی... ترویجی جایی ندارند و در نتیجه، از رشد و توسعه فردی، به ویژه ارتقای دانش و مهارت‌های شغلی محروم می‌مانند.

از سوی دیگر، دیدگاه انسانی و با عنایت به فرامین دین مبین اسلام و نیز حقوق اجتماعی پذیرفته شده در جهان امروز، آموزش، یک حق همگانی و در راستای عدالت اجتماعی است. بنابراین، بر نظام ترویج کشاورزی هر کشور لازم است، برای شهروندان و کلیه افرادی که در زمینه حرف و مشاغل گوناگون کشاورزی مشغول به کار هستند، زمینه‌های مناسب را در جهت ارتقای دانش و مهارت‌های آنان فراهم سازد. آماده‌سازی این بستر رشد و توسعه، به ویژه برای روستاییان و کشاورزان معلول و محروم، ضرورت بیشتری دارد.

پی برد. ملاقات افراد مزبور در هنگام انجام کار یا طبیعت و ماهیت وظایف ترویج کشاورزی بسیار سازگار است. عوامل ترویج، در این وظیفه‌مند هستند تا در جریان این ملاقاتها، هدایتهای آموزشی و ترویجی، تشخیص دقیق‌تر نیازها پیگیری قبلی، انطباق مهارت، شغل و توانایی فرد و... را جاری سازند. علاوه بر آن رویکرد، ملاقات ضمن کار، موجب می‌شود، ارزشیابی و سنجش آموخته‌های فرد مورد نظر به آسان‌ترین شیوه برای عوامل ترویج میسر گردد. (۲۶)

■ ارزشیابی

در مورد ارزشیابی (۲۷) مراقبت‌های ویژه ممکن است لازم شود، از سبک و شیوه خاصی بزرگی ارزشیابی آموخته‌های افراد ناتوان و معلول استفاده گردد. در تعیین روشهای ارزشیابی، باید فرد یا افراد مورد نظر، مشارکت کامل داشته باشند. زیرا اگر ارزشیابی بر آن باشد که موجب پیشرفت آموزشی و تقویت انگیزه یادگیری و توسعه شغلی افراد ناتوان شود، لازم است این افراد را با شیوه‌هایی که با توانایی‌های آن سازگار است ارزشیابی کرد (شفاهی، کتبی، عملی، ...).

در صورت مشاهده افراد ناتوان و معلول، می‌توان برای آنان برنامه‌های آموزش انفرادی تدوین کرد. برنامه‌های آموزشی انفرادی، چارچوبی است که عوامل ترویج و آموزشگران روستایی می‌توانند، بر اساس آن برای فرد مورد

نظر، یک طرح آموزشی و ترویجی اختصاصی تهیه کنند. متأسفانه، در حال حاضر عموماً مسئولین و عوامل آموزشی ترویج، نسبت به این امر تمایل کمتری از خود نشان می‌دهند.

با توجه به فلسفه مردمی بودن ترویج، عوامل ترویج، بهتر از هر کسی می‌توانند نیازهای این افراد را شناسایی کنند. اما نکته مهم آن است که در مراحل تدوین این برنامه باید فردی که برای وی برنامه‌ریزی می‌شود، مشارکت جدی داشته باشد تا برای اجرای برنامه، راهبرد و راه کارهای مطلوب‌تر، واقعی‌تر و عملی‌تر اتخاذ شود.

برای شناسایی افراد ناتوان و سنجش نیازها و مشکلات خاص آموزشی آنان و تدوین برنامه آموزشی انفرادی باید گام‌های زیر مورد تأکید و رعایت قرار گیرد. (۲۵)

- ۱- بررسی نیازهای خاص فرد از جنبه ناتوانیها و دشواریهایی که دارد. (نیازهای ویژه فرد)
- ۲- سنجش توانمندیها، اطلاعات و تجارب شغلی فعلی فرد (نیازهای آموزشی فرد)
- ۳- تدوین هدفهای آموزشی دقیق و واضح در ابعاد کوتاه مدت و سالانه (برای برآورده ساختن نیازهای شناسایی شده)
- ۴- تدوین برنامه‌ای برای نیل به هدفهای تدوین شده با مشارکت جدی خود فرد (مراقبتهای آموزشی - ترویجی ویژه)
- ۵- مشخص ساختن زمان شروع و پایان مراحل برنامه به تفکیک هر هدف آموزشی و با توجه به نظرات و توانایی فرد مورد نظر (تقویم آموزشی)
- ۶- تدوین راهبردهای سنجش ارزشیابی از آموخته‌های فرد، به منظور آگاهی از میزان تحقق هدفهای آموزشی و استفاده از باز خورد برای بهبودبخشی برنامه

■ ملاقاتهای ضمن کار

ملاقات‌های ضمن کار، همانند ملاقات‌های خانگی روی کردی مؤثر است. تا از آن طریق بتوان به زوایای روحی - جسمی و مهارتی افراد ناتوان



- آیا فعالیتهای یادگیری متناسب با توانایی خوانندگان و محتوای نشریه هستند؟
- آیا محتوای نشریه خیلی طولانی یا کوتاه نیست؟
- و ...

۴- الف - خود ارزشیابی
- آیا نشریه به گونه‌ای طراحی و تدوین شده است که مخاطبین آموخته‌های خویش را توسط خود، ارزشیابی کنند؟
- آیا سوالات متن در پایان هر بخش مطرح شده‌اند؟
- آیا پاسخ سوالات متن در آخر نشریه آمده است؟
- آیا سوالات متن در راستای تحقق هدفهای آموزشی هستند؟
- آیا فعالیتهای یادگیری در راستای تحقق هدفهای آموزشی هستند؟
- و ...

هستند؟
۶- الف - گرافیک و چاپ
- آیا طرح روی جلد نشریه جالب و جذاب است؟
- آیا طرح روی جلد نشریه در راستای تحقق هدفهای نشریه است؟
- آیا طرح روی جلد بیانگر محتوای نشریه است؟
- آیا چاپ روی جلد و صفحات داخلی جالب و جذاب است؟
- آیا قطع نشریه مناسب است؟
• آیا نوع کاغذ جلد و صفحات داخلی نشریه مناسب است؟
- آیا حروف چاپی مطالب، خوانا و به اندازه کافی درشت هستند؟
- آیا طراحی و چاپ صفحات نشریه جالب و جذاب است؟
- و ...

ب - ارزشیابی میدانی
قبل از چاپ نشریه در نسخه‌های زیاد (تیراژ وسیع) و بلافاصله بعد از مرحله کنترل کیفیت و اصلاح احتمالی نشریه بهتر است، تعداد محدودی نشریه آماده گردد، تا بر گروهی از مخاطبین آزمایش ارزشیابی شود. این ارزشیابی، هنگامی صورت می‌گیرد که وقت کافی جهت تغییرات احتمالی در نشریه وجود داشته باشد. ارزشیابی میدانی می‌تواند، از طریق مشاهده عکس العمل خوانندگان، مصاحبه، پرسشنامه و روشهای دیگری انجام پذیرد.

ج - بازسازی نشریه
بدون شک، هر نشریه به مدت چند سال چاپ و مورد استفاده مردم روستایی قرار می‌گیرد. یک نشریه ممکن است، حتی دهها بار تجدید چاپ شود. اما منطق ایجاب می‌کند، با توجه به پیشرفت روزافزون علوم و فنون کشاورزی، فرایند ارزشیابی، هر ساله انجام پذیرد تا مطالب نشریه از نظر علمی و نیز با تغییرات متعدد ساختار اجتماعی - فرهنگی و سایر عوامل تحول پذیر، هماهنگ و «به روز» گردد. در این صورت، اصولاً نشریات ترویجی هر چند سال یکبار، نیاز به بازسازی یا حتی تعویض خواهند داشت. بنابراین، گروه تهیه و تدوین نشریات ترویجی، باید هر

۵- الف - روش ارائه (زبان نوشتاری)
- آیا زبان نوشتاری و تصویری نشریه در سطح درک و فهم قشر مخاطب است؟
- آیا مطالب به اندازه کافی دقیق و روشن هستند؟
- آیا سبک ارائه مطالب، برای قشر مخاطب نشریه جالب و جذاب است؟
- آیا محتوای نشریه با توجه به مناسبات فرهنگی - اجتماعی مخاطبین بیان شده‌اند؟
- آیا پاراگرافها و جمله‌ها کوتاه و دقیق هستند؟

- آیا واژه‌ها برای قشر مخاطب، قابل درک و فهم هستند؟
- آیا واژه‌های دو یا چند سیلابی به حداقل میزان، به کار رفته‌اند؟
- آیا جمله‌ها به طور متوسط دارای یک یا دو فعل هستند؟
- آیا کوشش شده است، از آوردن افعال مجهول خودداری گردد؟
- آیا تصاویر به اندازه کافی به درک مفاهیم کمک می‌کنند؟
- آیا عکسها و تصاویر واضح، شفاف و گویای پیامهای مورد نظر هستند؟
- آیا زیرنویس عکسها و تصاویر گویا و کافی

مبانی طراحی

و تدوین

نشریات ترویجی

■ مهندس محمدرضا عباسی

- توضیح: مقاله آقای محمدرضا عباسی با عنوان: «مبانی طراحی و تدوین نشریات ترویجی» در دو قسمت تقدیم حضور مخاطبین گرامی می‌گردد که قسمت اول آن در شماره گذشته به چاپ رسید و اینک بخش پایانی آن از نظر خوانندگان محترم می‌گردد.



- آیا، بین فصلهای نشریه ارتباط منطقی وجود دارد؟
- آیا فعالیتهای یادگیری متنوع و کافی هستند؟

ساله، از کارایی و اثربخشی نشریات، ارزشیابی لازم را از طریق نظرسنجی مخاطبین، مسؤلان، کارشناسان و سایر مردم و افراد ذیصلاح به عمل آورد. اگر بر اساس نتایج ارزشیابی، نشریه دارای کارایی مثبت باشد، ممکن است، بدون تغییرات اساسی و تنها از دیدگاه اضافه کردن اطلاعات جدید و حذف کردن اطلاعات منسوخ شده، مورد تجدید نظر و بازسازی قرار گیرد، اما اگر میزان کارایی و اثربخشی آن منفی باشد، باید در نشریه تغییرات بنیادین صورت گیرد و در صورت لزوم، حتی نشریه‌ای جدید تهیه و جایگزین آن شود.

۵- تولید انبوه

آخرین مرحله طراحی و تولید نشریات ترویجی چاپ و انتشار آنها است. در این مرحله، پس از انجام اصلاحات مورد نیاز بر اساس باز خورد و نتایج ارزشیابی نسخه اصلی و آماده شده نشریه به چاپخانه‌های اُفتست سپرده می‌شوند، تا مراحل چاپ (تهیه فیلم، زینک و چاپ) را طی کند. نکته مهم در این مرحله آن است که گروه تهیه و تدوین نشریات ترویجی، یک نفر را به عنوان ناظر چاپ معرفی نمایند تا کلیه مراحل چاپ را از نظر کیفیت چاپ نظارت و کنترل کند. عموماً بعد از تهیه فیلم، یک نسخه از نشریه به صورت کپی (آزالد) برای تصحیح و اصلاح نهایی

در اختیار گروه تهیه و تدوین قرار می‌گیرد و پس از اصلاح، دستور چاپ را صادر می‌کنند.

■ نتیجه‌گیری و پیشنهاد

از آنجا که آموزش روستاییان از ارکان اصلی ترویج روستایی محسوب می‌شود. ارائه خدمات آموزشی، در قلمرو نشر و دانش و اطلاعات مفید و کاربردی در پهنه روستاهای کشور، اجتناب ناپذیر است.

امروزه، ترویج برای تحقق هدف مزبور دو روش آموزشی مستقیم و غیرمستقیم را در پیش رو دارد. در آموزشهای مستقیم (حضور)، مروجین و آموزشگران روستایی آموزشهای لازم را ارائه می‌کنند. برای آموزشهای غیرمستقیم (غیرحضور)، همانند سایر زیربخشهای تعلیم و تربیت کشور، نظام ترویج می‌باید از رسانه‌های ارتباطی و آموزشی اطلاع‌رسانی (خودآموز) استفاده کند.

رسانه‌های آموزشی متعددی در دسترس است، اما هر یک از آنها با توجه به ویژگیهای عام روستاییان کشور و نیز خصیلت ارتباطی - آموزشی، کاربری خاصی دارند.

نشریات ترویجی که از دیرباز در اغلب کشورهای جهان، برای آموزش روستاییان مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند، دارای امتیازات بارز و مفیدی هستند. این نشریات می‌توانند، در هر

موقعیت و در هر مکان با روستاییان همراه باشند و به عنوان یک منبع آموزشی، مشکلات آنان را

بارها و بارها مرتفع نمایند.

برای نشریات ترویجی یک بار سرمایه گذاری می‌شود، ولی سالها (در صورت تدوین صحیح و گزینش اطلاعات اصولی و کاربردی) مورد استفاده قرار می‌گیرند. پس یکی از امتیازهای نشریات ترویجی، ماندگاری آنها می‌باشد.

با توجه به مطالب یاد شده، به کارگیری نشریات ترویجی در فرایند آموزش و ترویج روستاییان، امری بسیار ضروری است، اما مشروط بر آن که، این نشریات، مطابق اصول مطروحه در رسانه‌های نوشتاری طراحی و تدوین گردند.

در حال حاضر، معاونت ترویج و مشارکت مردمی (مرکز نشر و تصویر)، به طراحی و انتشار نشریات ترویجی اقدام می‌نماید. برای بهبود کیفی این نشریات، به نظر می‌رسد، پیشنهادهای زیر مؤثر خواهد بود:

- از آنجا که نشریات ترویجی رسانه‌هایی ماندگار هستند و باید لاقلاً چند سالی طراوت و شادابی اطلاعات مندرج در آنها مورد نظر قرار گیرد، می‌باید اطلاعات گزینش شده در این نشریات، از اطلاعات اساسی و حتی المقدور تغییرناپذیر هر رشته علمی انتخاب شوند.

- با توجه به دلیل فوق (ماندگاری نشریات)،

باید کوشش شود، آن گروه از نیازهای آموزشی برای تدوین نشریات مورد نظر قرار گیرند، که مخاطبین بیشتری را در سطح کشور تحت پوشش بگیرد. به دیگر سخن، باید تدوین نشریات برای رفع نیازهای آموزش فراگیر جمعیت روستایی کشور صورت گیرد.

- در نشریات ترویجی بهتر و مناسب‌تر است که به امر ارزشیابی بیشتر تأکید شود. یعنی زمینه خود ارزشیابی را برای خواننده فراهم ساخت، تا هر یک از خوانندگان خود مشخص سازند، پس از خواندن نشریه تا چه حد مطالب را یاد گرفته‌اند و نیازهای آموزشی آنان تا چه میزان مرتفع گردیده است.

- در حال حاضر، تیراژ چاپ نشریات ترویجی، هرگز جوابگوی نیازهای روستاییان کشور نیست. این امر باید در طراحی و چاپ این نشریات، مورد نظر قرار گیرد.

جدول شماره یک - برخی گزینه‌های سیاهه لیست ویژگیهای مخاطبین نشریه ترویجی

سیاهه لیست ویژگیهای مخاطبین نشریات ترویجی			
عنوان نشریه	تاریخ سفارش	واحد سفارش دهنده	تاریخ تنظیم
■ وضعیت سکونت مخاطبین:	○ شهری	○ روستایی	
■ میانگین گروه سن مخاطبین:	○ نوجوان	○ جوان	○ بزرگسال
■ شغل (حرفه) مخاطبین:	○ کشاورز	○ دامدار	
	○ کارگر روستایی	○ خوش‌نشین	○ بهره‌بردار
	○ غیره		
■ میزان سواد:	○ بی‌سواد (در این صورت نشریه تهیه نمی‌شود)	○ در حد خواندن و نوشتن	○ زیر دیپلم
		○ بالاتر از دیپلم	
■ وضعیت اقتصادی:	○ کم‌درآمد	○ درآمد متوسط	○ درآمد زیاد
■ زبان و لهجه:			



روشهای آموزش بزرگسالان در ترویج کشاورزی

مترجم : فتح‌اله آقاسی زاده

منابع :

1- 24 group methods and techniques in adult education

2- Agricultural Extension

■ اشاره :

بخش دوم این گفتار با همین عنوان، که از کتاب Agricultural extension انتخاب و ترجمه شده است، در شماره بعدی درج خواهد شد.

■ خلاصه

هدف نهایی ترویج، تکامل و رشد افراد در حیطه‌ها عملیاتی ترویج است. ترویج به دنبال آن است که افراد را به شاخصهای تکامل برای یک زندگی نسبتاً مطلوب راهنمایی نماید. بدین منظور، اعتقاد بر این است که حصول هدف مذکور، با تغییر یا تحول و نوسازی شناخت، بینش و مهارتهای افراد، امکان‌پذیر خواهد بود.

اسلحه ترویج، برای نیل به این هدف آرمانی؛ آموزش است و آموزش بزرگسالان به عنوان یکی از مخاطبین اصلی ترویج، از ترویج منفک نیست. ترویج را می‌توان مکتب یا نهاد آموزشهای غیررسمی برای بزرگسالان نامید. بر این اساس، آموزش به عنوان ماهیت و ذات ترویج پذیرفته شده است؛ بنابراین، ترویج باید به دنبال کارایی آموزشها باشد. آموزش خود، تابع قانونمندها و قواعدی است که باید آموزشگران بدانها آگاهی داشته باشند. روشها، متدها و تکنیکهای آموزشی، یکی از این عناصر به شمار می‌روند. زیرا محتویات و مفاد آموزشی در قالب آن روشها و تکنیکها طراحی شده است و به مخاطبان عرضه می‌شود.

اگر چه، توافقی واحد در ترمینولوژی آموزش بزرگسالان وجود ندارد، لیکن آموزشهای ترویج را به انواع روشهای انفرادی، گروهی و انبوهی تقسیم

■ مقدمه :

نموده‌اند و برای هر یک از این روشها، تکنیکهایی برشمرده‌اند.

در بخش اول مقاله حاضر، ۲۴ تکنیک برای آموزشهای گروهی ترویج، مورد بحث قرار گرفته‌اند. این تکنیکها عبارتند از: گروه مستمعین و اکنش گر، طوفان اندیشه (تحریک فکری)، شور همگانی، مطالعه موردی، محاوره، کمیته، کنفرانس، اجلاس، نمایش، گروه بحث، گردش صحرائی، مجمع نظر، انستیتو، مصاحبه، سخنرانی، تیم شتوده، پانل، پرود پرسش، ایفای نقش، همایش، دوره کوتاه، تمثیل، سمپوزیوم و کارگاه.

نکته مهم اینکه، هر یک از این تکنیکها بر حسب مقتضیات و شرایط ویژه‌ای کارایی مطلوبی خواهند داشت. بنابراین باید از هر تکنیک، به فراخور موقعیت و امکانات و شرایط موجود، استفاده نمود. بر این اساس، تکنیک خاصی را نمی‌توان به عنوان تکنیک عام و همه جا شمول معرفی نمود. در بخش اول مقاله حاضر، با تشریح عناصر مؤثر در مورد هر یک از این تکنیکها، آموزشگران آموزشهای بزرگسالان در ترویج و سایر آموزشهای غیررسمی با انواع گزینش تکنیکها آشنا می‌شوند و قادر خواهند بود با بررسی دقیق اهداف و مقتضیات آموزشی، به انتخاب تکنیک یا تکنیکهای مناسب بپردازند.

ترویج به دلیل ماهیت آموزشی ویژه‌اش، پیوندی عمیق با مباحث آموزشی و یادگیری دارد. اساساً ترویج به این نکته معتقد است که برای تحقق تغییر در سطوح دانش، بینش و مهارت مخاطبان خویش، به عنوان هدف بنیادین ترویج، لاجرم باید از آموزش بهره گیرد. آموزش، مبدأ و منشأ یادگیری و شرط لازم برای حصول توسعه منابع انسانی مورد نظر ترویج، تلقی می‌شود.

نظریه پردازان و ادبیات‌سازان علم ترویج، معتقدند: برای نیل به هدفهای ترویجی، به کارگیری روشها و فنون آموزشی، اجتناب‌ناپذیر است و در تقسیم‌بندیها و تعاریف، مبحث روش و فنون آموزشی بر همین مبنا شکل گرفته است. در عرف و ادبیات ترویج، سه روش آموزشی (روشهای انفرادی، گروهی و انبوهی) مطرح است، که هر یک از این روشها، با تکنیکهایی به هم مرتبط هستند. به عبارت دیگر تکنیکها، گویای شیوه‌های عملی الگوها می‌باشند و فنون ویژه، راه کارهای حقیقی به کارگیری روشهای خاص به حساب می‌آیند.^۱ کارشناسان ترویج با این مقوله‌ها آشنا هستند. به ویژه در بحث آموزش بزرگسالان، با فنونی جهت روشهای گروهی آموزشهای ترویجی آگاهی پیدا می‌کنند. دانشجویان و مشتاقان علاقمند به منابع ترویجی، نیز در کتاب «مرجع

ترویج کشاورزی» تا اندازه‌ای با این فنون آشنا می‌شوند.^۲

مترجم، خود به عنوان شاگرد «مکتب ترویج» همواره در پی یافتن منابعی بوده است که به تفکیک و به روانی و سادگی به تعاریفی دقیق از تکنیک‌های مختلف گروهی آموزش، دست یابد، البته اینک مقصود حاصل شده است.

آنچه که به محضر علاقمندان و پویندگان ترویج، پیشکش می‌شود، گزیده‌ای است از بخش‌هایی از کتاب: ۲۴ روش و تکنیک گروهی در آموزش بزرگسالان.

در این کتاب، به زیبایی، سادگی و با شفافیت تمام، در باره ۲۴ تکنیک، سخن به میان آمده است و در قالب‌های هفتگانه (از جمله اهداف، مزایا، محدودیتها، شیوه‌های به کارگیری و...) در باره این تکنیکها به طور مشروح به بحث پرداخته شده است و البته، تصاویر مربوط به هر تکنیک، بر زیبایی آن افزوده است.

در مقاله حاضر، به ابعاد پنجگانه و معرفی اجمالی این تکنیکها پرداخته شده است.

کتاب مآخذ این مقاله، تاکنون چاپهای متعددی داشته است. لیکن، گفتار حاضر، بر اساس ویرایش سوم کتاب، که در سال ۱۹۷۵ منتشر شده ترجمه شده است.

اصل کتاب توسط استاد ارجمند دکتر سید محمود حسینی ترجمه و به مرحله چاپ رسیده است. مترجم از الطاف ویژه و بزرگواری‌های ایشان صمیمانه سپاسگذار است و امیدوار است که این گفتار، در مجموع راهگشای علاقمندان ترویج و آموزش باشد.

□ □ □

بخش دوم این مجموعه، مطالبی است که از کتاب Ag. Extension ترجمه شده و به جهت تناسب با مباحث آموزشی مطرحه، ارائه گردیده است. گفتار انتهایی این مجموعه از نگارنده است.

■ چگونه متدها و تکنیکها را انتخاب کنیم؟

برای انتخاب متدها و تکنیکهای ویژه باید به شناسایی موارد ذیل پرداخت :

– مختصات موضوع (ویژگی یا خصیصه موضوع)

الف – آیا به اطلاعات مستقیم نیاز دارد؟
ب – آیا دیدگاه‌های متفاوتی باید ارائه شود؟
ج – آیا موضوع، بحث‌انگیز و تحریک‌کننده بحث است؟

■ رهبری موجود

الف – چه کسی را می‌توان به عنوان سخنران، اعضای پانل و رهبران بحث فرا خواند؟
ب – چگونه می‌توان اعضا را درگیر (درگیر بحث) نمود؟

■ تسهیلات موجود

الف – آیا اطاق مناسبی برای کاربردهای رسمی یا غیررسمی هست؟
ب – چگونه می‌توان محیط را برای سهولت بحث، هماهنگ نمود؟
ج – آیا ابزار و تجهیزات در دسترس هست؟ (پروژکتورهای تصویر متحرک، سیستم بلندگو، تخته‌های گچی، ابزار بصری و غیره)

■ ویژگیهای مربوط به مستمعین

الف – چه میزان توجهی را از مستمعین انتظار دارید؟
ب – سطح آموزشی، گستره سنی، زمینه شغلی و علایق عمومی گروه چیست؟

بر اساس نتیجه، اهداف برنامه و نیازمندیهای عمومی، ۲۴ متد و تکنیک در ۱۵ طبقه در صفحه پیوست گروهبندی شده‌اند. بخشهای هاشور زده (سایه زده) زیر هر ستون نشان می‌دهد، که متدها یا تکنیکهای مورد اشاره، در آن موقعیت ویژه خود، بیشترین استفاده را دارد. بعضی متدها یا تکنیکها، نسبت به دیگری کارآمدترند. گزینش نهایی می‌باید از طریق متغیرهای هر موقعیت ویژه انجام پذیرد.

■ تعریف واژگان

توافق در تعریفی واحد، پیرامون ترمینولوژی مورد استفاده در متد آموزش بزرگسالان در سالیان اخیر، مورد تلاش قرار گرفته است. تعاریف ذیل، از دو واژه مستد و تکنیک، بر اساس یک اجماع عمومی از نظارت آموزشگران آموزش بزرگسالان ارائه می‌شود:

متد (METHOD) : ارتباط یا پیوند بین

مؤسسه یا اژانس تنظیم‌کننده برنامه آموزشی و دانش آموز یا شرکت کننده در برنامه است.

تکنیک (TECHNIQUE) : راه و روشی است که عوامل ویژه یا معلمان، برای ایجاد ارتباط بین فراگیر و سنجش، آن را تنظیم می‌نمایند.

■ گروه مستمعین واکنش‌گر (تیم شنوندگان واکنش‌گر) (Audience reaction team)

گروه مستمعین واکنش‌گر، از ۳-۵ عضو شونده تشکیل می‌شود که به سخنران یا دیگر افراد مطلع، واکنش نشان می‌دهند. شنوندگان تیم، ممکن است جهت واضح نمودن نقاط ابهام در هر زمانی بحث سخنران را قطع نمایند. این عمل در نشست به سخنران کمک می‌کند تا به نیازهای شنوندگان خاص توجه نماید.

■ هدف (Purpose):

– کمک به فرایند ارتباط، زمانی که درک و فهم موضوع درسی با دشواری روبروست.
– ارائه دیدگاههای مختلف یک گروه بزرگ از مستمعین.

■ مزایا (Advantages):

– این روش استفاده مؤثر از سخنران را ترغیب می‌کند. (کسی که ممکن است، از برخی جملات نتواند خوب با شنوندگان ارتباط برقرار نماید.
– با واقعی شدن بخشی از برنامه، ممکن است علایق اعضای حاضر، آسان تر تحریک شود.
– سازماندهی این روش، سهل است.

■ محدودیتها (Limitations):

– ممکن است، برخی سخنرانان به گسیختگی و قطع سخنانشان اعتراض نمایند، چرا که ممکن است به عنوان ارتباط‌گر ضعیف تلقی شوند.
– اکثریت حضار شرکت کننده، مشارکت نمی‌کنند.

– ممکن است تعدادی از اعضا، تیم را در انحصار خود درآورند. در حالی که، ممکن است دیگران برای مشارکت، وقت گرفته باشند.

■ طریقه اجرای روش (Procedure):

مدیر یا رئیس جلسه، موضوع را معرفی

می‌نماید و به شرح تکنیکهای مورد استفاده می‌پردازد. در این معرفی، توضیح داده می‌شود که گروه واکنش باید چه کارهایی را و چرا انجام دهد. رئیس به طور مختصر، سخنران را به حضار معرفی می‌کند (موقعیت سخنران، تجارب سخنران و صلاحیتهای ویژه سخنران برای این حضور اختصاصی). گروه در زمانهای مناسب، به اعلام واکنش می‌پردازد.

■ تحریک فکری (طوفان اندیشه) (Brain storming)

در طوفان اندیشه، تفکر خلاق نسبت به تفکر عملی، مطلوبیت دارد. در این روش، تمام ایده‌های ممکن، که از طرف افراد، مطرح می‌شود، مورد توجه قرار می‌گیرد (بدون اینکه به چگونگی عملی بودن ایده‌ها، پرداخته شود). شرکت کنندگان برای بیان آزاد تفکرات و تمایلاتشان برانگیخته می‌شوند و در بیان نظرات هیچ قید و بندی مطرح نیست.

■ هدف:

- ارائه نظریات بدیع و نو، در حدامکان، قبل از آنکه گروه به بحث کارشناسی بپردازد.
- تقویت و تحریک افراد ذهنی - عملی، به طوری که به مسایل روزمره و مبتلابه‌شان و به کیفیت به جای کمیت بیندیشند.
- گسترش و باز نمودن بیشتر یک موضوع خارج از راه حلها و مباحث رسمی و سنتی.
- توسعه تفکر خلاق در افراد.

■ مزایا:

- شرکت کنندگان در «طوفان اندیشه» اجازه دارند به شرح احساسات و نظرات خویش بپردازند.
- ممکن است، برای مشکلات لاینحل قبلی، راه‌حلهایی کشف شود.
- تمام اعضای گروه، برای مشارکت ترغیب و تحریک می‌شوند.

■ محدودیتها:

- بسیاری از افراد از واقعیات فرار می‌کنند.
- ممکن است، بسیاری از پیشنهادها ارزشمند نباشد.
- در نشست ارزشیابی، انتقاد کردن از عقاید

مطرح شده توسط افراد، ضروری است.

■ روش اجرا:

- رئیس، شیوه مورد استفاده را شرح می‌دهد.
- یک شخص از گروه به عنوان منشی انتخاب می‌شود.
- ایده‌های افراد، همان گونه که بیان می‌شود، در معرض دید حضار نگاشته می‌شود.
- ایده‌ها جهت دستیابی به کاربرد عملی برای رفع مشکل به بحث گذارده می‌شود.

■ نشست اندیشه همگانی

(شور همگانی)

(The buzz session)

جلسه شور همگانی، اعضای بسیاری از حضار را به طور مستقیم در فرآیند بحث درگیر می‌نماید. حضار به گروه‌های بحث کوچک ۵ تا ۷ نفره تقسیم می‌شوند و در طی مدت زمانی ۵ تا ۷ دقیقه‌ای هر عضو به بیان ایده‌هایش می‌پردازد.

■ هدف:

- گسترش دامنه سئوالات برای سخنران یا پائل.
- کاوش کردن در حیطه‌هایی که گروه باید به اطلاعات بیشتری دست یابد یا به مطالعه بیشتر بپردازد.
- کشف قلمروهایی از علایق ویژه برای برنامه‌های آتی.

- ارزیابی یک نشست در دوره‌هایی که شرکت کنندگان به ارجمندی نگریسته می‌شوند.

■ مزایا:

- این نشست منبعی از عقاید جذاب و نوین را برای گروه فراهم می‌آورد.
- زمانی که در طراحی و برنامه‌ریزی، مورد استفاده واقع شود، موجب شناسایی برنامه و اهداف برای افراد می‌شود.
- برای هر فرد این مجال را فراهم می‌آورد که مشارکت نماید، بدون اینکه بخواهد به مقابله با کل نشست برخیزد.

■ محدودیتها:

- به دلیل محدودیت زمانی، تعداد افراد

شرکت‌کننده با محدودیت مواجه است.

- ممکن است، ادغام و ترکیب نظرات چند گروه، مشکل باشد یا نظرات، متناقض هم باشند.

■ روش اجرا:

رئیس، اهداف ویژه را برای گروه اندیشه همگانی، برمی‌شمارد. جهت اجتناب از انحراف به متد دیگر، ابعاد بحث روشن می‌شود. برای مثال، چنانچه شنوندگان با راه و روش ناآشنا بیگانه باشند، ممکن است یک گروه نمایش مؤثر باشد. هر گروه به سرعت، یک رهبر و منشی مشخص می‌کند. رهبر گروه به افراد اطمینان می‌دهد، که قادر به بیان دیدگاه‌هایشان هستند. منشی گروه، بر روی کارتهایی که قبلاً فراهم شده است، گزارش نوشتاری اعضا را می‌نویسد. در نهایت، رهبر یا منشی هر گروه، یک گزارش شفاهی به جمع ارائه می‌کند.

■ مطالعه موردی

(case study)

مطالعه موردی به بررسی تفصیلی یک واقعه یا یک سری از وقایع مرتبط می‌پردازد. ممکن است موارد به طور شفاهی، یا به فرم نوشتاری یا توسط فیلم یا ترکیبی از این شکلها، به شرکت‌کنندگان (حضار) ارائه گردد. پس از ارائه مطلب، بلافاصله یک گروه و جلسه بحث تشکیل می‌شود.

■ هدف:

- ارائه نمودن جزئیات یک مسأله مرتبط با گروه.

- ارائه نمودن مشکل و سپس یافتن راه حل ان در یک مراجعه مشابه گروهی.
- آموزش فرآیند حل مسأله، (Problem-solving) به گروه.

■ مزایا:

- شرحی دقیق از مورد تحت مطالعه، صورت می‌گیرد.
- یادگیرنده با دیدن راه‌حلهای بدیل متفاوت برای مشکل، امیدوار و ترغیب می‌شود.
- افراد به توسعه مهارتهای حل مشکل و مهارتهای تحلیلی امیدوار می‌شوند.



■ محدودیتها:

- ممکن است، برخی افراد، رابطه موردی را که مطالعه می‌شود با موقعیت یا مشکل گروهشان درک نکنند.

- غالباً برای بسط و تشریح مطالعه، وقت و تفکر قابل ملاحظه‌ای مورد نیاز است.
- در حالی که ممکن است، برخی اعضا برای مشارکت بیش از اندازه ترغیب شوند، شاید دیگران در تمام اوقات مشارکت ننمایند.

■ روش اجرا:

اگر مطالعه موردی به شکل نوشتاری است، قبلاً باید برای گروه خوانده شود. مواد مربوط باید قبل از تشکیل گروه به شرکت‌کنندگان داده شوند. تکنیکهای قابل استفاده در طی بحث، انتخاب و بحثهایی که مورد نیاز است، بازگو شود. رئیس جلسه یا مدیر، موضوعات اصلی را معرفی نماید و به شرح مورد مطالعاتی بپردازد و مسئولیت هر شخص را مشخص کند، سپس او بحث یا سایر فعالیتها را رهبری و راهنمایی نماید.

■ محاوره (گفتگوی دو جانبه)

(colloquy)

محاوره (گفتگوی رسمی)، شکل تغییر یافته پانل است. در این روش ۶ تا ۸ نفر شرکت دارند که نیمی شنونده و نیم دیگر به عنوان مراجع متخصص محسوب می‌شوند. زمان به طور مساوی بین دو گروه تقسیم می‌شود.

■ هدف:

- شناسایی یک مسأله یا موضوع و کاوش در آن.
- ارائه درکی از جنبه‌های مختلف یک موضوع یا مشکل به شنوندگان.
- سنجش مدیريتها و معایب یک دوره فعالیت (یک دوره عملی)

■ مزایا:

- این روش بازخورد و بازنمایی از مستمع به متخصص را فراهم می‌آورد.
- فرصتی برای ارائه جوانب و ابعاد مختلف یک موضوع حاصل می‌شود.
- تنوع در سخنرانان و اجراء، علاقه مستمعین را تحریک می‌کند.

■ محدودیتها:

- محدود نمودن حضار (شرکت‌کنندگان) در مقوله مورد بحث، برای رئیس جلسه دشوار است.
- اکثریت حضار در فرآیند بحث دخالت نمی‌کنند.
- ممکن است، بعضی اعضا، پانل را به قبضه خود درآورند.

- به دلیل تفاوت‌های افراطی در نظریات میان اعضای گروه، ممکن است حرکت به سمت یک راه حل، دشوار و مسدود شود.

■ روش اجرا:

تکنیک و مسئولیت‌های افراد شرکت‌کننده در گروه به طور مختصر روشن می‌شود. مسؤؤل جلسه، تمام افراد شرکت‌کننده را معرفی می‌نماید و بحث را رهبری می‌کند. در زمان مجاز، ممکن است سؤالاتی از طرف حضار مطرح شود.

■ کمیته (مجلس مشاوره)

(committee)

کمیته، گروهی منتخب از افراد است که جهت انجام و اجرای وظیفه‌ای که به طور مؤثر و به تنهایی از دست هر یک برنمی‌آید، تشکیل می‌شود. این گروه، به نامهای دیگری چون کمیته فرعی، کمیته اجرایی، گروه وظیفه و غیره نیز معروف است.

■ هدف:

- برنامه ریزی یک فعالیت منفرد یا یک برنامه بلند مدت
- ایفای نقش به عنوان یک هسته مشاوره.
- مطالعه در یک مشکل خاص، جهت بهبود آن یا آگاه نمودن اجتماع از یک واقعیه خاص، یا ارزیابی یک فعالیت ویژه.

■ مزایا:

- تنوع علایق مختلف در کمیته نمود پیدا می‌کند.
- کار کمیته، زمینه آموزشی خوبی را برای رهبران بالقوه فراهم می‌آورد.

■ محدودیتها:

- ممکن است کل گروه برای پذیرش پیشنهادها کمیته، بی‌میل باشند.
- امکان دارد اعضای کمیته نخواهند زمان لازم را برای فعالیت موفقیت‌آمیز صرف کنند.
- بعضی مواقع، گزینش یک گروه از افراد که بتوانند خوب با همدیگر کار کنند، مشکل است.

■ روش اجرا:

کمیته، بسته به شکل فعالیت، بوسیله رئیس، اعضای هیأت رئیسه یا به شکل عضویت، انتخاب می‌شود. اگر قرار است، کمیته به عنوان هسته مشاوره عمل نماید، جهت تغذیه و آگاهی تمام گروه، گزارش و دستور کاری تنظیم می‌گردد، که طبق آنها عمل می‌شود.
در شکل کمیسیون برای عمل (کمیته عملی)، کمیته خود به وظایف عمل می‌کند.
کمیته در نهایت منحل می‌شود (فعالیتش پایان می‌پذیرد)

■ کنفرانس (conference)

کنفرانس، یک نشست از گروه‌های کوچک یا بزرگ افراد است. شرکت‌کنندگان، یک گروه به هم پیوسته منسجم را تشکیل می‌دهند، که مسائل ویژه را به سبکی جدی و رسمی مورد توجه قرار می‌دهند.

■ هدف:

- بحث عمیق و کارشناسی در یک حوزه کاملاً فنی و دقیق.
- توسعه و گسترش طرحها جهت بهبود بخشیدن به بعضی عقاید و دیدگاهها.

■ مزایا:

- شرکت‌کنندگان معمولاً در حیطه مورد بحث، علاقه و آفری دارند.
- شرکت‌کنندگان به واسطه تأمل خودشان، از خود توجه نشان می‌دهند (نه به دلیل اینکه آنها

نیاز دارند یا اینکه از طرف سازمانهای محلی خود برای شرکت در بنگاههای علمی و گردهماییها نماینده شده‌اند).

■ محدودیتها:

- پیش‌بینی جمعیت حاضر دشوار است.
- تسهیلات کنفرانس، تسهیلات تغذیه، و محل اسکان باید قبلاً تدارک دیده شود.
- غالباً ارزشیابی کنفرانس (جهت بررسی کنفرانس) مشکل است.

■ روش اجرا:

تسهیلات اسکان و تغذیه برای کنفرانس، باید قبلاً فراهم شود.
با شرکت‌کنندگان برنامه، قبل از کنفرانس تماس می‌گیرند.
اقداماتی برای انگیزش علایق و ترغیب توجه افراد در نظر گرفته می‌شود.
نشستهای گروه کوچک یا ترکیبی از جلسات عمومی و نشستهای فرعی گروهی، طراحی و تنظیم می‌گردند.
ارزشیابی و پیگیری بر حسب نیاز، تنظیم و انجام می‌گیرد.

■ اجلاس (اجلاس) (مجمع) (convention)

اجلاس، اجتماعی است از گروههای محلی افرادی که در سازمانهای اصلی ملی یا استانی یا ناحیه‌ای عضویت دارند.

■ هدف:

- تصمیم‌گیری درباره سیاستها یا خط مشی‌ها، موافقت نمودن با کاندیداهای مورد نظر و طرح نمودن استراتژی و بهبود.
- بحث نمودن و توجه کردن به ایده‌هایی که ممکن است، سازمان اصلی و محلی را تحکیم بخشد.

■ مزایا:

- مجمع به اشخاص مجالی می‌دهد تا سازمانی را که بدان تعلق دارند، ببینند و درک نمایند.
- یک راه عملی جمع‌کردن افراد با یکدیگر، به

دست آوردن و ترکیب اندیشه‌های گروههای بسیاری است که در گستره وسیع جغرافیایی پراکنده هستند.

■ محدودیتها:

- برنامه‌ریزی قبلی قابل ملاحظه‌ای نیاز است.
- به جز مراحل کارا و موثر، ممکن است نتایج مطلوب به دست نیاید.
- آن جایی که اشخاص نقش منفعلی ایفا می‌کنند، اغلب احساس ناخشنودی ایجاد می‌شود.
- امکان دارد گروههایی که نظرات و عقایدشان مورد پذیرش قرار نگیرد، ناراضی، سازمان را ترک نمایند.

■ روش اجرا:

تسهیلات نشست مجمع، غذا و اسکان باید قبلاً تدارک دیده شود.
قبل از اجلاس، با افراد شرکت‌کننده در برنامه تماس حاصل شود.
اقداماتی برای انگیزش علاقه‌ها و ترغیب توجه افراد انجام شود.
یک نشست آزاد با آدرس راهنما توسط یک سخنران مناسب طراحی شود.
نشستهای گروه کوچک یا ترکیبی از جلسات عمومی و نشست فرعی گروهی (زیر گروهی)، طراحی و تنظیم شود.
ارزشیابی و پیگیری، بر حسب نیاز تنظیم و انجام گیرد.

ممکن است اجلاس، گزارش چاپی یا دیگر مواد آموزشی را در برگیرد.

■ نمایش (Demonstration)

نمایش به یک مخاطب چگونگی انجام یک عمل با استفاده از یک شیوه را نشان می‌دهد. در نمایش، تحت راهنمایی آموزشگر، یک عضو از اعضای حاضر، در نقش فراگیر، به انجام بعضی فعالیتها می‌پردازد. نمایش اساساً یک شیوه بصری است که با بحث، همراه و تکمیل می‌شود.

■ هدف:

- آموزش چگونگی انجام یک وظیفه ویژه به افراد.

- نشان دادن یک تکنیک یا شیوه جدید.
- متقاعد ساختن حضار به اینکه یک محصول یا یک طریقه جدید، ارزشمند است.

■ مزایا:

- اشخاص عمدتاً آنچه را که ببینند، نسبت به آنچه که درباره‌اش بشنوند یا بخوانند، باور می‌کنند.
- از مدلهای یا مواد واقعی استفاده می‌شود.
- از آن جایی که آهنگ کار انعطاف پذیر است، نمایش را می‌توان در محدوده مورد نظر به وسیله دانش‌آموزان ارائه یا تکرار نمود.

■ محدودیتها:

- زمان و هزینه قابل ملاحظه‌ای برای فراهم آوردن مواد مورد نیاز صرف می‌شود. به عنوان مثال اشیای سنگین با مشکل حمل و نقل مواجه است.
- اگر از فضای کوچک استفاده شود، تعداد افرادی که می‌توانند به طور مطلوب نمایش را مشاهده کنند، محدود خواهد بود.
- اگر میزان محدودی از مواد موجود باشد تنها یک عضو گروه می‌تواند آنچه را که نمایش داده شد، تقلید نماید.

■ روش اجرا:

نمایشگر، تمام مواد مورد نیاز را جمع‌آوری می‌کند و موقعیت مناسب را برمی‌گزیند.
نمایشگر، نمایش را ارائه می‌نماید. (ممکن است از یک مفسر برای شرح نمایش استفاده شود یا اینکه نمایشگر، خودش بخش شفاهی و توضیحات را ارائه کند).

اعضای حاضر (تمام یا اعضای منتخب)، آنچه را که نشان داده شده، با کمک هم تقلید می‌نمایند. و آموزشگران و دانش‌آموزان همکار به نقادی می‌پردازند.

■ گروه بحث (Discussion group)

گروه بحث، متشکل از گروهی از افراد است که گرد هم می‌آیند تا به طور غیررسمی به بحث بپردازند و با کار دو جانبه درباره یک موضوع مهم به کاوش و تعمق در آن بپردازند.

■ هدف:

- توسعه هسته رهبری جهت خدمات

اجتماعی یا آموزش غیررسمی.

- کنکاش، شناسایی و کاوش در مسائل و موضوعات و توسعه و گسترش برنامه‌های عملی.
- تغییر نگرشها به کمک آزمون و بحث اطلاعات.

■ مزایا:

- تمام شرکت کنندگان عضو گروه، ترغیب و تشویق می‌شوند.
- نظر اکثریت به طور دموکراتیک اعمال می‌شود.
- تواناییها، دانش و تجربه تمام اعضای گروه برای رسیدن به هدف مشترک تقویت می‌شود.

■ محدودیتها:

- گروه بحث زمان‌بر است، به ویژه اگر دربرگیرنده افراد با زمینه‌های گوناگون باشد.
- ممکن است تعدادی از اعضای گروه یا یک رهبر خودکامه بر بحث مسلط شوند و آن را در اختیار خود بگیرند.

■ روش اجرا:

اداره گروه به عهده خود گروه است. معمولاً، رهبر، هدایت جریان بحث را به عهده دارد.
جهت بهره‌گیری از تواناییهای ویژه افراد ممکن است رهبران تغییر نمایند. برای مثال در سنجش و بررسیها، طراحی و فازهای عملی کار گروهی از رهبران مختلف استفاده شود.
امکان دارد یک منشی جهت پیگیری اندیشه‌های گروه و گزارش پیشرفت آن در زمانهای مختلف، تعیین شود.

■ گردش صحرائی (Field trip)

تور یا گردش صحرائی، بازدیدی است مورد علاقه افراد، که برای حصول اهداف یا مطالعه و مشاهده اطلاعات دست اول به دقت توسط گروهی ترتیب داده می‌شود. گردش صحرائی می‌تواند، یک بازدید کوتاه از یک موقعیت خاص باشد یا چندین روزه و شامل استانهای مختلف باشد.

■ هدف:

- فراهم نمودن مطالعه دست اول از بعضی

چیزها که به آسانی نمی‌توان آنها را جهت آموزش گروهی به کلاس آورد.

- تحریک و تقویت علاقه افراد نسبت به شرایط یا مسائلی که به مطالعه نیاز دارند.
- تشریح نتایج یک دوره عملی در محیط طبیعی مربوطه‌اش.
- ارتباط دادن مطالعه تئوریک به مسائل عملی.

■ مزایا:

- دیدن بعضی چیزها به طور واقعی بسیار معنی‌دارتر است، نسبت به آنکه درباره آن شنیده یا خوانده شود.
- معمولاً سرگرمی ارزشمند و مفیدی برای شرکت‌کنندگان است.

■ محدودیتها:

- برای فراهم نمودن ترتیبات لازم، زمان قابل ملاحظه‌ای لازم است.
- چون تعداد شرکت کنندگان اغلب قطعی نیست، تنظیم سفر، مشکل می‌شود.
- حفظ جدول زمانی مشکل است. (بای بندی به جدول زمانی تنظیم شده، دشوار است).
- امکان بی‌حرمتی و تسوہین به شرکت‌کنندگان وجود دارد.

■ روش اجرا:

نکته مهم در درجه اول، این است که هماهنگ‌کننده، تمام افراد مربوط را آماده سازد و جدولی شامل کارهای مقدماتی قبل از گردش تنظیم نماید.

اگر لازم باشد، مواد تکمیلی یا کمکه‌های آموزشی (ابزار کمک آموزشی) فراهم شود. شرکت‌کنندگان باید اهداف هر توقف را بدانند و آگاه باشند از اینکه چه چیزهایی را در چه زمانی خواهند دید.

بعد از هر توقف، نگرشها و نظرات درباره آنچه که دیده شد و معنی‌داری آن با اهداف تجربه آموزشی، مطرح می‌شود.

■ مجمع نظر - (تربییون آزاد)

(Forum)

تربییون آزاد، یک اجتماع همگانی است، که در

آن هر فرد فرصتی می‌یابد، تا به انعکاس نظرات و نگرشهایش بپردازد.

■ هدف:

تشویق و تقویت بحث منظم. بعد از اینکه موضوعی توسط یک سخنران، پانل، فیلم یا دیگر متدها عنوان و معرفی شد.

■ مزایا:

- تمام حضار می‌توانند، شرکت نمایند.
- با تست نظرات در شرایط شور و حرارتی بحث، نظر و عقیده پخته خواهد شد.
- چنانچه قبل از فعالیت، نظری به جمع ارائه شده باشد، می‌توان برای نایل شدن به نظر اکثریت، از آن استفاده نمود.

■ محدودیتها:

- موفقیت جلسه تریبون آزاد، به توانایی رئیس جلسه و رشد فکری حضار بستگی دارد.
- این امکان وجود دارد که اختلاف نظرهای شدید و مجادله‌ها ایجاد شود، در این صورت توافق و اجماع رأی اکثریت مشکل می‌شود.

■ روش اجرا:

پس از اینکه موضوع، معرفی شده و استفاده از تکنیک مناسب یادآوری شد، رئیس، سئوالات و نظریات را از مستمعین می‌خواهد، او باید هر سؤال را تکرار و بازگو نماید و هر پرسش را به یک سخنران ویژه یا پانل خاص، ارجاع دهد. رئیس جلسه باید، بحث را به طور مداوم و مستمر و منظم اداره نماید. امکان دارد در فواصلی رئیس به خلاصه کردن مباحث مطرح شده بپردازد. جز در نشستهای خیلی بزرگ، استفاده از سئوالات نوشتاری توصیه نمی‌شود. در تمام حالات و شرایط، باید از سانسور یا تحریف پرسشها خودداری شود.

■ انستیتو (بنگاه علمی)

(institute)

انستیتو، یک نشست آموزشی است که برای افراد علاقه‌مند به یک حوزه تخصصی ویژه، تنظیم می‌شود. انستیتو می‌تواند، یک سری از جلسات به طول یک روز یا کمتر یا جلساتی

چندین روزه باشد.

■ هدف:

توسعه و بروز نمودن آگاهی و اطلاعات افراد شرکت کننده.
فراهم ساختن بازنگری (تجدید نظر) دوره‌ای از آموزش و آموزش حین خدمت.

■ مزایا:

- انستیتو، آموزش فشرده‌ای را در یک دوره کوتاه مدت زمانی، فراهم می‌آورد که عموماً گسسته نمی‌شود.
- در نتیجه روابط کاری، شرکت کنندگان اطلاعات بهتری از همدیگر به دست می‌آورند.
- تمام شرکت کنندگان می‌توانند، نقش فعالی ایفا نمایند.

- ممکن است، تکنیکهای متنوعی استفاده و نمایش داده شود.

■ محدودیتها:

- تنظیم زمان مناسب مورد انتظار تمام شرکت کنندگان، مشکل است.
- پیش برنامه‌ریزیهای بسیاری باید انجام شود.

- باید ترتیبات پیشرفته برای تسهیلات کنفرانس، تسهیلات تغذیه و در بعضی موارد، مکان اسکان در نظر گرفته شود.

■ روش اجرا:

تسهیلات مختلف مورد نیاز باید به خوبی قبل از انستیتو مهیا شود.
قبل از انستیتو، با افراد شرکت کننده در برنامه تماس گرفته شود.
اقداماتی برای انگیزش و ترغیب توجه افراد انجام شود.

یک نشست آزاد، با ادرس راهنما، توسط یک سخنران مناسب طراحی و اجرا گردد.

نشستهای گروه کوچک یا ترکیبی از جلسات عمومی و نشست فرعی گروهی، طراحی و تنظیم شود.

ارزشیابی و پیگیری، بر حسب نیاز، انجام گیرد. ممکن است، انستیتو، گزارش چاپی یا دیگر مواد آموزشی را دربرگیرد.

■ مصاحبه (کنفرانس مطبوعاتی)

(interview)

مصاحبه، طرحی است که در آن اشخاص مطلع و مرجع (یک نفر یا بیشتر)، به پرسشهایی که یک یا چند مصاحبه‌گر، مطرح می‌کنند، پاسخ می‌دهند.

■ هدف:

تفحص و کاوش عمیق در یک موضوع.

■ مزایا:

- مصاحبه نسبت به روش گفتگو یا سخنرانی، کمی رسمی است.
- حضار به وسیله مصاحبه شونده انتخاب می‌شوند.
- این اطمینان وجود دارد، که بحث، منطبق با علایق اعضای حاضر پیگیری می‌شود.
- بسیاری از افراد مطلع از وضعیت رسمی، فرار می‌کنند (و از آن دور می‌شوند).

■ محدودیتها:

- حضار اساساً نقش انفعالی دارند.
- مصاحبه شونده باید از موضوع، تمایلات حضار و تکنیک مصاحبه کردن آگاهی داشته باشد.

- ممکن است، گفتگو هم با حضار و هم با شرکت کنندگان مصاحبه (مصاحبه‌گران)، مشکل باشد.

■ روش اجرا:

مصاحبه‌گران و مصاحبه‌شوندگان (افراد مرجع)، با یک روال و خط مشی برای پرسش و بحث موافقت می‌کنند.

مصاحبه‌گران سئوالاتی را که طرح کردند، از افراد مرجع می‌پرسند، تا جنبه‌های مختلف و ابعاد موضوع بررسی شود. با پیشرفت مصاحبه، شاید، مصاحبه‌گران سئوالات فی‌البداهه‌ای بپرسند.

ممکن است حضار در پایان مصاحبه، سئوالاتی بپرسند.

■ سخنرانی یا نطق (Lecture or speech)

سخنرانی یا نطق، به شکل شفاهی، و ارائه رسمی یک موضوع به وسیله یک سخنران با صلاحیت می‌باشد.



هدف:

- ارائه موضوعات حقیقی در یک حالت معقول و مستقیم.
- ارائه نگرش درباره یک موضوع بحث انگیز و جدالی.
- ارائه شرحی از مسافرت یا تجارت شخصی.
- پروردن یا تهییج حضار.
- برانگیختن تفکر و مطالعه بیشتر درباره یک مسأله.
- بازگشایی یک موضوع برای بحث عمومی.

مزایا:

- این روش برای هر تعداد از حضار مناسب است.
- سازماندهی آن آسان است.
- برخی از افراد با شنیدن، بیشتر از خواندن یاد می گیرند.

محدودیتها:

- سخنرانان خوب، از موضوعات مورد علاقه ای برای گروه شما آگاهی می دهند، که ممکن است یافتنش سخت باشد.
- متخصصان، همیشه سخنرانان برجسته و مؤثری نیستند.
- نقش شنونده انفعالی است. (شنونده منفعل است).

سنجیدن میزان تأثیر سخنران یا نطق بر شنونده دشوار است. بازخورد محدود شده است. تنها یک بعد از سؤال ارائه می شود و مجال کمی برای چالش یا پاسخ متقابل وجود دارد.

روش اجرا:

رئیس جلسه باید سخنران را به حضار معرفی نماید (با توضیح درباره موقعیتش، تجاربتش یا صلاحیت های ویژه اش برای این بحث). اگر وسایل کمک آموزشی بصری (فیلمها، اسلاید، نقشه، چارت و ...) کاربرد دارد، باید با توجه به موضوع فراهم شوند، به طوری که موجب جلب توجه حضار و نه انحراف آنها بشوند. در خاتمه سخنرانی، رئیس باید از سخنران تشکر کند و سپس برای سئوالات، بحث یا هر چیز دیگری که برای پیگیری طراحی شده، دعوت به عمل آورد.

خلاصه یا تکرار کردن در پایان ارائه، بازخوانی نکات مهم مطرح شده را آسان تر می سازد.
در موقعیتهای رسمی، حضار خود شرکت می کنند یا اینکه نماینده ای معرفی می کنند.

محدودیتها:

افراد منتخب برای گروه، باید بدون هیچ پیشداوری، در باره موضوعی که بحث خواهد شد، آگاهی یابند.
ممکن است گروه، نماینده حضار نباشد یا اینکه به طور دقیق به انعکاس نگرشهای اکثریت حاضرین نپردازد.

روش اجرا:

راه و روش مورد استفاده، توسط سخنران و دیگر افراد شرکت کننده، بحث می شود.

گروه شنونده (تیم شنونده)

(Listening team)

گروه (تیم) شنونده، گوش می کند و در ضمن اجرا یادداشت برمی دارد. سپس، در خاتمه، پرسشها یا خلاصه ها آورده می شوند. در این روش تعامل بین سخنران و حضار، آفریده و تقویت می شود.

هدف:

یادداشت برداری و پرسش از یک سخنران رسمی یا شرکت کنندگان سمپوزیوم.
گوش دادن، ارزیابی و پرسش طی یک مشارکت گروهی در یک بحث غیر رسمی.

مزایا:

گروه به شناسایی موضوع، سئوالات، و مسائل و نظریات مبسوط در طی اجرا نایل می شود.

اعضای گروه شنونده انتخاب می‌شوند. به گروه شنونده، جهت انجام نقش‌شان در اجرا، آموزشهایی داده می‌شود. وظیفه گروه شنونده برای حضار، توضیح داده می‌شود.

در طی اجرا، افراد عضو به طور انفرادی یادداشت‌برداری می‌کنند. گروه شنونده گزارش می‌دهد.

■ پانل (Panel)

پانل، متشکل از گروهی ۵ تا ۸ نفره است که به طور مرتب و منظم درباره یک موضوع ارجاعی، در معرض دید کامل حضار به گفتگو می‌پردازند.

■ هدف:

شناسایی یک مسأله یا موضوع و کاوش در آن. ارائه درکی از جنبه‌های مختلف یک موضوع به حضار. بررسی معایب و مزایای یک دوره‌ای از فعالیت

■ مزایا:

پانل، تماس غیررسمی بین حضار را بنیان می‌نهد. تغییر پیوسته سخنرانان و دیدگاه‌هایشان، موجب جلب علاقه حضار می‌شود و بحث را تحریک می‌کند.

■ محدودیتها:

ممکن است، تمام جوانب مسأله بررسی نشود. امکان دارد یک بعد مورد تاکید بیش از اندازه قرار گیرد. ممکن است بحث در یک نظم منطقی جریان نیابد.

یک مدیر ماهر برای نگهداری پویایی بحث، مورد نیاز است.

■ روش اجرا:

اعضای پانل توسط رئیس معرفی می‌شوند. قبل از تبادل آرا و ارائه نظریات، هر کدام از اعضای پانل ممکن است؛ در کمتر از ۵ دقیقه، نکاتی بیان نمایند. ممکن است جهت تشریح یک موضوع که

توسط فیلم یا سخنرانی کوتاهی معرفی شده است، از پانل استفاده شود. برای گسترش دامنه بحث و درگیر نمودن مستمعین، ممکن است از «مجمع نظر Forum» بهره گرفته شود.

■ دوره سؤال (وقت پرسش) (Question period)

دوره پرسش، یک جلسه سازمان یافته، بر اساس یک طرح رسمی است که اعضای آن (مستمعین) به طور مستقیم سئوالات خود را از شرکت کنندگان در برنامه می‌پرسند.

■ هدف:

درگیر نمودن تمام مستمعین در فعالیتهای برنامه. روشن کردن نقاط مبهم ایجاد شده در ارائه رسمی. ایجاد فرصتی برای حضار، جهت پرسش از سخنرانان، بر اساس قلمرو علاقه آنان.

■ مزایا:

یک ارتباط بازخوردی بین سخنرانان و حضار ایجاد می‌شود. در این روش می‌توان نشانه‌هایی از موافقت یا مخالفت حضار را با سخنرانان به دست آورد. این روش از نظر روان‌شناسی برای اعضای حاضر سودمند است، چرا که، آنها از فرصتی که در صورت تمایل شان، برای مشارکت وجود دارد، آگاه می‌شوند.

■ محدودیتها:

حتی با میکروفونهای پرتابل شنیدن تمام پرسشها و پاسخها به طور فیزیکی برای یک گروه بزرگ دشوار خواهد بود.

زمان برای پرسش و پاسخ محدود شده است. غالباً به عنوان یک بخش فرعی از برنامه کلی تلقی می‌شود.

دوره پرسش، معمولاً زمانی تنظیم می‌شود که اعضای حاضر علاقه‌مند هستند، نشست را تعطیل نمایند.

امکان دارد، اعضای شنونده، بحث را به انحصار خود درآورند. بسیاری از اعضا برای مشارکت در چنین نشستهایی، خیلی کمرو و خجالتی هستند.

■ روش اجرا:

مسئول برنامه، برای موافقت، افراد شرکت‌کننده در برنامه را برای دوره پرسش جلب می‌کند.

مدیر یا رئیس جلسه، به آگاهی شنوندگان می‌رساند که از دوره پرسش استفاده خواهد شد و طریقه آن را شرح می‌دهد.

جایگاه استقرار حضار به میکروفون، مجهز می‌شود یا سئوالات نوشته شده، جمع‌آوری می‌شود.

در صورت نیاز، رئیس یا سخنران، سئوالات را خوانده، تکرار می‌نماید و سخنران پاسخ می‌دهد.

■ ایفای نقش (بازی نقش) (Role playing)

در ایفای نقش : شرکت کنندگان، یک موقعیت زندگی را در مقابل حضار، عملی می‌کنند. در این روش، چون هیچ متنی از نمایش یا دیالوگ به صورت تنظیم شده وجود ندارد، افراد همان طور که نقش خود را ایفا می‌کنند، به انجام کارها و وظایفشان می‌پردازند. سپس، حضار تلاش می‌کنند تا دستاوردهای اجرا را برای موقعیت یا مشکلی که حادث می‌شود، به کار گیرند.

■ هدف:

آزمودن یک مشکل حساس در روابط انسانی. کاوش نمودن راه حل‌های ممکن برای یک مسأله با بار احساسی عاطفی. فراهم آوردن بینش و معرفتی نسبت به نگرشهای متفاوت به طور دقیق و عالی در شرکت‌کنندگان.

■ مزایا:

این روش، راهی هیجان‌انگیز برای ارائه یک مسأله و تحریک نمودن بحث می‌باشد. با این روش، می‌توان سرنخهایی برای راه حل ممکن یک مسأله فراهم نمود. راه حل‌های ممکن را بدون خوف و بیم رهیافت آزمودن و خطا در شرایط واقعی زندگی، در این روش می‌توان مورد کاوش قرار داد.

این روش، به بازیکنان این شانس و مجال را می‌دهد، که شخصیت فرد دیگری را بپذیرند و مثل او فکر کنند و عمل نمایند.



■ محدودیتها:

برای حصول موفقیت‌آمیز در موقعیت ایفای نقش، امکان دارد، بعضی افراد بسیار خودآگاه یا خودمخوّر باشند. ایفای نقش برای جمعیت زیاد، کمی مؤثر است زیرا از نظر روان‌شناسی، تعداد افراد بر بازیکنان تأثیر دارد.

■ روش اجرا:

قبل از شروع ایفای نقش، مسأله یا موقعیت به طور واضح توسط گروه تعریف می‌شود. صحنه نمایش با همکاری گروه توسط رهبر تنظیم می‌شود. بازیگران، کاملاً قبل از شروع برنامه انتخاب می‌شوند و قبلاً آگاه می‌شوند. اگر لازم باشد، تمرین مختصری جهت افزایش احساس و علاقه بازیگران انجام می‌شود. جهت درک نقش، رهبر باید حدود ۵ تا ۱۰ دقیقه عمل را به بازیگران نشان دهد.

ایفای نقش بحث می‌شود.

در بخش دوم، ممکن است بازیگران انتخاب شوند و مجدداً صحنه نمایش را تکرار نمایند.

■ همایش (سمینار) (Seminar)

همایش متشکل از گروهی از افراد است که مطالعات تخصصی دارند و با یک اقتدار سازمان یافته، هدایت می‌شوند. سمینار ممکن است، در جلسات منفرد یا چندین سری از جلسات برگزار شود.

■ هدف:

مطالعه عمیق یک موضوع تحت راهنمایی افراد معتبر.

■ مزایا:

یک مسوول وجیه (شهیر) برای راهنمایی بحث و برای کمک به فراگیران وجود دارد.

بحث به شکل منظم، مشروح و پرسش و پاسخی می‌تواند جریان یابد. تمام اعضای گروه برای مشارکت در بحث یا موقعیت رسمی، فرصت دارند.

■ محدودیتها:

یافتن فردی با صلاحیت برای هدایت و رهبری همایش دشوار است. امکان دارد، شرکت کنندگان، تمایل نداشته باشند که تمام وقت مورد نیاز را برای ارائه گزارش صرف کنند. ممکن است، حضور یک متخصص مانع مشارکت بشود. شاید یافتن تمام مواد منبع مورد نیاز، مشکل باشد.

■ روش اجرا:

گزارشهای آماده شده، قبلاً به افراد شرکت‌کننده در سمینار ارجاع می‌شود. گزارشهایی که داده می‌شود، ممکن است، با استفاده از کمکهای بصری یا نوشتاری ارائه گردند. تمام شرکت کنندگان سمینار، گزارشهایی را مورد بحث و پرسش قرار می‌دهند. بر حسب نیاز، ارزشیابی و پیگیری انجام می‌گیرد.

■ دوره کوتاه (Short course)

دوره کوتاه، دوره آموزشی فشرده‌ای در بعضی موضوعات خاص می‌باشد. این دوره‌ها، نسبت به

دوره‌های دانشگاهی، کم اهمیت تر و ساده‌ترند. مضمون این دوره‌ها، از یک میتینگ ساده عمیق تر است.

■ هدف:

ارائه آموزش اضافی گروه در حیطه‌های خاص. بروز نمودن اطلاعات فنی گروه‌های ویژه.

■ مزایا:

در تمام این دوره‌ها، با علایقی ویژه، به حیطه‌های تحت پوشش توجه می‌نماید. نشستها می‌تواند، در فضای خارج از محوطه دانشگاه برگزار شود.

در جدول‌بندی زمانی نشستها، انعطاف‌پذیری قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. جداول را می‌توان برای شرکت کنندگان به طور مناسب تنظیم نمود.

■ محدودیتها:

میزان قابل ملاحظه‌ای از ترتیبات پیشرفته باید فراهم شوند. تعداد شرکت کنندگان معمولاً از قبل مشخص نیست.

هوا و دیگر عوامل خارجی، می‌تواند حضار را

تحت تأثیر قرار دهد.

تنوع زمینه‌ها و سطوح دانش و مهارت‌ها در دانش‌آموزان، تنظیم دوره‌ای با سطح مناسب را برای تمام افراد، با دشواری مواجه می‌سازد.

■ روش اجرا:

قبل از شروع دوره، تسهیلات فیزیکی مناسب تدارک دیده می‌شود.

افراد شرکت‌کننده در برنامه، قبل از دوره انتخاب می‌شوند.

برای تحریک علاقه و توجه افراد، اقداماتی انگیزشی در نظر گرفته می‌شود.

نشست‌های گروه کوچک یا ترکیبی از نشست‌های عمومی و نشست‌های فرعی گروهی، طراحی و اجرا می‌گردد.

در صورت نیاز، ارزیابی و پیگیری، انجام می‌شود.

■ تمثیل (Skit)

تمثیل، یک طرح کوتاه و نمایشی تمرینی است که دو یا چند نفر را درگیر می‌سازد. معمولاً بر اساس متن نمایشی اجرا می‌گردد. در تمثیل، یک واقعه یا وضعیت به شکل نمایش ارائه می‌شود.

■ هدف:

معرفی یک موضوع برای بحث. روشن ساختن وضعیتی که قبلاً در فیلم یا صحبت معرفی شد.

نشان دادن همبستگی مشکل جامعه و گروه.

■ مزایا:

تمثیل موجب بیداری علاقه و تحریک بحث می‌شود.

این روش وضعیت یا موقعیت را خصوصی می‌سازد و درگیری عاطفی را در حصار گسترش می‌بخشد.

تمثیل، مشارکت فعال افراد را می‌طلبد.

■ محدودیتها:

ممکن است، فعالیت بیش از اندازه، یک خطر باشد.

برای فراهم آوردن مواد مورد نیاز، زمان قابل ملاحظه‌ای صرف خواهد شد.

امکان دارد، در این روش، شوخی‌های نامناسب و اعمال نامربوط ترغیب و تحریک شود.

■ روش اجرا:

تمثیل در هر مرحله از برنامه قابل استفاده

است. این روش می‌تواند قبل یا پس از سخنرانی، فیلم، سمپوزیوم یا پانل بیاید. البته باید قبل از زمان بحث به کار گرفته شود. برای توضیح رهیافت‌های یک مسأله می‌توان از دو یا چند تمثیل (خیلی کوتاه) استفاده کرد. برای مثال، قبل و بعد از موقعیتی که نشان داده شده است.

انتقال تجهیزات یا مناظر، می‌باید در چند دقیقه کوتاه انجام پذیرد.

■ سمپوزیوم (Symposium)

سمپوزیوم، شامل یک سری از نطق‌های فراهم آمده چند سخنران است که به جنبه‌ها و ابعاد گوناگون یک موضوع یا مشکل می‌پردازد. هر ناطق باید در زمانی کوتاه (۱۰ تا ۲۵ دقیقه) سخن بگوید.

■ هدف:

ارائه نکات جدید و نوبه شکل مختصر و مفید. ارائه یک سلوک منصفانه در موضوع مطروحه. تقدیم یک تجزیه و تحلیل مطلوب از جنبه‌های یک موضوع بحث‌انگیز.

روشن ساختن ابعاد یک مشکل پیچیده که ارتباط اجزا را با کل نشان دهد.

■ مزایا:

این روش دیدگاه‌های گوناگون را ترغیب می‌نماید.

پوشش جامع و وسیع از یک موضوع ممکن می‌شود.

نطق‌های کوتاه، مانع انحراف وسیع از بحث می‌شود و حصار را در وضعیت هوشیاری نگه می‌دارد.

موفقیت برنامه تنها به عملکرد یک سخنران منوط نخواهد شد.

■ محدودیتها:

سمپوزیوم بسیار رسمی است. نقش حضار منقل است.

مجال کمی برای بحث بین سخنرانان وجود دارد.

■ روش اجرا:

رئیس سخنرانان برنامه را با توضیحاتی، یا در ابتدای برنامه یا قبلاً از شروع هر صحبت، معرفی می‌نماید.

ممکن است، پس از هر سخنرانی یک دوره سؤال در نظر گرفته شود یا این عمل بعد از سخنرانی تمام افراد شرکت‌کننده صورت پذیرد. ارزیابی و پیگیری بر حسب نیاز انجام شود.

■ کارگاه (Workshop)

کارگاه، یک گروه متشکل ۱۰ تا ۲۵ نفره است که در یک موضوع با علاقه مشترک سهیم هستند. افراد جهت بهبود بخشیدن تخصص‌شان، حل یک مسئله، یا گسترش اطلاعات و دانش‌شان با یک مطالعه فشرده موضوعی، تحقیق و بحث گروهی می‌آیند.

■ هدف:

کاوش، جستجو و شناسایی حل یک مشکل. امکان مطالعه فشرده پیرامون یک وضعیت.

■ مزایا:

کارگاه، فرصتی را برای آماده نمودن فعالیت‌های خدماتی جمعی یا حرفه‌ای یا فنی فراهم می‌آورد.

در کارگاه، درجه بالایی از مشارکت افراد، ترغیب می‌شود.

تعیین اهداف و متدهای گروه، در کارگاه امکان‌پذیر می‌شود.

■ محدودیتها:

وقت زیادی از شرکت‌کنندگان و کارکنان می‌گیرد.

ممکن است، به تسهیلات یا مواد ویژه نیاز داشته باشد.

شرکت‌کنندگان باید تمایل داشته باشند تا هم به طور مستقل و هم به طور جمعی کار کنند.

■ روش اجرا:

قبل از کارگاه تسهیلات فیزیکی فراهم شود. افراد مرجع و مواد به خوبی قبل از کارگاه انتخاب شوند.

در صورت نیاز، ارزیابی و پیگیری انجام پذیرد.

وَ مَا اخَذَا ... عَلَى الْعُلَمَاءِ

ان لا يقاروا على كظة ظالم

و لا سغب مظلوم

به درستی که خداوند از دانشمندان روی زمین تعهد گرفته تا در مقابل سیری ظالمان و گرسنگی مظلومان ساکت نشینند.

فقر این دامنگیرترین درد اجتماعی که در همه جوامع انسانی و همه ادیان الهی به عنوان پدیده‌ای آسیب آفرین شناخته شده است، پدیده شومی است که بنیان اخلاقیات را متزلزل نموده و سلامتی جوامع انسانی را به خطر می‌افکند. علیرغم دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی تحول در مبنای تولید و تسلط انسان بر طبیعت و محیط پیرامونی خویش فقر همچنان بعنوان معضلی بزرگ و دشوار با گستره‌ای جهانی قشر انبوهی از افراد بشر را به زیر سیطره خود درآورده است و امروزه در کنار واژه‌های زیبا و خوشبینانه‌ای نظیر توسعه پایدار، واقعیتی با نام فقر پایدار بر اندیشمندان و صاحب‌نظران توسعه رخ می‌نماید. آمار و ارقام گویای این واقعیت است که کشورهای آسیایی و آفریقایی بیشترین فقرای جهان را در خود جای داده‌اند و نیز اکثریت آنان را روستائیان تشکیل می‌دهند حدود ۷۵ تا ۸۰ درصد گروه‌های فقیر در آسیا و آفریقا در روستاها ساکن هستند و عمدتاً به کشاورزی معیشتی می‌پردازند پرداختن به علل و عوامل مؤثر در بروز چنین امری خود مستلزم تفحص و تعمقی جداگانه است و در این مختصر نمی‌گنجد.

در یک نگرش کلی فقر را معلول چهار عامل جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی می‌دانند. فقر خانوار روستایی را می‌توان بوسیله محرومیت سادی، انزوا، از خود بیگانگی و

بیانیه افتتاحیه

سمینار کاهش فقر روستایی

سید احمد اسحق حسینی

معاون ترویج و مشارکت مردمی
و رئیس کمیته بهره‌وری وزارت جهاد سازندگی
۳۰ بهمن الی ۷ اسفندماه ۱۳۷۵ ایران-تهران

افتادگی و از خود بیگانگی، محرومیت تکنولوژیکی، وابستگی و کمبود دارایی مصداق‌هایی از آن به شمار می‌رود. دولت جمهوری اسلامی ایران در جهت محو این پدیده شوم و در راستای اجرای اصل چهل‌وسوم از فصل چهارم قانون اساسی کشور برای ریشه کن کردن فقر و برآوردن نیازهای مردم با هدف حفظ آزادی و تأمین استقلال جامعه خود را موافق به تأمین نیازهای اساسی مردم و شرایط و امکانات کار برای احاد جامعه به خصوص جامعه روستایی کشور نموده است. در این راستا سیاست‌های ذیل را سرلوحه برنامه‌های فقرزدایی روستایی طی برنامه‌های توسعه خویش قرار داده است:

- ۱- شناسایی زمینه‌های ایجاد مشاغل زودبازده در بخش‌های مختلف از جمله کشاورزی، صنایع و معادن، دامداری، صیادی، صنایع دستی، خدماتی و غیره.
- ۲- آموزش افراد جویای کار
- ۳- اعطای سرمایه اولیه به صورت وام
- ۴- فراهم نمودن زمینه‌های لازم جهت توسعه فعالیتها و افزایش سطح درآمد افراد شاغل
- ۵- تعمیم بیمه‌های اجتماعی به روستائیان شاغل و ساکن در محدوده دهستانها و هم چنین عشایر با ایجاد صندوق بیمه‌های اجتماعی روستائیان

وابستگی اندازه‌گیری کرد. در ضمن کمبودهای مشارکت، آزادی انتخاب، دارایی و امنیت غذایی نیز از عوامل اندازه‌گیری فقر و آسیب‌پذیری این خانوارهاست. تولید سرانه خالص ملی به تنهایی نمی‌تواند معیار مناسبی برای سنجش رفاه باشد و از آنجا که فقر دارای مظاهر مختلفی است، تفسیر زندگی فقیران بوسیله یک شاخص میسر نبوده و برای مقایسه کشورها و نیز طراحی پروژه‌های جداگانه بمنظور کاهش فقر چهار شاخص پیشنهاد شده است که عبارتند از: امنیت غذایی، رفاه نسبی، فقر همه جانبه، نیازهای اساسی.

فقر در مناطق روستایی به طور عمده در سه گروه تعریف می‌شود که در ذیل بدان اشاره خواهد شد:

محرومیت مادی و از خود بیگانگی که موجب ایجاد فقر پراکنده می‌شود. این نوع فقر که پدیده محاصره شده توسط قدرت و تسلط مالکیت و دارایی‌هاست، مانع گسترش منافع فقیران از جانب اغنیاست. محرومیت مادی می‌تواند با انزوا و از خود بیگانگی همراه شده و به فقر اقماری که در شکل حاشیه‌نشینی دیده می‌شود، منجر گردد. محرومیت مادی ناشی از فشار جمعیت فزاینده و منابع محدود موجب ایجاد از خود بیگانگی و فقر روزافزون خواهد شد. آسیب‌پذیری در مقابل سوانح طبیعی به مهاجرت کارگران و کاهش امنیت فقیران می‌انجامد که اغلب فراگیر شده و دور

۶- پرداخت کلیه وجوه صدقات و زکات هر دهستان در محدوده همان دهستان و کمک دولت به این صندوقها

۷- ایجاد امکانات و تسهیلات لازم برای آن دسته از دانش آموزان روستایی که در محل زندگی آنان امکانات آموزشی وجود ندارد.

۸- تأمین یارانه مواد غذایی و برابر با استانداردهای غذایی با اعطا کوپن ارزاق

۹- کمک به روستائیان شاغل در روستا که براساس عرف محلی درآمد کمتر از حد فقر روستایی دارند، از طریق حمایتها و کمکهای غیرنقدی دولت

بی مناسب نخواهد بود، چنانچه نگاهی به اجمال بر عملکرد جمهوری اسلامی ایران در راستای فقرزدایی و مقایسه آن با قبل از انقلاب اسلامی داشته باشیم.

براساس آخرین گزارش تهیه شده توسط مؤسسه برنامه ریزی ایران وابسته به سازمان برنامه و بودجه که با استفاده از روش عملکرد هزینه مصرف خانوار و همچنین تأمین میزان کالری مورد نیاز (۲۲۰۰ کیلو کالری نفر - روز) صورت گرفته است. در سال ۱۳۵۱ حدود ۴۷ درصد از جمعیت کل کشور در وضعیت فقر بسر می برده اند. در حالی که براساس بررسیهایی که از طریق طرح آماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۴ نسبت فقر معادل ۱۷/۶ درصد کل جمعیت کشور بوده است. این موفقیت بسیار چشمگیر و قابل توجه است. در گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۴ برنامه عمرانی سازمان ملل، میزان فقر روستایی ایران ۷/۸ میلیون نفر گزارش شده است که ۳۰ درصد جمعیت جامعه روستایی ایران را تشکیل می دهد و نتایج حاصل از اجرای طرح آماری هزینه و درآمد خانوار که در بهمن ماه سال ۱۳۷۳ توسط مرکز آمار ایران اجرا شده است، مبین این واقعیت است که تنها ۲۶/۲ درصد از روستائیان کشور زیر خط قرار می گیرند. نگاهی به تحول و بهبود شاخصهای برخورداری روستاها در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی موید این موضوع است.

● افزایش تعداد خانه های بهداشت از ۲۵۰۰ واحد در سال ۱۳۵۷ به ۱۴۶۰۰ واحد در سال ۱۳۷۴ (۵/۸ برابر)

● افزایش تعداد مراکز بهداشتی و درمانی

روستایی از ۱۵۰۰ واحد در سال ۱۳۵۷ به ۲۲۹۰ واحد در سال ۱۳۷۳ (۵۲٪ رشد)

● توسعه شبکه های آب لوله کشی برای روستائیان از ۶۶۰۰ روستا در سال ۱۳۵۷ به ۳۰۰۰۰ در سال ۱۳۷۴ (۵ برابر)

● افزایش تعداد روستاهای برخوردار از برق از ۴۳۲۷ روستا در سال ۱۳۵۷ به ۲۳۳۲۸ روستا در سال ۱۳۷۴ (۷/۷ برابر)

● افزایش طول راههای روستایی کشور از ۸۰۰۰ کیلومتر در سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به ۷۲۰۰۰ کیلومتر در سال ۱۳۷۴

● افزایش تعداد مدارس روستایی در مقاطع مختلف تحصیلی از ۳۹۴۲۴ واحد در سال ۱۳۵۷ به ۶۰۳۹۶ واحد در سال ۱۳۷۳

● افزایش تعداد روستاهای بهره مند از شبکه مخابرات از ۳۱۲ روستا در سال ۱۳۵۷ به ۱۰۴۲۹ روستا در سال ۱۳۷۴ (۳۳ برابر)

● افزایش تعداد واحدها پستی روستایی از ۱۸۰۷ واحد در سال ۱۳۵۷ به ۴۹۱۲ واحد در سال ۱۳۷۴ (۲/۷ برابر)

هم چنین در راستای آموزش روستائیان، که از جمله ارکان اساسی در رهایی فقرای روستایی از گرداب فقر و افزایش کسب درآمد و رفاه خانوارهای روستایی بشمار می رود، در طی برنامه اول توسعه، توسط وزارت جهادسازندگی ۴/۴۰۱/۷۵۳ نفر - روز آموزش در زمینه ها و موضوعات مختلف کاربردی از قبیل بهداشت دام، نگهداری دام، پرورش کرم ابریشم، آموزش مروجین و سایر طرحهای کشاورزی و منابع طبیعی اجرا شده است.

آنچه بدان اشاره شد، نگرشی اجمالی در پدیده فقر روستایی و اقدامات کلان دولت جمهوری اسلامی با تأکید بر فعالیتهای وزارت جهاد سازندگی در زمینه فقرزدایی روستایی بود که البته در این فرصت کوتاه نمی توان حتی گوشه ای از حق مطلب را ادا نمود. جای آن دارد که در پایان به چند پیشنهاد در سیاست های کلی فقرزدایی روستایی اشاره گردد:

۱- عنایت به مناطق محروم در روستا با اولویت اشتغال، بهداشت و آموزش، تولید و عمران روستایی

۲- اتخاذ تصمیمات سازگار جهت محرومیت زدایی و رفع عدم تعادل های منطقه ای در

برنامه های آمایش سرزمین

۳- مشارکت بیشتر زنان و بانوان در امور اجتماعی فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئونات خانواده و ارزشهای متعالی شخصیت اسلامی زن با توجه و گسترش الگوهای مناسب اقتصادی زنان روستایی

۴- توسعه و حمایت از صنایع کوچک صنایع تبدیلی و مشاغل خانگی، خدمات فنی و توسعه و احیاء صنایع دستی با اولویت مناطق روستایی

۵- تأمین مشاغل مولد برای نیروی کار مازاد عشایر در مناطق روستایی و ایجاد زمینه های مناسب جهت استقرار فعالیتهای غیرکشاورزی در محیط روستایی به منظور افزایش درآمد از روستائیان و ایجاد فرصتهای شغلی برای آنان.

۶- سازماندهی اعضای تعاونی های تولیدی مرتبط با وظایف وزارت جهادسازندگی

۷- سازماندهی و گسترش تشکل های اقتصادی - اجتماعی در قالب های حقوقی مشخص و مناسب

۸- ایجاد گسترش سازمان کار پایدار در اجرای فعالیتهای تولیدی

۹- طراحی الگوی مناسب صندوق اعتبارات روستایی

۱۰- طراحی و بکارگیری رهیافت های مناسب ترویجی جهت ارتقاء توان تولید بهره برداران ذیربط

پیام دبیر کل سازمان بهره‌وری آسیا به مناسبت جلسه افتتاحیه سمینار کاهش فقر روستایی در ۱۸ فوریه سال ۱۹۹۷ در تهران

به نمایندگی از طرف سازمان بهره‌وری آسیایی، صمیمانه به شما حاضرین در جلسه افتتاحیه سمینار کاهش فقر روستایی خیر مقدم عرض می‌نمایم. مایه بسی خوشوقتی است که این برنامه با حدود ۲۰ شرکت کننده از کشورهای عضو برگزار می‌شود. تا ضمن بحث پیرامون این موضوع بسیار مهم برای تمام کشورهای منطقه، به تبادل تجربیات با یکدیگر بپردازند. من همچنین یقین دارم که باید برگزاری **اولین پروژه کشاورزی APO** را در جمهوری اسلامی به فال نیک گرفت.

بدون شک، فقر مسأله‌ای تعیین کننده است. برآوردهای موجود نشان می‌دهد که قریب ۴۰ درصد فقیر ساکن در منطقه آسیا - اقیانوسیه، در مناطق روستایی به سر می‌برند. طی دو دهه گذشته، تعدادی از کشورهای عضو توانسته‌اند با استمرار در روند رشد پایدار و ارتقای سطح تأمین اجتماعی در کشور به نتایج قابل ستایشی در جلوگیری از شیوع فقر و محرومیت نایل گردند. علیرغم تلاشهای همه جانبه کشورهای عضو هنوز «فقر» به عنوان پدیده‌ای گسترده و رایج، به قوت خود باقی است. این امر نه تنها ثبات سنی را با خطر جدی رو به رو

می‌سازد، بلکه خط مشیها و برنامه‌های مخصوص بهبود وضع فقر را نیز تضعیف می‌نماید. در سال ۱۹۹۰ پروژه‌های با همین موضوع توسط APO برگزار گردیده است و این سمینار فرصت دیگری فراهم می‌آورد تا کشورهای عضو تلاشهای گذشته خود در ارتباط با وضعیت کنونی را بررسی و رهیافتهای جدیدی به منظور رفع مسائل و مشکلات موجود در ارتباط با موضوع، ارائه و تدوین نمایند. از این رو، به منظور تحقق اهداف مبنی بر فقرزدایی روستایی لازم است عملی ترین روشهای موجود را که کارایی آنها به اثبات رسیده است، مورد توجه قرار دهیم.

امیدواریم این سمینار که شما را از گوشه و کنار منطقه نور هم جمع کرده است، موجب حضور و مشارکت فعال شما در مباحثات و کسب دانسته‌ها و دیدگاههای جدید و نو گردند. در هر حال اطلاعات ارائه شده توسط سخنرانان مرجع، مشاهدات شخصی شما در خلال مطالعات و بازدیدهای میدانی و نیز تبادل دیدگاهها و اطلاعات در بین خود شما شرکت کنندگان، موجبات افزایش تجارب یادگیری شما را فراهم می‌آورد. این نوع تبادل دانش و اطلاعات، همانا

یکی از ویژگیهای بارز برنامه‌های APO می‌باشد که شرکت کنندگان در برنامه‌های قبلی به اتفاق آرا در ارزشیابیهای خود از آن به عنوان یک ویژگی منحصر به فرد و بی‌نهایت مفید در یادگیری خود یاد کرده‌اند، اطمینان دارم که شما نیز صدق این نظر را تأیید خواهید فرمود.

همچنین امیدوارم در خلال اقامتتان در اینجا این فرصت برای شما فراهم شود تا رشته‌های جدید و پایداری از محبت و دوستی میان خودتان تشکیل دهید. این گونه دوستی و صمیمیت، نوعی دارایی شخصی بسیار ذی قیمت و نیز یک شبکه مرجع برای افزایش درک متقابل و تقویت روند تبادل اطلاعات به شمار می‌آید. قبل از اتمام، مایلم صمیمانه‌ترین درودهای خود را به دولت جمهوری اسلامی ایران بخاطر میزبانی این سمینار و به ویژه وزارت جهاد سازندگی و سازمان بهره‌وری ملی ایران به خاطر اجرای این برنامه، تقدیم نمایم. از سخنرانان مرجع نیز به خاطر صرف وقت و ارائه تخصص و دانش خود به شرکت کنندگان، صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم. برای شما سمیناری پربازده و اوقاتی خوش و خرم در شهر زیبای تهران، ارزو دارم. متشکرم.

● مقدمه

گسترهٔ زمینه‌های فعالیتهای که مربوط به حفظ، احیاء و بهره‌برداری از منابع طبیعی می‌گردد به حدی است که برای انجام این امور به ناچار توجهات به سوی استفاده از نیروهای مردمی معطوف گردیده و استفاده از مشارکت مردمی به عنوان یک نیاز و ضرورت مطرح می‌شود. حوزه آبخیز ریمله یکی از تجربیات موفق جمهوری اسلامی ایران در بهره‌گیری از مشارکت مردمی در حفاظت از منابع طبیعی است. زمینه‌سازی، قدرت‌دهی برای مشارکت و جلب مشارکت مردمی وظیفه‌ای است که در این فرایند بر عهده «ترویج» گذارده شده است.

در این میان توجه به ساختار اجتماعی و نظام‌های قدرت در حوزه ریمله، رویکردی جدید را به غیر از منابع زمین را برای قدرت دادن به اهالی در جهت مشارکت فعال در پروژه‌ها، طلب می‌کند. منطقه ریمله خرم‌آباد به دلیل کوهستانی بودن از میزان زمین زراعی محدودی برخوردار است. این در حالی است که اهالی فقیر روستا به دلیل وجود نظام‌های قدرت در گذشته و توزیع ناعادلانه زمینهای زراعی، از حداقل زمین در دامنه نیه‌ها و اراضی شیب‌دار بهره‌مند هستند. عدم دسترسی اکثریت اهالی به زمینهای مرغوب همواره به عنوان عامل مهمی در مشارکت مردمی -رضی اندام کرده است. چراکه فقر ناشی از آن، فرصتهای فزاینده قدرت اقتصادی که عامل اساسی در مشارکت مردمی است را با محدودیت حدی روبرو می‌سازد. رهیافتهای جدید به دلیل وجود مالکیت‌های قبلی بر اراضی و ناتوانی در توزیع مجدد قدرت اقتصادی بر پایه دسترسی نه زمین‌باند به دنبال راهبردهای غیر از توریج مجدد زمین نباشد.

در این میان راهبرد گسترش تواناییهای انسانی و مهارتهای تولیدی و نگرشهای اهالی

بررسی جایگاه

ترویج و آموزشهای ترویجی

در افزایش مشارکت مردمی

در حوزه آبخیز ریمله

غلامحسین حسینی نیا

گروه مطالعات و گروههای آموزشی و ترویجی،
معاونت ترویج و مشارکت مردمی



فقیر زیرحوزه ریمله می‌تواند عامل مؤثری در مشارکت مردمی برای احیاء و حفاظت از منابع طبیعی و در نهایت استفاده از فواید و دستاوردهای این طرحها باشد.

در سیستم سازمانی عمل‌کننده در منطقه ریمله، ایجاد و اجراء این راهبرد بر عهده «ترویج و آموزشهای ترویجی» گذاشته شده است.

در این مطالعه قصد بر این است؛ فرایندی را که طی آن ترویج و آموزشهای ترویجی ارائه شده توانسته در نیل به هدف فوق قدمهای موفقی را بردارد، تشریح شده و جایگاه این اقدامات در پروسه مشارکتی اتفاق افتاده مشخص گردد.

و در پایان آموزشهایی لازم برای تداوم و پویایی مشارکت نیز ذکر شده است.

مطالعه حاضر شامل قسمتهای زیر می‌باشد:

- ۱- چارچوب نظری: مفهوم ترویج، پروسه ایده‌آل مشارکت، پروسه پیشنهادی مشارکت، آموزش مشارکت، تجربیات سایر کشورها، آموزشهای فنی ترویجی، آموزش پویایی و تداوم مشارکت.

- ۲- حوزه جغرافیایی و تیپ‌شناسی جمعیت منطقه

- ۳- تبیین نقش ترویج و آموزشهای ترویجی در قالب پروسه پیشنهادی

- ۴- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

شایان ذکر است که این مطالعه به صورت اکتشافی، از طریق مصاحبه‌های عمیقی با بیش از ۳۰ نفر از اهالی ۴ روستای منطقه و همچنین تنی چند از کارشناسان و کارگزاران استانی و محلی صورت گرفته و به همراه مطالعات کتابخانه‌ای، تنظیم شده است. در پایان از همه همکارانی که در انجام این مطالعه سهمی ایفا نموده‌اند، به ویژه آقایان؛ حسین صفایی، مهندس علیقلی حیدری و مهندس جواد قلی‌نیا از دفتر مرکزی وزارت جهاد سازندگی و آقایان مصطفی‌نژاد، ابراهیمی، امینی، نیازی و میرزایی از استان لرستان تشکر و قدردانی می‌گردد.

■ مفهوم ترویج

از دیدگاه صاحب‌نظران ترویج نوعی آموزش است که هدف آن یآوری مردم روستایی است تا از طریق کوششهای فردی و دسته‌جمعی، موقعیت اقتصادی و اجتماعی خود را به طور مداوم بهبود بخشد. (داهاما ۱۹۶۶)۱۱

ویلسون^(۲) ترویج را سازمانی بر پایه همکاری (partnership agency) دانسته که در آن مقامات دولتی از سطوح مرکزی، استانی و محلی با مردم روستا گرد هم می‌آیند تا با مشارکت یکدیگر برنامه‌های عام‌المنفعه مربوط به جنبه‌های آموزشی، اقتصادی، اجتماعی را برای اجراء مورد توجه و تحلیل قرار دهند.

■ پروسه ایده‌آل

معمولاً یک پروسه ایده‌آل مشارکتی را پروسه‌ای می‌دانند که مردم در تمامی مراحل، از طرح مسأله (بررسی، تعیین و اعلام نیاز) گرفته تا مشارکت در تصمیم‌گیری (برنامه‌ریزی و ارائه راه‌حلها)، مشارکت در اجرا و به تمرسانی فعالیتها و اقدامات، مشارکت در بهره‌برداری و سهیم شدن در منافع، مشارکت در حفظ و مراقبت و نگهداری طرح و بالاخره مشارکت در ارزشیابی طرح و فعالیت نقش داشته باشند.^(۳)

هر چند که پروسه فوق وضعیت ایده‌آل و کاملی را به تصویر می‌کشد اما عموماً در عمل با کاستی‌های فراوان روبرو شده و کمتر پروژه‌های را می‌توان یافت که تمامی مراحل این پروسه در آن اتفاق افتاده باشد.

■ پروسه پیشنهادی

ضمن تایید پروسه فوق به عنوان حالتی ایده‌آل، حالت مطلوبی ارائه می‌گردد که انتظار می‌رود در عمل به توفیق بیشتری دست یابد. در این پروسه:

پس از بررسی، تعیین و اعلام نیاز از سوی کارشناسان یا انعکاس و طرح مسأله از جانب مردم، ایده مشارکت نضج می‌گیرد. در واقع از همین مرحله مسؤولیت ترویج آغاز می‌شود، و در مراحل بعدی پروسه در کنار مردم و با آنها عهده‌دار گامهای بعدی فرایند مشارکت می‌گردد. بدین معنی که با دادن آموزشهای اجتماعی و آموزش مشارکت با استفاده از فنون و ابزار ویژه آموزشی، آگاهیهای لازم برای توانمندسازی و قدرتمند کردن ذهنی افراد را به وجود می‌آورد.

در نتیجه این مرحله تحقیق ذهنی مشارکت به وقوع می‌پیوندد و در واقع افراد از لحاظ ذهنی آماده برای مشارکت در پروژه می‌گردند. مرحله بعدی با یک نیاز سنجی تازه آغاز شده و در این

گام نیازهای آموزشی افراد به آموزشهای فنی و دانش مربوط به انجام پروژه مشخص گردیده و ترویج آموزشهای فنی و اجرایی را به افراد ارائه می‌دهد.

نتیجه این آموزشها آگاه شدن افراد از نحوه اجراء پروژه و در نتیجه قدرتمند شدن برای اجرای فعالیتهاست.

در پایان این مرحله، مشارکت مردم در عمل اتفاق افتاده و نتایج فیزیکی کار قابل رؤیت است. مرحله سوم این پروسه که اهمیتی برابر و حتی بیشتر از مراحل قبلی دارد. تداوم و پویایی مشارکت است.

گامهای لازم برای تحقق تداوم و پویایی شامل آموزشهای پویایی است که سنجر به آگاه‌سازی و قدرتمند ساختن افراد برای تداوم و پویایی مشارکت می‌باشد.

ترویج در هر کدام از مراحل فوق با ایفای نقش خود انسجام و ادامه پروسه را تضمین می‌نماید.

پیتر اولکی و دیوید مارسدن پروسه فوق را در یک جمله چنین بیان می‌کنند:

«فزاینده قدرت دادن برای مشارکت، اصولاً یک فعالیت آموزشی غیررسمی است. مشارکت در واقع فرایندی آموزشی است، ولی از نوعی که حالت فراگیرمدار داشته و تابع فراگیران است.»

در ادامه چارچوب نظری فوق انواع آموزشهای سه‌گانه که در مراحل پروسه پیشنهادی به عنوان مفصل‌های اسکلت مشارکت ایفای نقش می‌کنند شرح داده می‌شوند:

۱- آموزش مشارکت و آموزشهای اجتماعی

این نوع آموزشها به افراد می‌آموزد تا با مشارکت در کارها برای رفع مشکلات خود قبول مسؤولیت کنند.

مشارکت مؤثر مستلزم آموزش و یادگیری بیشتر است. آموزش شیوه‌های مشارکت، فضای مناسبی جهت همفکری، احساس تعهد و همکاری و نهایتاً مشارکت فعال افراد را فراهم می‌آورد. در این رابطه حداقل می‌توان به سه نقطه مثبت دست یافت که شامل:

- ۱- توده مردم با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند رابطه نزدیک برقرار می‌سازند و به سوی

تشکل و سازمان پذیری روی می‌آورند که حاصل آن تشکیل گروه‌های سازندگی، شرکت‌های تعاونی، انجمن‌های مردمی و ... می‌باشد.

۲- کشف استعداد‌های رهبری

۳- گروه‌های مولد به اهمیت آموزش‌های حرفه‌ای پی برده و به سوی کسب مهارت‌های فنی بسیج می‌شوند (زمینه را برای آموزش‌های نوع دوم مهیا می‌سازند).

تجربیات جهانی نشان می‌دهد که کاربرد عملی آموزش اجتماعی و مشارکت در فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی در دهه هشتاد توانست مردم ساکن تعدادی از کشورهای جهان سوم را یاری دهد تا مناسبات اجتماعی خود را از یک جامعه عقب‌مانده به جامعه‌ای در حال پیشرفت مبدل سازند.^(۴)

در این جا ضمن ارائه فنون و ابزار آموزش مشارکت اجمالاً به تجربیات سایر کشورها در این زمینه اشاره می‌گردد.

در واقع هنگامی می‌توان بیشتر در این زمینه فهم داشت که ابزارهای فن آموزش مورد بررسی قرار گیرند. این ابزارها یک طیف وسیع و تحلیلی را در بر می‌گیرد و شامل موارد زیر می‌باشند:

الف) جلسات گروهی که به طور منظم برگزار می‌شود، به عنوان عرصه اصلی آموزش مشارکت مطرح می‌باشند.

ب) جلسات آموزشی و بازدیدهای ترویجی که به توسعه فرایند آگاه‌سازی کمک می‌کنند.

ج) استفاده از نمایش اجتماعی به منظور روشن کردن مسائل خاص و تحریک مردم به مداخله در تجزیه و تحلیلها و تفسیرها.

د) شبیه‌سازی یا بازیهای از این قبیل که مبتنی تجزیه و تحلیل یک مسأله مشترک است.

ه) برگزاری مسابقات: مسابقات بر پایه اصل رقابت (competition)، فعالیتهای اجتماعی و به منظور ترغیب مشارکت روستاییان و افزایش مهارت‌های عملی آنان انجام می‌گیرند. هدف از برگزاری مسابقات؛ آماده کردن روستاییان - به ویژه روستاییان جوان جهت تحرک و تجهیز قوای انگیزشی نیرومند در آنان - و فراهم نمودن امکانات لازم برای افزایش مهارت‌های تخصصی در آنهاست.^(۵)

همچنین می‌توان از روش‌های دیگری همچون طوفان اندیشه، شور همگانی

(Buzz Session)، گروه بحث و ... نیز یاد کرد.

فن آموزش مشارکت، تجربه‌ای کاملاً شخصی است که در عین اینکه می‌توان عناصر مشترکی را در آن بازشناخت غالباً چنان محدود به افراد ذیربط است که تعمیم تجارب حاصله از آن دشوار می‌شود.

یکی از وظایف عمده عبارت است از ابداع وسایلی جهت نظارت مناسب بر نحوه عمل فن آموزش، تا بدین ترتیب بتوان از این تجارب در حیطه وسیعتری استفاده نمود.^(۶)

در تجربیاتی که از سایر کشورها موجود است؛ جنبه‌های مشترکی می‌توان یافت. از جمله در این موارد، قبل از شروع فعالیتهای عمرانی، یک مرحله کمابیش فشرده مقدماتی وجود دارد که شامل رابطه متقابل با مردم و در میان مردمی است که این فعالیتها به آنها مربوط می‌شود. این مرحله ممکن است به هدف برقراری انضباط، ایجاد اعتماد، بالا بردن آگاهی، پرورش توان انتقاد و تحلیل و افزایش انسجام گروهی و فعالیتهای دموکراتیک کمک نماید.

در هندوستان، روش‌های مشارکت را در اردوهای آموزشی^۷ به روستاییان می‌آموزند و از این راه به پیروزیهای بزرگی در زمینه توسعه اجتماعی دست یافته‌اند.

منظور از اردوهای آموزشی^۷ نماینده بسیج عمومی است که نهادهای مسؤول با تمام توان مالی و فنی آن را در راه مبارزه با عقب‌ماندگی به کار گرفته‌اند.

این اردوهای آموزشی از نقطه نظر بحث و مذاکره گروهی می‌تواند بهترین فرصت را پدید آورد.

علاوه بر هند، مردم مالزی، سری لانکا، امریکای لاتین و ساکنان بخشهایی از جزایر اقیانوس کبیر از این روش سود جسته و در سایه آن توانسته‌اند با ناآگاهی و نداری روستاییان مبارزه کنند.^(۷)

در ابتدای بحث از بازدیدهای ترویجی به عنوان ابزاری برای فن آموزش مشارکت که به توسعه فرایند آگاه‌سازی کمک می‌کند یاد گردید. اینک نمونه‌ای عملی و جالب از این ابزار که در کشور مالزی مورد استفاده قرار گرفته شرح داده می‌شود.

در کشور مالزی دست‌اندرکاران ذی‌ربط سعی دارند از طریق پژوهش و آموزش مشارکت

(Participatory research & training)، سطح آگاهی کارگران کشاورزی و صنعتی را افزایش دهد و این طریق را به عنوان وسیله‌ای برای حل مشکلات مشترک معرفی کنند. در این کشور، شرکت‌کنندگان در دوره‌های آموزشی را به گروه تقسیم نموده و هر گروه را به منطقه‌ای از کشور که مورد علاقه آنهاست گسیل می‌دارند. آنها ابتدا وضع زندگی مردم محل تحقیق را بررسی و شناسایی کرده و پس از انجام کار پژوهش، گروه‌های تحقیق موضوع مطالعه خود را با هم مقایسه می‌کنند.

براساس همین مطالعات انجام شده برای مردم محل مورد مطالعه، دوره‌های آموزشی مسائل اقتصادی و اجتماعی تشکیل می‌شود. در استرالیا نیز برای نیل به هدفهای اجتماعی، آموزش پژوهشگرانه مشارکت، اساس کار قرار گرفته و این روش در ادبیات آن کشور به نحو گسترده‌ای بازتاب یافته است.

آموزش مشارکت برای تفهیم و تعمیم عنصر مشارکت در زندگی روزانه مردم این جزیره بزرگ از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ کلیه حوزه‌های شهری و روستایی کشور را در بر گرفته است.

روش آموزش مذکور توسط نهادهای خاص آموزش بزرگسالان، مراکز بزرگسالان و از همه مهمتر آموزش‌های ترویجی صورت می‌پذیرد.^(۸)

۲- آموزش‌های فنی و اجرایی

نوع دوم آموزش‌های سه‌گانه پروسه پیشنهادی به آموزش‌های فنی اختصاص دارد.

این آموزش‌ها، آگاه‌سازی و توانمند ساختن افراد برای حضور عینی و فیزیکی در طرحها را بر عهده دارد. در این مرحله کارشناسان موضوعی به ارائه آموزش‌های لازم برای اجرای پروژه می‌پردازند.

یک گروه از تکنیک‌های آموزشی در این قسمت شامل روش‌های سنتی مبتنی بر نمایش است که از بسیاری جهات سنگ بنای فعالیتهای ترویجی را تشکیل می‌دهند.

نمونه‌هایی از این تکنیک‌ها عبارتند از نمایش طریقه‌ای، نمایش نتیجه‌ای، روز مزرعه (بازدید از پروژه‌های اجرا شده در مناطق دیگر)، مسابقات و ...

نمایش طریقه برای نشان دادن چگونگی

انجام قدم به قدم چیزی به منظور آموزش فنون و عملیات جدید به یک گروه از ارباب رجوع ترویج مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آنجا که نتایج حاصله از نمایش را می‌توان مشاهده و بعضاً عملیات مربوطه را تمرین کرد، این روش در ترغیب روستاییان به انجام موارد آموزشی بسیار مؤثر است.

در نمایش نتیجه ضمن نمایش عملکرد نوعی نهاده یا روش جدید و مقایسه آن با روش سنتی، دلایل پذیرش و روش جدید به مخاطبین ترویجی آموخته می‌شود. این تکنیک آموزشی غالباً در فعالیتهای زراعی و دامپروری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

انجام یک نمایش نتیجه موفق، به ایجاد اطمینان در قضاوت و توانایی کار در بین روستاییان منجر می‌شود.

هدف از مزرعه نیز ارائه فرصت به روستاییان است تا شخصاً روشهای ارائه شده موفق را مشاهده کرده و پرسشهایی به عمل آورند. این روز برای ایجاد فضایی آموزشی است که در آن تماس و یادگیری به طور غیررسمی صورت می‌گیرد.^(۹)

۳- آموزش تداوم و پویایی مشارکت

تداوم و پویایی مشارکت به عنوان یکی از مراحل اساسی و حتی اصلی‌ترین مرحله پروسه مشارکت مطرح است چراکه مشارکت بدون دوام و پایداری همچون شهابی است که پس از مدتی سرد و خاموش می‌گردد.

در بحث آموزش مشارکت (نوع اول آموزش سه‌گانه) از تشکلهای روستاییان و گروههای سازندگی سخن گفته شد و در قالب این گروهها سازماندهی، تشویق و ترغیب و آگاهسازی افراد برای مشارکت مطرح گردید.

آنچه در واقع پویایی و پایداری مشارکت را تضمین می‌کند پویایی و دوام همین گروهها و تشکلهای مردمی است.

پروفسور ملکم‌نالز و هولدنالز در مقدمه‌ای بر دینامیک گروه، پویایی گروه را چنین تعریف کرده است:

اگر ما یک گروه مرکب از چند نفر را در نظر بگیریم بین اعضای آن تأثیر و تأثر و معاملات صورت می‌گیرد. که در رفتار آنان مؤثر واقع می‌شود



البته ممکن است این اشکال وارد گردد که تلقی گروهها به منزله کانون پویایی و تداوم مشارکت و در نتیجه تقویت گروهی خاص - به این منظور که گروه در موضع بهتری دفاع از منافع خود در مقابل سایر گروهها قرار گیرد. و نیز به طور موفقیت‌آمیزی جهت دستیابی به منافع، به رقابت پردازد. مشکلات و ناهنجاریهایی را به وجود آورده و باعث ایجاد تعارض در بین افراد یا گروهها شود. به هر حال استحکام و اقتدار و دوام گروه سازندگی در روستا می‌تواند رهنمونی برای جلب و تشویق سایر افراد برای عضویت در گروه و همکاری و هماهنگی با آن باشد.

به طور کلی آموزشهایی که باید برای تداوم مشارکت مردمی صورت پذیرد، شامل آموزشهایی می‌شود که به افزایش توان روستاییان برای خودگردان کردن گروهها و دادن آگاهیهایی جهت تداوم گروهها و نهایتاً تداوم مشارکت مردم منجر شود.

■ حوزه آبخیز ریمله

حوزه ریمله یکی از شش زیرحوزه آبخیز شمال خرم‌آباد می‌باشد^(۱۰) که با وسعتی حدود ۸۰۰۰ هکتار در فاصله ۴۸ درجه و ۱۶ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۲۳ دقیقه طول شرقی و ۳۳ درجه و ۲۷ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی، در ۲۶ کیلومتری شمال خرم‌آباد قرار گرفته است. ارتفاع متوسط زیرحوزه ۱۸۴۲/۰۶ متر است

و در عین حال هیأت کلی یعنی ساخت روابط گروه هم تعیین می‌کند. از آنجا که اعضاء گروه در هر لحظه از زمان تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی قرار می‌گیرند، همواره در یک حالت باقی نمی‌مانند. گروه هم مانند اعضاء خود همیشه به یک حالت نیست.

به این معنی که دائماً در حال حرکت، انجام کار، تغییر، در حال شدن و کنش متقابل می‌باشد و ماهیت و مسیر حرکت آن توسط نیروهایی تعیین می‌گردد که از داخل یا خارج گروه بر آن اعمال می‌شود.

بنابراین کنش و واکنش، تأثیر و تأثرات، فعل و انفعالات و کنش‌های متقابل این نیروها و تأثیر آنها بر روی گروه پویایی گروه نامیده می‌شود.

در واقع آنچه باعث دوام گروهها می‌شود، وجود هدفهای طولانی مدت و متعالی است که اعضاء گروه و خودگروه به سوی آن می‌روند و در این مسیر هدفهای کوتاه مدت را یک به یک تسخیر می‌کنند.

رضایت خاطر اعضاء گروه وقتی حاصل می‌شود که گروه حداقل به یک هدف کوتاه مدت خود در جهت هدف متعالی دست می‌یابد. همبستگی و وحدت در گروه نیز از عوامل اصلی است که به نسبت در گروهها وجود دارد و هر چه نسبت و درجه آن در گروه زیادتر باشد، دوام گروه را بیشتر می‌کند.

که کم ارتفاع ترین نقطه آن ۱۳۲۰ متر و بلندترین نقطه آن ۲۷۴۰ متر ارتفاع دارد.

بلندترین آبراهه طبیعی ریمله دارای طولی معادل ۲۰ کیلومتر است. معدل درجه حرارت سالیانه ۱۱/۲ درجه سانتیگراد و معدل حداقل و حداکثر درجه زیرحوزه به ترتیب ۲/۵ و ۱۹/۵ درجه سانتیگراد می باشد.

این حوزه دارای متوسط بارندگی ۷۰۳ میلیمتر در سال است.

ریمله در محدوده جنگلهای خشک واقع شده است. به استثناء ارتفاع بالاتر از ۲۲۰۰ متر تا ۲۳۰۰ متر در ارتفاعات مختلف جنگل وجود دارد. بر اساس پلانیمتری به عمل آمده از قطعات جنگلی، وسعت ناحیه تحت پوشش آنها ۳۳۳۳ هکتار برآورد شده است. پوشش جنگلی غالب در این منطقه بلوط غرب (Quercus Persica) می باشد. بیش از ۲۵۶۸ هکتار از اراضی ریمله زیر پوشش اراضی مرتعی است. اما مراتع مذکور از حیث کیفی فقیر بوده و عملکرد تولیدی آنها در هکتار تنها ۱۵۰ کیلوگرم علوفه خشک می باشد. بر اساس شواهد موجود در سالهای اخیر سطح وسیعی از اراضی مرتعی و جنگلهای جلگه ای در حاشیه روستاها و نقاط کم شیب به اراضی زراعی دیم یا بازده اندک تبدیل شده است. حوزه ریمله دارای ۷ روستا (۱۱) با ۱۲۲۶ نفر سکنه در قالب ۲۰۳ خانوار است که از این تعداد ۶۹۴ نفر مرد و ۵۳۲ نفر زن می باشند سهم سواد مردان ۷۸٪ و سهم زنان ۲۸٪ است.

بیشترین تعداد سکنه در ریمله اصلی و کمترین سکنه در روستای سیل میش (۱۷ نفر) به سر می برند. (منبع: دبیرخانه همایش جهانی سطوح آبگیر باران در سازمان جهادسازندگی استان لرستان «خلاصه ای از وضعیت عمومی حوزه نمونه ریمله...»)

در جدول شماره (۱) توزیع جمعیت شاغل روستایی در زیرحوزه ریمله برحسب درصد اشتغال و نسبت شاغلیان به خانوار آمده است.

جدول شماره (۱) توزیع جمعیت شاغل روستایی از زیرحوزه ریمله بر حسب درصد اشتغال و نسبت

بر اساس اطلاعات سرشماری عمومی کشاورزی سال ۱۳۶۷، ۱۸۰ خانوار از ساکنان روستاهای زیرحوزه به زراعت اشتغال داشته اند.

دامداری دومین شغل عمده روستاییان محسوب می گردید. (منبع مدیریت ترویج و مشارکت مردمی جهادسازندگی استان لرستان، بررسی راه کارهای اشتغال خانوار روستایی در منطقه ریمله، سازمان جهادسازندگی استان لرستان، ۱۳۷۵، ص ۱۱).

جمعیت دانش آموزان حوزه ۴۰۶ نفر است که در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان تحصیل می کنند.

تبیین نقش ترویج و آموزشهای ترویجی در قالب پروسه پیشنهادی

پروسه ای که طی آن ترویج و آموزشهای ترویجی در زیرحوزه ریمله ایفای نقش نمود را می توان تا حدود زیادی بر پروسه پیشنهادی منطبق دانست. چنانچه پیش از این اشاره شد زیرحوزه ریمله به دلیل کوهستانی بودن از میزان زمین زراعی محدود برخوردار است.

لذا رویکردهای جدید باید به دنبال گسترش تواناییهای انسانی و مهارتهایی تولیدی و تغییر در نگرش اهالی منطقه گام بردارد. تا با افزایش اتکاء به نفس و تجهیز آنها به مهارتهای تولیدی، فرصتهای جدید برای مشارکت ایجاد شود.

در تبیین پروسه مشارکتی که در منطقه ریمله اتفاق افتاده است می توان اذعان داشت که هرچند تعیین نیاز به صورت رسمی توسط کارشناسان صورت گرفته است اما با تعمق بیشتر و نگاهی گذرا به مراجعات مکرر اهالی که از وضع موجود گله مند بوده و همیشه از جاری شدن سیلابها و خساراتی که بر اثر سیل (۱۲) در منطقه به دامها و مزارع آنها وارد شده شکوه داشته اند، می توان به توجه مردم به این مسأله پی برد. همچنین آنها با به یاد آوردن گذشته نه چندان دور که منطقه ریمله از جنگلهای انبوه پوشیده بود احساس نقصان و کاستی ر لمس می نمودند.

اگرچه هم مردم و هم مسؤولین و کارشناسان سهم مهمی در طرح مسأله داشته اند اما در این میان سهم کارشناسان در بررسی و بارز کردن نیاز بیشتر مشهود است.

ایده مشارکت اهالی از همین مرحله شکل می گیرد چراکه به لحاظ نوع کار و وسعت فعالیت نیاز به مشارکت مردمی از سوی کارشناسان و خود

مردم احساس می گردد.

تجربیات گذشته احیا و حفاظت از منابع طبیعی که در آنها از نیروهای همچون سربازان وظیفه یا نیروهای دانش آموزی غیربومی که به حالت اجبار به این امور می پرداختند. شکست فعالیتها را نشان می دهد. چراکه این نیروها به دلیل عدم احساس تعهد و مسؤولیت و نداشتن انگیزه های کافی و واقعی برای مشارکت بعضاً حتی به معدوم کردن ابزار، نهالها و به زور نیز اقدام می نمودند.

لذا استفاده از نیروهای مردمی با انگیزه و مسؤول، شرط لازم برای موفقیت طرح به حساب می آمد.

در این مرحله آموزشهای اجتماعی و آموزش مشارکت برای زمینه سازی و جلب مشارکت اهالی به عنوان اولین نوع آموزشهای سه گانه پروسه پیشنهادی مشارکت آغاز گردید.

ابزاری که برای این نوع آموزش مورد استفاده قرار گرفت بیشتر به صورت جلسات توجیهی و بازدیدهای ترویجی از مناطق خارج از استان لرستان و مسابقات ترویجی بود. بازدیدهای ترویجی که از طرحهای موفق انجام شد، در استانهای مجاور نظیر طرحهای «مردیم» و «تجیر دیم» در استانهای فارس و همدان. همگی در ایجاد باور «توانستن» در افراد تأثیر داشته و در تأکید و تعمیق درک مشارکت اثرگذار بوده است.

اقدام به انجام طرحهای ابتکاری توسط یحی از اهالی در خصوص جمع آوری آبها و هدایت آن برای مشروب ساختن اراضی خود بدون استفاده از الکترو موتور که در حالت عادی به دلیل پرسیب بودن غیرممکن می نمود را می توان به عنوان نمونه ای از تأثیرپذیری اهالی از این بازدیدها مطرح نمود.

جلسات گروهی و توجیهی که در مدارس و یا منازل رهبران شوراهای اسلامی روستاهای زیرحوزه برپا می شد در واقع به عنوان عرصه اصلی آموزش مشارکت مطرح بود.

در این جلسات، بحثهایی به صورت پرسش و پاسخهای گروهی بین اهالی روستا و کارگزاران ترویج صورت می گرفت که به بررسی وقایع گذشته و جاری و بیان نقطه نظرات در مورد اهمیت، ضرورت و فواید حفظ و احیاء منابع طبیعی و ضرورت مشارکت مردمی پرداخته می شد.



در واقع این جلسات توجیهی بر این اصل استوار بود که قبل از هر کار عمرانی و مادی و یا در جریان آن، باید درباره دلایل انجام فعالیت، بحثهای ممتدی صورت گرفته و دلایل کار تجزیه و تحلیل شوند. یعنی همه اهالی باید برای مشخص کردن اینکه مشکلاتشان چیست، از کجا ناشی می‌شود و چگونه می‌توانند آنها را برطرف کنند، به بحث و گفتگو بنشینند. در همین جلسات توجیهی با کمک مسؤولین اقدام به تشکیل گروههای سازندگی گردید.

مرحله آغازین تأسیس گروههای سازندگی، شامل برانگیختن و وظیفه‌مند کردن افراد بود. بعد از این مرحله، روستاییان به طور جدی تصمیم به شرکت در گروههای سازندگی گرفتند. تأکید فراوان بر کار، تحرک بخشی و جلسات گروهی، الگوی فعالیت‌هایی را پدید آورد. که به عنوان بازتابی از وضعیت، آگاهی، تجربه، توانمندیها و آرزوهای مردم محسوب می‌شد.

در این گروهها، «وظیفه‌مند کردن» نه تنها در مرحله آغازین حیات گروهها یک عنصر اساسی محسوب می‌شود، بلکه در طول تداوم و پویایی گروهها نیز به عنوان یک عنصر کانونی در فرآیند مشارکت مردمی به حساب می‌آید.

این عنصر به عنوان یک فرآیند در آزادسازی نیروهای خلاق مردمی و تجزیه و تحلیل مسائل به وسیله خود مردم ایفای نقش می‌کند. در واقع وظیفه‌مند کردن، به خود سازماندهی مردم منجر می‌شود که این خود سازماندهی، ابزار برای انجام اقدامهای ابتکاری جمعی است.

پس از تشکیل، نخستین اولویت گروههای سازندگی، عبارت است از تشویق ساز و کارهای خودکار بین مردم روستا و حمایت از آنها و توانایی‌شان برای تحلیل وضعیت.

پس از یک دوره شناخت و آگاهی و تحلیل، گروهها با ترکیب مهارتها و نیروی کارشان، با آموزشهای فنی، ابزار و کمکهای مالی خارج از گروه که توسط جهادسازندگی به آنها اعطاء می‌شود عهده‌دار فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی مختلف می‌شوند.

این فعالیتها شامل سنگ‌چینی، سکوبندی، احداث چکدم، نانکت، احداث سدهای گابیونی، نراس‌بندی در اراضی شیب‌دار، کپه‌کاری، بدرکاری و نهالکاری می‌باشد.

این حجم کار توسط ۳ گروه سازندگی مردان در مدت زمانی به وقوع پیوسته است که در مقایسه با استاندارد کار در این شرایط، صرفه‌جویی قابل ملاحظه‌ای را از لحاظ زمانی نشان می‌دهد، ضمن اینکه به دلیل هزینه نیز اصلاً قابل مقایسه با انجام کار به صورت مزدوری نیست.

لازم به ذکر است که یک گروه سازندگی ویژه زنان روستایی نیز شکل گرفت که با توجه به وضعیت اجتماعی و فرهنگی منطقه، آماده‌سازی ذهنی زنان منطقه برای مشارکت در فعالیت‌های مربوطه، موفقیت عمده‌ای به شمار می‌رود که به مدد آموزشهای ویژه برای جلب مشارکت آنها تحقق یافت. این گروه به دلیل ماهیت و موقعیت خود می‌تواند با افزایش درآمد خانوار و کاهش وابستگی خانواده به درآمد حاصل از منابع دامی و مزارع کم‌بازده در دامنه شیب‌دار تپه‌ها، به پایداری مشارکت مردمی و کمک به حفاظت بیشتر از منابع طبیعی کمک شایانی نماید.

این گروه با آشنا شدن به نحوه کاشت بذر گردو

آموزش مربوط به کاهش دام و بالابردن تولیدات به تعداد دام کمتر در این مرحله صورت گرفته و در آن ضمن بیان روشهای پروراربنندی، در مورد بهداشت دام و غیره نیز - که در بالابردن راندمان تولید تأثیر گذارند - آموزشهایی ارائه گردیده است.

نکته جالب توجه آن است که به دلیل علاقه و انگیزه افراد به کار و با تأکید قابل توجهی که بر روی آموزش‌های فنی و اجرایی در منطقه ریمله به عمل آمده است، این نوع آموزش بسیار موفقیت‌آمیز بوده و تأثیر شگرفی بر موفقیت و پیشرفت پروژه‌ها از خود برجای گذاشته است. در انجام این آموزشها از روشهای نمایش نتیجه و نمایش طریقه و باز دیده‌های ترویجی استفاده شده است.

نتیجه حاصل تا این مرحله از پروژه پیشنهادی اجرای عملیات حفظ و احیاء منابع طبیعی، در سطح ۸۰۰۰ هکتار از اراضی منطقه بوده است.

در خزانه اقدام به تولید نهال در حیات منازل نموده‌اند.

همچنین به کمک اداره ترویج شهرستان با برگزاری کلاسهای گلسازی، آموزشی خیاطی، آموزش قالیبافی (په آموزی فرش) در توانمندسازی زنان روستایی و تغییر نگرش آنها از انسانهای مصرف‌کننده به انسانهای مولد گامهای مؤثری برداشته است. که این امر به افزایش وجهه اجتماعی زنان تأثیر بسزایی به جای خواهد گذارد. احداث خانه ترویج مکان مناسبی را برای گروههای افراد گروههای سازندگی، زنان و جوانان روستایی و برگزاری کلاسهای آموزشی فراهم آورده است.

در مرحله بعدی پروسه پیشنهادی، تداوم و پویایی مشارکت مردمی در حفظ و گسترش فعالیتها مطرح می‌شود. آنچه از دید کارشناسان و مسؤولان در ایجاد مشارکت مردمی تأثیر اصلی را برجای گذاشت است، همان درک واقعی ابعاد مسأله از سوی روستاییان و تقویت آن در کلاسهای توجیهی و جلسات آموزشی بوده است. اگرچه تشویقهای مادی و انگیزه‌های مالی که از سوی کارشناسان و با مردم عتوان می‌شود. چندان قابل توجه است، اما این انگیزه به دلیل فقر اهالی و نیاز واقعی آنها قابل درک و تأمل است. لذا ایجاد انگیزه مادی مستقیم به عنوان یک آلترناتیو در کمکهای جهاد سازندگی، در کوتاه مدت راه حل مناسبی به نظر می‌رسد. ضمن اینکه کمکهای مادی به هیچ وجه به اندازه واقعی حق الزحمه افراد نبوده و صرفاً جنبه کمک برای امرار معاش دارد.

البته در بلند مدت پرداختن به خوداتکایی گروهها و تشویق غیرمستقیم آنها، به عنوان محور اساسی در دستور کار جهادسازندگی قرار دارد. بدین معنی که به جای اختصاص دادن سوبسیدهای مستقیم به گروههای سازندگی بر ابزارهایی برای کمک غیرمستقیم به آنها در جهت تقویت توانایی ادامه حیاتشان تکیه گردد.

برای تداوم و بقای گروههای سازندگی شرطی بدیهی مبنی بر آن که این گروهها باید در مقایسه با دیگر راه کارها، همواره منافع بیشتری غایب اعضا سازند، وجود دارد. لذا واگذاری معتبر نتایج پروژهها به گروههای مردمی که تنها یک مورد آن شامل صدها اصله درخت گردو می‌باشد،

می‌تواند در دستیابی به شرط لازم برای تداوم و بقای گروههای مردمی و در نتیجه تداوم مشارکت در حفاظت از پروژههای انجام شده کاملاً مؤثر باشد.

البته باید توجه داشت که واگذاری اقدامات و فعالیتها به مردم به نحوی صورت گیرد که باعث تفرقه و تضعیف جامعه نگردد. در این خصوص موارد زیر درخور توجه است:

۱- رواج و ارتقاء سطح تشکلهای روستایی گسترده و چند منظوره که بتواند تمامی افراد ساکن در منطقه را تحت پوشش قرار دهد.

۲- معرفی مفاهیم تازه و بدیع و ایجاد تشکیلاتی جهت به‌وجود آوردن احساس قوی مالکیت در جامعه، به طوری که افراد پروژهها را از آن خود حساب کنند.

به عنوان مثال، از طریق عقد قرارداد فیما بین اداره منابع طبیعی و جامعه روستایی (نه افراد به صورت انفرادی) (۱۳)

این امر نه تنها باعث ارتقاء سطح مشارکت می‌شود؛ بلکه از شدت وابستگی کنونی روستاییان به دولت نیز می‌کاهد و باعث می‌گردد که جامعه احساس کند برای خودش دارای مشکلات و راه‌حلهایی است.

لذا در مسائل بعدی منطقه، پروسه مطلوب پیشنهادی به سمت ایده‌آل مشارکت سوق پیدا می‌کند. آنچه در مدت زمان نسبتاً کوتاهی که از انجام پروژه می‌گذرد می‌توان در نگرش مردم دید این است که:

روستاییانی که تا چندی پیش با شوق و لذت خاصی اقدام به قطع بهترین درختان و بوته‌ها برای مصارف گوناگون از جمله سوخت می‌نمودند. اینک نه تنها هیچ احساس خوشایندی از این کار

ندارند بلکه حتی در برابر قطع یک شاخه درخت هم از خود واکنش نشان داده و آنرا مردود می‌شمارند.

در مورد مراتع نیز هر چند که قرق آنها مشکلاتی را برای اهالی به وجود آورده است، اما به دلیل نگرش مثبت نسبت به آینده این مراتع از شکستن قرق خودداری می‌نمایند.

در ادامه کار، آموزشهای تعاونی و آموزش کار در گروه از آموزش ترویجی لازم در این مرحله است که باید به آن توجه کافی مبذول گردد.

■ نتیجه‌گیری و پیشنهادات

آنچه در تجربه زیرحوزه ریمله مشاهده شد انطباق خوبی را بر پروسه پیشنهادی نشان می‌دهد. این حرکت را می‌توان با عنایت بیشتر به سمت پروسه ایده‌آل مشارکتی سوق داده و در دستیابی به یک جامعه مشارکتی موفق در منطقه تلاش نمود.

باید عنوان نمود که با توجه به این مطالعه لزوم تأکید فراوان بر آموزشهای نوع اول - (آموزش مشارکت و آموزش اجتماعی) - مشاهده می‌گردد. این نوع آموزشها در تجربه ریمله نیز هنوز توجه افزونتر را طلبیده و به عنوان یک نکته که در خور تأمل بیشتر است، معرفی می‌شود.

جدی گرفتن حضور اهالی و نمایندگان آنها در مراحل تصمیم‌گیری پروژهها نیز لازم بوده و به عنوان یک نیاز در دسترسی به الگوی ایده‌آل مشارکت ضروری می‌نماید. همچنین مرحله سوم الگوی پیشنهادی نیز هنوز قدمهای اولیه خود را طی می‌کند. لذا توجه به این مرحله با ارائه آموزشهای تداوم و پویایی، آموزش کار در گروه و آموزشهای تعاونی به همراه تلاش در ایجاد

جدول شماره (۱) توزیع جمعیت شاغل روستایی در زیرحوزه ریمله بر حسب درصد اشتغال

روستا	جمعیت شاغل	درصد اشتغال	نسبت شاغلین به خانوار
ریمله اصلی	۸۱	۱۹/۴	۱/۲
قلعه‌نو	۶۲	۱۷/۸	۱/۱
پشت‌مله	۳۸	۲۰/۳	۱/۲
برالیکه	۲۵	۱۸/۵	۱
چشمه‌بید	۱۳	۱۹/۷	۱/۳
خلیل‌آباد	۶	۲۲/۲	۱/۲
سیل‌منش	۳	۱۷/۴	۱
جمع	۲۳۳	۱۹/۰۷	۱/۱۴

اعمال صحیح یک نظام بهره‌برداری تعاونی در منطقه ضروری است.

■ منابع مورد استفاده:

- ۱- سام‌آرام، عزت‌الله، مددکاری اجتماعی (کار با گروه)، انتشارات نقش هستی، تهران ۱۳۷۳.
- ۲- سوان سون، برتون، مرجع ترویج کشاورزی، ترجمه اسماعیل شهبازی، انتشارات سازمان ترویج، تهران ۱۳۷۰.
- ۳- گزارش کارشناسان FAO در مورد PRA، انتشارات جهادسازندگی، تیراژ محدود.
- ۴- عبدالهی، حسن، توسعه روستایی همه جانبه (مقاله)، گاهنامه روستا و توسعه، ترجمه علیرضا کاشانی، انتشارات جهادسازندگی، تهران ۱۳۷۳.
- ۵- سالکی، حسین، مشارکت، تهران ۱۳۶۹.
- ۶- مولت، جی ۱، جنبه‌هایی از برنامه‌ریزی کشاورزی، گاهنامه روستا و توسعه، ترجمه سعید ذکایی، انتشارات جهادسازندگی، تهران ۱۳۷۰.
- ۷- بهروان، حسین، تأثیر مشارکت روستاییان در اجرای پروژه‌های عمرانی، مجموعه مقالات کنفرانس مشارکت، جهادسازندگی، ۱۳۶۵.
- ۸- گراول و تامبر، مقدمه‌ایی بر آموزش ترویج، ترجمه سیروس سلمانزاده، انتشارات دانشگاه اهواز، ۱۳۶۷.
- ۹- FAO، نظارت و ارزشیابی مشارکتی، ترجمه غلامحسین صالح‌نسب، انتشارات جهاد، تهران ۱۳۷۱.
- ۱۰- فرزانه، علی، بررسی نیازهای آموزشی جنگل‌نشینان دامدار به منظور حفظ، احیاء، توسعه و بهره‌برداری از جنگل در حوزه آبخیز سفارود، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۱- مصاحبه‌های نگارنده با اهالی منطقه و مسئولان محلی.
- ۱۲- گزارش‌های استانی.
- ۱۳- عفتی، محمد، بررسی عوامل مؤثر و مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران ۱۳۷۱.

nation, studies on Agration Reform and Rural Poverty, Rome 1984.

15- Piter oakley and David Morsden "APPROACHES to PARTICIPATION IN RURAL RURAL DEVELOPMENT" Geneva: Internationa laoure office 1984.

16- Munkner Hans H, Elisabeth Baltes and ulrike Gamm, STRATEGIES FOR THE PROMOTION OF SELF HELP ORGANIZATION of the rural POOR "ROME: Food and Agriculture Organization (FAO) 1992.

بقیه از صفحه ۶۰

یکدیگر مبادله نمی‌کنند و اجباراً تمامی آن خانوارها اقدام به خرید در مناطق شهری می‌نمایند، که در این صورت، سیاست پولی انبساطی اتخاذ شده در مناطق روستایی، تنها در وهله اول برای خانوارهای روستایی درآمد ایجاد خواهد کرد و سپس سریعاً به جامعه شهری برمی‌گردد. کشت محوری که تنوع در عرضه محصول توسط روستاییان را کاهش می‌دهد، امکان مبادله روستاییان با یکدیگر را کاهش می‌دهد که در این صورت، ضریب فزاینده مخارج خانوارها در روستا را کم خواهد کرد.

* منابعی که در متن ارجاع داده نشد، به طور غیرمستقیم مورد استفاده قرار گرفته است.

پی‌نوشتها:

- ۱- منبع ۸
- ۲- همان منبع
- ۳- منبع ۱۳
- ۴- منبع (۵)
- ۵- منبع شماره ۲
- ۶- منبع شماره ۱۵
- ۷- منبع شماره (۵)
- ۸- همان منبع
- ۹- منبع شماره (۲)
- ۱۰- نقشه توپوگرافی حوزه در ضمیمه شماره یک آمده است.
- ۱۱- اسامی روستاها به ترتیب میزان جمعیت؛ ریمله اصلی (۴۴۴ نفر)، قلعه نو (۳۴۸ نفر)، پشت‌مله (۱۸۷ نفر)، برالبکه (۱۳۵ نفر)، چشمه‌بید (۶۸ نفر)، خلیل‌آباد (۲۷ نفر) و سیل‌میش (۱۷ نفر)
- ۱۲- یک مورد آن مربوط به سیل تیرماه ۱۳۶۰ است که گله‌های گوسفند زیادی را در منطقه تلف نمود.
- ۱۳- منبع (۱۶)

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- برانسون، ویلیام - تئوری و سیاستهای اقتصادی کلان - ترجمه: عباس شاکری - تهران: نشر سی ۱۳۷۳
- ۲- مرکز آمار ایران - نتایج تفصیلی آمارگیری ز هرزه و درآمد خانوار روستایی - تهران: مرکز آمار ایران ۱۳۷۳
- ۳- مرکز آمار ایران - نتایج تفصیلی آمارگیری از هرزه و درآمد خانوار شهری - تهران: مرکز آمار ایران ۱۳۷۳
- ۴- مهرگان، نادر - نگاهی به وضعیت هرزه و درآمد خانوار روستایی - ماهنامه بررسیهای بازرگانی - تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی - شماره ۷ اسفند ۱۳۷۱
- ۵- مهرگان، نادر - رشد بخش کشاورزی و بویج درآمد اطلاعات ساسی و اقتصادی - شماره ۹۳ و ۹۴ - نیرماه ۱۳۷۴
- ۶- میردال، گونار - تئوری اقتصادی و کشورهای نام رشد - ترجمه: غلامرضا سعیدی - تهران: نشر اندیشه - ۱۳۴۹
- ۷- وهانی، بهرام - محاسبه و تحلیل زیست در سرآورد بوج مصرف جمعی در ایران - تهران: دانشگاه شهید بهشتی (پایان نامه کارشناسی ارشد) - ۱۳۷۰

14- El Ghomy, M.R. "The Crisis of rural Poverty: can Participation on it?" In food and Agriculture ORGANIZATION of the united

■ اشاره :

اینترنت از جمله فن‌آوریهای جدیدی است که در چهارچوبهٔ رهیافت ارتباط توسعه‌ای می‌تواند روند توسعهٔ کشورهای در حال توسعه را تسریع نماید. تاریخ این کشورها گواه بر این مدعا است که انتقال فن‌آوری بدون انطباق آن با شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور میزبان به مثابه برهم‌زدن نظم داخلی و تعادل آنها و نهایتاً سوق‌دادن آنها به سمت کشوری نامتعادل است که بخش‌های مختلف آن، زیر سیستم از یک فراسیستم ملی نیستند؛ لذا بکارگیری و توسعهٔ خدمات اینترنت در این کشورها، نیازمند دقت، تخصص و مطالعه است، تا ضمن در نظر گرفتن شرایط عمومی کشور میزبان و وقفه‌های تأثیرگذاری این فن‌آوری جدید، فرآیند علمی سازگاری و انطباق و نیز زمینه‌سازی در مورد آن صورت گیرد، تا نهایتاً جامعه از منافع آن بهره‌مند شود و هدایت آنرا بر عهده گیرد.

تحقیق حاضر توسط دکتر دون ریچاردسون و با همکاری و تأمین اعتبار فائو و دانشگاه ژولف کانادا انجام شده است و در آن برای گسترش و رهبری خدمات مناسب و ایمن اینترنت در کشورهای در حال توسعه (تحت نظر و با سرپرستی فائو) پیشنهادهایی ارائه گردیده است. لازم به ذکر است که تنها بخشهایی از این تحقیق که عمومی‌ترند، اقتباس و ترجمه شده است.

■ پیش‌گفتار

استفاده از اینترنت در کشورهای در حال توسعه، به سرعت رو به گسترش و تزايد است، و البته این بسط و تکامل بیشتر یک پدیدهٔ شهری است. هنوز هم غالب جوامع روستایی نمی‌توانند از خدمات موجود در جوامع شهری همجواریشان به خوبی استفاده کنند. فائو در این برهه از زمان، این فرصت را در اختیار دارد که در جهت تأمین

اینترنت و عمران روستایی

گزارش نهایی: تهیه شده برای سازمان خواربار کشاورزی ملل متحد

(August, 1996)

نویسنده: دن ریچاردسون

دیار تمان مطالعات ترویج روستایی

دانشگاه ژولف کانادا

اقتباس و ترجمه: مهرداد اطروش

- رهیافت ارتباط توسعه‌ای فائو را تشویق و ترویج کند.
- کاربران کشورهای در حال توسعه را با خدمات اطلاع‌رسانی مناسب و موجود در اینترنت و سازمان فائو آشنا سازد.
- از کاربردهای نوآورانه اینترنت و خدمات اطلاع‌رسانی برای عمران روستایی، حمایت کند.
- ...

تمام پیش‌قروالان دنیای اینترنت، همچنین نمایندگیهای واسطه‌ای که کمکهای توسعه‌ای مشاوره‌ای، حمایتی، تحقیقاتی، ترویجی، آموزشی و پرورشی و آموزشی - بهداشتی در اختیار جوامع روستایی قرار می‌دهند، باید بطور کامل در توسعهٔ راهبردها و انجام امور اجرایی آنان حاضر باشند.

امروز برای حمایت از فعالیت اینترنت در کشورهای در حال توسعه، بهترین موقعیت فراهم شده است. در واقع ما در یک روستای جهانی زندگی می‌کنیم؛ روستایی که "تخبگان آگاه و مطلع" در کنار انسانهایی بی‌خبر از همه‌جا زندگی می‌کنند. با فن‌آوریهای جدیدی که در اختیار است، می‌توان این وضعیت را تغییر داد و به توسعه

نیازهای جوامع روستایی و کشاورزی، توسعه و گسترش اینترنت را رهبری کند.

به منظور نیل به هدف گسترش مدیریت بومی خدمات اینترنت در کشورهای در حال توسعه، نمایندگیهای توسعه‌ای متعددی مشغول به کارند. در این میان، سازمان فائو رهیافت ارتباط توسعه‌ای را به منظور تسریع روند گسترش خدمات اینترنت آغاز کرده است؛ رهیافتی که از نیازهای مردم در جوامع روستایی و کشاورز نشأت می‌گیرد. برنامه‌های پیشاهنگ فائو - همپای سازمانهای محلی کشاورزی و روستایی - این امکان را فراهم می‌سازند که جوامع روستایی نیز از پیش‌قروالان ملی و منطقه‌ای اینترنت باشند. در این مقاله راهبرد و فعالیت فائو بر اساس رهیافت ارتباط توسعه‌ای ترسیم شده است.

راهبرد همه جانبه و فراگیر سازمان خواربار کشاورزی باید:

- زمینه‌ساز سیاستگذاری و هماهنگی منطقه‌ای راهبرد اینترنت در خدمت عمران روستایی باشد.
- برنامه‌های پیشاهنگ اینترنت و روستا را راهاندازی کند.

پایدار در جوامع کشاورزی و روستایی کمک کرد. دسترسی به اطلاعات و روشهای ارتباطی پیشرفته با توسعه اقتصادی و اجتماعی رابطه مستقیم دارند و توسعه مشارکتی به ارتباط و فرایندهای انتشار اطلاعات کاملاً وابسته است.

مقدمه:

■ ارتباط توسعه‌ای و اینترنت؛ رهیافت مفهومی

تأثیرات و ویژگی فن آوری در اینست که انجام دادن کارهای تازه را میسر می‌سازد. این مسأله بویژه در رهیافت مردم مدار عمران روستایی کاربرد دارد؛ که بازنگری اهداف و اولویتها توسط فائو را گوشزد می‌کند. همانطوریکه بسیاری از پیش‌نیازهای دیگر توسعه پایدار نیز تحت قیومیت و سرپرستی سنتی چندین نمایندگی فنی سازمان ملل قرار دارند، برای تمرکز بر نیازها، استفاده از فن آوری، اینترنت، شبکه جهان‌نما (W3) و ... به برنامه‌های مشارکتی جدید نیاز است.

دسترسى به اطلاعات و فن‌آوریهای ارتباطی به معنی دستیابی به کانالها و روشهای ارتباطی تازه‌ای است که با زبان، فرهنگ و یا فاصله محدود نمی‌شوند. اشکال جدیدی از سازمانهای اجتماعی و فعالیتهای مولد ظهور کرده‌اند که اگر سرورش یابند، به عواملی دگرگون‌زا تبدیل می‌شوند. گفتنی است که نقش آنها در این دگرگونی کمتر از قدرت دگرگون‌زایی فن آوری نیست.

حال که می‌دانیم کشورهای در حال توسعه، از نظر نظامها و فن‌آوریهای اطلاع‌رسانی از کشورهای توسعه یافته | فاصله زیادی دارند. بر این کشورها واجب است که با قدرت به جامعه اطلاع رسانی وارد شوند، چرا که آنها بدون آگاهی یافتن و مشارکت در شاهره‌های اطلاع‌رسانی نمی‌توانند در مسیر توسعه قدم بردارند.

اینترنت در کشورهای در حال توسعه به سرعت در حال گسترش است. سازمان خواروبار کشاورزی ملل متحد (<http://www.fao.org>) به عنوان سازمانی که در جهت ارتقای جوامع روستایی و بهبود کشاورزی فعالیت می‌کند، در زمینه راهاندازی و گسترش خدمات اینترنت برای جوامع روستایی نقشی مهم و سرنوشت‌ساز

برعهده دارد. فائو همگام با دست‌اندرکاران و استفاده‌کنندگان داخلی و نمایندگیهای دیگر می‌تواند در ادراک منافع و اهمیت ارتباط پیشرفته و دستیابی به اطلاعات، جوامع روستایی را یاری کند.

البته اینترنت دوی شفافبخش عمران روستایی نیست. اما منابع اطلاعاتی جدیدی در اختیار می‌گذارد و کانالهای ارتباطی تازه‌ای را به روی جوامع فرهنگی می‌گشاید؛ ابزاری است برای پرکردن فاصله بین کارشناسان توسعه و مردم روستایی به واسطه افزایش امکان تعامل و گفتگو ایجاد شبکه‌های جدید ارتباطی بین فردی، برقراری پیوندهای یک‌جانبه و چندجانبه بین سازمانها و بالاخره فعالسازی مکانیزمهایی که امکان رده‌بندی پائین به بالا و تقسیم نیازها و دانش محلی را فراهم می‌آورند.

این مقاله ادعان دارد که برای پایداری و موفقیت برنامه‌های اینترنت در زمینه توسعه روستایی باید از شناسایی نیازهای واقعی جامعه کاربران این خدمات شروع کرد. برای اینکار باید از رهیافتی استفاده کرد که امکان تسریع و تسهیل مشارکت محلی را فراهم آورد، براساس نیاز سنجی ارتباطی و اطلاعاتی باشد؛ مردم را با امکانات بالقوه اینترنت آشنا سازد، کاربران را به خوبی پوشش دهد و در نهایت شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی خودگردان محلی و درون‌زا بوجود آورد.

فائو در حال گسترش یک رهیافت روستایی برای استفاده از اینترنت است، که از نیازهای مردم در جوامع روستایی و کشاورزی آغاز می‌شود. این کار در چهار چوبه روش‌شناسی "ارتباط توسعه‌ای" انجام می‌شود. ارتباط توسعه‌ای یک رهیافت مفهومی برای برنامه‌ریزان توسعه است که سازمانها و مردم روستایی را در کنترل توسعه شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی قرار می‌دهد. این رهیافت عنصر کلیدی توسعه پایدار است.

توسعه مردم‌کرا در صورتی به طور کامل به وقوع می‌پیوندد که مردم روستایی بخوبی تشویق و تحریض شوند، در فعالیتهای دخالت کنند و در کنار آن، دانش و اطلاعات نیز منتشر شود. ارتباط به جنبه‌های انسانی توسعه توجه دارد، امکان گفتگو با مردم روستایی را فراهم می‌آورد. آنان را در طراحی برنامه‌های توسعه‌ای خودشان دخالت

می‌دهد، اطلاعات ضروری را به عنوان پایه تغییر اجتماعی در اختیار آنها می‌گذارد و دانش و مهارتهای مورد نیاز برای پیشبرد کیفیت زندگی ایشان را منتقل می‌کند. روش‌شناسی ارتباطی می‌تواند بر موانع ارتباطی مثل بی‌سوادی، گوناگونی زبان، تفاوت‌های فرهنگی و دورافتادگی فیزیکی غلبه کند.

اینترنت یک رسانه ارتباطی است و شاید انعطاف‌پذیرترین آنها باشد. از آن می‌توان در برنامه‌هایی به هدف مشارکت محلی، آموزش تحقیق (به ویژه تحقیقات مشارکتی) حمایت فنی و تقویت سازمانی انجام می‌شوند. استفاده کرد... ابزاری چندمنظوره است که مردم را قادر می‌سازد یا همدیگر کار کنند و از همدیگر بیاموزند.

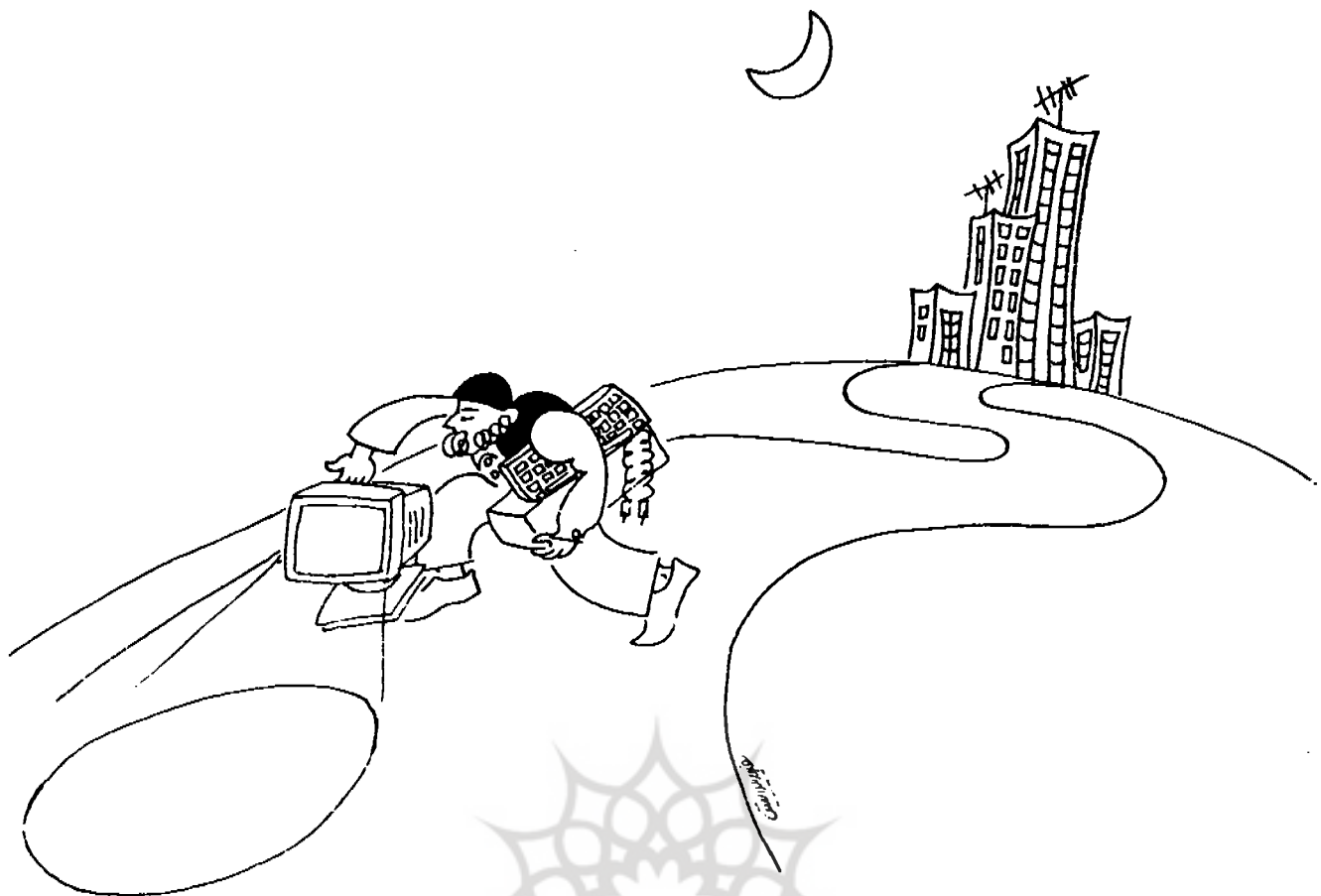
استفاده از اینترنت برای عمران روستایی باید

توأم با احتیاط باشد. مناطق سازمانها و جوامع مختلف. نیازهای فنی، ظرفیت‌سازی و کاربردی متفاوتی دارند. در برخی نواحی، امکان وجود کاربران مستقیم اینترنت اعم از کشاورزان و روستائین (مثل شیلی و مکزیک) بیشتر است. در جاهای دیگر همکاری برای توسعه ظرفیت سازمانهای واسطه‌ای (اعم از مراکز ترویجی، سازمانهای غیردولتی روستایی، کلینیکهای بهداشتی، اداره ماهواره‌ای دولتی و کلیساها) یا کمک به ایجاد و تشویق مراکز اطلاعاتی اجتماعی مرتبط با اینترنت چالش اصلی است. در هر حال، ایجاد ارتباط بین فعالیتهای اینترنت و رسانه‌ها و الگوها و روشهای ارتباطی درون‌زا حایز اهمیت است.

■ بکارگیری رهیافت ارتباط توسعه‌ای در اینترنت

ارتباط توسعه‌ای مشارکتی، فرایند را مقدم بر فرآورده می‌داند. در ویدیوی مشارکتی فرایند ارتباط بسیار مهمتر از خود نوار ویدیو است.

اینترنت می‌تواند مشارکت را تحریض و تشویق کند؛ اما نباید خود باعث افزایش شکاف بین مطلعان (کارشناسان، دانش‌کامیان، محققان، سیاستگذاران و غیره) و بی‌خبران (نفع‌بران نهایی) برنامه‌های توسعه شود؛ شکافی که در اثر تخصیص دادن اینترنت به دیوانسالاران و محققان نخبه بروز خواهد کرد. در واقع باید کاری کرد که تولیدکنندگان دانش اعم از محققان و



روستایی متمرکز می‌باشد. شایان ذکر است که تا قبل از اجرای این پروژه، گروه هدف، برنامه، فرصت و امکان کمی داشته‌اند تا از منافع ابزارآلات اینترنت بهره ببرند.

■ استفاده از اینترنت در حمایت از توسعه پایدار کشاورزی و روستایی

اینترنت در پشتیبانی از توسعه کشاورزی و روستایی پنج کاربری اساسی دارد:

توسعه اقتصادی مولدان کشاورزی، عمران اجتماعی، تحقیق و آموزش، توسعه فعالیتهای اقتصادی متوسط کوچک و بالاخره گسترش شبکه‌های رسانه‌ای.

● کاربری اینترنت برای کمک به توسعه اقتصادی مولدان کشاورزی.

تغییرات اقتصادی بازارهای جهانی در دهه‌های گذشته، منجر به تغییرات چشمگیری در روند فعالیت مولدان کوچک شده است. آنها باید وضعیت بازار جهانی را درک کنند تا بتوانند دربارهٔ زمانبندی، بازاریابی و مدیریت، تصمیمات بهتری اتخاذ کنند.

جوامع روستایی و مولدان کشاورزی خرده‌پا عمیقاً از اقتصاد جهانی و نیروهای سیاسی و

■ تجربه شیلی: توجه به کشاورزان خرده‌پا و نیازهای آنها

برنامه ارتباط توسعه‌ای فائو در آمریکای لاتین، پیش‌قراول اراییهٔ یک رهیافت مشارکتی توسعه شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی از طریق اینترنت، برای سازمانهای روستایی و تولیدکنندگان خرده‌پای کشور شیلی است. این نظام حاوی اطلاعاتی دربارهٔ انواع محصولات کشاورزی، وضعیت جهانی آنها، قیمت، بازار (منطقه‌ای، ملی، بین‌المللی)، آب و هوا، اطلاعات فنی و آموزشی، و اطلاعات دربارهٔ سازمانهای مختلفی است که به مردم خدمت می‌کنند.

مهمترین مشخصهٔ این ابتکار، در توجه ویژه آن به سنجش نیازهای اطلاعاتی محلی و یاری رساندن به کارکنان سازمانهای کشاورزی در توسعه مهارتهای ضروری برای تجزیه و تحلیل و انتشار اطلاعات متناسب محلی است. این روش‌شناسی از تجارب ارتباط توسعه‌ای پیشین - یعنی زمان استفاده از ویدئوهای کوچک، مواد چاپی و رادیویی روستایی - نشأت گرفته است. به احتمال زیاد، این تجربه کاربرگراترین رهیافت توسعه خدمات اینترنت در کشورهای در حال توسعه است، که به جوامع کشاورزی دورافتاده و

سیاستگذاران (هم از نظر مکانی و هم اجتماعی) به دیگر مولدان گمنام دانش - یعنی مردمی که سودبران نهایی برنامه‌های توسعه هستند - نزدیکتر شوند.

■ ظهور اینترنت: تولد یک شبکه مردمی غیرمتمرکز

اینترنت در سال ۱۹۶۳ توسط لاری روبرت و با تأمین اعتبار دپارتمان دفاع ایالت متحده طراحی شد. امروزه اینترنت یک شبکهٔ مردمی است. هر کسی که تجهیزات کامپیوتری لازم و یک خط تلفن داشته باشد، می‌تواند به آن متصل شود. از طریق آن با دیگران ارتباط برقرار کند، اطلاعاتی را دریافت کند و با آن به جستجو بپردازد. برخلاف رسانه‌های دیگری نظیر رادیو و تلویزیون، کاربران این رسانه می‌تواند خود تولیدکننده و توزیع‌کننده اطلاعات باشند. هیچکس بدرستی نمی‌داند چند نفر در حال حاضر از اینترنت بهره می‌برند. ارتباط از طریق اینترنت صدها بار ارزانتر از سایر روشهای معمول ارتباطی است. اینترنت اولین ابزار رسانه‌ای است که به ربر اجازه می‌دهد تا خود او توأماً بتواند فرستنده، گیرنده، منتشرکننده و ...

پیرامونی متأثر می‌شوند، اینکه می‌گویند: جامعه مولدان کشاورزی خرده‌پا، گوشه‌گیر و در جوامع خودکفا و بسته زندگی می‌کنند، یک افسانه است. امروزه، تصمیمات تجاری در رم و شیکاگو پس از چند ساعت کشاورزان مکزیکی را متأثر می‌سازد. مولدان کشاورزان روستایی بدون کامپیوتر و خط تلفن می‌توانند از اینترنت منتفع شوند: چرا که کارکنان مرکز اطلاع‌رسانی محل به آسانی می‌توانند اطلاعات مربوط به قیمت‌های بازار را به محل کار کشاورزان پست کنند، و یا از طریق ایستگاه‌های رادیوی محلی، روزنامه، شبکه ارتباط بین فردی، آگهی‌نامه و پوستر مردم را آگاه سازند.

■ کاربری اینترنت برای کمک به عمران اجتماعی

اگر فن‌آوری‌های ارتباطی پیشرفته، بطور نظام‌داری به کار گرفته شوند و با شرایط نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه سازگار شوند. مطمئناً در افزایش مشارکت، انتشار اطلاعات و تقسیم دانش و مهارت‌ها و نیز برنامه‌های ارتباط روستایی کاربرد چشمگیری خواهند داشت. ایجاد چهارچوب‌های سازمانی جدید که در برگیرنده همه افراد ذی‌نفع باشد به تلاش‌های هزینه‌اثر بخش و پایدار می‌انجامد.

در اجتماعات پژوهشی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، به راهبرد پژوهش‌های مشارکتی توجه خاصی می‌شود. این راهبردها کشاورزان و روستائینان را در مرکز فرایند پژوهش قرار می‌دهد و آنها را قادر می‌سازد که پایه دانش خود را غنا بخشند، با همدیگر، کارکنان میدانی، پژوهشگران و تصمیم‌گیرندگان همه سطوح، تبادل اطلاعات داشته باشند.

اینترنت پیوندهای بین سازمان‌های کشاورزان، مروجان، محققان، سیاستگذاران و دیگر تلاشگران نظام‌های زراعی را مستحکم می‌سازد.

آموزش مشارکتی از راه دور، بین دانشگاه‌های شمال و جنوب (مثل مشارکت بین دانشگاه ژولف کانادا و دانشگاه کامرون هند که به هدف توسعه برنامه‌های آموزش از راه دور و کارورزی مروجان انجام شده است) برای طرف‌های شریک سودمند است.

بطور کلی، اینترنت در تقویت روابط پژوهش و یادگیری بین محققان، دانشگاهیان، دانش‌آموزان سراسر جهان توان بالقوه مهمی دارد. نمایندگی‌های توسعه‌ای نظیر فائو در رسمیت بخشیدن و آرایه دیپلم و استوارنامه به کسانی که در برنامه‌های خاص یادگیری الکترونیکی از طریق اینترنت، شرکت می‌کنند، نقش مهمی به عهده دارد. برای مثال، دیپارتمان توسعه پایدار فائو برنامه‌های توسعه برنامه‌ریزان و آموزشی دارد که موضوع آن ارتباط توسعه‌ای و آموزش مروجان می‌باشد. مواد فرایندهایی که در این پروژه‌ها تولید می‌شود، برای آموزش از راه دور از طریق اینترنت سازگار می‌شوند.

■ کاربری اینترنت در توسعه فعالیت‌های اقتصادی خرد و متوسط

تجارت بخشی خصوصی - خرد و کلان - از اینترنت برای دستیابی به بازارهای جدید، جهانی‌کردن محصولات و خدمات خویش و دستیابی به اطلاعات سرنوشت سازمانی و تجاری استفاده می‌کنند. بخش جهانگردی و توریسم از کاربرد اینترنت برای پخش آگهی درباره برنامه و خدمات مسافرتی و برنامه‌های ویژه خود در روزهای تعطیل آگاه است.

■ کاربری اینترنت در توسعه شبکه‌های رسانه‌های جدید

ظهور رسانه‌های جدید در کشورهای در حال توسعه، از اولین تبعات گسترش اینترنت در این کشورهاست. برای مثال، در زیمبابوه، روزنامه‌های کشور در اینترنت نیز منتشر می‌شوند (<http://www.xamnet.zm>) و در اختیار همه افراد علاقمندی که در خارج از کشور زیمبابوه زندگی می‌کنند - قرار می‌گیرند. علاوه بر این افراد می‌توانند با استفاده از پست الکترونیکی با همدیگر به بحث و تبادل نظر درباره موضوع‌های مختلف بپردازند و از عقاید و نگرش‌های هم آگاه شوند.

■ راهبرد و فعالیت‌های پیشنهادی به فائو

اطلاع‌رسانی در آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی که فرایند توسعه را تشکیل می‌دهند - ضروری است. ارتباط از راه دور، به

عنوان ابزاری برای تشکیل اطلاعات، تنها یک ارتباط بین مردم نیست، بلکه خود حلقه‌ای است در زنجیره فرایند توسعه.

در پایان قرن بیستم، مردم روستایی و ساکنان نقاط دورافتاده کشورهای در حال توسعه، با چالش‌های تازه‌ای روبرو می‌شوند که خود منبعث از تغییرات اقتصاد جهانی، پویایی زمینه‌های سیاسی و در نهایت فشارهای جمعیتی و محدودیتهای ناشی از تخریب محیط زیست می‌باشد. ناامنی غذایی در حال گسترش است. برای رویارویی با این چالش‌ها و اخذ تصمیمات حیاتی، همه اقشار مردم - به ویژه آنهایی که امنیت غذایی ندارند و نیز سازمان‌هایی با آنها و برای آنها کار می‌کنند. باید به اطلاعات کلیدی دسترسی داشته باشند و بتوانند با دیگران ارتباط برقرار کنند. دسترسی به اطلاعات و روش‌های ارتباطی بهینه، مستقیماً با توسعه اقتصادی و اجتماعی در ارتباط است. (World Bank, 1995). توسعه مشارکتی کاملاً به فرایندهای ارتباطی و تقسیم اطلاعات وابسته است.

البته کسی انتظار ندارد که کشاورزان فقیر و دیگر ساکنان جوامع روستایی که امنیت غذایی ندارند، خدمات ارتباط دیجیتالی و کامپیوتر را به عنوان اولویت اول برای بهبود زندگی خویش انتخاب کنند. اما واسطه‌های بسیاری وجود دارند که به این اجتماعات خدمت می‌کنند و همگام با فعالیت‌های اقتصادی خرد و متوسط در نواحی روستایی می‌توانند از این فن‌آوری‌ها برای پیشبرد فعالیت‌های خویش، گسترش ظرفیت ارتباطی و افزایش کارایی و کاهش هزینه‌های ارتباط از راه دور استفاده کنند.

در این گزارش یازده فعالیت برای کمک به روستائینان و دست‌اندرکاران امور روستایی به منظور گسترش دستیابی به اینترنت و استفاده خلاق از خدمات آن پیشنهاد شده است:

- توسعه و تشویق هماهنگی‌های محلی و همخوانی سیاستگذاران در راهبرد اینترنت و عمران روستایی.

- توسعه و تشویق رهیافت ارتباط توسعه‌ای

فائو.

- حمایت از تلاش‌های آزادسازی سیاست‌های

ارتباط از راه دور در کشورهای در حال توسعه.

- حمایت از بنگاه‌های اقتصادی محلی فعال

در اینترنت و سایر گروه‌های خدماتی ذی‌ربط در کشورهای در حال توسعه.

- همکاری با دست‌اندرکاران در حمایت از عرضه خدمات اینترنت و پیشبرد خط‌مشی‌ها و زیرساخت‌های ارتباط راه دور.

- هدایت خدمات اطلاع‌رسانی موجود اینترنت به کاربران در کشورهای در حال توسعه.

- حمایت از ظرفیت‌ها و استعدادها بالقوه آموزش کشاورزی و روستایی از طریق اینترنت.

- آگاه‌سازی علاقمندان و آشکارسازی امکانات اینترنت.

- حمایت از توسعه زیرساخت‌ها در نقاط دورافتاده و روستایی.

نتیجه‌گیری

پیشگامان استفاده از اینترنت در کشورهای در حال توسعه نشان داده‌اند که می‌توانند به توسعه خدمات محلی بسیار کارآمد و ایجاد دانش بومی و مناسب در این زمینه کمک کنند. اما به‌رحال بدون حمایت نهادهای توسعه‌ای همواره این خطر وجود دارد که چنین تلاش‌هایی هرگز نتوانند نیازهای مردم را در نواحی روستایی و جوامع کوچک مرتفع کنند.

با توجه به رسالت فائو در پیشبرد زندگی جمعیت‌های روستایی و تشویق توسعه پایدار کشاورزی. رایه تضمین و حصول اطمینان از اینکه منافع اینترنت و فن‌آوری‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی به جیب روستاییان و کشاورزان وارد شود، وظیفه‌ای خطیر و مهم برای این سازمان است. هم‌اکنون تعدادی از نمایندگی‌های توسعه‌ای، در زمینه گسترش آن دسته از خدمات اینترنت که بتوان آنها را در کشورهای در حال توسعه، بطور درون‌زا استفاده کرد - تلاش می‌کنند. در این میان، فائو رهیافت ارتباط توسعه‌ای را به منظور تسریع و تسهیل خدمات اینترنت آغاز کرده است. که از نیازهای مردم در جوامع روستایی و کشاورزی نشأت می‌گیرد، برنامه‌های پیشاهنگ فائو، هماهنگ با سازمان‌های درون‌زای کشاورزی و روستایی تضمین می‌کنند که جوامع روستایی بخشی از مشتریان تازه اینترنت در سطوح محلی و ملی را تشکیل دهند.

امروز زمان و فرصت حمایت از نظام‌های ارتباطی و دانش مربوط به اینترنت فرا رسیده است. هم‌اکنون، ما در یک روستای جهانی زندگی

می‌کنیم که دو دسته "مطالعان" و "بی‌خبران" در آن از هم متمایزند. با فن‌آوری‌های جدیدی که در اختیار داریم، می‌توانیم این وضعیت را تغییر دهیم. پذیرش چنین راهبردی و تلاش برای معرفی اینترنت به جوامع کشاورزی و روستایی، در کشورهای در حال توسعه به روستاییان کمک می‌کند که به درستی با چالش‌های جدید و بی‌سابقه ناشی از تغییرات اقتصادی جهان، دگرگونی‌های سیاسی، فشارهای جمعیتی و یا ناشی از تخریب محیط زیست به مقابله برخیزند. برای رویارویی با این چالش‌ها و اخذ تصمیمات حیاتی، همه اقشار مردم به ویژه آنهایی که از امنیت غذایی بی‌بهره‌اند و نیز سازمان‌هایی که به آنها خدمت می‌کنند، باید به اطلاعات کلیدی دسترسی داشته باشند و بتواند با دیگران ارتباط برقرار کنند. دسترسی به اطلاعات و روش‌های ارتباطی بهینه، مستقیماً با توسعه اقتصادی و اجتماعی در ارتباط است. (World Bank, 1995)

بقیه از صفحه ۱۲

دیگر سازمان‌های غیردولتی نیز، هر کدام به نحوی کمک‌ها و فعالیت‌های خاصی برای مناطق روستایی در برنامه‌هایشان گنجانده‌اند. انجمن مامایی ایران به دنبال طراحی برای ایجاد زایشگاه‌هایی در روستاهاست. انجمن زنان خیر، سهمیه‌ای را در آسایشگاه‌های خرد، برای سالمندان و از کار افتادگی روستایی تعیین کرده است. انجمن تنظیم خانواده به بسیاری از مناطق روستایی، جزوه‌ها و اطلاعاتی بهداشت جنسی و تنظیم خانواده ارائه نموده است. در واقع تأثیر این فعالیت‌های کوچک که از کارایی بالایی نیز برخوردار است، چشمگیر است.

جامعه مدنی در ایران اسلامی، از جهات بسیاری در حال رشد است. مردم، مشتاقانه در فعالیت‌های اجتماعی، برای افزایش مشارکت در طرح‌های توسعه شرکت می‌کنند و سازمان‌های غیردولتی، نقش مهمی در این تلاش‌ها ایفا می‌نمایند.

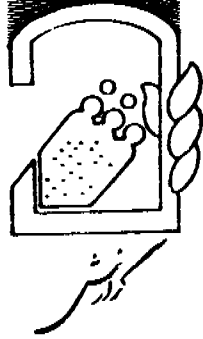
جامعه بین‌المللی و حکومت‌های ملی، به طور روزافزون نقش جامعه مدنی را در طرح‌های توسعه ملی و تلاش برای کاهش فقر را پذیرفته‌اند. سازمان‌های غیردولتی قادرند، گروه‌های بزرگی از داوطلبان را بسیج کنند و منابع ضروری برای این فعالیت‌ها را فراهم نمایند. علاوه بر این، سازمان‌های غیردولتی قادرند تا شرکت

مردمی و زنان روستایی را به عنوان سودبرندگان و مجریان، در همه فعالیت‌ها ممکن سازند.

در این قرن سازمان‌های غیردولتی، به عنوان یک نیروی اجتماعی تعیین کننده که گروه‌های مردم رادر سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی، ترغیب و هدایت می‌کنند، ظاهر

منابع

1. Beigzadeh, Ebrahim, The Role of NGOs in the Formulation and implementation of international Law, Review of Legal Research, Shahid Beheshti University Prss, 1995.
2. The National Report of Women's Non-Governmental Organizations in the Islamic Republic of Iran, Women's National Committee, Tehran, 1994.
3. NGOs and the Reality of Aid, ICVA, 1994.
4. Thomas Lyn, National Capacity Building Through NGOs and the Private Sector, ECO/UNFPA Conference on ICPD Program of Action, Almaty, 1996.
5. Ebtekar, M., Role of NGOs in Iranian Civil Society, Bureau of Women's Affairs, Tehran, 1995.
6. UNICEF and NGOs, 1993, UNICEF, NewYork.
7. Nezam Mafi, N., Situation Analysis of NGOs in the Islamic Republic of Iran, 1994.
8. National Report of the Islamic Republic of Iran for the World Summit on Social Development, Tehran, 1995.
9. National Report On Women in the Islamic Republic of Iran, Bureau of Women's Affairs, Tehran, 1995.
10. Beijing Platform for Action, Fourth World Conference on Women, United Nations, 1995
11. ESCAP Regional Symposium on NGO Co-operation on Rural Poverty Alleviation, 1992, Bangkok.
12. Riddell, R.C., Robinson, The Impact of NGO Poverty Alleviation Projects. Results of the Case Study Evaluation., Overseas Development Institute, Regents College, UK, 1992
13. Khabeez, Naila. Targeting Women or Transforming Institutions? Policy lessons from NGO anti - poverty efforts Development in Practice, 5,2, 1995



● محمد مطهری

۳۰ بهمن تا ۷ اسفند ۱۳۷۵

گزارش همایش کاهش فقر روستایی

ایلین همایش کاهش فقر روستایی در جمهوری اسلامی ایران صبح روز سه‌شنبه مورخ ۷۵/۱۱/۳۰ با پیام مهندس اسحاق حسینی معاونت محترم ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهادسازندگی و همچنین دکتر عمادزاده مدیر اجرایی برنامه‌های سمینار و آقای «الویس» رئیس بخش کشاورزی سازمان بهره‌وری آسیایی در محل سازمان مدیریت صنعتی افتتاح شد. تعداد ۲۲ نفر شرکت‌کننده از کشورهای مختلف آسیایی از جمله تایوان، هندوستان، گرجستان، کره جنوبی، مغولستان، نپال، فیلیپین، تایلند، ویتنام، سریلانکا، پاکستان، بنگلادش، ژاپن و جمهوری اسلامی ایران، در این گردهمایی که براساس مدل Regional Workshop, RWSM Meeting (کارگاه آموزشی منطقه‌ای) اجرا می‌شد، شرکت داشتند. همچنین، تعداد چهار کارشناس ارشد، از وزارت جهادسازندگی و یک کارشناس از سازمان برنامه و بودجه، بر روشهای اجرایی و علمی برگزاری همایش، نظارت می‌نمودند. با توجه به اهمیت برگزاری این همایش، وزارت جهادسازندگی، سازمان مدیریت صنعتی و APO (Asian Productivity Organization) یا سازمان بهره‌وری آسیایی، مشترکاً مراحل اجرایی و علمی - فنی همایش را به عهده داشتند، که دقیقاً با توجه به نتایج و تجربیات به‌دست آمده از گردهمایی، هر سه نهاد مذکور، با هماهنگیهای به‌عمل آمده به خوبی وظایف خود را انجام دادند.

● پیشینه

سازمان بهره‌وری آسیایی (APO)، از سازمانهای منطقه‌ای و غیرانتفاعی در سطح آسیا است. که با هدف بهبود و ارتقای بهره‌وری در سطح منطقه با همکاری و مشارکت کشورهای آسیایی عضو، فعالیت می‌نماید. دبیرخانه سازمان بهره‌وری آسیایی در شهر توکیو (ژاپن)، قرار دارد و این سازمان، همه ساله، با برگزاری و معرفی دوره‌های آموزشی در کشورهای عضو، اهداف خود را از طریق برخورد عقاید و آرا و انتقال تجارب کشورهای برگزارکننده دوره‌ها به سایر اعضا دنبال می‌کند. به جز کشورهای عربی و جمهوریهای تازه استقلال یافته، اکثر کشورهای آسیایی در این سازمان عضویت دارند.

فقر واقعیت انکارناپذیر و شومی است که به رغم تلاشهای گسترده کشورهای آسیایی برای رفع آن هنوز به عنوان پدیده‌ای که سلامت انسان و جوامع انسانی را به خطر می‌اندازد، خودنمایی می‌کند. این پدیده، به ویژه در کشورهای آسیایی، در حاشیه شهرهای بزرگ و نواحی روستایی، به خوبی مشاهده می‌شود. براساس برآوردهای APO، حدود ۸۰ درصد از مردم فقیر آسیایی در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. پدیده فقر نه تنها ثبات جوامع کوچک شهری و روستایی را به هم می‌زند، بلکه ثبات ملی و منطقه‌ای را نیز از بین می‌برد. به رغم اینکه، تعدادی از کشورهای عضو APO، در طی دو دهه گذشته، توانسته‌اند با روند رشد و توسعه پایدار و با ارتقای سطح تأمین اجتماعی همه جانبه به نتایج خوبی دست یابند، ولیکن هنوز فقر به عنوان پدیده‌ای گسترده و رایج باقی است. تفسیر فقر، با عنوان تنها یک شاخص میسر نیست و ابعاد مختلف جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در آن دخالت تام دارند. محرومیت مادی، فشار فزاینده جمعیت و منابع محدود به ایجاد از خود بیگانگی و فقر می‌انجامد و با اینکه تعاریف متعددی از فقر می‌توان ارائه داد، از جمله: فقر فرهنگی، که به فقر مادی می‌انجامد، ولی به نظر می‌رسد که دو تعریف زیر، که APO هم نسبت به آنها نظر مساعد دارد، مناسب‌تر باشند.

هر فرد انسانی یا خانواده‌ای که نتواند، حداقل کالری روزانه مورد احتیاج خود را از نظر غذایی،

تأمین کند، فقیر محسوب می‌شود یا فقر عبارت است از: ناتوانی مستمر یک فرد انسانی یا خانواده، برای به دست آوردن حداقل احتیاجات اولیه زندگی خود.

از شاخصهای مهم نشاندهنده وضعیت فقر در یک کشور، می‌توان از عوامل زیر نام برد:

- میزان مرگ و میر نوزادان
 - میزان امید به زندگی در زمان تولد
 - میزان رشد جمعیت
 - میزان ثبت نام کودکان واجب‌التعلیم در مدارس
 - میزان بیسوادی بزرگسالان
- همچنین، از مواردی که با فقر روستایی نسبت مستقیم و نزدیکی دارند، می‌توان از عدم دسترسی به زمین کشاورزی، بی‌سوادی، داشتن جمعیت زیاد در خانواده و عدم دسترسی به اعتبارات و فن‌آوری را نام برد.

مباحث مطرح شده و

سخنرانان مرجع در سمینار

پس از مراسم افتتاحیه، بلافاصله، کارگاه آموزشی تشکیل و دکتر عمادی به عنوان رئیس جلسه، اداره گردهمایی را به عهده گرفت. پس از سخنان کوتاه دکتر عمادی در روز سه‌شنبه ۷۵/۱۱/۳۰، نماینده تایوان اولین نفری بود که گزارش کشوری خود را (Paper Country) ارائه داد. پس از آن، به ترتیب نمایندگان کرد جنوبی، بنگلادش، هندوستان، تایلند، پاکستان، نپال، فیلیپین، سریلانکا (که دو نماینده و دو گزارش کشوری داشت)، ویتنام، جمهوری اسلامی ایران و گرجستان، گزارشهای خود را ارائه نمودند و درباره مسائل مطروحه، به بحث و بررسی پرداختند. بعدازظهر روز چهارشنبه ۷۵/۱۲/۱، دکتر حسن مرادی، از وزارت جهادسازندگی، به عنوان اولین سخنران مرجع، بیانات خود را آغاز نمود. سخنرانی

دکتر مرادی، تحت عنوان "نقش توسعه کشاورزی در کاهش فقر روستایی" بود. بقیه سخنرانها و سخنرانان مرجع، به قرار زیر به ایراد سخنرانی پرداختند.

● بازدید میدانی

با توجه به سیاستها و اهداف برگزاری سمینار و همچنین تجارب ارزنده جهادسازندگی و جمهوری اسلامی ایران در امر فقرزدایی مناطق روستایی، منطقه حاجی‌آباد و بخش کهک در استان قم، مورد بازدید شرکت‌کنندگان سمینار قرار گرفت، که بسیار مورد توجه واقع شد. شرکت‌کنندگان خارجی سمینار، از آن به عنوان یک روز به یاد ماندنی در زندگیشان نام بردند.

● قطعنامه و جمع‌بندی همایش

با هدایت و کارگردانی آقای "الویس"، رئیس بخش کشاورزی APO، کلیه شرکت‌کنندگان جهت تدوین قطعنامه و جمع‌بندی سمینار، در سه گروه به شرح ذیل دسته‌بندی شدند و کشورهای کره جنوبی، هندوستان و بنگلادش به عنوان سرگروه قرار گرفتند.

گروه ۱: کره جنوبی، جمهوری اسلامی ایران، تایوان و فیلیپین
گروه ۲: هندوستان، ویتنام، نپال، سریلانکا و مغولستان
گروه ۳: بنگلادش، پاکستان، تایلند و گرجستان

لازم به ذکر است که از جمهوری اسلامی ایران، دکتر زاهدی مازندرانی و مهندس عبقری از وزارت کشاورزی و آقای کورش روحی از وزارت امور اقتصادی و دارایی، متفقا شرکت داشتند. جلسات تدوین قطعنامه و جمع‌بندی همایش با شرکت

کلیه اعضا در صبح سه‌شنبه مورخ ۷۵/۱۲/۲، در هتل کوثر و در بعدازظهر همان روز، در محل سازمان مدیریت صنعتی برگزار شد. شرکت‌کنندگان پس از بررسی و اصلاح پیشنهادهای ۱۴ ماده‌ای آقای "الویس"، رئیس بخش کشاورزی APO، به توافق نهایی نرسیدند و به علت کمی وقت، مقرر شد که سازمان بهره‌برداری آسیایی، پس از اعمال نظرات اصلاحی و تکمیلی، با توجه به اهداف گردهمایی و بازدید میدانی، جمع‌بندی و قطعنامه سمینار را در فرستی دیگر تهیه کند و بلافاصله به کشور میزبان و کشورهای عضو APO، اعلام نماید.

کمیته اجرایی این همایش به خوبی نقش خود را در ارائه خدمات پشتیبانی و ایجاد هماهنگی لازم و اجرای هر چه بهتر همایش ایفا نمود. این کمیته اجرایی، متشکل از نمایندگان دبیرخانه کمیته بهره‌وری، دفتر مطالعات و بررسیها، امور پشتیبانی، روابط عمومی معاونت ترویج و مشارکت مردمی، بود.

● مهمترین دستاوردهای این همایش

علاوه بر مسائل تخصصی بین‌المللی و راهکارهای آموزشی جالب در زدودن چهره کریمه فقر و به ویژه فقر روستایی و اهداف تخصصی گردهمایی، یکی از مهمترین دستاوردهای این سمینار، آشنایی افراد شرکت‌کننده خارجی با وضعیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران و به ویژه موقعیت زنان و آزادی کامل زنان ایرانی با حفظ حجاب در پرتو تعالیم عالیه دین مبین اسلام بود. این امر، به ویژه، با تدریس دو تن از اساتید این دوره که از خانمها بودند و همچنین چهره موفق خانم وفايي گاودار نمونه استان قم، نمود بیشتری

بقيه در صفحه ۱۰۰

روز و تاریخ سخنرانی	عنوان سخنرانی	نام سخنران
پنج‌شنبه صبح ۷۵/۱۲/۲	سیاستها و راهبردهای کاهش فقر روستایی	۱- دکتر عظیمی
پنج‌شنبه بعدازظهر ۷۵/۱۲/۲	زنان و فقر روستایی	۲- خانم دکتر معروفی
شنبه صبح ۷۵/۱۲/۴	ابعاد فقر در آسیا و حوزه پاسفیک	۳- آقای Pyakuryal از اسکاب سازمان ملل
شنبه بعدازظهر ۷۵/۱۲/۴	مطالعه موردی در مورد فقر روستایی	۴- دکتر Hewawitharana از سریلانکا
یکشنبه صبح ۷۵/۱۲/۵	نقش سازمانهای غیردولتی در کاهش فقر روستایی	۵- خانم دکتر ابتکار
یکشنبه بعدازظهر ۷۵/۱۲/۵	ایجاد فرصتهای شغلی برای کاهش فقر روستایی	۶- دکتر شهبازی

اطلاعیه

معاونت عمران و صنایع روستایی

فراخوان مسابقه طرحها و نقشه‌های

فرش دستباف ایران



انتخاب مورد بررسی قرار گرفته و پس از انتخاب به بخش اصلی مسابقه راه خواهند یافت.

در این بخش از مسابقه طرحها و آثار ارسالی مورد قضاوت هیئت داوران قرار گرفته و نقشه‌های برتر به عنوان نقشه برگزیده انتخاب خواهد شد. آثار برگزیده طی مراسمی معرفی و به برگزیدگان جوایزی اهداء خواهد شد.

■ ب - بخش جنبی

۱- طرحها و نقشه‌های منتخب در نمایشگاه ویژه‌ای در معرض دید عموم قرار خواهد گرفت. پیشکسوتان و میراث‌داران نقشه فرش در صورت تمایل می‌توانند جهت تشویق و ترغیب دیگر هنرمندان، آثار خود را در این بخش ارائه نمایند.

۲- نمایشگاهی از نقاشی‌های دانش‌آموزان دوره

* شناسایی طراحان نقشه فرش و تقدیر از اساتید و هنرمندان برگزیده

* شناسایی نقشه‌های اصیل و سنتی مناطق مختلف ایران

* نوآوری و ایجاد تنوع در نقشه‌های فرش برای گسترش بازارهای خارجی فرش دستباف ایران

* گلچین آثار برتر به منظور برپایی نمایشگاه

■ نحوه برگزاری مسابقه

استادان، هنرمندان، دانشجویان و سایر علاقه‌مندان طراحی فرش می‌توانند آثار خود را در دو بخش اصلی و جانبی شرکت دهند.

■ الف - بخش اصلی

کلیه نقشه‌های ارسال شده، توسط هیئت

به منظور احیاء نقوش اصیل و ایجاد نوآوری و خلاقیت در نقشه‌های فرش دستباف و نیز کمک به اعتلاء فرهنگ و هنر ایران اسلامی، اداره کل فرش و صنایع دستی روستایی وزارت جهادسازندگی مسابقه طرحها و نقشه‌های فرش دستباف را برگزار می‌نماید.

■ اهداف مسابقه

* کمک به اعتلاء و آشنایی با فرهنگ و هنر اسلامی ایران.

* نقد و بررسی، مقایسه و داوری طرحهای ارائه شده جهت اعتلاء هرچه بیشتر نقشه‌های فرش دستباف ایران.

* کوشش در جهت ابداع نقشه‌های جدید مبتنی بر موارث هنر اسلامی

* کمک به تحکیم اقتصاد کشور و حفظ موقعیت جهانی فرش ایران



شده است می توانند فرش بافته شده را ارسال نمایند.

■ نحوه ارسال آثار

علاقه‌مندانی که مایل به شرکت در مسابقه می‌باشند برای اطلاع از نحوه ارسال آثار خود می‌توانند در تهران به دبیرخانه این مسابقه و در استانها به مدیریت صنایع روستایی سازمان جهادسازندگی مراجعه نموده و راهنمای مسابقه طرح‌ها و نقشه‌های فرش دستباف را دریافت نمایند.

■ تاریخ و محل ارسال آثار

هنرمندان می‌توانند آثار خود را که براساس دفترچه راهنمای مسابقه آماده نموده‌اند، حداکثر تا تاریخ ۷۶/۱۱/۱ از طریق پست سفارشی یا حضوری به نشانی دبیرخانه مسابقه واقع در تهران: میدان جهاد (فاطمی) ساختمان شماره ۲ جهادسازندگی (شهید خیابانیان) طبقه دوم اداره کل فرش و صنایع دستی روستایی اتاق ۲۱۰ تحویل نموده و رسید دریافت دارند.

درضمن برای کسب هرگونه اطلاع بیشتر علاقه‌مندان می‌توانند با تلفن ۸۹۲۵۹۵ تماس حاصل نموده و یا در روزهای شنبه و چهارشنبه به دفتر دبیرخانه مراجعه فرمایند.

اداره کل فرش و صنایع دستی روستایی

۲- رنگهای اصیل هر منطقه با توجه به غنا، تنوع و هماهنگی آنها بکار گرفته شود.

۳- از نقشمایه‌ها و سایر ویژگیهای منطقه‌ای در نقشه فرش استفاده شود.

تبصره: طرحها و نقشه‌های جدید و ابتکاری که با توجه به ویژگیهای هنر اسلامی و با استفاده از نقوش اصیل و سلیقه بازار رسم می‌شود، مستثنی است.

۴- طرح بدیع و ابتکاری باشد.

۵- نسخه اصلی نقشه فرش ارسال شود.

۶- طرح باید روی کاغذ شطرنجی رسم شده باشد.

۷- طرح کاغذی حتی‌الامکان روی سطح دیگری چسبانیده نشده باشد.

۸- طرح بصورت $\frac{1}{4}$ ، $\frac{1}{2}$ ، سراسری و یا واگیره می‌تواند اجرا شود.

۹- طرح بصورت م.ادی و رنگ - نقطه یا رنگ آمیزی شده می‌تواند ارایه شود.

تبصره: قسمتهایی از طرح امدادی (حاشیه و متن) باید رنگ - نقطه شوند.

۱۰- ابعاد طرح آزاد می‌باشد.

۱۱- برای رج شمار فرش محدودیتی وجود ندارد.

۱۲- هر طراح می‌تواند حداکثر سه نمونه از آثار خود را ارسال نماید.

تبصره: طراحانی که نقشه فرش آنها بافته

راهنمایی و متوسطه با مضمون فرش برگزار خواهد گردید.

۳- هنرمندان و اساتیدی که آثاری در زمینه‌های گرافیک، تصویرسازی کتاب، فیلم‌سازی، عکاسی، نقاشی، مجسمه‌سازی و موسیقی سنتی با موضوع فرش خلق نموده‌اند نیز می‌توانند آثار خود را جهت عرضه در نمایشگاه ارائه نمایند.

۴- همزمان با برگزاری نمایشگاه جلسات سخنرانی و میزگرد با عنوان احیاء نقشه‌های فرش دستباف تشکیل می‌شود.

■ جوایز و امتیازات

۱- اهداء یک قطعه فرش نفیس به طراح برگزیده هر سبک

۲- اهداء دیپلم افتخار به طراحان اول تا سوم هر سبک

۳- خریداری آثار منتخب با توافق طراحان

۴- معرفی طراحان برگزیده از طریق رسانه‌ها

۵- معرفی طراحان برگزیده برای همکاری با اتحادیه‌ها و تعاونیهای فرش

■ مشخصات آثار

۱- بکارگیری موارد معنوی و مفاهیم اصیل نقوش مورد نظر قرار گیرد.

- 1- Deuteronomy, XV, 1,4,7 and 8.
 - 2- V. George, *Social Security and Society* (London, Routledge and Kegan Paul, 1973), p. 3.
 - 3- Encyclopaedia Britannica, Vol. 18, 1966, p. 393.
 - 4- W.K. Jordan, *Philanthropy in England, 1480-1660* (Unwin, 1959), pp. 55-56. Quoted in V. George, op.cit., p. 4.
 - 5- Discussed in V. George, op.cit., p. 6.
 - 6- See R.H. Tawney, *Religion and the Rise of Capitalism* (Penguin, 1948).
 - 7- Discussed in Oscar Handlin, 'Poverty from the Civil War to World War II' in L. Fishman (ed), *Poverty Amid Affluence* (New Haven, Yale University Press, 1966), pp. 9-10.
 - 8- Quoted from an article on poverty in Encyclopaedia Britannica, Vol. 18, 1966.
 - 9- See among others, O. Handlin, op.cit.
 - 10- B.R. Schiller, *The Economics of Poverty and Discrimination* (New Jersey, Prentice Hall, 1976), p. 4.
 - 11- Parts of an editorial in *Tribute* (Oklahoma), in E. May, *The Wasted Americans* (New York, Harper and Row, 1964), p. 7.
 - 12- For a detailed historical study of poverty see among others: B. Rodgers, *The Battle Against Poverty*, 2 vols., (London, Routledge, 1969).
 - 13- W.G. Sumner, *What The Social Classes Owe to Each Other* (New York, Harper and Bros., 1883) quoted and discussed in R.H. Bremer, *From the Depth: The Discovery of Poverty in the United States* (New York, New York University Press, 1956), p. 152.
 - 14- L. Gladwin, *Poverty* (Boston, Little Brown and Company, 1967).
 - 15- Ibid, p. 48.
 - 16- Bill Jordan, *Paupers* (London, Routledge and Kegan Paul, 1973), p. 2.
 - 17- B.S. Rowntree, *Poverty: A Study of Town Life* (Macmillan, 1901).
 - 18- A.B. Atkinson, *Poverty in Britain and The Reform of Social Security* (Cambridge University Press, 1969), p. 15. For another example of a study of poverty in which the 'official' definition is adopted see H.I. Greenberg and S. Nadler, *Poverty in Israel: Economic Realities and the promise of Social Justice* (New York, Praeger Publishers, 1977).
 - 19- P. Townsend, *Poverty in the United Kingdom* (London, Penguin Books, 1979), p. 31.
 - 20- Discussed in R. Holman, *Poverty, Explanation of Social Deprivation* (London, Martin Robertson, 1978), p. 18.
 - 21- K. Coates and R. Silburn, *Poverty: The Forgotten Englishman* (Penguin Books, 1970), p. 24.
 - 22- J.K. Galbraith, *The Affluent Society* (Andre Deutsch, 1977), p. 245.
 - 23- M. Harington, *The Other America: Poverty in the U.S.* (London, The Macmillan Company, New York, Collier Macmillan, 1962), p., 179.
 - 24- R. Berthoud, *The Disadvantages of Inequality: A Study of Social Deprivation* (London, MacDonalD and Janes, 1976), p. 175.
 - 25- B.R. Shiller, op.cit., p. 10.
 - 26- W.G. Runciman, *Relative Deprivation and Social Justice* (Berkeley, University of California Press, 1966).
 - 27- D. Jackson, *Poverty* (London, Macmillan Studies in Economics, 1972), p. 66.
 - 28- E. Herzog, 'Is There a Culture of Poverty?' in H.H. Meissner (ed), *Poverty in the Affluent Society* (New York, Harper and Row, 1973), pp. 93-94.
 - 29- Ibid, p. 93.
 - 30- As examples: O. Lewis, *Five Families* (New York, Basic Books, 1959); O. Lewis, *The Children of Sanchez* (New York, Vintage Books, 1963); O. Lewis, *Pedro Martinez* (New York, Random House, 1964).
 - 31- B. Jordan, *Paupers* (London, Routledge and Kegan Paul, 1973), p. 2.
 - 32- B. Jordan, op.cit., pp. 27-28.
 - 33- K. Marx, *Selected Works*, vol. 1 (Lawrence and Wishart, 1964), p. 289.
 - 34- J.L. Maede, *Efficiency, Equality and the Ownership of Property* (Allen and Unwin, 1964) quoted in K. Coates and R. Silburn, *Poverty: The Forgotten Englishman* (Penguin Books, 1970), p. 27.
 - 35- Quoted from Persian Folk Idea on Paradise.
 - 36- P. Berthoud, *The Disadvantages of Inequality: A Study of Social Deprivation* (London, Macdonald and Jane's 1976 pp 28-29).
 - 37- P. Streeten and S.J. Burki, 'Basic Needs: Some Issues', in *World Development: Special Issue on Poverty and Inequality*, Vol. 6, No. 3, March 1978, pp. 411-421.
 - 38- J. Drewnowski and W. Scott, 'The Level of Living Index', *United Nations Research Institute for Social Development, Report No. 4 Geneva, September, 1966*.
 - 39- R. Berthoud, op.cit.
- حدود ۹۰ سال پیش، سرفردریک ایدن کتابی درباره فقر چاپ کرده بود (۱۷۸۹) این کتاب که در سال ۱۹۷۸ نیز تجدید چاپ گردید با اطلاعات انبوهی درباره فرد، هزینه زندگی و شرایط کارگاهها ارائه کرد. با این همه تعریف قانع کننده‌ای از فقر ندارد.
- See A. Roger (ed.), R. Hamilton, op.cit. pp. 2-3.
- 41- Ch. Booth, *Life and Labour of the People of London*, 17 vols., (London, 1889-1903).
 - 42- A. Fried and R. Elman (eds), *Charles Booth's London: A Portrait of the Poor at the Turn of the Century From His life and Labour of the People of London* (London, Hutchinson, 1969).
 - 43- B.S. Rowntree, *Poverty: A Study of Town Life* (London, Macmillan, 1901).
- ۴۴- رون تری در مقدمه کتابش از دو نوع فقر صحبت کرده است. و آنها را فقر اولیه و ثانویه نامید. تعریف بالا از نوع فقر اولیه است. اما در رابطه با فقر ثانویه، می‌گوید درآمد این خانواده‌ها تکافوی زندگی مادی آنها را خواهد کرد، اگر آنها قسمتی از درآمد خود را صرف موارد دیگر نکنند. او این خانواده‌ها را فقیر، از نوع ثانویه برشمرد. با این حال در کتابش چندان به بررسی فقر ثانویه نپرداخته است.
- 45- V.R. Fuch's 'Redefining Poverty and Redistributing Income', *Public Interest*, Summer 1967, pp. 88-95.

■ فهرست منابع :

۱- ازکیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۹.

۲- ازکیا، مصطفی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی.

۳- ایفاد، بانک جهانی، ترجمه ابراهیم زاهدی، زهره کسائی، فقر و روستا.

۴- بانک جهانی، سیاست‌های منطقه‌ای توسعه روستایی، ۱۹۷۵.

۵- پیتراوکل، دیوید مارسون، رهیافتهای مشارکت و توسعه روستایی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، ۱۳۷۰.

۶- ساداتی‌نژاد، سیدجواد، حوزه‌های ابخیز بستر توسعه روستایی، پایان‌نامه لیسانس، ۱۳۷۴.

۷- شهبازی، اسماعیل، توسعه و ترویج روستایی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

۸- طالب، مهدی، مدیریت روستایی در ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.

۹- کلینتون، افبتری، مترجم قدرت‌الله معمارزاده، نظام‌های نظارت بر پروژه‌های توسعه کشاورزی و روستایی، وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۱.

۱۰- قائم‌مقامی، عصمت، روستا و توسعه، گزیده مقالات شماره چهارم، مهر ۱۳۷۱، وزارت جهاد سازندگی.

۱۱- گامی‌هانترز، توسعه روستایی و روستاییان فقیر.

۱۲- مجموعه مقالات اولین گردهمایی کارشناسان ابخیزداری، وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۰.

۱۳- مایکل رادکلیف، ترجمه حسین نیر، توسعه پایدار، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۳.

۱۴- مجله جهاد شماره ۱۸۱ - ۱۸۰ - ۱۵۴ - ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۱۶۳، سال (۱۳۷۱).

۱۵- مجله صالحین روستا شماره ۱۲۲، ویژه ابخیزداری، ۱۳۷۵.

۱۶- وزارت نیرو، بولتن وضعیت منابع آب کشور، سال آبی ۷۲ - ۱۳۷۱، فروردین ۱۳۷۳.

۱۷- هیزان دی‌دباس، بی‌دبلیو، ای‌ویکرامانایاک، برنامه‌ریزی، توسعه روستایی، وزارت جهاد سازندگی ۱۳۶۸.

۱۸- امیلیا، برنامه‌ریزی توسعه، درسهایی از افریقا ص ۳۰.

۱۹- مجله جهاد - شماره ۱۸۱ - ۱۸۰ ص ۳۶.

۲۰- ازکیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات ۱۳۶۹ - ص ۷.

۲۱- ازکیا، مصطفی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی - ص ۱۰.

۲۲- ارقام به نقل از سرشماری کشاورزی ۱۳۶۸ منتشر شده در سال ۱۳۷۰ - مرکز آمار ایران.

۲۳- ازکیا، مصطفی - مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی - ص ۶۱.

۲۴- پیتراوکل و دیوید مارسون، رهیافتهای مشارکت و توسعه روستایی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، ص ۱۹۲.

۲۵- همان ص ۲۷.

۲۶- ایفاد، بانک جهانی، ترجمه ابراهیم زاهدی، زهره کسائی، فقر و روستا ص ۱۸۰ - ۱۷۰.

۲۷- همان، ص ۱۰۷.

۲۸- پوشش وضعیت منابع آب کشور، سال آبی ۷۲ - ۱۳۷۱ شماره ۸ فروردین ۱۳۷۳.

۲۹- ازکیا مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران - ۱۳۶۹ - ص ۱۵۳.

۳۰- ساداتی‌نژاد، سیدجواد، حفره‌های ابخیز بستر توسعه روستایی، جلسه بحث لیسانس - ۱۳۷۲ - ص ۱۶.

۳۱- فدوسی، جمال، تکرش به مفهوم و استراتژی ابخیزداری، مجله جهاد شماره ۱۵۴ - ۱۳۷۱.

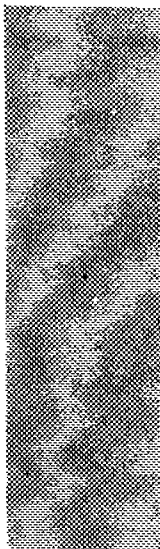
۳۲- شهبازی، اسماعیل، توسعه و ترویج روستایی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ص ۸.

۳۳- عرو، محمدحسین، شناسایی اجمالی ابخیز، ۱۳۷۰، گردهمایی سراسری کارشناسان ابخیزداری.

۳۴- سخنرانی وزیرکشاورزی در اولین گردهمایی مدیران ابخیزداری کشور ۱۳۷۳.

۳۵- در مناطقی که میزان آب برداشتی مجاز سفره به ازای هر دفر ساکن منطقه ۱۵۰۰ متر مکعب باشد اجاری برای فقر وجود ندارد. این موضوع رابطه تنگاتنگ آب و فقر را می‌رساند که کمبود آب در هر منطقه در نهایت عوامل اصلی ایجاد فقر در آنجا خواهد بود به خصوص در مناطق کویری که آب جایگاه مهمی در اقتصاد روستایی دارد.

۳۶- کوثر اهنک، بانان‌زدایی باکسترش سیلاب: کوششی هماهنگ، مرکز محفبات منابع طبیعی و امور دام فارس، ۱۳۷۳ ص ۵۰.



بقیه از صفحه ۹۶

پیدا کرد. همچنین، مسائل اقتصادی شرع مقدس اسلام از قبیل: خمس، زکات، وقف و صندوقهای قرض‌الحسنه و تأثیر بسیار خوب آنها در امر فقرزدایی، تحسین شرکت‌کنندگان خارجی که اکثراً غیرمسلمان بودند، را برانگیخت و با آشنایی مختصر آنها به کمیته امداد امام خمینی، بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان و جانبازان، سازمان بهزیستی، هلال احمر، سازمانهای بیمه، وزارت کشاورزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان تأمین اجتماعی و همچنین فعالیتهای بنیادی وزارت جهاد سازندگی در امر مبارزه با فقر و به ویژه فقر روستایی، شرکت‌کنندگان این دوره که بنا به قول خودشان، "بیشتر تحت پوشش رسانه‌های ضد اسلامی غربی از قبیل جملات Newsweek و Time و شبکه خبری CNN قرار داشتند، در نظر ایشان تغییر حاصل شد و اکثراً در موقع خداحافظی و رفتن به کشورهای خود، از این تغییر موضع و کارهای مثبت دولت جمهوری اسلامی ایران یاد می‌کردند. به ویژه آقای آلویس رئیس بخش کشاورزی APO، ضمن تأیید کلی همه برنامه‌های همایش و نقش موفق جمهوری اسلامی ایران در برگزاری این دوره و سیاستهای کلی و اجرایی در زدودن چهره کربیه فقر، اعلام نمود که بخش کشاورزی APO قلباً مایل است که بار دیگر در جمهوری اسلامی ایران چنین گردهماییهای موفق را برگزار نماید.

- 3- State - directed Market economy
- 4- Free market economy
- 5- Organization of Economic cooperation Development
- 6- Social Over head Capital
- 7- Ownercum teanant
- 8- Wholy Teanant Farmers
- 9- Community Development
- 10- The Rural Sacmaut undong (RSu)
- 11- Efficient Land Use.
- 12- Dual Price Policy.
- 13- Agricultral productivity.
- 14- Farm Houshold income
- 15- Nonfarm income
- 16- The poverty Head Count Ratio.
- 17- Absolute Poverty.

فشار مالی روستائیان شود. پارانه‌های آموزشی برای دانش آموزان روستایی و اختصاص سهمیه‌ای معادل ۲ درصد در دانشگاهها برای آنان از دیگر اقدامات تقلیل فشار محسوب می‌شد. در هر حال، مشکلات مربوط به فقر روستایی را می‌توان صرفاً با استفاده از اهرمهای امنیت اجتماعی از میان برداشت. در این راستا، مکانیزمهای اقتصادی - حمایتی فعال و کارآمدی لازم است تا با استعانت از سلامت جسمانی و توان انجام کار جامعه فقرا ولی محروم از منابع ملی کافی، به زندگی آنان بهبود بخشید.

پی‌نوشتها:

- 1- Domestic Savings Ratio.
- 2- Unbalanced Economic development strategy

برنامه‌ها» شد، که ناشی از ناپیوستگی‌ها و اشتکتهای موجود در مزارع خانوارها بود. مهاجرت نیروهای مولد و جوان به شهرها، موجب بروز مشکلات پایداری در خانوارهای کشاورز شد. لذا مدرنیزه نمودن کشاورزی می‌باید با افزایش بهره‌وری همسو می‌شد که در این صورت، نیروهای جوان را جذب بخشهای کشاورزی پیشرونده می‌کرد. فقرای جامعه روستایی در کره، به عنوان «محرومیت نسبی»، ناشی از تحول ساختاری کشاورزی و اقتصاد این کشور بوده‌اند. برای مقابله با این معضل برنامه‌های امنیت اجتماعی در دهه ۱۹۹۰ به مورد اجرا گذاشته شدند. یک سیستم حمایت از کشاورزان، در سال ۱۹۵۰، توانست ضامن زندگی دوران بازنشستگی آنان بشود. و سیستم بیمه خدمات درمانی نیز توانست موجب کاهش

شکل ۳ - سیاستهای عمده کشاورزی - راهکارهای مختلف در دوره‌های متفاوت

۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰	۱۹۶۰	۱۹۵۰
جامعه مبتنی بر فئال برای توسعه قانون آزادی (۱۹۹۲) اولوب در کارایی و عملکرد حذف محدودیت تولید بازاری اعلامی زمین به ارتقاء و باورهای زراعی و محلی	جامعه مبتنی بر فئال برای توسعه قانون آزادی (۱۹۹۲) اولوب در کارایی و عملکرد حذف محدودیت تولید بازاری اعلامی زمین به ارتقاء و باورهای زراعی و محلی	دوره انتقال حق برابری در مملکت زمین اعلامی ۳ هکتار زمین برای هر خانوار زمین از آن کسی است که آن را سخم زده است	سیاست دو قیمتی ۱۹۶۹ برنامه اعمال سیاستهای برعکس و تسویفی دهه ۶۰ تاکید بر تولید برای حمایت از روند مستمر شدن و افزایش درآمدهای زراعی	جامعه مبتنی بر فعالتهای کشاورزی اصلاحات آزادی ۵۰ - ۱۹۴۸ (ساماندهی) اماکن ریس
۱۹۷۶ تولیدکنندگان در تولید برنج حذف سیستمهای سرریزی از دهه ۸۰ حضور بازار از دهه ۸۰ تاکید بر نقش بازار برای تعادل تولید ناشی از جهانی شدن حداقل تضمین زده توسعه مجتمع‌های تولید روستایی از سال ۸۴ - ۸۲ فعالتهای محلی برداشت‌های روستایی	۱۹۷۶ تولیدکنندگان در تولید برنج حذف سیستمهای سرریزی از دهه ۸۰ حضور بازار از دهه ۸۰ تاکید بر نقش بازار برای تعادل تولید ناشی از جهانی شدن حداقل تضمین زده توسعه مجتمع‌های تولید روستایی از سال ۸۴ - ۸۲ فعالتهای محلی برداشت‌های روستایی	سیاست دو قیمتی (۱۹۶۹) سیاست ضمنی سازی مناطق روستایی	سیاست دو قیمتی ۱۹۶۹ برنامه اعمال سیاستهای برعکس و تسویفی دهه ۶۰ تاکید بر تولید برای حمایت از روند مستمر شدن و افزایش درآمدهای زراعی	مارگروری در سازماندهی RED (دهمهای ۶۰ - ۱۹۵۰) برنامه توسعه مناطق حاشی مزرعه در دهمهای ۶۰ و ۵۰
طرح توسعه مناطق روستایی (از سال ۸۵) SLRD (۱۹۸۵) توسعه ناچشمای متعلقه‌ای آموزش روستایی - فرهنگی بهداشت - آب و فاضلاب بازاریابی - حمل و نقل خانه‌های روستایی - محظ روست	طرح توسعه مناطق روستایی (از سال ۸۵) SLRD (۱۹۸۵) توسعه ناچشمای متعلقه‌ای آموزش روستایی - فرهنگی بهداشت - آب و فاضلاب بازاریابی - حمل و نقل خانه‌های روستایی - محظ روست	طرح توسعه مناطق روستایی (از سال ۸۵) SLRD (۱۹۸۵) توسعه ناچشمای متعلقه‌ای آموزش روستایی - فرهنگی بهداشت - آب و فاضلاب بازاریابی - حمل و نقل خانه‌های روستایی - محظ روست	طرح توسعه آندونگ در دهه ۷۰ توسعه روستاها ریز ساختهای روستایی مسکن روستایی و مدیریت داخلی	توسعه روستایی برنامه توسعه جامعه در دهمهای ۵۰ و ۶۰